

# تبرہم آفتاب

بررسی القاب حضرت مهدی علیہ السلام

دارالهدی  
مؤسسہ فرہنگی

رسول عربان

محمدی

محمود

صاحب الزمان

دارالهدی

مؤسسہ فرہنگی

مؤسسہ فرہنگی

نور اللہ

ولی اللہ

حجتہ اللہ

ما معین

عین اللہ

نور اللہ

داعی اللہ

خصیۃ النجاة

المنظر

ابن رسول اللہ

قائم

بشیر اللہ

عبداللہ

خلیفۃ اللہ

ابن رسول اللہ

غائب

مادی

صاحب الامر

الحق الجدید

ابن رسول اللہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ترجمہ افق

رسول عربان

عربان، رسول، ۱۳۴۷-

ترسیم آفتاب / مولف رسول عربان قم: خلق، ۱۳۸۵، ۱۲ ص؛ نمودار ۲۱/۵ x ۱۴/۵ اس م

**ISBN:964-90301-0-7** 20000 ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس

محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- لقبها / محمد بن حسن (عج)، امام

دوازدهم، ۲۵۵ق. -- نامها / محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- احادیث / محمد بن حسن

(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- جنبه های قرآنی

۲۹۷/۹۵۹

ت ۴/ع ۵۱/ BP

۲۰۹۹۲-۲۰۱۵م

کتابخانه ملی ایران



## ترسیم آفتاب

مؤلف: رسول عربان

ناشر: خلق

چاپ: عمران

نوبت و سال چاپ: دوم / ۱۳۸۶

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۳۰۱-۰۰-۴

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، روبروی بیت امام (ره)، معلم ۱۰، نبش فرعی

سوم سمت راست (شهید حسن فلسفی)، پلاک ۱۰۱

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۲۷۴۲۹ / دورنگار: ۰۲۵۱-۷۷۲۱۵۲۶ / همراه: ۰۹۱۲۳۵۱۳۸۷۲

پست الکترونیک: daralhoda@noavar.com

سایت: WWW.DARALHODA.COM

پیشکش به

کران در کران آراستگی و مظلومیت،  
تندیس بندگی و ایثار، آفریدگار حماسه و شهادت،  
یکتا دخت بی‌همتای رسول گرامی ﷺ، بانوی دو سرای،  
حضرت زهرای شهید علیها السلام

## فهرست مطالب

٩	.....	مقدمه
١١	.....	سخن آغازین
١٥	.....	صالح، خلف صالح، اباصالح
٢٣	.....	ابن رسول الله، ابن فاطمه، ابن الحسين و...
٢٩	.....	الثائر، الموتور
٣٧	.....	الحق الجديد
٤٥	.....	العالم
٥٣	.....	العدل المشتهر
٦١	.....	الغایب
٦٩	.....	المهذب الخائف
٧٥	.....	البئر المعطله
٨١	.....	نور الله
٨٩	.....	باب الله
٩٥	.....	بقية الله
١٠١	.....	تالی القرآن و ترجمانه
١٠٧	.....	حجة الله
١١٣	.....	خليفة الله و خليفة آياته المهديين

١٢١	.....	داعى الله
١٢٧	.....	الرحمة الواسعه
١٣٣	.....	سبيل الله
١٤١	.....	سفينة النجاة
١٤٧	.....	صاحب الدار
١٥٥	.....	صاحب الزمان
١٦١	.....	عبدالله، ابا عبدالله
١٧١	.....	عين الحيات
١٧٧	.....	عين الله
١٨٣	.....	القائم
١٨٩	.....	قطب
١٩٥	.....	م ح م د
٢٠٣	.....	ماء معين
٢٠٩	.....	مضطرب
٢١٧	.....	منتظر
٢٢٩	.....	منتقم
٢٣٧	.....	منصور
٢٤٥	.....	ساعة
٢٥١	.....	مهدي
٢٥٧	.....	موعود
٢٦٧	.....	ميثاق الله
٢٧٥	.....	هادى
٢٨٣	.....	وارث الانبياء
٢٩١	.....	ولى الله
٢٩٩	.....	صاحب الأمر

## مقدمه

حمد فزون از حد و ستایش برون از عَدَد، خداوندی را زیبنده و سزااست که آدمی را به شرف علم، مشرف و به تعلیم و تعلم، موظف نموده و پیامبری آراسته به خلق عظیم بر آدمیان فرستاد تا بشر را از طریق ضلال و تباهی به قلهٔ اعتدال و منصب شاهی رساند.

و صلوات و درود بی پایان از جناب ربوبی به آن مجمع فضیلت و خوبی باد که اهل بیت خویش را به دستور ذوالجلال برای تبیین حرام و حلال و ارائهٔ طریق کمال، کشتی امانی در دریای طوفانی قرارداد. همو که امامان معصوم را یکی پس از دیگری به نام شناسانده و به روز غدیر از مسلمانان عهد ستانده که روی از این چراغ‌های هدایت نگردانند و دانسته و ندانسته، سعی باطل در اطفای این انوار نکنند که خدای را اراده و سنت چنان افتاده که این نور به پایان رسد و این روشنی به سامان.

و اگر دانند و ره بگردانند، خویش و آن که به گرد آند در گرداب ظلمت‌گران جهل چنان گرفتار آیند که پایانی جز عذاب الیم برای خود و سرنوشتی جز نار جحیم بر آن بانیان عتَل زنیم نخواهد بود.

و انتقام ظلمی که در صدر بر اسلام و مسلمین و اولیا و متقین رفته است، بر آن بزرگ‌مردی است که چون پنجه در اشجار کهن اندازد، از ریشه براندازد و اگر نعره حیدری به «یا زهرا» کشد، کوه را زهر قیام نماند.

جبرائیل اش از یمین و میکائیل اش از یسار، نصرت حق را شعار و



ملائک در این مدار به کارند تا بدی بریندد و خوبی رخ گشاید.  
و ما را امید بدان زنده می دارد که سر به پایش سوده و آسوده  
تحت لوای عدالت گستر آن مالکِ یومِ معلوم، به کسب علوم و معارف  
امام شناسی التذاذ یابیم.

اما بعد، کتابی که فرا روی اهل اقبال است، نوشته‌ای است در  
توضیح القاب آن که قضیه ناگفته داند و نامه نانوشته خواند و خود را  
عبد خدای داند.

و حقیر، آن را خوان رنگینی دیدم از سفره دل عمده الاخیار  
عجمان یعنی جناب رسول عربان که به توضیح القاب امام زمان  
پرداخته و معجونی از قرآن و حدیث ساخته. باشد که این ساخته و  
پرداخته، یا به عبارتی نوای فاخته در مدح آن طاووس بهشتیان،  
مؤمنان را مطلوب نظر آید و انیس سفر و رفیق حضر. و آن سرور عالم  
را نظر عنایت در هدایت و نهایت مبارک آید، ان شاء الله.

قم المقدسه، ۱۵ شوال ۱۴۲۶ ق

جعفر ناصری

## سخن آغازین

سپاس و ستایش بی‌پایان مر خدای راکه به نور توحید و ولایت، سرشتمان. از جام محبت سیرابمان نمود و درود پاینده بر برترین نامداران آفرینش، حضرت محمد و خاندان ارجمندش، به ویژه حضرت حجة بن الحسن علیه السلام و کیفر و نفرین آفریدگار و آفریدگان بر قاتلان و بدخواهانِ بدکیش و بدسیرتشان.

فرزند رسول خدا، حضرت مهدی علیه السلام یکتا انسان کامل روزگار است، اونمادی برتر از بندگی و آینه‌ای صاف و روشن از پاکی‌ها و پیراستگی‌هاست که صفات نیک حضرت حق متعال بر تارک آن نقش بسته، عدالت گستر خاوران، امید همهٔ انانی است که سالیان دراز در تابهٔ برافروخته بیدادگران گدازیدند و بیداد زمانه، آنان را خاکستر نشین کرد. او آرمان آزادی خواهانِ رها اندیش و پاک سیرت است، مقصود و قبلهٔ شیدا دلانی که با قلب‌های تفتیده در آرزوی روزی برتر به زندگانی، تن دادند و در انتظار طلوع خورشید سپهر، چشم به آن

سوی افق دوختند تا از مغرب زمین تیرگی‌ها را بشکافد و بدرخشد و خاوران را روشن سازد.

یادگار ماندگار حضرت زهرا علیها السلام آبی است حیات بخش و نجات دهنده برای آنان که در آتشگاه بی پروایی شراره‌های گناه، گلشن دل‌هایشان خاکستر شد.

ما بر اختران - قرآن کریم و گفتار خاندان نبوت علیهم السلام - دست در انداختیم تا با نورفشانان، پرده از سیمای خوش نگار محبوب دل‌ها حضرت بقیه الله علیها السلام برداریم و تا آن جا که خدایش توان و توفیق را ساز راهمان سازد به ترسیم و توصیف سرشت و کردار آن عزیز برآییم و در این گستره، القاب و نام‌های حضرت را آذین بر نوشتارمان کردیم، باشد که جایگاهش قبول خداوندگار مهربان افتد و فرجامش، رضای حضرت زهرا علیها السلام.

در اینجا یادآوری چند نکته بایسته است:

۱. تفاوت نام و لقب و کنیه:

کنیه، نامی است که با پیشوند «اب» و «ام» به کار گرفته شود؛ مانند «ابا عبدالله». در میان عرب‌ها، رسم بر این بوده و هست، و اسلام، آن را امری مستحب و پسندیده دانست. امام باقر علیه السلام فرمود: «ما برای فرزندانمان در کودکی کنیه می‌گذاریم تا آن که بر آن‌ها لقب‌های ناپسند ننهند.»<sup>۱</sup>

لقب، صفتی است که برای احترام و یا اهانت بر کسی گذارند تا اشارتی به آن صفت باشد و با آن صدا شود.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۶، کتاب النکاح، باب ۲۷، استحباب وضع الکنیه، ح ۱، شماره ۲۷۳۹۷.

۲. نام، لقب و کنیه‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام چونان گفتار و کردارشان، ریشه در وحی و الهام خدای سبحان دارد و با نام و نام نهادن دیگران، تفاوتی بسیار دارد که در روایات از آن گزارش شده؛ مانند نام‌گذاری امیرالمؤمنین علیه‌السلام، آن سان که دیوار کعبه شکست و خورشید نه از کرانه آسمان آبی بلکه از آغوش پاک فاطمه دخت اسد، سرافراشت، آوایی نه بسان آوای آدمیان و نه از روی زمین بلکه از فراسوی آسمان، از سوی خدای والا مقام وی را به خود وانگه داشت: ای فاطمه! این زاده‌ات را «علی» نام نه، براستی که من «علی اعلی» هستم و نام او را از نام خود گرفتم.<sup>۱</sup> بدین جهت، نام‌های خاندان وحی علیهم‌السلام گواه بر سرشت پاک و صفات و کردار بلند و نیک‌شان است.

۳. برای امام زمان علیه‌السلام نام‌ها و القابی شمرده‌اند که در روایات و زیارات آمده و ما برخی از آن‌ها را در این نوشتار آورده‌ایم و پیرامون آن‌ها به بحث و گفت و گو نشستیم.

۴. روش ما در کتاب پیش رو بر این پایه است که پس از بیان پیش‌گفتاری در توضیح آن نام، بنیادش را در قرآن و روایات کند و کاوی کنیم، سپس بر فخر آفرینش، طاووس بهشت، حضرت مهدی علیه‌السلام تطبیق دهیم.

در پایان از تمامی دوستانم که با صدق و صفا در این راه، همیار و راهنمایم بوده‌اند کمال سپاس‌گذاری را دارم؛ هم چنین سپاس و تشکر از استاد روشنگر و گران‌قدرم، حاج آقا ناصری را دارم، زیرا حقش بر من بزرگ و گران است؛ هماره از خداوند بخشاینده خواهانم که گلشن

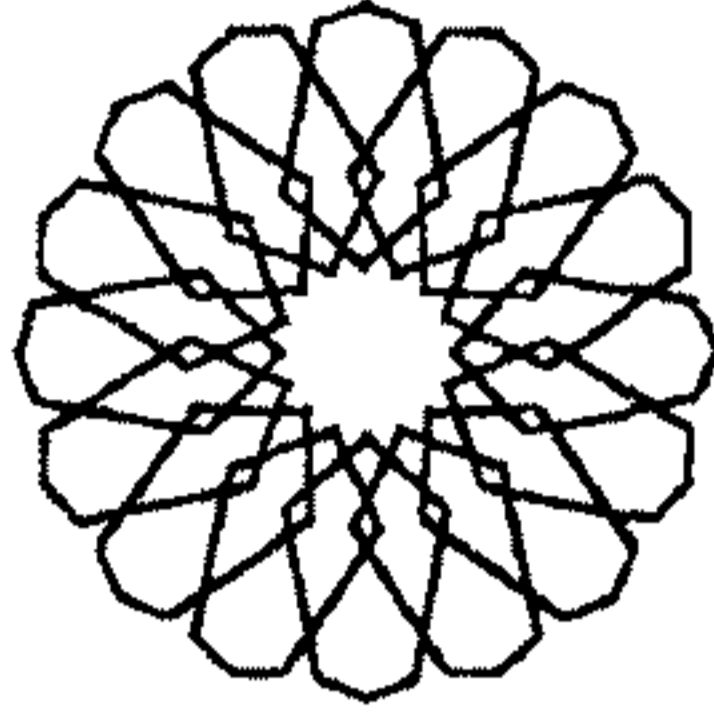
---

۱. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۹۸، باب سوم، تاریخ ولادت و شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فصل اول.

دیدگانش در دنیا به سیمای عالم تاب حضرت صاحب الزمان علیه السلام و در  
واپسین جهان به حضرت زهرای ستم دیده و شهیده علیها السلام، پیوسته روشن و  
پرفروغ باشد و آن حضرت خود پاداش نیکش را به احسان بدهد.

بنده کمتربین خدا

رسول عربان



---

**صالح ، خلف صالح ، اباصالح**

---

## صالح ، خلف صالح ، اباصالح

آخرین جانشین رسول الله ﷺ، حضرت مهدی علیه السلام بانام «اباصالح»، خلف صالح و صالح، شهره آفاق گشته است.

باورهای دینی و عمل صالح و شایسته که بر اساس توحید و ولایت اهل بیت علیهم السلام پایه گذاری شود، جوهره و اساس اصلی آیین جاوید اسلام است. آیات بسیار و روایات بی شماری این موضوع را محور اصلی خود قرار داده اند، نه ایمان به تنهایی کارساز است و نه نیکی کردن، بلکه هر دو باید با هم درآمیزند. در آیات و روایاتی که در آنها سخن از ایمان و باور به خدای یگانه به میان آمده، در کنار آن از عمل نیک نیز یاد شده؛ گویا ایمان و کردار نیک به هم پیوسته اند و هرگز از هم نگسلند. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

﴿وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَى﴾<sup>۱</sup>

و از این نمونه آیات بسیار است.

۱. کهف، آیه ۸۸: «و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد پاداشی نیکوتر خواهد داشت.»

ایمان و کردار شایسته، زمینه ساز کمال و پرورش دهنده انسان است. باور به پروردگار یزدان و رفتار بر طبق آیین او برترین بستر برای رشد استعدادها و ذوق سرشار پنهان و نهفته در سرشت انسان است. در پرتو آن دو، ایمان انسان سر بیرون آرد، جوانه زند، شکوفه دهد و به ثمر نشیند، زنده گردد و زندگانی بخشد:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً﴾<sup>۱</sup>

باور و اعتماد به خداوندگار از انسان خاکی، موجودی ملکوتی و افلاکی سازد، او را دگرگون کند و بر نردبان سعادت او جش دهد. خدای حکیم ودانا انبیای خویش را علاوه بر این که به انجام دادن کارهای نیک و شایسته تشویق و فرمان داده، به گونه‌ای دیگر آنان را ستوده و شناسانده است. جوهره انبیا پاکی و پیراستگی است، چونان طلایی ناب و خالص، بدون هیچ غلّ و غشی، نه از شرک و کفر در قلوب انبیا خبری است و نه هوا و هوس در درون آنان راهی دارد، تا سبب گردد - العیاذ بالله - به شر و فتنه‌ای رو آورند و گناه و ستمی روا دارند. سفیران خدای سبحان در درون، نیک و پیراسته‌اند. قرآن کریم برخی انبیا را این چنین می‌ستاید:

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ﴾<sup>۲</sup>

البته جای بس امید و خوش وقتی است که به جز انبیا، دیگر

۱. نحل، آیه ۹۷: «هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم.»

۲. انعام، آیه ۸۵: «وزکریا و یحیی و عیسی و الیاس همه از صالحان بودند.»



مردمان، با یقین و کردار و رفتار شایسته و با پارسایی در آن سراپرده زلال و خالص انبیا، یعنی سلامت و پیراستگی روح و روان، وارد گردند و از نیکان باشند و این مژده‌ای است که خداوند به اهل ایمان داده:

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ﴾<sup>۱</sup>

پیامبر پیراسته و سربلند اسلام، حضرت محمد ﷺ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان نیکشان یگانه درّهای خالص عالم ملک و ملکوت‌اند. آنان گنجینه‌های خالص و گران‌مایه‌اند که هرگز دستی آن‌ها را مکدر و آلوده نکرده است. آن‌ها نیک و نیکوکاراند و آن‌چنان شایسته و پیراسته گشته‌اند که سرآمد تمام انبیا بوده‌اند و خداوند ستایش‌گر، آنان را به برترین مدح و ستایش‌ها، ستوده و آیه تطهیر را در شأن و منزلت و پاکی آن‌ها نازل کرده است. خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بین دوست و دشمن به پاکی و نیکی شهرت داشته و حتی دشمنان کینه توز آنان در طول تاریخ به این نکته اعتراف داشته و هرگز آنان را به زشتی و ناپسندی متهم نکرده و مهر رد برکردار و گفتار و رفتارشان نزده‌اند و این درحالی است که در خصم کینه توزشان جز شقاوت و تیرگی و بدسرشتی نمی‌بینیم و از گنداب وجودشان جز فساد و بوی ناپاکی برنخیزد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ﴾<sup>۲</sup> فرمود:

۱. عنکبوت، آیه ۹: «و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آن‌ها را در زمرة صالحان وارد خواهیم کرد.»

۲. انبیاء آیه ۱۰۵: «بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد.»

منظور، خاندان [حضرت] محمد ﷺ است.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در توضیح و تفسیر آیه ﴿وَلَقَدْ أَصْطَقَيْنَهُ فِي الدُّنْيَا وَ  
إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمِنَ الصَّالِحِينَ﴾<sup>۲</sup> فرمود:

مقصود از «الصالحین» نبی اکرم و امامان نیک سرشت علیهم السلام  
است.<sup>۳</sup>

و علی بن ابراهیم [در تفسیر آیه شریفه مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ  
...، نساء/ آیه ۶۹] گوید:

[مقصود آیه] رسول الله ﷺ است.<sup>۴</sup>

انس بن مالک:

روزی نماز صبحگاهان را با رسول خدا ﷺ برگزار نمودیم [پس  
از نماز] حضرت روی [مبارک] خویش را به طرف ما گرداند،  
گفتم یا رسول الله ﷺ! آیا آیه ﴿فَأَوْلِيَّتِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ  
مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ  
رَفِيقًا﴾<sup>۵</sup> را برایمان تفسیر نمی‌کنید؟ حضرت پاسخ فرمود:  
[منظور از] «النَّبِيِّينَ» منم، «الصَّدِيقِينَ» برادرم علی علیه السلام، «الشُّهَدَاءِ»  
عمویم حمزه، «وَالصَّالِحُونَ» دخت [گرامیم] فاطمه و فرزندان  
[امام حسین علیه السلام و امام حسن علیه السلام] است.<sup>۶</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۵۸، ح ۷۸، کتاب الامامة، باب ۶۷، جوامع تأویل ما نزل فیهم.

۲. بقره، آیه ۱۳۰: «ما اورا در این جهان برگزیدیم و او در آخرت از صالحان است.»

۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۵۶، ذیل آیه.

۴. همان، ص ۳۹۲، ذیل آیه، ح ۱۰.

۵. نساء، آیه ۶۹: «هم نشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران  
و صدیقان و شهدا و صالحان، و آنها رفیقان خوبی هستند.»

۶. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۶، ح ۲، کتاب الامامة، باب ۲۶، ان ولايتهم صدق و انهم الصادقون.

مولا اباصالح المهدی علیه السلام فریادرس و اماندگان و دادگر مظلومان و بیچارگان است. او فخر شیعه، فخر انسانیت، بلکه فخر انبیا و اوصیاء علیهم السلام است. چون خورشید درخشان و فروزان، هیچ‌گونه ابهام و تاریکی در او نتوان یافت نمود، چونان آبی زلال و شفاف، پاک و پیراسته، نه مکرر گردد و نه آلوده شود. در یوسف زهرا علیها السلام جز پسندیدگی و شایستگی نبینی. از طینت و خوی پاکش جز عطر پاکی و شایستگی برنخیزد و در قلب و نهان با صفایش جز از صدق و صفا خبری نگیری.

قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از دودمان اصحاب کساست که آیه تطهیر در شأن و منزلت آن‌ها وارد شده است. در زیارت جامعه کبیره چنین گواهی می‌دهیم: [ای خاندان نبوت، ای مهدی!] «**عصمکم الله من الزلل و آمنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و أذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیرا**»؛

ایزد منان شما را از لغزش‌ها نگاه داشت و در برابر فتنه‌ها امنیت داد. او شما را از آلودگی پاک کرد و پلیدی‌ها را از شما دور نمود و شما را پاکیزه و آراسته گرداند.

در صبحگاهان عید و آدینه‌ها بر خاک هجران و غم نشسته، و آن حضرت را با یاد خاندان نجیب و خوش سیرتش صدا می‌زنیم: «**یا بنی النجباء الأکرمین، یا بنی الهداة المهدیین، یا بنی الخیرة المهدبین، یا بنی الغطارفة الأنجبین، یا بنی الأطائب المطهرین، یا بنی الخصارمة المتجبین**»؛

ای زاده برترین نجیبان گرامی!، ای زاده هدایت‌گران و ره‌یافتگان!

ای زاده برگزیدگان از پاکان!، ای زاده مهتران و شریفترین خلایق!،  
ای زاده نیکترین پاکیزگان!<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: فرزند و جانشین شایستگان - خلف صالح -  
فرزندم مهدی است، نام - اصلی - او م ح م د و کنیه اش ابوالقاسم است  
و در آخر الزمان ظهور نماید.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریف ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ  
الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۳</sup>؛ فرمود:

[منظور آیه حضرت] قائم علیه السلام و اصحاب و یاران اوست.<sup>۴</sup>

شیخ کمال الدین: نام و نشان حضرت حجة بن الحسن علیه السلام را این  
طور می شناساند، [آقا، حضرت] حجة، زاده [امام] حسن علیه السلام است،  
کنیه اش ابوالقاسم و لقب او حجة و خلف صالح است.<sup>۵</sup>

حضرت مهدی علیه السلام پاک و زاده پاکان است، صالح و از تبار  
صالحان و پارسایان است، نیکوکار و فرزند نیکان و نیکی کنندگان  
است و القاب آن حضرت چون صالح، خلف صالح و اباصالح<sup>۶</sup> خیر از  
چنین صفاتی در وجود اقدسش می دهد.

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

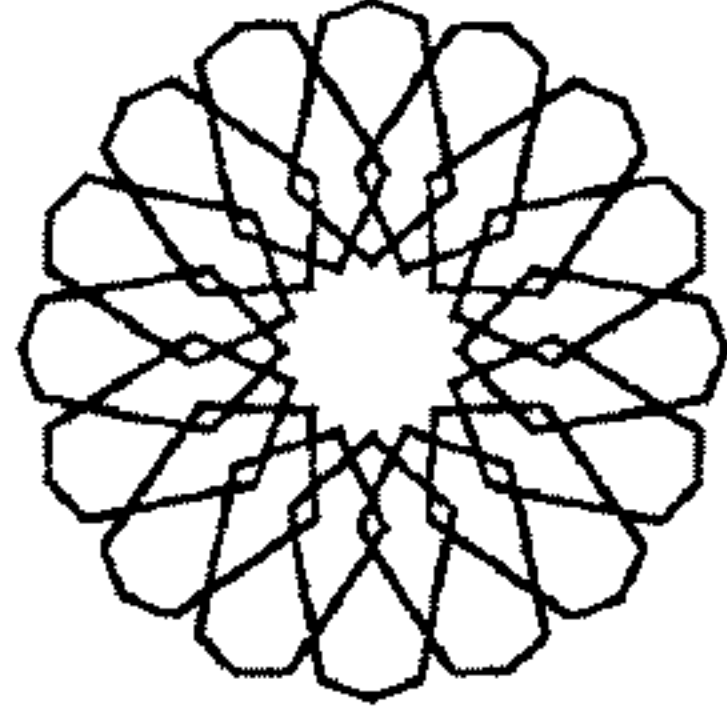
۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۴، ح ۲۷، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱.

۳. انبیاء، آیه ۱۰۵: «در زبور بعد از ذکر نوشتیم بندگان شایسته ام وارث زمین خواهند شد.»

۴. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۷۵، ح ۶، ذیل آیه. ۵. بحار الأنوار، ح ۳۵، همان.

۶. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۰ و ۷۱ و ۸۰، لقب شماره ۱۵ و ۵۰ و ۷۸؛ العبری الحسان، ج ۱، باب

بیان اسامی و القاب، ص ۲۳ و ۳۲ و ۴۲.



---

**ابن رسول الله، ابن فاطمه،**

**ابن الحسين و...**

---

## ابن رسول الله، ابن فاطمه، ابن الحسين و...

### حضرت مهدی علیه السلام زاده پاک‌ترین و والاترین‌ها

پیش از آن که آفریدگار دانا و توانا، جهان را در نگارستان هستی بیافریند، نور محمدی صلی الله علیه و آله را نخست به نقش هستی بیاراستی و از آن نور عالم‌تاب، نور امیرالمؤمنین علی، فاطمه و فرزندانشان علیهم السلام را پدید آورد. آنان در عرش الهی تسبیح‌گوی و ستایش‌گر خدای بخشاینده بودند، تا آن که حضرت حق حضرت آدم را صورت‌گری نمود و از روح خویش در کالبد او دمید و آن انوار پاک و پیراسته پیشوایان اسلام علیهم السلام را در صلب او به امانت سپرد و از نبی‌ای به نبی‌ای و از نیکی به نیک سرشتی دیگر انتقال داد و این چنین رسول خدا و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، این امانات خدایی، بدون هیچ‌گرد و غباری از پلیدی، پای به پهنه زمین گذاردند.

خدای متعال نسل رسولش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از دودمان امیرالمؤمنین علی و فاطمه علیها السلام پدیدار ساخت؛ بدین جهت فرزندانشان، فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند و با وی نسبت دارند، اما در رهگذر زمانه که

ابن رسول الله، ابن فاطمه، ابن الحسين و ... ✦ ۲۵

هر دامانی چرکین می شود و رنگ بیگانه به خود می گیرد، دامان آن پاکان علیهم السلام را شرک و گناه نیالود و در این سلسله جز یکتا پرستی و نیک سرشتی و نیک رفتاری به دیدگان نمی آید. در مکه - که سرای توحید و یکتا پرستی آن جا بنامد و کان شرک، خون ریزی و آلودگی گشت و دیگر سرزمین ها نیز سرانجامی چون جزیره العرب داشت - دامان این سلسله ارجمند و والاتبار زنگاری به خود نگرفت و چرکین نگشت و این است پیشینه و گذشته پیشوایان بی خطای اسلام که جای بسی فخر و مباهات دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

خداوند سبحان، من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را هفت هزار سال پیش از خلق جهان آفرید. معاذ بن جبل پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! این سالیان جایگاهتان کجا بود؟ فرمود: در پیشگاه عرش الهی، خدای را به پاکی، پیراستگی و بزرگی می ستودیم، خداوند نور ما را در صلب آدم نهاد و این چنین نور ما را در پشت های نیاکان و دامان مادران مان جاری ساخت و هرگز پلیدی شرک و گناه کفر ما را آلوده نساخت. فاطمه از پس من به دنیا آمد و [امام] حسن و [امام] حسین علیهم السلام از نور من و علی علیه السلام؛ خدای سبحان نور مرا به فرزندان امام حسین علیه السلام انتقال داد که تا دامنه قیامت بمانند.<sup>۱</sup>

ابن عباس در توصیف امیرالمؤمنین علیه السلام گوید:

علی به سوی دو قبله نمازگزارد، بتی را پرستش نکرد و آنی شرک نیاورد.<sup>۲</sup>

در رستاخیز همگان را به نام مادران فرا خوانند تا در حسب و

۱. بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۷، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله. باب ۱، بده خلقه بذلک، ح ۷.

۲. همان، ج ۳۲، ص ۴۹، تاریخ امیرالمؤمنین، باب ۹، احتجاجات الأئمة واصحابه...، ح ۳۳۳.

نسب، رسوای خلق نشوند و تنها چهارده معصوم علیهم السلام هستند که به نام نیاکان پاکشان خوانده شوند، زیرا پیوند آنان پاک و سالم مانده است.<sup>۱</sup>  
حضرت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله فرمود:

مریم سرور زنان دوران خویش است، ولی دخترم فاطمه علیها السلام سرور تمام بانوان جهان، از نخستین تا آخرین زن است. زمانی که فاطمه علیها السلام در محراب عبادت می ایستد، هفتاد هزار از فرشتگان به او درود می فرستند و می گویند: یا فاطمه! **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ** <sup>۲</sup>؛

ای فاطمه! خدای بخشاینده تو را برگزید و پیراسته گرداند و تو را بر زنان گیتی برگزید.<sup>۳</sup>

اما نسبت اهل بیت علیهم السلام از جهت مادر نیز با پاکی و پیراستگی، پیوندی ناگسستی دارد. آن بانوان، یگانه پرست و پاک بودند و آن چه دامان زنان روزگاران را آلوده ساخت، دامان آنان را نیالود و بی پیرایه زیستند.

امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام چنین می فرماید:

پدر و مادرم فدایت، ای زاده رسول الله صلی الله علیه و آله! گواهی می دهم که نور تو در صلب های والا و رحم هایی پاک و پاکیزه بود، پلیدی های جاهلیت دامان آن را نیالود و تیره گی های دوران جاهلیت جامه ای ظلمانی به آنان نپوشید.<sup>۴</sup>

خداوند دانا دودمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را در صلب حضرت علی علیه السلام نهاد تا فرزندان آن حضرت از دامان علی و فاطمه علیها السلام چشم به جهان بگشایند و در سرای آن ها تربیت یابند و رشد کنند و حضرت

۱. شفاء الصدور، ص ۷۰. ۲. آل عمران، آیه ۴۲. ۳. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

۴. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.



ابن رسول الله، ابن فاطمه، ابن الحسين و ... ✦ ۲۷

[رسول ﷺ این حقیقت را در جای جای فاش می ساخت] و همگان را آگاه می کرد، تا برای انکار و بهانه جایگاهی نماند.  
رسول خدا ﷺ:

خدای سبحان نسل هر نبی ای را در پشت آن نبی می نهد، ولی دودمان مرا در صلب و پشت علی علیه السلام نهاد.<sup>۱</sup>

حضرت مهدی، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از نسل ابراهیم و دودمان رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ نیاکانی پاک و پیراسته، همگی از انبیا و گزیدگان بندگان خدای پاک.

نیاکان حضرت حجت علیه السلام هرگز شرکی نورزیدند و از هر گناهی منزّه هستند. آنان پیش از همه بنده بودند و بیش از همه فرمانبردار. چنین دودمانی و چنین پیشینه ای طلالی و پاک، نه در زیر آسمان نیلگون و نه فراز آن، تا کنون نبوده و پس از این هم نخواهد بود.

حضرت مهدی علیه السلام حسینی است و نسبت پاکش به وی منتهی می شود. مادرش حضرت زهرا علیها السلام از برترین بانوان عالم است. او زاده نرجس خاتون بهترین و گرامی ترین کنیزان جهان است.  
امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

مردی از خاندان من، فتنه ها را برطرف خواهد کرد. پدرم فدای زاده بهترین و گزیده ترین کنیزان باد!<sup>۲</sup>

بی تردید، آیه تطهیر در مدح و پاکی دودمان حضرت بقیة الله علیه السلام نازل گشته و خدای پیراسته آنان را به پاکی آراسته است.  
رسول خدا صلی الله علیه و آله:

۱. شفاء الصدور، ص ۶۹، ح ۶

۲. بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۱۸، تاریخ امیرالمؤمنین، باب ۳۱، الفتن التي وقعت في زمان علي علیه السلام.

مهدی فرزند من است، هم نام و هم کنیه من و مانندترین مردمان

به من در آفرینش و خلق و خوی.<sup>۱</sup>

امیر المؤمنین علی علیه السلام: دیدگان عزیزش را به فرزندش امام

حسین علیه السلام دوخت و فرمود:

این فرزندم سید و سرور است، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله او

را نامیده است. از نسل او به زودی مردی دیده به جهان گشاید که

هم نام پیامبر شماست و در خلق و خوی به او همانند است. او

خاوران را از قسط آکنده سازد.<sup>۲</sup>

امیر المؤمنین علی علیه السلام:

مهدی علیه السلام از دودمان حسین علیه السلام است. بدانید هر که به جز او

سرسپرد و در ولایت دیگر برود، خدا او را از رحمتش دورگرداند.<sup>۳</sup>

ام سلمه:

«شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: مهدی علیه السلام از خاندان من و از

فرزندان فاطمه علیها السلام است.<sup>۴</sup>»

درود بر تو ای به جامانده خدای سبحان از سلسله بندگان خاص و

برگزیده!، درود بر تو ای زاده نورهای درخشان!، درود بر تو ای زاده مردان

بزرگ و بلند مرتبه و درود بر تو ای زاده خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله!<sup>۵</sup>

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ما اخبر به النبی من وقوع الغیبة بالقائم علیه السلام.

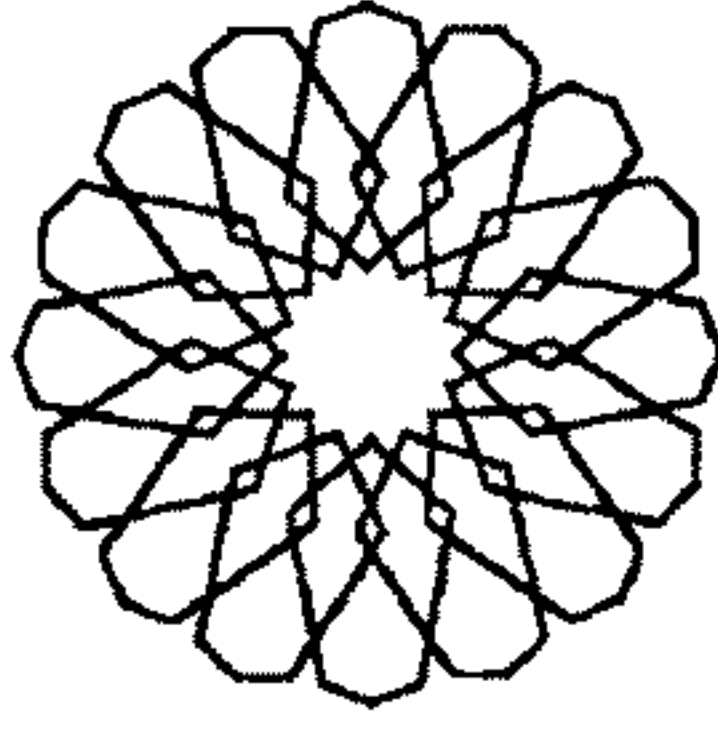
۲. جزری شافعی، اِسْمی المناقب، ص ۱۶۵-۱۶۸، ح ۶۱.

۳. عقد الدرر، فصل ۲، باب ۴، فی الأحادیث الدالة علی ولایت، ص ۹۴.

۴. مصابیح السنة، ج ۳، کتاب الفتن، باب اشتراط الساعة، ص ۲۹۴، ح ش ۴۲۱۱؛ البرهان فی

علامات المهدي، باب ۲، ص ۸۹.

۵. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام، ص ۸۶۸.



---

**التأثر، الموتور**

---

## الثائر، الموتور

مهدی علیه السلام خونخواه امام حسین علیه السلام

در گرمای خشک و سوزان صحرای کربلا خون عزیز زهراء علیها السلام به ناروا بر زمین ریخته شد، آن عزیز در خون پاکش غلطید و تا دامنه رستاخیز، قلوب انسان‌ها را به درد آورد و قلب‌های باورمندانش در این مصیبت جان‌گداز شکافت و بسوخت. این مصیبت، ساکنان زمین و آسمان‌ها را ماتم زده کرد، حیوانات عزادار گشتند و طبیعت بی جان بر امام حسین علیه السلام گریست. شهادت پیشوای سوم شیعیان، بر همگان سخت آمد، انبیا را به سخت گریستن واداشت و مهر قبولی توبه، شرط استجابت نیایش و والایی منزلتشان گردید. یاد غربت آن امام همام و کام خشکیده و کشته شدن مظلومانه او و یاران آسمانی اش، در اسارت و اهانت رفتن بانوان حریمش، عرش رحمانی را به لرزه درآورد؛ ملائکه به ناله و شیون صدا بلند کردند و بدنی که همتای قرآن کریم بود به جای احترام و تکریم به زیر افتاد و درهم شکسته شد.

قیامتی در عالم به پاگشت، سرور شهیدان چه باشکوه صبر را

پیشه خویش ساخت و چه بزرگوارانه و سخاوت‌مندانه از سال خورده، جوان و شیرخوارش گذشت. عاشقانه جان داد و داده‌ها را به خدایش تقدیم نمود، نه زبان به شکوه گشود و نه از شجاعت و یقین دست شست که ابراهیم خلیل الرحمن به شگفتی انگشت گزد.

در مقابل، از یزیدیان هر پستی و ذلتی نمودار و رسواگر سرشت و کیش ناپاکشان گشت. ناسزا گفتند و نابرابری کردند، باطل رانقطه پرگار خود ساختند و حق را پای مال نمودند و لکه‌ای سیاه از ننگ و بدنامی در تاریخ به ثبت رساندند. در یک کلمه، آن چه در دل از امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در میان توده‌هایی از کینه و آزمندی‌ها، نهان ساخته بودند، یک سره آشکار ساختند.

برخی که به ظاهر در آن صحنه و عرصه حضور و ظهور نداشتند، با آن خصم بدسگال هم نوا و آفرین‌گو بودند. آنان به کار بد پیشینیان شان خشنود گشتند و در حقیقت با دل و جان حضوری آزمندانه داشتند. در آن صحرای سوزان، فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله نمادی از حقیقت و ایمان را به تصویر کشید و از عشق و فداکاری، باور و زندگانی، چگونه زیستن و چگونه مردن، درسی جاودانه و ماندگار ارائه نمود؛ درس مقاومت و ستیزه به آدمیان آموخت، نه گفتن، سربرافراشتن در برابر بیدادگر، و عزت و سربلندی، یاد داد. او شوکت کفر و ظلم را در هم شکست، کاخ استبداد را فروریخت و در کالبد اسلام، جانی دمید و رنگی تازه داد.

امام باقر علیه السلام:

یحیی، فرزند زکریا و [امام] حسین علیه السلام، فرزند علی علیه السلام هم نامشان در

پیشین نبوده و در ماتمشان خورشید و آسمان چهل صبح‌گاه گریست.<sup>۱</sup>  
 امام باقر علیه السلام در سرایش مجلس عزا برپا می نمود و به نزدیکانش  
 فرمان می داد که در گریستن بر امام حسین علیه السلام از تقیه پروا کنند.<sup>۲</sup>  
 امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حال خواندن آیه ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ  
 الْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾<sup>۳</sup> بودند، ناگاه امام حسین علیه السلام از در وارد  
 شد، حضرت فرمود:

دیری نباید که این فرزندم کشته شود و آسمان و زمین بر او بگریند.<sup>۴</sup>  
 عبدالله بن سنان:

روز عاشورا بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، رنگ رخسارش دگرگون  
 بود و حزن و اندوه در سیمایش نمایان‌گر، اشک از دیدگانش  
 مانند دانه‌های مروارید می غلطید و بر صورتش جاری بود.<sup>۵</sup>  
 هر نبی‌ای که نام و یاد امام حسین علیه السلام آشنایش گشت، غم و اندوه  
 یارش شد و در ماتمش گریست.<sup>۶</sup>

حضرت زکریا با رسول خدا صلی الله علیه و آله در عمل هم دردی کردند و یحیی  
 به سان امام حسین علیه السلام از خدا خواست تا مانند او کشته شود و هم  
 رنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله گردد. او در سوگ فرزند امیرالمؤمنین علی علیه السلام  
 سه شبانه روز گریست.<sup>۷</sup>  
 ام سلمه:

۱. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۸۲، کتاب النبوة، باب ۱۵، قصص، زکریا و یحیی علیه السلام، ح ۲۵.  
 ۲. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۰۹، ب ۶۶، استحباب البكاء لقتل الحسین علیه السلام، ح ۲۰، ش ۱۹۷۰۹.  
 ۳. دخان، آیه ۲۹: «نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه به آن‌ها مهلتی داده شد.»  
 ۴. شفاء الصدور، ص ۲۲. ۵. همان، ص ۲۵۸.  
 ۶. عوالم امام حسین علیه السلام، ص ۱۰۴.  
 ۷. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۲۳، تاریخ الحسین بن علی علیه السلام، باب ۳۰، اخبار الله بشهادته، ح ۱.

از زمانی که نبی اکرم ﷺ ارتحال نمود، ناله و شیون جنیان را نشنیدم جز آن شبی که فرزندم [حسین علیّه السلام] با آن مصیبت [به شهادت رسید].<sup>۱</sup>

ابن عباس:

در رکاب امیرالمؤمنین علی علیّه السلام به نینوا، کرانه رود فرات رسیدیم، امام بانگ زد: ای ابن عباس! آیا این صحرا را می شناسی؟ گفتم: خیر. فرمود: اگر مانند من می شناختی، از این جا عبور نمی کردی تا چون من بگریی و حضرت گریست، به طوری که رخسار و محاسنش تر شد و اشک بر سینه اش روان گشت و می گفت: ای وای، ای وای! مرا با خاندان ابوسفیان - لعنت خدا بر آنان باد - چه؟ مرا با خاندان حرب و گروه شیطان، کفر پیشگان چه؟ [ما هم از گریه او] گریستیم.<sup>۲</sup>

امام صادق علیّه السلام:

قاتلان امام حسین علیّه السلام از زنا زادگان بودند و آسمان تنها بر او گریست.<sup>۳</sup>  
امام زمان علیّه السلام به خط مبارک خود به نایبش محمد فرزند عثمان نگاشت:  
هر که پندارد امام حسین علیّه السلام کشته نشده کافر گشته، خدا را دروغ پنداشته و در گمراهی گام برداشته است.<sup>۴</sup>

برخی دانشمندان دل باختۀ امام زمان علیّه السلام، ثائر و موتور - خون خواه - را از القاب آن حضرت دانسته اند.<sup>۵</sup> در زیارات و روایات نیز با

---

۱. همان، ج ۴۵، ص ۲۳۹، تاریخ الحسین بن علی علیّه السلام، باب ۴۳، نوح الجن علیه علیّه السلام، ح ۸  
۲. عوالم امام حسین علیّه السلام، ص ۱۴۴، باب ۲، ح ۲.  
۳. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۰۳، تاریخ الحسین بن علی علیّه السلام، باب ۳۶، کفر قتلۀ علیّه السلام، ح ۱۵.  
۴. همان، ص ۲۷۱، باب ۳۲، ان مصیبتۀ کان اعظم المصائب، ح ۳.  
۵. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۱۶ و ۶۵، لقب ش ۱۵۴ و ۳۲؛ العفری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی

این نام از حضرتش یاد شده است:

السلام عليك يا طالب ثار الأنبياء و الثائر بدم المقتول بكربلا؛

درود بر تو ای خون خواه خون انبیا، درود بر تو ای خون خواه  
خونی که در کربلا بر زمین ریخته شد!<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام در توصیف آن حضرت می فرماید:

پدرم فدای فرزند برترین کنیزان، فرزندش آواره و بی خانمان و  
الموتور بأبيه و جدّه؛ و خون خواه پدر و نیایش باشد.<sup>۲</sup>

قائم آل محمد صلوات الله علیهم خون خواه آن حسینی است که انبیا و  
فرشتگان بر او گریستند و حیوانات در عزایش رفتند. امام حسین علیه السلام  
پنجمین تن از آل عبا و بازمانده از آنان است. حضرت رسول و  
امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر او ناله زدند. خبر شهادت او قلب حضرت  
زهرا علیها السلام را تفتید، قدم‌های عزیزش را لرزاند و او را در خاک نشانید.  
پیشوایان معصوم همگی در ماتم او در عزا نشستند، و حضرت مهدی علیه السلام  
وارث آن ناله‌های در سینه‌های خسته و بغض‌های در گلو مانده است؛  
میراث بر درد وترس و شیون‌های کودکان.

مولا حضرت بقیة الله علیه السلام در ماتم پدر غریبش سخت بگریید. او در  
زیارت ناحیه چنین می فرماید:

ای جدّ غریبم! آن چنان در عزایت گریه کنم که اشک چشمانم  
تمام شود و اگر اشک دیدگانم بخشکد، خون بگیریم. ای کاش در  
کار و زار کربلا می بودم و جانم را سپر بلایت می کردم!<sup>۳</sup>

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

⇒ و القاب، ص ۳۳ و ۳۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۰، تاریخ الامام محمد جواد علیه السلام، باب ۲، النصوص علیه صلوات الله علیه، ح ۷.

۳. همان، ج ۱۰۱، ص ۲۳۸، کتاب المزار، باب ۳۵، زیاراته - صلوات الله علیه - المطلقه، ح ۳۸، زیارت ناحیه مقدسه.



حضرت در رستاخیزش، قاتلان جدش را حاضر گرداند و از آنها و زادگان‌شان که به کرده‌های پیشینیان‌شان خرسند شده و در روز عاشورا زینت بستند و شادی کردند، انتقام گیرد و حق خود را ستاند، بلکه بیدادگران و قاتلان نیاکان نیکش را نیز بخواهد و قصاص گیرد.

خاندان رسول خدا ﷺ و باورمندان‌شان همگی نفرت و کینه قاتلان امام حسین علیه السلام را در دل داشته و آرزومند بوده و هستند که آن‌ها هم خون خواه و انتقام جوی آن خون پاک باشند. امام باقر علیه السلام در نیایشی با خدا می‌فرماید:

بارالها! مرا در رکاب حضرت مهدی علیه السلام از خون خواهان امام حسین علیه السلام قرار ده.<sup>۱</sup>

همو در جایی دیگر به شیعیان فرمود:

در روز عاشورا این گونه به هم دیگر تسلیت گوید: خدای سبحان در مصیبت و ماتم امام حسین علیه السلام مزد و پاداش ما را بزرگ گرداند و ما و شما را از انتقام جویان خون امام حسین قرار دهد: «عظم الله اجورنا بمصابنا الحسين علیه السلام و جعلنا و ایاکم من الطالبین بشاره مع ولیه الامام المهدی.»<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام به فرزندانش امام سجاد علیه السلام فرمود:

سوگند به خدا! خون من از جوشش بازنايستد تا آن که خدا مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را برانگیزد و او هفتاد هزار نفر را به انتقام من از دو چهرگان، بدکاران و بدکیشان بکشد.<sup>۳</sup>

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۶، کتاب الحج، ابواب المزار و ما یناسبه، باب ۴۹، ح ۸، ش ۱۲۰۷۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹، تاریخ الحسین بن علی علیه السلام، باب ۴۵، العلة التي من اجلها

پیامبر اسلام ﷺ: فرزندم حسین علیه السلام در بیابان کربلا، غریب و تنها، با کامی تشنه و بی یاور کشته شود؛ هر که او را یاری رساند، مرا یاری داده است. فرزندم [حضرت] حجت علیه السلام او را یار و یاور باشد.<sup>۱</sup>  
 شعار سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام «یا لثارات الحسین؛ ای خواهان خون به ناحق ریخته حسین علیه السلام». <sup>۲</sup>

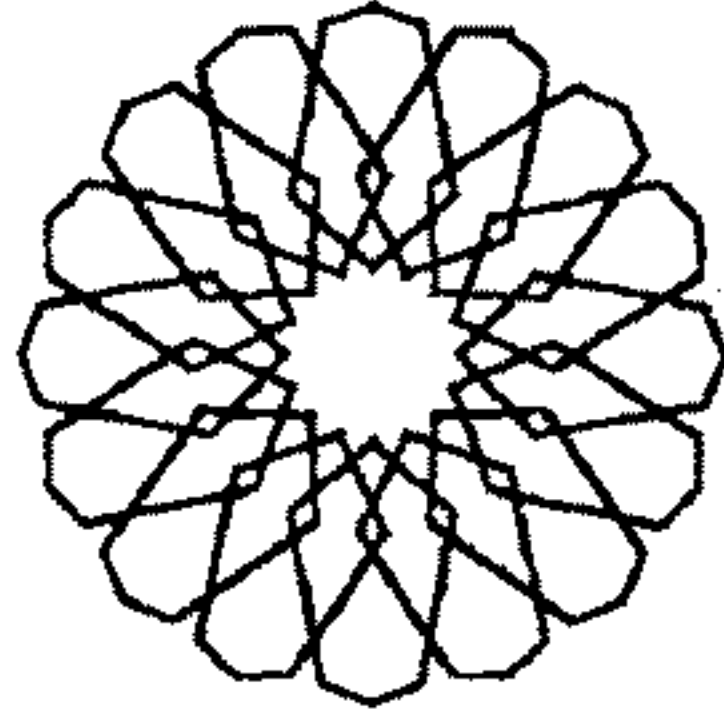
امام زمان علیه السلام به جد غریب و فرزندان وی چنین درود فرستد:  
 سلام بر آن که پیکرش به خون آغشته گشت؛ سلام بر آن که حرمت خیمه گاهش شکسته شد؛ سلام بر پنجمین از یاران کساء؛ سلام بر کشته شده به دست زنازادگان؛ سلام بر آن که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛ سلام بر گریبان‌های دریده؛ آن قدر بر تو گریه کنم تا از سوز جان فرسای مصیبت و غصه جان‌کاه و اندوه زیاد، جان سپرم.<sup>۳</sup>

⇒ أخر الله العذاب، ذیل ح ۱۰.

۱. موسوعة كلمات الإمام الحسين علیه السلام، ص ۳۹۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴، کتاب الجهاد، ابواب جهاد العدو، باب ۴۷، استحباب اتخاذ المسلمین، ح ۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۳۸، کتاب المزار، باب ۳۵، زیاراته علیه السلام (المطلقة، ح ۳۸، زیارت ناحیه مقدسه.



---

**الحق الجديد**

---

## الحق الجدید

حق، نام و لقب دیگر حضرت قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام است که چون لباسی زیبا بر آن قامت سرفراز برازنده است.<sup>۱</sup>

حق و حقیقت، راستی و درستی از زیباترین رؤیاهای انسان است؛ به روشنی آفتاب، به زلالی و پاکیزگی چشمه‌ای که از دل سنگ می‌جوشد و در بستر خاک، آرام آرام و با سنگینی به حرکت می‌افتد؛ در مقابل حق، باطل و در مقابل حقیقت، پوچی و پستی و در مقابل راستی و درستی، دروغ و دوچهرگی است. حق و باطل و طرفداران آن‌ها از دیرباز در پیکار بوده و خواهند بود، با آن‌که باطل، هستی خود را مدیون و وامدار حق و حقیقت است، زیرا اساس و راز آفرینش و ماندگاری، حق است، و در کنار آن، باطل نیز اجازه حیات می‌یابد. گرچه باطل چون بیهوده و پوچ و برخلاف قوانین طبیعت است، پس از جولانی زودگذر چونان کفی محکوم به فنا و نیستی است: ﴿فَأَمَّا

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۸، لقب شماره ۳۹؛ العجری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۴.

الزَّيْدُ فَيَذْهَبُ جَفَاءً»<sup>۱</sup> و حضرت حق تعالی چنین اراده نموده که حق و حق گرایان ماندنی باشد و باطل و باطل گرایان رفتنی:

﴿لِيُحِقَّ الْحَقُّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾<sup>۲</sup>.

انسان‌های حق جو و راستین، همواره مورد احترام و تکریم همگان بوده، ولی ستمگران و مستکبران که از لشکر شیطان و باطل‌اند و با زور و نیرنگ بر حقوق و جان مردم حاکم گشته‌اند، در طول تاریخ، مطرود و منفور توده مردم بوده‌اند و دیری نپاییده که حکومت آنان فروپاشیده است: «الملك يبقی مع الكفر و لا یبقی مع الظلم»<sup>۳</sup>، برخلاف رهبران حق و عدالت که حتی با مرگشان هرگز آوازه بلند و نور فرخنده شان خاموش نشده و تاریخ به نیکی و بزرگی از آن‌ها یاد می‌کند؛ مانند امام حسین علیه السلام که خود حق بود و براساس حق و عدالت و برای مبارزه با باطل و پستی قیام نمود و به قله رفیع شهادت نایل گشت، اما با شهادت آن امام همام یاد و نام نیکش به دیار فراموشی سپرده نشد بلکه اکنون پس از گذشت سالیان دراز در قلوب انسان‌های آزاده و آزاداندیش آتشی شعله ور، گرمایی خاص و نوری فروزان دارد و امروزه حرکت و شهادت او سبب تحولات و دگرگونی‌های بس بزرگ و سترگ در جهان است و همگان در برابر نام و یاد گرامی‌اش خاضع و فروتن هستند. این درحالی است که نام یزید و مردمانی هم چون او، جز به نفرین و نفرت برده نمی‌شود و خاطره پست و پلید آن‌ها روح انسان را می‌آزارد و قلبش را می‌فشارد.

حضرت حق - تبارک و تعالی - خود در کتاب خویش، انبیا و

۱. سوره رعد، ۱۷.

۲. انفال، آیه ۸: «تا حق را تثبیت کند و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند.»

۳. بحار الانوار، ج ۷۲ ص ۲۳، کتاب العشره، باب ۷۹، الظلم و انواعه.

رسولانی را که برای هدایت انسان‌ها فرستاده و وعده‌هایی را که برای ترغیب و تشویق به انجام کارهای شایسته و دوری از گناه داده، همه و همه را به عنوان حق معرفی می‌کند که در آن‌ها هیچ روزنه‌ای از باطل و دروغ و سستی نمی‌توان یافت، بلکه سراسر حق و حقیقت است:

﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ﴾<sup>۱</sup>؛

پس بلند مرتبه است خداوند که سلطان حق است.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ﴾<sup>۲</sup>؛

اینها برای آن است که خداوند، کتاب را به حق نازل کرده و آن‌ها که در آن اختلاف می‌کنند در شقاوت عمیقی قرار دارند.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾<sup>۳</sup>؛

ما تو را به حق برای بشارت و بیم دادن فرستادیم.

خداوند سبحان فرستادگان خویش را که مصداق حق و حقیقت‌اند، فرستاد تا نور حق را در دل مردم بی‌فروزند، به آن‌ها حق و راستی را بیاموزند، به پیروی آن دستور دهند و از هرگونه باطل و بیهودگی پرهیز دهند:

﴿لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ وَتُودُوا أَنْ تِلْكُمْ الْجَنَّةَ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾<sup>۴</sup>؛

﴿فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾<sup>۵</sup>؛

۱. طه، آیه ۱۱۴.

۲. بقره، آیه ۱۷۶.

۳. همان، آیه ۱۱۹.

۴. اعراف، آیه ۴۳: «مسلماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند و به آنان ندا داده می‌شود که این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می‌دادید به ارث بردید.»

۵. یونس، آیه ۳۲: «آن است خداوند، پروردگار حق شما، با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟ پس چرا رویگردان می‌شوید؟»

رسول اکرم، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا و فرزندان معصومشان علیهم السلام از بارزترین مصادیق حق و حقیقت هستند. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «و الحق معکم و فیکم و منکم و الیکم و أنتم اهلہ و معدنہ»؛ حق با شما، در شما و از شما و به سوی شماست [شما نقطه پرگار حق هستید] شما اهل حق و گنجینه آنید.

﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ﴾<sup>۱</sup>؛

امام معصوم علیه السلام فرمود:

منظور از «حق»، رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُوبِ

و رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ﴾<sup>۳</sup> فرمود:

ای محمد صلی الله علیه و آله! اهل مکه از تو درباره علی بن ابی طالب علیه السلام می پرسند:

آیا او امام است؟ بگو: سوگند به پروردگارم! او حق است.<sup>۴</sup>

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿أَفَنُ يَعْلَمُ أَنَّ

أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى﴾<sup>۵</sup>

فرمود:

مقصود از «الحق» علی ابن ابی طالب علیه السلام است و منظور از «کَمَنْ

هُوَ أَعْمَى» دشمنان اوست.

۱. مؤمنون، آیه ۷۱: «و اگر حق از هوس های آنها پیروی کند، آسمان ها و زمین و همه کسانی که

در آنها هستند، تباہ می شوند.»

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۸۲ تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۳۹، فی سایر آیات النازلہ فی شأنہ، ح ۷.

۳. یونس: آیه ۵۳. ۴. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۰۰، همان، ح ۴۳.

۵. رعد، آیه ۱۹: «آیا کسی که می داند آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است،

همانند کسی است که نابینا است؟»

پیشوایان حق و حقیقت، گفتار، کردار و خُلق و خویشان را بر اساس حقیقت، درستی و راستی بنا نهادند، هرگز غبار باطل و بیهودگی دامان آنان را نیالود، به باطل (غیر خدا) تکیه نکردند، سخنی گزاف و یاوه نداشتند و کار باطل و بیهوده‌ای از آنان سرنزنند، بدین سبب نام و یاد گرامی شان هرگز از صفحه گیتی محو نگردد و سلسله آنها از هم گسسته نشود.

حضرت مهدی علیه السلام آخرین وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله از روشن‌ترین مصادیق «حق» است. او آیین و حقی نو آورد، زنگار از سیمای دین و حق بزداید و مردمان را با مذهب و حقیقت آشنا کند، حقیقتی که به روشنی آفتاب باشد و به پاکی و زلالی آب.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾<sup>۱</sup> فرمودند:

[مقصود از «الحق» حضرت] قائم علیه السلام است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>۳</sup> فرمود:

هنگامی که [حضرت] قائم علیه السلام قیام نماید، حکومت باطل [و باطل پیشگان] را برچیند.<sup>۴</sup>

بانو حکیمه خاتون، عمه حضرت حجت علیه السلام:

۱. فصلت، آیه ۵۳: «به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنها آشکار گردد که او حق است.»

۲. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۱۴، ح ۱۲.

۳. اسراء، آیه ۸۱: «بگو حق آمد و باطل نابود شد، یقیناً باطل نابود شدنی است.»

۴. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱.



بر بازوی راست [مبارک] حضرت حجت علیه السلام نوشته شده بود:  
**﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾.**

محمد بن مسلم:

امام صادق علیه السلام در تأویل آیه **﴿وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ﴾**<sup>۱</sup> [چنین فرمودند: خداوند متعال به واسطه] امامان [معصوم] علیهم السلام و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله طلب حق کند [و حق خویش را بستاند].<sup>۲</sup>

در زیارت مربوط به آن حضرت، با این نام و صفت به حضرتش عرض سلام و ارادت می‌کنیم: «السلام علی الحق الجديد»<sup>۳</sup>.  
حق تعالی، حضرت بقیه الله علیه السلام را به حق، به امامت و حکومت برگزید و تنها او شایسته چنین منصبی است. سراسر وجود با میمنت او حق و حقیقت، درستی و راستی و پاکی و پیراستگی است و هرگز ذره‌ای باطل و پوچی در او راه نیابد. آن حضرت امورش را جز به خدا واگذار ننماید و هیچ گاه در تزلزل نیفتد، بدین جهت جاوید ماند و حاکم دل‌های انسان‌های آزاده باشد. حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله برای پایان دادن به ستم و ستم‌گری، باطل و کفر پیشگی قیام نماید و این وعده‌ای است از جانب خداوند متعال که تخلف‌ناپذیر است:  
**﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرُوثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾**<sup>۴</sup>.

پس از مبارزه حضرت با باطل و به زیر کشیدن فرعونیان و درهم

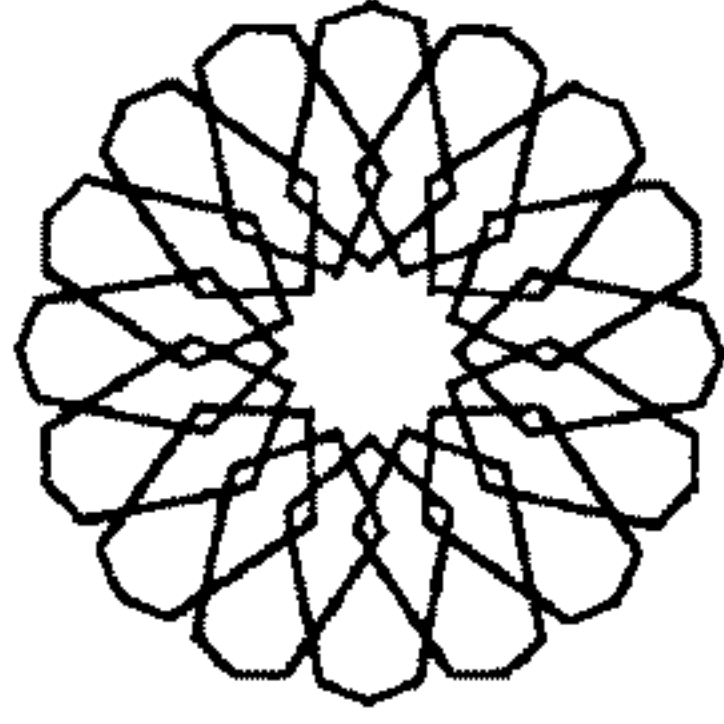
۱. انفال، آیه ۷: «خدا می خواهد حق را با کلمات خود تقویت کند».

۲. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۳۵، کتاب الاحتجاج، باب ۱، ماورد عن المعصومین علیهم السلام فی تفسیر آیات الباب و تأویلها، ح ۱۲۹.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۸۷۵.

۴. انبیاء، آیه ۱۰۵: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

کوبیدن ستم گران و نابخشودنیان، حق و راستی در خاوران حاکم گردد و مردم در کنار هم دیگر در محیطی سالم با صدق و صفا به سر برند و همگی عبد و بنده حق تعالی گردند. در حکومت او که براساس حق و عدالت بنیان نهاده شده، بر کسی ظلم نشود و بدین سان آرزوی دیرینه بشریت به حقیقت پیوند خورد و دعای مردم با ایمان و اخلاص به مرحله استجابت و ثمر نشیند. در سیمای حضرت مهدی علیه السلام حق و حق گرای، شکوه و جلوه‌ای خاص دارد و در رفتار و کردارش حقیقت موج می‌زند و حق جویان که سالیان بس دراز، شاهد مبارزه حق و باطل بوده‌اند به وجود پیراسته‌اش ایمان آورند و در آستانش سر خدمت و بندگی سپارند. به امید آن روز خجسته.



---

العالم

---

## العالم<sup>۱</sup>

حضرت مهدی موعود علیه السلام یگانه فرزانه روزگار با نام «عالم» یاد و صدا می‌شود.

علم و دانش، رشد دهنده و تعالی بخش انسان است. دانش، چراغ عقل را بر فروزد و نگرشی تازه آفریند. علم به انسان برتری دیگری بخشد و امتیاز ویژه‌ای به او عطا کند. دانش، راه را روشن، هدف و مقصد را نزدیک گرداند و آن را به رنگ واقعیت و حقیقت رنگ آمیزی نماید و از پستی و بلندی، از سراب و خیال، نجات بخش است. البته پوشیده نماند که علم، آن‌گه کارگرافتد که با عمل درآمیزد و آن دانشی که به سوی خداوند و رستگاری رهنمون کند، گران قدر و گران مایه است.

خداوند دانا در قرآن کریم، خویش را به علم و دانش معرفی نموده و از آگاهی و دانایی خویش و آن‌چه در زمین و آسمان پنهان و آشکار

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۸۱، لقب شماره ۸۸؛ العبقری الحسان، ج ۱۰، باب بیان اسامی و القاب، ص ۴۲.

است و می‌گذرد، با ملائکه سخن به میان آورده است. او به قلم سوگند خورد - ن و القلم - و صفاتش بر حیات و علم استوار گشته:

﴿وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>، ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَسَلِمُ  
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۲</sup> و ﴿قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي  
أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾<sup>۳</sup>.

آموزگار انبیا، خداوند متعال، سفیران خویش را به نور علم روشن ساخت و به زیور دانش زینت داد. او نخستین خلیفه‌اش را از علم و دانش خویش بیاموخت و آخرین سفیرش را با دانش و دانایی آراست. قرآن درباره حضرت آدم از علم و دانش سررشته سخن گستراند:

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾<sup>۴</sup>.

خدای فرزانه اساس آفرینش را بر دانش پایه ریزی نمود. قرآن کریم، این میراث پروردگار، این آیین نامه آموزگاران بشر - نبی اکرم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام - را بر اساس علم و دانش بنیان نمود. قرآن کریم سراسر علم است و دانش و پیوسته با جهل در ستیز است. انبیا که تربیت شدگان آموزگار هستی و کتاب‌های آسمانی‌اند، برای برافروختن علم و معرفت و مبارزه با جهل و نادانی برانگیخته شده و برای زدودن آن به پا خاسته‌اند.

۱. بقره، آیه ۲۹: «و او بر هر چیز آگاه است.»

۲. حشر، آیه ۲۲: «او خدایی است که معبودی جز او نیست. دانای آشکار و نهان است و او رحمان و رحیم است.»

۳. بقره، آیه ۳۳: «فرمود آیا به شما نگفتم که من غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و نیز می‌دانم آن چه را شما آشکار می‌کنید و آن چه را پنهان می‌داشتید؟»

۴. همان، آیه ۳۱: «و سپس علم اسماء را همگی به انسان آموخت.»

نبی اکرم و خاندان فرهیخته و پیراسته‌اش علیهم‌السلام، داناترین و دانشمندترین مردمان‌اند. خدای سبحان از دانش خویش به آنان آموخت و دانش تمام انبیا را در سینه آنان جای داد. آنان خزانه داران و منبع علوم و دانش خداوندگارند. هرچه در گذشته روی داده، هرچه اکنون در حال گذر است و هرچه در آینده تا دامنه قیامت روی دهد، همه و همه، در علم اهل بیت علیهم‌السلام نهفته است؛ آن هم علمی که هرگز آلوده نگشته و نگردد و جهل و نادانی مرزبان دانش آنان نیست، سراسر دانش‌اند و نور، این چهارده کنون نور و علم، در علم و دانش مساوی و برابراند. امام باقر یا صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه شریف **﴿وَمَا يَغْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾**<sup>۱</sup> فرمودند:

برترین راسخان و استواران در آن علم - که در آیه به آن اشارت رفته - رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. خداوند متعال تمام آنچه از قرآن و تأویل بر رسولش نازل نمود، به او آموخت و آیه‌ای به آن رسول گرامی فرو نفرستاد که تأویلش و تفسیرش را به آن حضرت و جانشینانش نیاموخته باشد.<sup>۲</sup>

امام سجاد علیه‌السلام :

چرا مردم بر ما خرده گیرند [و ما را آزار دهند] سوگند به خدا ما درخت نبوتیم، ما کانون رحمت و دانشیم. فرشتگان بر ما فرود آیند و از نزد ما به آسمان روند.<sup>۳</sup>

امام رضا علیه‌السلام در علائم و نشانه‌های امام و پیشوای معصوم علیه‌السلام فرمود:

۱. آل عمران، آیه ۷: «تفسیر آنها را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند.»

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، کتاب الحجّة، باب ان الراسخین فی العلم هم...، ح ۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۲۲، باب ان معدن العلم و شجرة النبوة، ح ۱.

امام دانشمندترین مردمان است.<sup>۱</sup>

عایشه گوید:

[امیرالمؤمنین] علی علیه السلام داناترین مردم به سنت [رسول خدا صلی الله علیه و آله] است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام :

آیا شنیده‌اید این آیه شریفه ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۳</sup> را؟ دانش تمام انبیا در علم ما هست و همه آن‌ها نزد ما گرد آمده، دانش ما برگرفته از دانش انبیا است [و از آن‌ها سینه به سینه و نسل به نسل به ما رسیده است].<sup>۴</sup>

حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله آخرین سفیر الهی و تنها بازمانده انبیا و اوصیا است. سینه بی‌کران آن حضرت هم‌چون پدران نیکش جایگاه علم و دانش است. آن چه انبیا در مکتب وحی آموختند و آن چه پیشوایان راستین از علم و دانش و کمالات اندوختند، همه نزد آن امام فرزانه گرد آمده و آن امام همام، دانا به تمام آن‌هاست. دانش قرآن کریم و تأویل و تفسیر آن را می‌داند، سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و احکام حلال و حرام پیش اوست.

حضرت حجت، زاده زهرا و همتای امیرالمؤمنین علی علیه السلام دریای ژرف و بی‌انتهای علم و معرفت است. چشمه‌های دانش از کوهسار

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸، باب النوادر علامات الامام، ح ۵۹۱۴

۲. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۷۹، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۹۳، فی علمه و ان النبی صلی الله علیه و آله علمه الف باب. ۳. یس: آیه ۱۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۳۰، تاریخ الامام جعفر صادق علیه السلام، باب ۵ معجزاته و استجابة دعواته علیه السلام، ح ۱۷۹.

وجودش روان است و بر فراز قله فضیلت و برتری او، هیچ کس سایه نیفکند. مرغان نیرومند و تیز پروازِ عقل و اندیشه به افکار بلندش راهی نیابند. او خزانة دار و رازدار دانش خداوند است و در کران وجودش از جهل و نادانی اثری نیست. علم و دانشش نه مکدر و نه چرکین گردد، بلکه همیشه زلال و پاک بماند و هم چون قرآن، نو و پویا باشد و کهنه نگردد.

در زیارت آن حضرت بدین ترتیب عَرَضِ درود و احترام می داریم:

السلام على العالم الذي علمه لا يبید:

درود بر عالم و دانشمندی که دانش او به پایان نرسد.<sup>۱</sup>

و در زیارت آل یس می خوانیم:

... و العلم المصوب:

و درود بر دانشی که فرود آمده.

امام باقر علیه السلام:

دانش قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله در قلب مهدی ما شکوفا شود، همان گونه که از دانه‌ای بهترین گیاه بروید، پس هر کس از شما بازماند و به دیدار [و حضور آن تحفة عالم آفرینش] نایل آید این طور به او سلام و درود فرستد:

السلام علیکم یا اهل بیت الرحمة و النبوة و معدن العلم موضع الرسالة السلام علیک یا بقية الله فی ارضه؛

درود بر شما ای خاندان رحمت و نبوت، ای مخزن علم و دانش، ای جایگاه رسالت، درود بر تو ای که خدایت تو را بر زمین باقی گذارد!<sup>۲</sup>

۱. مفاتیح الجنان، ص ۸۶۳

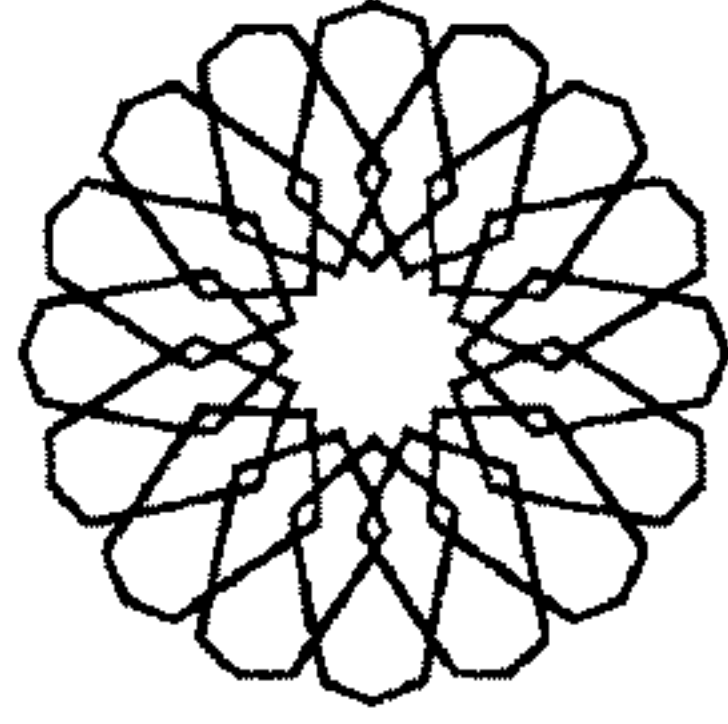
۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۷، سیرته و اخلاقه و خصائص



امام صادق علیه السلام :

علم، بیست و هفت حرف است. تمام انبیا دو حرف از آن را آوردند و اکنون مردم بیش از آن دو حرف را، نمی دانند. هنگامی که قائم علیه السلام قیام نماید بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورد و با آن دو حرف دیگر میان مردم انتشار دهد تا بیست و هفت حرف کامل گردد.<sup>۱</sup>

حضرت مهدی علیه السلام فرزانه و فرهیخته یگانه روزگار، آن زمان که شبانگاهان غیبت، دامن سیاه و تاریک خود را برچیند و صبح گاهان ظهور و حضور فرارسد، پرده تاریک جهل را بدرد و درخت خرد همگان را از نور علم و دانش خویش بارور کند.



---

**العدل المشتهر**

---

## العدل المشتهر

حضرت حجت علیه السلام دادگر و دادگستر نامدار

هرچیز را در جای خود نهادن عدالت است و برابری. تبعیض و برتری روانداشتن در حقوقی که خدای دانا همگانی شمرده، عدالت خواهی است. گماردن هرکس در جایگاهی که او را سزد و قسط و داد را در میان آدمیان گستراندن، دادگستری است. به اندیشه و خیال خویشتن انسجام و سامان بخشیدن، عدالت پیشگی است.

عدالت و تعادل در جسم و جان، در جامعه و میان مردمان، بنیان ماندگاری زمین و اختران است.

عدالت، آب گوارا و شیرینی است در کویر سوزان بیداد و تفاوت‌های ناروا؛ در مقابل آن ظلم است و بیداد، که اساس نافرمانی است و گناه، خانمان سوز است و ویران‌گر.

خدای دانا و مهربان عادل است و به عدالت فرمان دهد:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾<sup>۱</sup>

او رسولان خویش را برانگیخت، کتاب‌های آسمانی و معیار سنجش (امام معصوم علیه السلام) را فرو فرستاد، تا مردم به عدالت رفتار کنند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ

النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾<sup>۲</sup>

هر چیزی را در جای خود نهادن نه تنها در میان انسان‌ها آراسته و لازم است، بلکه گستره آن، زمین و اختران را در پوشش خود گیرد و آن‌ها در ادامه و ماندگاری به عدالت و توازن در نظم استوارند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

عدالت سبب برقراری زمین و برافراشتگی آسمان‌هاست.<sup>۳</sup>

سیرت و روش بلندمرتبه‌ترین انبیا، رسول خدا صلی الله علیه و آله، سراسر داد است و دادگری. آن حضرت در جنگ بدر هنگام به صف کشیدن سپاهیان [ناخواسته] با چوب به شکم یکی از آنان (سواد) زد، وقتی او اعتراض نمود و درخواست قصاص کرد، حضرت شکم خود را برهنه نموده و فرمود:

تلافی کن و حق خویش را بستان.<sup>۴</sup>

حضرت وقتی به مردم می‌نگریست نظرش را عادلانه بین آن‌ها تقسیم می‌کرد و به این و آن یکسان می‌نگریست.<sup>۵</sup> با لباس رایج و

۱. نحل، آیه ۹۰: «خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد.»

۲. حدید، آیه ۲۵: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.»

۳. عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۱۰۲: «الجملة الثانية في الاحاديث المتعلقة بالعلم و اهله»، ذیل ح ۱۵۰.

۴. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۶۶.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۲، باب ۱۰۰، انه يستحب للانسان يقسم لحظاته بين اصحابه

عادی، در میان مردم رفت و آمد می‌کرد و در مجلس با یارانش دایره‌وار می‌نشست تا هم‌رنگ و هم‌سان آنان باشد.  
امام صادق علیه السلام :

سیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله هماره بر این بود که ساعاتش را میان اصحاب و یارانش تقسیم می‌نمود و به آنان یک سان نگاه می‌کرد [نگاهش را عادلانه میان همه تقسیم می‌کرد].<sup>۱</sup>  
علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید:

برخی از فرزندگان، آداب و سیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را از روایات، این گونه گرد آوردی کرده‌اند: آن حضرت داناترین، و شجاع‌ترین، دادگرتترین و مهربان‌ترین مردمان بود.<sup>۲</sup>

آوازه عدالت خواهی و عدالت گستری امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تمام فضاها طنین افکن است؛ جرج جرداق مسیحی گوید: «علی علیه السلام در محراب عبادت به جهت سخت‌کوشی در اجرای عدالت به شهادت رسید.»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام حتی نانی را که از اموال عمومی به جا می‌ماند هفت قسمت می‌کند و به هر طایفه‌ای تکه‌ای می‌دهد.<sup>۳</sup> و چون در رهگذری نگاهش به مردی کهن سال افتاد که دست نیاز، پیش مردمان دراز کرده بود، سبب این کار را جویا گشت. گفتند: «پیرمردی نصرانی است و کیشش اسلام نیست.» حضرت برآشفست و فرمود:

⇒ بالسویة، ح ۱، ش ۱۵۸۸۷.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۸۰، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۹، مکارم اخلاقه و سیره، ح ۱۲.

۲. همان، ص ۲۲۶، ح ۳۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۳۶، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۱۰۷، جوامع مکارم اخلاقه.

«چگونه در جوانی او رابه کار گرفتید و از او بهره جستید و اکنون که دوران پیری و واماندگی اش فرارسیده رهايش ساختيد؟» سپس فرمان داد که از بیت المال و اموال عمومی به او ببخشند.<sup>۱</sup>

در نکوهش بی عدالتی فرمود:

به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم زمین را به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم و به ستم و ناروا پوسته دانه جوی را از دهان موری بگیرم، چنین نکنم.<sup>۲</sup>

پیشوایان معصوم و دادگر علیهم السلام چنین اند که رفتارشان بر پایه عدالت استوار گشته است. آنان تندیس عدالت و آئینه تمام نمای عدالت و عدالت گستری اند؛ بدین سبب سیرت آنان برترین و ارزشمندترین معیار سنجش اعمال بندگان است. امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه شریف **﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ﴾**<sup>۳</sup> فرمود:

امام دادگستری کند و عدالت را برپا دارد.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریف **﴿يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ﴾**<sup>۵</sup>

فرمود:

[مقصود از] «عدل»، رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیشوایان پس از اویند که به داد حکم می رانند و آنها عدالت پیشه اند، پس اگر حکمی را از

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۶، کتاب الجهاد، ابواب العدو، باب ۱۹، ان نفقة النصرانی اذا کبر،

ح ۱، ش ۱۹۹۹۶. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

۳. الرحمن، آیه ۹: «و وزن را بر اساس عدل برپا کنید.»

۴. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۷۲، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۳۹، فی سائر الآیات النازله فی

شأنه علیه السلام، ح ۱۶۰.

۵. مائده، آیه ۹۵: «[کفارهای که] دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند.»

رسول خدا ﷺ و امام شنیدی، بپذیر و دیگر جست و جو نکن.<sup>۱</sup>  
 حضرت ولی عصر علیه السلام تجسم عدالت و عدالت خواهی است. او  
 علی دیگر است و هم سان و همانند او رفتار کند. لباس خشن و ساده  
 بر تن نماید، بی آرایش و بی پیرایه زندگی کند، غذایش چونان  
 امیرالمومنین علیه السلام نان جوین باشد و در تمام وجود آن والا مقام و  
 والاتبار، عدالت و توازن، درخشندگی کند. (گویا یکی از دلایل طول  
 عمر آن حضرت همین عدالت و توازن قوای درونی آن حضرت  
 است). در رستاخیز حضرت مهدی علیه السلام داد خواهی و داد گستری،  
 اساس حکومت اوست و در دولتش کسی بر دیگری ستمی روا ندارد.<sup>۲</sup>  
 مردمان روزگار ظهورش در اثر شکوفایی خرده‌ها، میان خویشتن  
 توازن و تعادلی بیابند و این عدالت و امنیت میان درندگان نیز جلوه‌گر  
 باشد.<sup>۳</sup> مهدی علیه السلام آن قدر ببخشد تا نیازمندی نماند و به همگان یک  
 سان و برابر عطا کند، حتی میان خوبان و بدان در بخشش اموال  
 تفاوتی نگذارد.<sup>۴</sup>

رسول خدا ﷺ :

جانشینان و وصیان و حجت‌های پس از من دوازده تن هستند،  
 نخستین آنان برادرم و آخرینشان فرزندم است، گفتند: ای رسول

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۷۰ کتاب القضاء ابواب صفات القاضی، باب ۷، وجوب الرجوع فی  
 جمیع الاحکام الی المعصوم، ح ۲۶، ش ۳۳۲۲۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۵، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۵، باب علامات ظهوره من  
 السفیانی، ح ۲۶.

۳. همان، ص ۲۸۰، تاریخ الامام الثانی، باب ۲۶، یوم خروجه و ما یحدث عنده، ح ۶

۴. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۸۲، کتاب الزکاة، ابواب المستحقین للزکاة، باب ۳۶، جواز تولی  
 المالك لإخراج الزکاة، ح ۱، ش ۱۲۰۲۵.

خدا! برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام، فرزندت کیست؟ پاسخ داد: مهدی علیه السلام زمین را همان گونه که از ظلم و ستم پر شده، از قسط و داد آکنده سازد. روح خدا، عیسی، زادهٔ مریم - علی نبینا و آله و علیه السلام - از آسمان فرود آید و در نماز به او اقتدا نماید و سلطنت و پادشاهی حضرت مهدی علیه السلام بر خاوران چیره گردد.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام از پدران نیکش گزارش کند که:

امیرالمؤمنین علیه السلام به [فرزندش امام] حسین علیه السلام فرمود: ای حسینم! نهمین فرزندت به حق به پا خیزد. آیین [توحید] را آشکار [و حاکم] سازد و عدالت را بگستراند. امام حسین علیه السلام پرسید: چنین چیزی واقع می شود؟ فرمود: سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت برانگیخت، بلی.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

شما را به مهدی علیه السلام نویدتان دهم که پس از آن که امتم در اختلاف و گمراهی گام زند، رستاخیز نماید و زمین را که از بیداد و ستم پر گشته، از داد و دادگری لبریز سازد. تمام اهل زمین و آسمان از او [و حکمرانی اش] خشنود و خرسند باشند و اموال را به درستی میان آدمیان تقسیم نماید. در این میان کسی پرسید: مقصودت از تقسیم درست چیست؟ پاسخ فرمود: یعنی به طور برابر و یک سان میان همه قسمت کند.

[در این روزگار] ایزد متعال قلب های امت محمد صلی الله علیه و آله را از غنا و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱، ماورد من الاخبار بالقائم علیه السلام، ح ۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۰، باب ۲ ماورد عن امیرالمؤمنین علیه السلام، ح ۲.



بی نیازی لبالب گرداند و عدالت مهدی علیه السلام همه را فراگیرد.<sup>۱</sup>  
 خرمی و آبادی کره خاکی به داد و دادورزی است و ظلم و بیداد  
 آن را ویران کند. امام معصوم علیه السلام در تفسیر و توضیح آیه شریف **﴿يُخَيِّطُ  
 الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...﴾**<sup>۲</sup> فرمود:

مقصود این نیست که زمین به واسطه باران زنده شود و جان  
 گیرد، بلکه مقصود آیه این است که خداوند مردانی را بر انگیزد تا  
 زمین را با داد و داد خواهی زنده کنند، پس زمین خاکی به عدالت  
 ورزی و اجرای آن زنده شود و بر پایی حدود الهی از این که  
 آسمان چهل روز بر زمین بیارد، بهتر و مهتر است.<sup>۳</sup>

در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام با نام عدل و صفت دادخواه که  
 خادمانش از القاب آن حضرت شمرده اند،<sup>۴</sup> به حضورش درود می فرستیم:

**السلام على القائم المنتظر، و العدل المشتهر؛**

درود بر آن ایستاده‌ای که همه در انتظار اویند. درود بر دادگر و  
 دادگستری که در آفرینش نامدار است و شهرت دارد.<sup>۵</sup>

بارالها! به دست توانگر زاده امیرالمومنین علیه السلام خاوران را همان گونه  
 که از ظلم و بیداد لبریز گشته، از قسط و داد آکنده ساز، زیرا تو نیایش‌ها را  
 می شنوی و پاسخ می دهی، آمین.<sup>۶</sup>

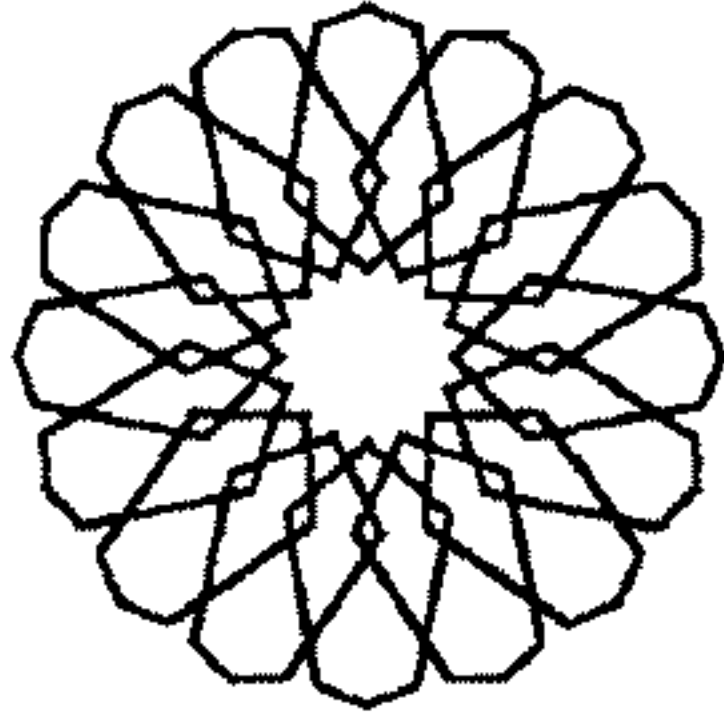
۱. همان، ج ۹۲، ص ۵۱، باب ما ورد من الاخبار بالقائم علیه السلام، الباب العاشر.

۲. روم، آیه ۵۰: «زمین را بعد از مردنش زنده می کند.»

۳. تهذیب الأحكام، ج ۱۰، ص ۱۴۶، باب ۱۰، من الزیارات، ح ۹، ش ۵۷۸.

۴. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۸۱ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۴۲.

۵. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الزمان، ص ۸۷۵ ۶ همان، ص ۸۷۱.



---

**الغائب**

---

## الغایب

نام «غایب»<sup>۱</sup>، بر حضرت مهدی علیه السلام از جدایی، غم و اندوه دیرینه شیعه پرده برمی دارد.

شیعه در روزگار غیبت، از جدایی او، چشمی شناور در اشک، دلی لبریز از خون و قلبی آکنده از غم و درد دارد.

دوران هجرت و شب فراق عجب دورانی است! با این که انسان در طول تاریخ، از زمان‌های بسیار دور و دراز همواره طعم تلخ هجران را بارها و بارها تجربه کرده، پیشوایان از پیروان خویش فاصله می‌گرفتند، عاشقان و واله‌ها از محبوب خویشتن در محبس تنگ و تاریک جدایی گرفتار آمده و سرگذشت اینان هیچ‌گاه به دست فراموشی سپرده نشده و همیشه هم پای زمانه پیش آمده و اینک همسایه دیوار به دیوار ماست، بلکه درون خانه و کاشانه ماست.

حضرت یونس و صالح علیهم السلام از پیروان خویشتن غایب گشتند،

حضرت ابراهیم علیه السلام قهرمان توحید، در غاری پنهان، چشم به دنیا گشود و سالیانی چند از بیم نمرود و نمرودیان مستور ماند. یوسف پیامبر علیه السلام بیست سال از پدر و برادرانش دور بود، موسی کلیم علیه السلام بیش از پنجاه سال از قوم خود در غیبت و دوری به سر برد و دوازده تن از اوصیا و جانشینانش از قومشان پنهان و جدا زندگانی می کردند که غیبت آنان، چهارصد سال به طول انجامید.<sup>۱</sup>

بدین سان روشن است که غیبت و هجران انبیا و اوصیا از قوم و پیروان خویشتن سنت و شیوه‌ای است که پیشینه‌ای کهن دارد و این رسم بین آنان حاکم بوده است و آن چه در امت‌های سلف رخ داده، در امت رسول خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز به حقیقت بپیوندد و گویی تاریخ، تکرار گردد.

مردی یهودی بر پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله افتخار حضور و تشرف یافت و از مسائلی چند سؤال نمود و پاسخ گرفت. [در پایان] رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

لاوی بن اوحینا را می‌شناسی؟ جواب داد: بلی یا رسول الله! او کسی [پیامبری] بود که از بنی اسرائیل غایب گشت. سپس ظاهر شد و آیین خویش را پس از نابودی [بنیان نمود و] ترویج داد، [سرانجام] فرسیطای پادشاه او را کشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: هر آن چه در بنی اسرائیل رخ داد، در میان امت من نیز روی دهد و تحقق یابد، مانند دو لنگه کفش و دو گوش [یک سان و هم سان] سپس حضرت قائم علیه السلام را یادآور شدند.<sup>۲</sup>

۱. دار السلام، بخش ۳، ص ۸۹

۲. همان، ص ۸۸ (به نقل از کفایة الأثر)، ص ۱۱.

امام صادق علیه السلام :

در قائم ما علیه السلام با حضرت موسی در تولد پنهانی و غیبت و دوری از قوم خویش، شباهت و همانندی است.<sup>۱</sup>

بی تردید غیبت، مفهومی گسترده و ملموس دارد؛ از همین رو بر ماست به خدایی که به دیده نیاید و به پیامبر و پیامبرانی که ندیده ایم، ایمان بیاوریم؛ به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خاندان معصومش علیهم السلام که اکنون از دیدگان ما غایب هستند و سالیانی پیش می زیسته اند با جان و دل سرسپریم و پیرو و فرمان بردار آنان باشیم....

پس دیدن با چشم ظاهر، معیار و اساس نیست. در اطراف ما موجوداتی هستند که از نظر ما پنهان اند و هر لحظه و ساعت دور از چشم ما رویدادهایی رخ می دهد و ما نمی بینیم و از دیدگانمان غایب اند و اینها همه و همه بدین معنا نیست که چون از دیدگان ما غایب و پوشیده است، وجود ندارند و کسی هم نمی تواند سر به انکار و رد آنها بردارد.

امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه شریف: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۲</sup> فرمود:

[منظور آیه، ایمان آوردن است به] آن چه از نظرها نهان است و انسان باید به آن گردن نهد و باور کند، مانند ایمان به برانگیخته شدن، حساب، بهشت و جهنم، یگانگی خداوندگار و سایر آن چه انسان با چشم مادی نمی بیند.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۹۱.

۲. بقره، آیه ۳: «(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [ = آن چه از حس، پوشیده و پنهان است ] ایمان می آورند.»

۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۶، ذیل آیه ۳ بقره.

اما سخن از غیبت محبوب خالق و مخلوق، یوسف زهرا علیها السلام، آن عزیز از دیدگان دورمانده، آن فرخنده، آن شهد شیرین، سخنی دیگر است. مهدی از دیدگان غایب، به خورشید پشت ابر ماند، او همگان را بنگرد، گاه در دشت و صحرا باشد و زمانی میان مردم حضور یابد و با آن‌ها رفت و آمد و داد و ستد کند، ولی کسی او را نشناسد. عشق به آن یار محمدی نگار از نظرها پنهان، با عشق‌های دیگر بس متفاوت است و رنگ و جوهری دیگر دارد، اما این شیعه شیفته است که در گذر زمان و سردی و گرمی زمانه هرگز از یاد زاده زهرا علیها السلام غفلت نکند و برای حضور و دیدارش پیراسته گشته و سرگردان مانده است و لحظه شماری می‌کند تا شاید اذن تشریف صادر گردد و در آستان اقدسش بوسه بر خاک زند و بر قدسیان فخر فروشد و آنکه که روزگار غیبت و هجران و غم و اندوه دامان خود را برچیند و زخم کهنه شیعه التیام بخشد و منادی حق ندا دردهد: «**هذه بقیة الله؛ این است بقیة الله**»، به جهاد و پیکار برخیزد و مولای خویش را یاری رساند و خون و جان کمترین خویش را یک باره به آن سلیمان، به رسم موری هدیه فرستد، باشد که در نظر آفتاب جان پناهِش مورد قبول و رضایت افتد.

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد

زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

صبح امید که شد معتکف پرده غیب

گو برون آی که کار شب تار آخر شد

خداوند دانا از چهارده معصوم علیهم السلام سیزده تن را ظاهر گرداند تا مردمان آنان را ببینند و در رفتار و کردارشان بیندیشند و آنان را آرمان و الگوی خویشان سازند، معارف و احکام خدا از آن‌ها بیاموزند و قدر و

منزلتشان را پاس دارند، اما دشمن کینه توز و خون ریز، بیدادگر و کفر پیشه دست ناپاک و پلید خود را در خون پاک سیزده نور الهی و بسیاری از شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام شناور ساخت و حق تعالی بنیان را بر آنان استوار نمود تا آخرین نور الهی، یعنی حضرت حجت علیه السلام به عنوان پیشوایی معصوم و ذخیره‌ای الهی از هر گزندی سالم بماند تا برای آفرینش مایه نظم و برای بشریت، هدایت‌گر باشد و آن خصم دیرینه بر آن شد که دست شیطانی و پلید خود را به خون پاک آن حضرت آلوده سازد، بر زمین ریزد و لگدکوب نماید.

بدین سان هنوز از بهار زندگانی آن نور محمدی صلی الله علیه و آله حضرت مهدی علیه السلام پنج سال نگذشته بود که در پرده غیبت محجوب و مستور شد و از سال ۲۶۰ یا ۲۶۱ ق غیبت کوتاه و پس از آن غیبت بلند (صغری و کبری) حضرت آغاز گشت. غیبت کوتاه هفتاد سال به طول انجامید و در آن دوران حضرت با سفیران خویش کم و بیش با مردم در ارتباط بود و پس از آن، غیبت بلند مدت آغاز گشت که اکنون نیز ادامه دارد، تا آن زمان که حکمت خدای متعال بر ظهور و فرج حضرتش استوار گردد. مهدی علیه السلام پس از آن که زمین از ظلم و ستم پر شود، خورشید وجودش ظاهر گردد، بتابد و برفروزد و ابر سیاه و ننگین ظلم و بیداد، ستم‌گری و کفرپیشگی را براندازد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر که به همه پیشوایان معصوم علیهم السلام اقرار کند و به [امامت حضرت] مهدی علیه السلام انکار ورزد، همانند کسی است که به [نبوت] تمام انبیا اعتراف دارد، ولی نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله

را منکر گشته است از حضرت سؤال شد: «ای زاده رسول خدا! آیا مهدی از فرزندان توست؟ در پاسخ فرمود: او پنجمین فرزند امام هفتم است که از شما غایب و پنهان گردد و در آن زمان بر شما حرام است که نام [اصلی] او را بر زبان جاری سازید.<sup>۱</sup>

یحیی فرزند ابوالقاسم از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه شریف: ﴿الم، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۲</sup> سؤال نمود. حضرت در پاسخ فرمود:

[منظور از] «المتقين» شیعیان و پیروان حضرت علی علیه السلام است و [منظور از] غیب [حضرت] حجّت علیه السلام است که از دیدگان غایب است.<sup>۳</sup>

جابر انصاری:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: [حضرت] حجّت علیه السلام از پیروان خویش غایب گردد و با نام [اصلی] خوانده نشود تا آن که ظاهر گردد. هنگامی که خدای سبحان، فرج او را نزدیک کند، زمین را چونان که از ستم و بیداد لبریز گشته، از عدل و داد آکنده سازد؛ خوشا به حال آنان که در غیبتش صبورند و بر راه و روش خویشان استوار و مستحکم. خداوند متعال در کتابش آنان را چنین می ستاید: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾<sup>۴</sup> و ﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۳، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۶، ما روی فی ذلك عن الصادق علیه السلام، ح ۴.

۲. بقره، آیه ۲ و ۳: «الم، آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزگاران است، کسانی که به غیب ایمان می آورند.»

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۲، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۵، الآیات السماویة بقیام القائم، ح ۲۹.

۴. بقره، آیه ۳: «پرهیزگاران کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند.»



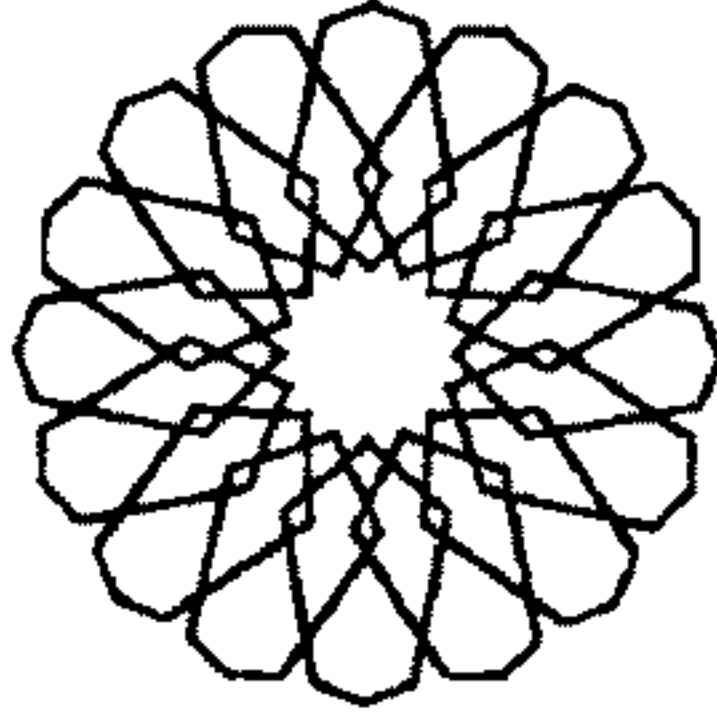
هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۱</sup>؛ شیعیان حضرت مهدی علیه السلام به غیبت ایمان دارند، آنان حزب خدایند و به راستی، حزب خدا رستگارانند.<sup>۲</sup>

گرچه حضرت، پرده نشین زمانه‌اند و از دیدگان ناپیدا، اما فیض و عطای وجودش، آفرینش را سیراب و آبیاری کند و بسان خورشیدی ماند که ابری تیره چون شبی تاریک بر او حجاب افکنده، اما خورشید باز زندگانی بخشد و دیری نیاید که آن ابر تیره را پراکنده و نابود سازد.

سلیمان:

از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: مردم از حجت نهان و مخفی چگونه بهره گیرند؟ فرمود: همان گونه که از خورشید [و فروغ] آنگه که در پس ابر باشد، بهره گیرند.<sup>۳</sup>

۱. مجادله، آیه ۲۲: «أَن هَا حِزْبُ اللَّهِ تَأْتِيهِمْ يَوْمَئِذٍ حِزْبًا لَّهُمْ قَوْلٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ يُبَيِّنُ لِمَنْ يَشَاءُ اللَّهُ صِدْقٌ إِنَّهُ هُوَ الْبَاقِي»  
 ۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۲، فضل الانتظار، ح ۶۰  
 ۳. همان، ج ۲۳، ص ۶، کتاب الامامة، باب ۵ الاضطرار الى الحجّة، ح ۱۰.



---

**المهذب الخائف**

---

## المهذب الخائف

یکی از القاب و صفات حضرت مهدی علیه السلام «المهذب الخائف» است که بیانگر پاکی و ترس آن حضرت از خدای پیراسته است.

صفای روح و جان، قلب و اندیشه‌ای سالم و فروتنی در مقابل خداوند توانا از آرمان‌های بلند مردان برجسته است؛ تنها نخبگان عالم آفرینش‌اند که در عمل، مدّعی راستین چنین حقایقی هستند، اما توده مردم به آنان اقتدا کرده و گامی پیش نهاده و یا به آرزوی آن بسنده کرده‌اند. آن زمان که قلب و جان انسان، بی‌آلایش از کفر و شرک گردید و انسان از غیر خدا چشم پوشید، عظمت و بزرگی حق تعالی در روح وی تجلی کند و او خود را موجودی کوچک و ضعیف در پیشگاه خداوندی بس بزرگ و با عظمت دریابد. بدین جهت در مقابل او متواضعانه و با فروتنی هر چه تمام‌تر، به خاک افتد و صورت به خاک بندگی سایید و ترس و ادب به حق تعالی در سراسر وجودش جلوه‌نمایی خاصی دارد.

خدای دانا در قرآن کریم برخی مانند انبیا را به صفاتی که گفتیم

ستوده و بر این اساس آنان را از میان تمام آفرینش برگزیده است؛  
درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید:

﴿إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾<sup>۱</sup>؛

[به خاطر بیاور] هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه  
پروردگارش آمد.

ابراهیم علیه السلام، قهرمان توحید، با قلبی سالم از هرگونه بیماری اخلاقی و  
اعتقادی و با روحی پاک، مأمور مبارزه با بت پرستان شد و در رستاخیز نیز  
با آن قلب خالص و خالی از شرک و آکنده از مهر خدا بر او وارد می شود.  
قرآن کریم حضرت مریم علیها السلام را این چنین می ستاید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup>.

خداوند سبحان مریم علیها السلام را از هر گناه و آلودگی پاک کرده و بر این اساس  
او را بر تمام زنان عصر خود برتری داد و از میان آن ها برگزید. نبی اکرم،  
امیرالمؤمنین علی، فاطمه زهرا و فرزندان معصومشان علیهم السلام در میان تمام  
انبیا و اوصیا، این برگزیدگان آفرینش، در پاکی قلب و روان، زلالی نفس و  
اندیشه سرآمد بوده اند و چگونه چنین نباشد؟! قرآن کریم در مدح و تمجید  
آنان، نازل گشته، خداوند متعال خود خواسته که هیچ گونه پلیدی در وجود  
مقدسشان نباشد و آن ها را پاک و از هر گناه و اشتباهی مبرا دانسته:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾<sup>۳</sup>.

۱. صافات، آیه ۸۴.

۲. آل عمران، آیه ۴۲: «و یاد کن از آن هنگام که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را پذیرفته و  
پاکیزه داشته و بر زنان جهانیان [همزمان خویش] برتری داده است.»

۳. احزاب، آیه ۳۳: «بی تردید خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملا  
شما را پاک سازد.»

ابو درداء گوید:

شبی از شب‌ها که تاریکی، دامان خود را گسترده بود، با امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در مدینه بودیم. حضرت کم‌کم از مردم فاصله گرفت و در میان نخلستان تاریک پنهان گشت. به جست و جوی او برآمدم. نوایی پر از سوز و گداز به گوشم رسید که با خدا دعا و نیایش می‌کرد و می‌گریست ... پس از مدتی آوای علی علیه السلام قطع شد. دیگر از او صدایی نمی‌آمد و حرکتی نمی‌کرد، با خود گفتم: از بیداری شب به خواب رفته، خواستم برای نماز صبح بیدارش کنم، دیدم مانند چوبی خشک افتاده است و هر قدر حرکتش دادم تکانی نخورد. دست و پایش را جمع کردم، جمع نشد، گفتم: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ سوگند به خدا! علی بن ابی طالب علیه السلام دار فانی را وداع گفته است. نزد حضرت زهرا علیها السلام آمدم و ماجرا را تعریف کردم. حضرت فرمود: ای ابو درداء، سوگند به خدا! این حالتی است که از ترس خدا به او دست می‌دهد [و علی نمرده است. معلوم می‌شود که این حالت امیرالمؤمنین علیه السلام سابقه پیشین داشته است].<sup>۲</sup>

روز آدینه در زیارت عزیز زهرا علیها السلام، مهدی منتظر علیه السلام با این عنوان سلام می‌کنیم:

السلام عليك ايها المهدب الخائف<sup>۳</sup>.

روح و روان، قلب و اندیشه، دامان و دل آن عزیز زهرا علیها السلام، از هر

۱. بقره، آیه ۱۵۶: «ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم.»

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۱، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام باب ۱۰۱، عبادت و خوفه علیه السلام، ح ۱.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۹۶.

آلودگی، پاک و پیراسته است و هم چون نیاکان نیکش رنگ شرک و ظلم به خود نگیرد. روح پاک و با صفایش هرگز دست‌خوش دگرگونی‌های زمانه نگشته و لحظه‌ای از محضر خدا رو برنتابد، قلب صاف و بی‌آلایشش لبریز از محبت و عظمت خداست.

خداوند متعال آن حضرت را با هر فضیلت و صفت نیکی آراسته و آیه تطهیر را در شأن و منزلت او نیز نازل فرموده است؛ در زیارت جامعه کبیره در مورد آن حضرت و نیاکان پاکش می‌خوانیم:

عصمکم الله من الزلل و آمنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و  
أذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیراً؛

خدای متعال شما را از لغزش‌ها نگاه داشت و از گناهان و فتنه‌ها، بازداشت، دامن شما را از پلیدی دور و پاک و پاکیزه گرداند.<sup>۱</sup>

خلق و خوی حضرت مهدی علیه السلام نمایان‌گر خلق و خوی رسول الله صلی الله علیه و آله است. شجاعت او، عدالت و زهد امیرالمؤمنین، علی علیه السلام را در خاطره‌ها زنده می‌کند. صفا و ایثارش خبر از فداکاری مادر مظلوم و شهیدش حضرت زهرا علیها السلام می‌دهد. سخاوت و کرمش پرده از جود و بخشش امام حسن مجتبی علیه السلام برمی‌دارد. اخلاص و گذشتش، صداقت جد مظلوم و شهیدش امام حسین علیه السلام را به تصویر می‌کشد که تمام هستی خود را عاشقانه به خدای خویش تقدیم نمود. عبادت و ترس از خدایش، بندگی و گریه‌های امام سجاد علیه السلام را به نمایش می‌گذارد. گزیده گویم، هر چه همه خوبان عالم دارند او همه را تنها و یک جا دارد؛ از همین رو امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی حضرت قائم علیه السلام ظهور نماید، به کعبه تکیه زند و بفرماید: ای مردم، آگاه باشید! هر که بخواهد آدم و وصی اش شیث را ببیند، من همان آدم و شیث هستم. هر که بخواهد ابراهیم و اسماعیل را بنگرد، من همان ابراهیم و اسماعیل ام. هر که بخواهد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را نظاره گر باشد، من همان [حضرت] محمد و علی هستم. هر که خواهد تماشاگر [امام] حسن و [امام] حسین علیهما السلام باشد من همان [امام] حسن و حسین ام. هر که بخواهد به پیشوایان از نسل امام حسین علیه السلام نگاه کند، من همان پیشوایان هستم و ...<sup>۱</sup>

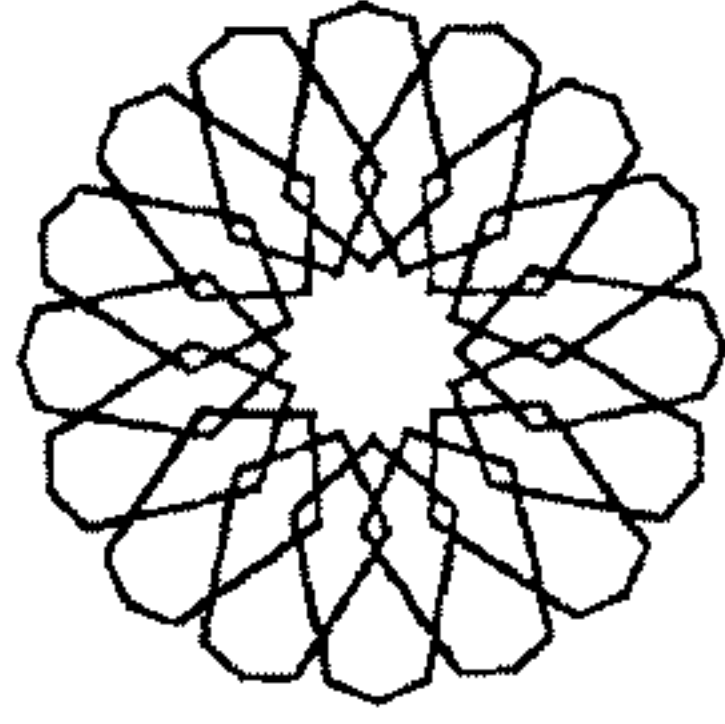
امام صادق علیه السلام از اجداد پاکش نقل کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام هم نام و نشان من است، او در خلق و خوی، شبیه ترین مردم به من است.<sup>۲</sup>

امام زین العابدین علیه السلام از پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام نقل فرمود: یکی از مژده‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من داد این بود که می فرمود: ای حسین! تو آقا و فرزند آقایی و تو پدر نه سرور از فرزندان خود هستی و آنها پیشوایان نیکوکار، امین و معصوم هستند...<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹، تاریخ الأمام الثانی عشر، باب ۲۵، ما یکون عند ظهوره علیه السلام، حدیث مفضل.

۲. «اشبه الناس بی خلقاً و خلقاً»؛ منتخب الأثر، ج ۲، ص ۱۳۳، باب ۳، فیما یدل علی ظهور المهدی علیه السلام، فصل ۴، ح ۸، ش ۴۹۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۴۴، تاریخ امیرالمؤمنین، باب ۴۱، فی نصوص الرسول صلی الله علیه و آله علی الأئمة، ح ۲۱۰.



---

البئر المعطله

---



## البشر المعطله<sup>۱</sup>

حضرت بقیة الله عليه السلام بسان چاه آبی ماند که فرو گذاشته شده است. پیش از ظهور اسلام و نوید نزول وحی، مردم جزیره العرب و دیگر جوامع بشری در اسارت و بند محرومیت و فقر گرفتار بودند، تا آن که حضرت محمد صلی الله علیه و آله از میان مهد و کان محرومیت و جهل و فقر از سوی حق تعالی به پیامبری برانگیخته شد و بانگ یکتاپرستی، عدالت، آزادی و انسانیت سرداد و کلام روح بخش وحی را در قلوب تفتیده و کام‌های خشکیده، فروریخت. آن حضرت آیات قرآن را در گوش و جان مردم سرازیر نمود، سخنان حکیمانه و دل نشین را به آن‌ها رساند و مردمان برای نخستین بار، طعم شیرین آزادی و زندگانی و توانگری را تجربه نمودند و این انقلاب و جوشش می‌رفت تا سراسر خاوران را فراگیر سازد و همه انسان‌ها را از سیطره و سلطه جهل و محرومیت‌رهایی یابد، تا آن که منادی و نجات بخش انسانیت، حاکم

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۲، لقب شماره ۲۱.

و مالک هستی، رسول اکرم ﷺ جهان را بدرود گفت.  
 دورویان فرصت طلب، برای راندن مردم به سوی محرومیت و  
 نگاه داشتن آنان در فقر و بردگی، شعار «کتاب خدا ما را بسنده است»  
 را نقاب و پیشه خود ساختند و آن چه او کشت کرده بود، تباه و ویران  
 کردند. عایشه گوید:

پدرم، ابوبکر پانصد حدیث را از گفتار رسول خدا ﷺ گرد آورده  
 بود، شبی خوابید اما آرام و قرار نداشت. من اندوهگین گشتم.  
 صبح گاه از او پرسیدم: چه پیش آمدی رخ داده [که دیشب این  
 گونه مضطرب و ناآرام بودی]؟ گفت: احادیثی که از رسول  
 خدا ﷺ نزد توست بیاور. آوردم، در آتش انداخت و بسوخت.  
 ابوبکر در اجتماع مردم گفت: از رسول خدا ﷺ چیزی بازگو  
 نکنید و اگر کسی جویای علت آن شد، بگوید: بین ما و شما  
 کتاب خدا هست، بدان رفتار می‌نماییم.<sup>۱</sup>

منع حدیث در روزگار عمر شدت بیشتری گرفت. او احادیث  
 نبوی را از مردم می‌گرفت و می‌سوزاند. وی نشر و نقل احادیث نبوی  
 را ممنوع کرد و مخالفان را کیفر می‌داد.<sup>۲</sup>

در دوران امامت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام درب خانه علم و دانش را  
 به جز منزل امام باقر و صادق علیهم‌السلام، آن هم برای مدتی، بستند و زبان  
 برخی دروغ‌پردازان و جاعلان حدیث را باز گشودند و مردمان را این  
 چنین از بهره‌گیری از معدن‌های دانش و معارف، محروم ساختند و آن

۱. تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۶

۲. الغدير، ج ۵، نوادر الأثر فی علم عمر، ص ۲۴۱ - ۲۹۱؛ تذکرة الحفاظ، ج ۵، ص ۷.

پیشوایان پیراسته، چونان دریایی لبریز از حکمت و دانایی و معدن‌ها و سفره‌های زیرزمینی آب در دل خاک، زندانی زنجیر طاغوت و طاغوتیان گشته و تشنگان، سرگشته و حیران در صحرای سوزان جهل و تهی‌دستی، به هر سویی می‌دویدند و برخی اندک به آن سرای حقیقت نایل می‌آمده‌اند و سیراب می‌شدند.

خداوند حکیم و دانا بر اساس فضل و احسان خویش دوازده تن از پیشوایان راستین اسلام علیهم‌السلام را چونان کاخ‌های بلند و برافراشته نمایان نمود تا در انظار و منظر همگان باشند و چون نه‌ری پاک، در میان مردمان روان و جاری ساخت تا هر پُرسنده‌ای به آسانی بپرسد، هر تشنه‌ای سیراب گردد، هر جست و جوگری ره یابد و در سرای حقیقت و راستی بار اندازد بر آدمیان ریزه خوارست که هر نعمت و احسانی را پاس دارند و از شکر و سپاس‌گذاری ایزدی غافل نشوند، اما به جز برخی اندک، از آن برترین و مهم‌ترین نعمت‌های خدادادی، بهره‌ای به سزا نگرفتند، منزلتشان را پاس نداشتند؛ دشمنی ورزیدند و بی‌تفاوت گذشتند؛ بدین سان حکمت خدای عدالت‌پیشه بر آن استوار گشت که فضل خویش را از مردم دریغ دارد و طریقه عدالت پیش‌گیرد و آخرین خلیفه و ذخیره خود، حضرت مهدی علیه‌السلام را همانند آبی در دل چاه مخفی و مستور نگاه‌داری کند و این، چه مصیبت، چه محرومیت و چه آزمایش سترگی بود که نازل گشت؟!!

حضرت مهدی زاده زهرا علیها‌السلام، همتای امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، چونان آبی در دل چاه است، تا تشنگان حقیقتش که قلوبشان آکنده از مهر یارو

دیدگان‌شان از سیل اشک و خون جاری است، در جست و جوی آن آب حیات برآیند، سنگ و خاک را بشکافند و از دل خاک، آب زندگانی را بجویند، سیراب گردند و حقیقت را بیابند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریف **﴿ وَبِئْرِ مَعْطَلَةٍ وَاقْصِرِ مَشِيدٍ ﴾**<sup>۱</sup>

فرمود:

این مثلی است که برای آل محمد صلی الله علیه و آله آورده شده، بئر معطله چاهی است که از آن آب کشیده نمی‌شود و آن امامی است که غایب گشته و از علم و دانش او تا هنگام ظهورش برگرفته نمی‌شود.<sup>۲</sup>

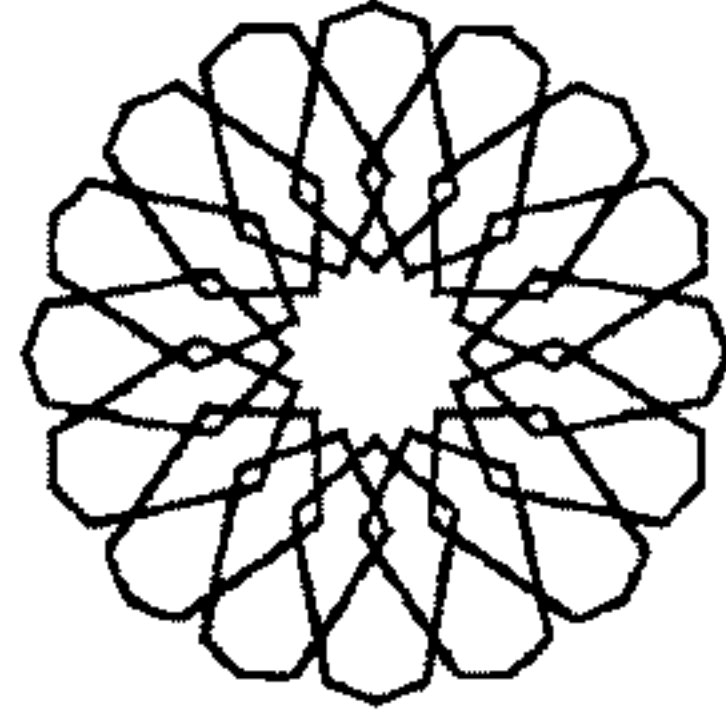
و نیز فرمود:

مقصود از «قصر مشید» رسول خدا صلی الله علیه و آله و منظور از «بئر معطله» علی علیه السلام است.<sup>۳</sup>

۱. حج، آیه ۴۵: «و چه بسیار چاه پر آب که بی صاحب ماند؛ و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع!»

۳. همان، ص ۹۷، ح ۱۲.

۲. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۹۶، ح ۱.



---

نور الله

---

## نور الله

جهان، روشن از خورشیدِ عالم تابِ آسمانِ ولایت حضرت مهدی علیه السلام است و نام «نور الله» اشارت به آن حقیقت دارد.

نور، از بدیهی ترین و واضح ترین واژه‌ها است و نخستین چیزی که هر بیننده‌ای از همان آغاز تولد با آن آشنا می‌شود، بلکه با آن می‌تواند اشیاء دیگر را ببیند و زیبایی آن‌ها را درک کند.

نور، همانند آب، سرچشمهٔ حیات و زندگانی برای همهٔ پدیده‌هاست، آن‌ها برای حیات و رشد خود به نور نیاز دارند تا در پرتو آن به جنبش و حرکت درآیند و مراحل تکامل را بپیمایند؛ بر خلاف ظلمت و تاریکی که ادامهٔ آن باعث سکوت، خاموشی و مرگ است. در ظلمت، گیاهان و حیوانات به کام مرگ فرو روند و طبیعت از سیر حرکت خود بازماند و چرخش حیات معطل ماند.

در این میان، انسان نیز مانند حیوانات و گیاهان از این قاعده مستثنا نیست، زمانی که گیتی در تاریکی محض فرو رود و گیاهان و حیوانات که منابع اصلی تغذیه بشرند، نابود گردند، انسان نیز خود به خود به کام نابودی و نیستی رود. بدین جهت، نور به طور مستقیم و غیر مستقیم در

حیات، رشد و حرکت انسان دخالتی تام و کامل دارد. بنابراین معنا و مفهوم نور و ظلمت و هم چنین نیاز آفریدگان به نور برای همگان واضح و روشن است و نیز فواید و آثار نور بر کسی پوشیده نیست. آن چه درباره نور و آثار و فواید آن گفته شد و از این قبیل گفته می شود، همگی مربوط به نور ظاهری جهان طبیعت و ماده است که سرچشمه و منبع آن، خورشید است و قرآن به این مطلب اشاره دارد:

﴿وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾<sup>۱</sup>

آفریدگار زمین و آسمان، نور افروز جهان کیهانی است:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۲</sup>

ولی نه نور مادی و ظاهری همچون نور خورشید، زیرا خداوند نه جسم است و نه ماده‌ای دارد، بلکه به تمام معنا مجرد است و از نور خویش در قلب مؤمنین نورافشانی می کند، بدین سبب، مؤمن با آن نور به درون خویش می نگرد و به نفس خود معرفت و شناخت پیدامی کند. هنگامی که خدای بی نیاز، آن نور را از کسی دریغ دارد، در ظلمت جهل و نادانی فرورود و در دیار کفر و شرک، غوطه ور گشته و فرجامش هلاکت است و نابودی. پیشوایان پاک اسلام علیهم السلام نورهای خدایند که هرگز به خاموشی نگرایند و پیوسته همچون خورشید، تابان و فروزان باشند. آنان سرچشمه و منبع هر نوری هستند. سپهر به وجود آن‌ها منور و روشن است و مردم در پرتو آن انوار الهی در راه راست گام نهند و هدایت یابند و بر فراز قله انسانیت و نیک بختی فرود آیند.

ابو خالد کابلی از تفسیر آیه شریف ﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ﴾

۱. نوح، آیه ۱۶: «و ماہ را در میان آسمان‌ها مایه روشنایی و خورشید را چراغ فروزانی قرار داد.»

۲. نور، آیه ۳۵: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.»

**الَّذِي أَنْزَلْنَا** <sup>۱</sup> از امام باقر عليه السلام سؤال کرد، امام در جوابش فرمود:  
ای ابوخالدا! سوگند به خدا، منظور از «النور» خاندان حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله تا دامنه قیامت هستند. سوگند به خدا، آنان نوری  
هستند که خداوند نازل کرده، سوگند به خدا، آن ها نور خدا در  
زمین و آسمان‌هایند، سوگند به خدا نور امام در قلوب مؤمنین  
روشن تر از خورشید در روز است، قسم به خدا آن امامان، قلب  
مؤمنین را منور و نورانی می‌کنند. <sup>۲</sup>

در روایات بسیاری «نور علی نور» و آیات مشابه آن به رسول خدا و  
خاندان پاکش عليهم السلام تأویل و تفسیر شده، بلکه روایاتی از پیشوایان  
پیراسته عليهم السلام صادر گشته که نخستین پدیده‌ای که خداوند آفرید، نور نبی  
اکرم و امامان معصوم عليهم السلام بود. امام صادق عليه السلام در قسمتی از روایتی فرمود:  
خداوند ما را از نور عظمت خود خلق کرد ... <sup>۳</sup>

و در روایت دیگری فرمود:

همانا خدا بود و هیچ پدیده‌ای نبود، سپس هستی را آفرید و از  
نور خود که همه نورها از آن نور است، در نور الانوار جاری نموده  
و نور الانوار، نوری است که از آن، محمد صلی الله علیه و آله و علی عليه السلام را  
آفرید، پس محمد و علی دو نور نخستین هستند. <sup>۴</sup>

آیات **«وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا \* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّيْنَاهَا»** <sup>۵</sup> که قسم به  
خورشید و ماه که منبع و کان نور ظاهری و مادی هستند، به رسول

۱. تغابن، آیه ۸: «پس به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید.»

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۹۴، کتاب الحجّة، باب ان الائمة عليهم السلام نور الله.

۳. همان، ص ۳۸۹، ح ۲، کتاب الحجّة، باب خلق ابدان الائمة و ارواحهم و قلوبهم عليهم السلام.

۴. همان، ص ۴۴۳، ح ۹، کتاب الحجّة، باب مولد النبی و وفاته.

۵. شمس، آیه ۱ و ۲: «سوگند به خورشید و تابندگی اش، و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید.»



خدا ﷺ و علی علیه السلام تأویل شده است.<sup>۱</sup>

تا بدین جا آشکار گشت که نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام نور خدایند، بلکه نخستین نوری هستند که خداوند متعال از نور خود پدید آورده و در زیارات، آنان را با عنوان نور الله مخاطب خویش قرار می دهیم. حضرت مهدی علیه السلام نور خداست، جابر بن عبدالله انصاری گوید: داخل مسجد کوفه شدم، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دیدم، در حالی که با انگشتان مبارک خود در حال نوشتن بودند و تبسمی بر لب داشت، گفتم: یا امیرالمؤمنین چه چیزی لبخند را بر لب های مبارک شما فرو نشانده؟ فرمود: از کسی که این آیه شریفه را تلاوت می کند و به حقیقت آن شناختی ندارد، در عجبم. گفتم: کدام آیه؟ فرمود: ﴿الله نور السموات و الارض...﴾، منظور از «مشکوة» محمد ﷺ است و منظور از «مصباح» من هستم و ... و منظور از «بهدی الله نوره من یشاء» مهدی است.<sup>۲</sup>

در برخی از روایات معراجیه وارد شده که نور حضرت مهدی علیه السلام در عالم اظله و انوار در میان انوار و اشباح ائمه معصومین علیهم السلام مانند ستاره ای درخشان میان ستارگان است.<sup>۳</sup>

و در برخی روایات آمده که آیه شریف ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۴</sup>، در شأن و منزلت

۱. سفینه البحار، ج ۴، ص ۴۹۵، ذیل واژه شمس.

۲. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۳، لقب ۱۶۸.

۳. همان، باب ۲، ص ۳، لقب ۱۶۸؛ و العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۵.

۴. توبه، آیه ۳۲: «أَن هَامِيَ خَوَّاهُنْدُ نُورِ خَدَارَا بَا دِهَانَ خَوْدِ خَامُوشِ كَنْنَدِ، وَلِي خَدَا جِزْ اِيْنِ نَمِي خَوَّاهِدْ كِه نُورِ خَوْدِ رَا كَامِلْ كَنْدِ، هِرْ چَنْدْ كَافِرَانَ نَاخَشَنُودْ بَاشَنْدِ.»

ولایت حضرت حجّت و پدران پیراسته‌اش علیهم‌السلام نازل گشته.<sup>۱</sup>  
 امام سجاده علیه‌السلام :

هدف از دشمنان خاموش کردن نور خدا یعنی ولایت امیرالمؤمنین  
 علی علیه‌السلام است و خدا در پاسخ به آن‌ها فرمود: ﴿وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾<sup>۲</sup>  
 و منظور، ولایت حضرت مهدی علیه‌السلام است.

در زیارت مربوط به آن حضرت، این طور می‌خوانیم:  
 السلام عليك يا نور الله.<sup>۳</sup>

امام زمان حضرت مهدی علیه‌السلام نور خدا است؛ نوری که همیشه فروزان  
 باشد و هیچ صاحب قدرتی توانایی ندارد که آن نور پر فروز و با  
 شوکت را خاموش کند و تلاش و نیرنگ ستم پیشگان و زورگویان در  
 برابر آن نور، نقش بر آب و نافرجام است. برخی از مفسران<sup>۴</sup> در تفسیر  
 آیه شریف بالا [توبه، ۳۲] گفته‌اند:

بیان آشکار و فصیح این آیه شریف برای نشان دادن زیبونی و ناتوانی  
 کافران و مشرکان و درهم شکستن شخصیت آن‌ها که در صدد  
 خاموش کردن نور خدا، حضرت مهدی علیه‌السلام هستند، بسیار  
 شگفت‌انگیز و تعجب‌آور است، زیرا نورهای ضعیف را به طور  
 معمول با دمیدن دهان خاموش می‌کنند و فوت دهان در خاموش  
 کردن نور قوی و پر فروز کارگر نیست [و در این آیه قدرت و شوکت  
 سران کفر و شرک، بسان نور ضعیف و بی‌اساسی است که با دمیدن  
 دهان خاموش می‌گردد].

۱. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۲۱، ذیل آیه شریف.

۲. صف، آیه ۸: «ولی خدا نور خود را کامل می‌کند.»

۳. مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الزمان علیه‌السلام در روز جمعه، ص ۹۶.

۴. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۵۷ و طبرسی در مجمع البیان، ذیل آیه شریف.

### چراغی را که ایزد برافروزد

هر آن کس پف کند ریشش بسوزد  
جهان به سوی همزیستی و توجه به خورشید عالم تاب ولایت،  
حضرت مهدی علیه السلام گام بر می دارد و هر روز توجه مردمان به او بیش از  
پیش است. آن حضرت همانند خورشید سرچشمه حیات، جنبش، آبادانی  
و هر زیبایی در زمین است، بلکه نور هستی خورشید هم از آن اوست:  
﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾<sup>۱</sup>

هر که از ظلمت و تاریکی جهل و نادانی به سوی آن نور الهی در  
حرکت افتد، آفریدگار، همه جا و در همه حال ولی و حامی اوست و  
هر که از مهدی علیه السلام در فراموشی و ناباوری افتد و از آن حضرت فاصله  
گیرد، به ولایت و سرپرستی شیاطین و طاغوت سرسپرده:  
﴿أَلَلَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
أُولِيَاؤُهُمُ الطُّغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ﴾<sup>۲</sup>

پل ارتباطی و توجه به قطب عالم امکان، حضرت بقیه الله علیه السلام تنها  
با پارسایی و کار نیک، ممکن است:

﴿لِيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾<sup>۳</sup>  
آن که از آن نور ایزدی بهره‌ای نگیرد و دریچه قلبش بسته و یا برخلاف  
آن نور گشوده شده باشد، در ظلمت و نادانی فرو رود و اغواهای شیاطین

۱. زمر، آیه ۶۹: «و زمین به نور پروردگارش روشن می شود.»  
۲. بقره، آیه ۲۵۷: «خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند آن‌ها را از ظلمت‌ها  
به سوی نور بیرون می برد. کسانی که کافر شدند اولیای آن‌ها طاغوت‌ها هستند که آن‌ها را از نور  
به سوی ظلمت‌ها بیرون می برند.»  
۳. طلاق، آیه ۱۱: «تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند از تاریکی‌ها به  
سوی نور خارج سازد.»

جن و انس و زرق و برق دنیا او را گمراه و متحیر و کور گرداند؛ در مقابل، نور مهدی علیه السلام در قلب و دل هر کس بتابد، به گمراهی نرود و اهل تدبیر، بینش و حکمت گردد. هر چه عمل نیک و شایسته انسان بیشتر گردد و از گناهان و نافرمانی معاصی دوری کند، بلکه هر چه بیشتر خود را اصلاح و تصفیه نماید، آن نور بیشتر در درون قلب او تابش کند و منور به انوار الهی گردد.

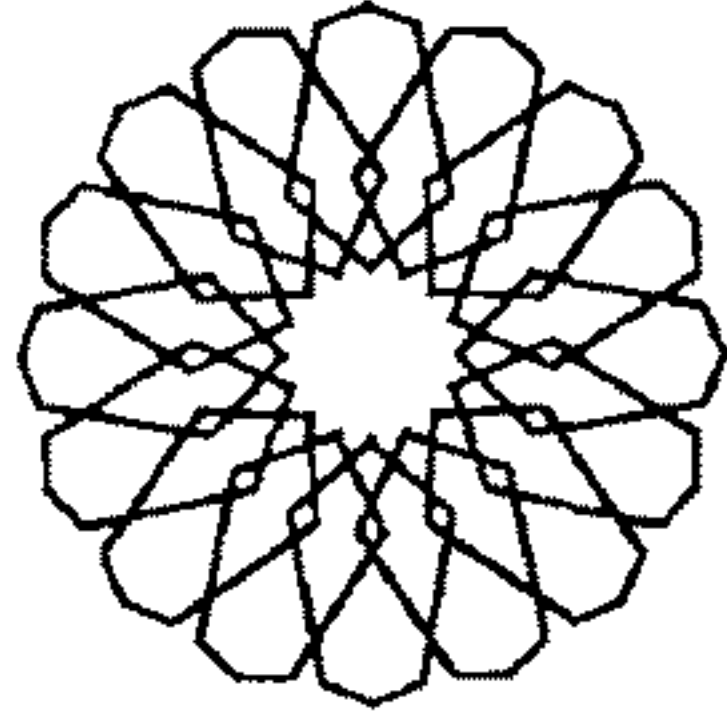
### پیام قرآن

﴿أَنْ أُخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾<sup>۱</sup>. اگر برای اثبات ولایت و عهده داری آن حضرت برای هدایت مردم، هیچ دلیل و برهانی نبود جز این آیه شریف، این آیه به تنهایی، ولایت و هدایت گری آن حضرت را اثبات می نمود و طبق این آیه، حضرت مأمور است که مردم را از کفر و شرک به ایمان، از تحیر و ظلمت به نور و هدف مندی، رهنمون نمایند و از سوی دیگر این آیه همه مردم را مکلف می کند که به رهنمایی و ولایت چنین شخصیتی گردن نهاده و از ظلمت به نور هجرت کند و اگر بگوئیم این آیه، تنها حضرت را مأمور راهنمایی مردم می کند، اما بر مردم لازم نیست هدایت او را بپذیرند، هدایت و ولایت آن حضرت بیهوده خواهد بود، زیرا گفتارش بی اثر ماند. این آیه مژده به تمام انسانهاست زیرا هدایتشان کند و آن حضرت در کمین آنهاست که از صراط مستقیم منحرف گشته اند، تا هدایتشان کند و به راه راست استوارشان گرداند:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ﴾<sup>۲</sup>.

۱. ابراهیم، آیه ۵: ﴿[و دستور دادیم:] قومت را از ظلمات به نور بیرون آر!﴾

۲. فجر، آیه ۱۴: ﴿به یقین پروردگار تو در کمینگاه است﴾.



---

**باب الله**

---

## باب الله

یکی دیگر از القاب حضرت صاحب الزمان علیه السلام «باب الله» است. از دیرباز برای هر شهر و دیاری حصار و دروازه‌ای بنانهاده می‌شده تا اهالی آن از هجوم و یورش بیگانگان و نامحرمان در آسایش و آرامش به سر برند و برای هر منزل و سرایی دیوار و دری می‌افراشتند، تا هر آشنا و ناآشنایی از آن در، وارد و خارج شود و گذر زمان از این قانون و اساس چیزی نکاست؛ بلکه روز به روز پیچیده‌تر شد تا به شکلی جدید در آمد و گویا این قانون از ضروریات خلقت است که انسان ناگزیر است از آن پیروی کند تا آن جا که ایزد یکتا برای بهشت و جهنم هم حصار و دری قرارداده و این قانون در میان حیوانات نیز حکم فرماست، بلکه برای هر چیزی حصار و دری است تا از درب و راه آن، رفت و آمد شود.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریف **﴿ وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ﴾**<sup>۱</sup>

فرمود:

۱. بقره، آیه ۱۸۹: «و از در خانه‌ها وارد شوید.»

مقصود آیه این است که [خدای سبحان فرمان می‌دهد که] در هر کاری باید از راه [و دروازه] آن وارد شوید.<sup>۱</sup>

خدای بی‌نیاز و بخشنده احسان و نعمت‌های بی‌پایان، دانش و حکمت‌های والا و نجات‌بخش خویش را در قرآن کریم و سینه نبی مکرم اسلام ﷺ به ودیعت سپرد؛ بدین جهت، آن‌ها بسان شهری بزرگ، فراتر از عقل و اندیشه انسان، می‌مانند که از گنج‌ها و اسرار، آکنده‌اند و هر سوی آن دو شهر بی‌پایان و پاینده را حصار بی‌بلند و پولادی بنیان نمود و نگاهبانی برایشان گماشت تا از آلوده گشتن و چپاول بدخواهان، بداندیشان و دنیا پرستان سالم و پاک بماند، زیرا این میراث الهی باید سالم و بدون هیچ کاستی و آلودگی به آیندگان انتقال یابد. ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾<sup>۲</sup> ایزد متعال امامان معصومین را راه و دروازه ورود به معارف و حکمت‌های بلند خود قرار داده.

خاندان نبوت، آن درب‌های دانش و معارف الهی هستند که خدا به روی بندگان خود گشوده و هر که بخواهد بر خدای متعال وارد گردد و به توحید و یکتاپرستی چنگ اندازد و در دریای نور و دانایی شناکند و بهره‌مند گردد، باید آن معارف را تنها از اهل بیت ﷺ بگیرد، چون آنان «باب الله» اند و معارف حیات‌بخش الهی پیش آن‌ها سپرده شده است.

امام باقر ﷺ در تأویل و تفسیر آیه شریف ﴿وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾ فرمود:

آل محمد ﷺ درب‌های معرفت و شناخت خداوند هستند.<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۸، کتاب العلم، باب ۳۲، البدعة و السنة و الفریضة.

۲. حجر، آیه ۹: «ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگهدار آنیم.»

۳. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۶۰، کتاب العلم، باب ۱۴، من يجوز اخذ العلم منه.

اسود بن سعید:

خدمت امام باقر علیه السلام شرف یاب گشتم. حضرت بدون پیشینه لب به سخن گشود و فرمود: ما حجت خدا و باب الله [درب‌های شناخت و هدایت به سوی خداوند] هستیم.<sup>۱</sup>

اصبغ بن نباته:

ابن کواء از امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در مورد تفسیر آیه شریفه  
 ﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا  
 الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾<sup>۲</sup> سؤال نمود. حضرت پاسخ فرمود: هر کس  
 با ما بیعت و به ولایت ما اعتراف کند، از درب وارد شده و هر  
 کس با ما مخالفت ورزد و دیگری را بر ما پیش و برتری دارد، او  
 از پشت سرای و پنجره آن داخل گشته است.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام :

اهل بیت علیهم السلام ابواب الله‌اند و اگر آن‌ها نبودند، خدا هرگز شناخته  
 نمی‌شد.<sup>۴</sup>

آن که از گردن نهادن به ولایت امیرالمؤمنین، علی و فرزندان  
 معصومش علیهم السلام سر باز زند و بر این پندار است که بر خدا وارد گشته و  
 یگانه پرست است و حکیم، او دزدانه وارد شده است و به خطا و  
 بی‌راهه راه پیموده و از کفر و شرک سر در آورده و سرانجامی جز

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۷، کتاب التوحید، باب النوادر.

۲. بقره، آیه ۱۸۹: «وکار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید [آن چنان که در جاهلیت، به هنگام حج مرشوم بود]؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید؛ و از در خانه‌ها وارد شوید.»

۳. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۴۸، کتاب الامامه، انهم علیهم السلام اهل الاعراف، ح ۲.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۲، کتاب الحج، باب ان الائمه علیهم السلام خلفاء الله.



هلاکت و ناکامی نخواهد داشت.

حضرت مهدی علیه السلام زاده زهرا علیها السلام است. خدای متعال دانش و معارف خویش را در سینه او نهفته و در عصر امامت و پیشوایی او هر کس بخواهد از خود بگذرد و در سرای توحید و یکتاپرستی، بار اندازد و اقامت گزیند و چونان حضرت ابراهیم، موحد عصر خویش گردد، بر اوست که هر چه بیشتر به حضرت حجة بن الحسن علیه السلام متوجه باشد و به آستان پاکش پیونددی روحانی زند، زیرا مهدی علیه السلام باب الله است و از سوی او سیل معارف و حکمت‌های خدا به جانب مردم گشوده و سرازیر می‌شود. به واسطه آن حضرت، مردم روزی خورند. به یمن و برکت اوست که آسمان، برکات خود را نازل کند و خاک، گوهر هستی خویشتن را بیرون دهد و آشکار کند: «و بکم ينزل الغيث»<sup>۱</sup>.

باری! آن که از امام زمان علیه السلام غفلت کند و در برابر بزرگی اش سر فرو نیاورد و یا به ولایت او اقرار و اعتراف ننماید و در این اندیشه است که سالک راه خداست و به خدای یگانه اعتراف کرده، سخت در اشتباه است و جاهلانه رفتار نموده و سراز جاده کفر و بی خبری در آورده، همان گونه که در زیارات حضرتش می‌خوانیم:

السلام عليك يا باب الله الذي لا يؤتى الا منه؛

درود بر تو ای درب ورود بر خداوندگار که به جز آن در، نتوان به

خدا وارد شد.<sup>۲</sup>

جای بس تعجب است که انسان برای هر جا و هر کاری به جست و

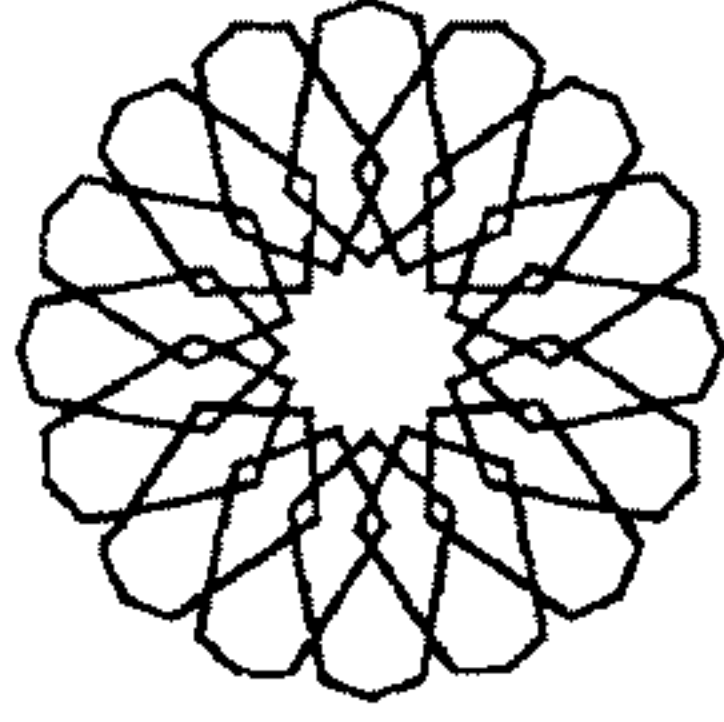
۱. مفاتیح الجنان، زیارت، جامعه کبیره.

۲. همان، زیارت حضرت، ص ۸۶۸

جوی در و راهی برای آن برآید، چه طور برای رسیدن به سرای توحید و یکتاپرستی و بهره گرفتن از معارف باری تعالی از درب و راهش غفلت می‌کند و آیا این، نافرمانی حق تعالی و کفر پیشگی نیست؟

ترسیم نرسی به کعبه ای اعرابی

این ره که تو می‌روی به ترکستان است



---

بقية الله

---

## بقیة الله

«بقیة الله» از القاب نامی و معروف حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>۱</sup> گذر زمان نام و نشان هرکس را نابود گرداند و آوازه‌های بلند و کاخ‌های سر به فلک کشیده کم کم به فراموشی سپرده شود. انسان برترین و تنها ماندگار جاوید خداوند متعال، خود را به دیار نیستی سپارد و اکنون که تاریخ را ورق می‌زنیم از شوکت و جلال سلاطین و پادشاهان بزرگ جز نامی در بند تاریخ نمی‌یابیم که در دل زمان حبس و زندانی گشته‌اند و سلسله آن‌ها از هم گسسته است. خدای سبحان در این باره می‌فرماید:

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾<sup>۲</sup>

اما انبیا با چنگ انداختن به دامان خدای یکتا و پاینده و نیز با اخلاص در عمل، خویشان را بیمه کرده و برای همیشه ماندگار گردیده‌اند و در قلب تاریخ می‌درخشند. گفتار و کردار آنان پس از

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۱، لقب شماره ۲۰؛ البقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۳.

۲. الرحمن: آیه ۲۶: «همه کسانی که روی آن [زمین] هستند فانی می‌شوند.»

گذشت صدها بلکه هزاران سال، امروز سر مشق و الگوی زیبای زندگی‌ها قرار گرفته است. انبیا معلّمان بلکه سازنده تاریخی زنده و زیبايند، بدین سان شخصیت، رفتار و گفتارشان تاکنون باقی مانده و جاوید خواهد ماند و این به جهت پیوند استوارشان با خدای متعال است. برخی از مفسران (تفسیر نمونه، ج ۲۳، آیه ۱۲۸) در تفسیر آیه شریف ﴿وَيَتَّقُ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾<sup>۱</sup> فرموده‌اند:

مقصود آیه انجام هر کاری است که برای خدا صورت گرفته و بدین سبب، باقی و جاوید می‌ماند، پس هر کس و هر کاری که به خدای توانا انتساب یابد و رنگ و بوی الهی به خود گیرد، ماندگار است.

### ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾<sup>۲</sup>

رنگ خدایی انسان را خدایی کند و صفات او را برگیرد؛ بدین سبب پایدار ماند.

اخلاص و پاکی، توحید و یگانه پرستی، سبب می‌شود تا انسان و رفتار و گفتارش ماندگار بماند. بر این اساس خداوند سبحان پیشوایان پاک دامن را از سلسله پاک و منزّه انبیا پدید آورد و این سلسله تا دامنه قیامت ادامه خواهد داشت و هرگز گسسته نشود.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریف ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾<sup>۳</sup> فرمود:

۱. همان، آیه ۲۷. «تنها ذات با شکوه و گرامی پروردگارت باقی می‌ماند.»  
 ۲. بقره، آیه ۱۳۸: «رنگ خدایی [پذیریدار رنگ ایمان و توحید و اسلام] و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟!»  
 ۳. زخرف، آیه ۲۸: «او کلمه توحید را کلمه پاینده‌ای در نسل‌های بعد از خود قرار داد، شاید به

مقصود، امامت است که حضرت حق - تبارک و تعالی - این امامت را در صلب امام حسین علیه السلام به امانت سپارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و هرگز قطع نگردد.<sup>۱</sup>

حدیفه از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله گوید:

آن حضرت در پایان عمر شریف خود خطبه‌ای ایراد کرد و ضمن آن به طور صریح جانشینان پس از خود را معرفی نمود: جانشین پس از من علی بن ابی طالب علیه السلام است. عرض کردم: یا رسول الله! پیشوایان چند تن هستند؟ در پاسخ فرمود: پیشوایان دوازده نفرند، به تعداد بزرگان و برگزیدگان بنی اسرائیل که نه تن آنها از نسل حسین علیه السلام می‌باشند و خداوند متعال علم و فهم مرا نزد آنها سپرده است. آنان خزانه دانش خدا و معدن‌های وحی اویند. سؤال کردم: چرا آنها از نسل حسن علیه السلام نیستند؟ فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - این امامت را در صلب و نسل حسین علیه السلام قرار داده است و منظور آیه شریف **﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾** نیز همین است.<sup>۲</sup>

آری! پروردگار متعال، امامان پیراسته و پاینده را در زمین پدید آورد و آنان هرگز دست‌خوش تحوّل و آلودگی‌های زمانه نگشتند، بلکه لحظه و آنی پیوند خویشتن را از خدای سبحان نگسستند و از حضورش غافل نشدند؛ بدین سان، اراده حق تعالی بر این اساس استوار گشت که آنان و تمام کردار و گفتارشان تا دامنه قیامت پاینده

⇒ سوی خدا باز گردند!

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶، ح ۲۵، کتاب الامامة، باب ۹، ان الائمه من ذرية الحسين عليه السلام.  
 ۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۳۱، ح ۱۹۱، تاریخ امیرالمؤمنین عليه السلام، باب ۴۱، نصوص الرسول صلی الله علیه و آله.

بماند و با وجود خویشتن به آفرینش تداوم ببخشند و با فرامین و رفتار خود، مردم را هدایت گر باشند.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

فرمود:

سوگند به خدا! ما [اهل بیت علیهم السلام] «بقیة الله» در زمین هستیم.<sup>۲</sup>

امام کاظم علیه السلام قنداقه حضرت امام رضا علیه السلام را به مادرش، نجمه

برگرداند و به او فرمود:

او را بگیر که بقیة الله [= آنچه خدا باقی گذارده] در زمین است.<sup>۳</sup>

حضرت حجة بن الحسن علیه السلام ذخیره خدا در زمین است.

احمد بن اسحاق:

خدمت امام حسن عسگری علیه السلام شرف حضور یافتم و در نظر

داشتم که از جانشین پس از او سؤال نمایم، اما حضرت زودتر

لب به سخن گشود و فرمود: ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و

تعالی حضرت آدم را آفرید و تا روز قیامت زمین را بدون حجت

نگذارد و خدا به برکت آن ها بلا را از اهل زمین برطرف سازد و

باران از آسمان بیارد و زمین برکات خود را برویاند. عرض کردم:

ای فرزند رسول خدا! خلیفه و پیشوای پس از شما کیست؟ حضرت

از جا برخاست و به اندرون منزل رفت و لحظه ای بعد با کودکی سه

ساله سوار بر دوش خویش که چون ماه شب چهارده می درخشید،

۱. هود، آیه ۸۶: «آن چه خدا برای شما باقی گذاشته برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید.»

۲. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۳۱۲، ح ۱، ب ۷، تاریخ الامام محمد باقر علیه السلام خروج الی الشام.

۳. «خدیبه فانه بقیة الله عزوجل فی ارضه»؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۲، ب ۵۶ کتاب الإمامة انهم علیهم السلام حزب الله وبقیته، ذیل ح ۱.

برگشت و فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر جایگاه بلند تو نزد خدا و حجت‌های او [امامان معصوم علیهم‌السلام] نبود، این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. پرسیدم: ای سرورم! ای کاش به من نشانه‌ای ارائه می‌دادید تا قلبم مطمئن گردد که آن کودک به سخن آمد و با زبان عربی فصیح فرمود: «انا بقیة الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه»؛ من بقیة الله در زمین و انتقام‌گیرنده از دشمنان خدایم.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه‌السلام ضمن روایتی فرمود:

هنگامی که حضرت قائم علیه‌السلام رستاخیز نماید، مسجد الحرام را با نور خویش روشن سازد، به کعبه تکیه زند و ۳۱۳ تن از مردمان نزد او گرد آیند و نخستین سخنی را که گوید این آیه شریف است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» سپس بفرماید: «انا بقیة الله فی ارضه»؛

منم بقیة الله در زمین.<sup>۲</sup>

پرسش‌گری از امام صادق علیه‌السلام سؤال نمود:

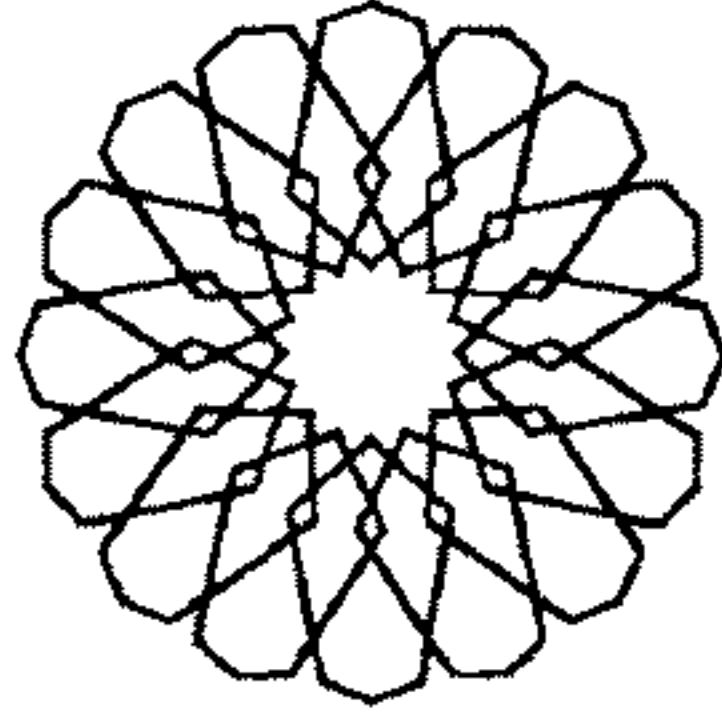
به حضرت قائم علیه‌السلام چگونه درود فرستیم؟ حضرت در پاسخ فرمود: بگویید: «السلام علیک یا بقیة الله» و بعد آیه شریف «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» را تلاوت فرمود.<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴، ح ۱۶، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱۸، ذکر من رآه علیه‌السلام.

۲. همان، ص ۱۹۱، ح ۲۴، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۵، علامات ظهوره.

۳. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۳۲، لقب ۲۰.





---

**تالی القرآن و ترجمانه**

---

## تالی القرآن و ترجمانه<sup>۱</sup>

امام زمان، حضرت حجت علیه السلام، تفسیرگر و ترجمان قرآن کریم است. قرآن رشته پیوند خالق و مخلوق است یکتا کتابی است که هر چه خوانند، خستگی نیاورد و کهنه نگردد و هر چه از آن بهره‌وری شود، پایان نیابد، کتاب قانون دین است و تربیت، بر اساس توحید استوار گشته و ولایت، بنیان آن است. گاه از فرد گوید و زمانی از اجتماع، در سیاست و اقتصاد سخن راند، از سرگذشت پیشینیان پرده بردارد، کتاب پروردگار، معلمی است دلسوز، واعظی است راستین، گفتارش گویا و دل‌نشین و متین است، دانش نخستین و آخرین، در آن گرد آمده، از دروغ‌کاری است و از اشتباه‌بری. قرآن سفره‌ای است رنگین، هر کس بر آن نشیند به فراخی و وسع خویشتن کام گیرد، چونان خورشیدی است سراسر نور و تابش و بسان دریایی ژرف و بی پایان. غواصان چیره دست در فعر آن به جست و جوی گوهر و سرمایه‌های گران سنگ‌اش شنا کنند.

قرآن چون از کفرپیشگی و بیدادگری لب به سخن گشاید، سازش

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۵، لقب شماره ۲۹؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۴۱.

نکند و ستیزه جو باشد و سخت گیر. کتاب خدا راه را از بی راه روشن سازد و باطل را از راست جدا نماید. در این کتاب بی همتا هرگز باطل راه نیابد، هیچ گاه کاستی پیدا نکند و بر آن افزوده نگردد، زیرا حضرت حق تبارک و تعالی نگاهبان و مرزبان آن است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾<sup>۱</sup>.

قرآن ارجمند، نازل گشت تا انبیا را به توحید و یکتا پرستی بشناساند. آدم را به برگزیدگی خداوند، ابراهیم را به خلیل اللهی، موسی را به کلیم اللهی ستایش کند، از مریم و عیسی به پاکی و پیراستگی یاد کند و اگر قرآن راستین، آن سفیران الهی و صاحبان ادیان را به توحید و نبوت نمی آراست چه راهی برای شناخت و پیراهیدن آن‌ها بود؟!

اما با این همه عظمت و بزرگی که قرآن کریم دارد، آیاتش ظاهری دارد و باطنی، صریح و غیر صریح [محکم و متشابه] که در هم آمیخته است. در این دریای ژرف هیچ کس به تنهایی نمی تواند شنا کرده، قرآن را تفسیر کند و باطن را از ظاهر، محکم را از متشابه باز شناسد، به کنه اش پی ببرد. بدین سبب بر ماست که در بهره گیری از قرآن کریم به ریسمان الهی (خاندان معصوم رسول خدا ﷺ) چنگ در اندازیم و تأویل و تفسیر قرآن را از آنان بیاموزیم، چون قرآن با تفسیرش بر آنان نازل گشته است؛ آنان وارثان دانش خدا و رسول اویند. آن‌ها معدن و گنجینه علم و دانش اند. خانه آنان جایگاه نزول و کانون وحی خداست و ظاهر و باطن قرآن را آن‌ها دانند و بس. چه بسیار کسان که با نام و نشان مفسر و بدون این که از مفسران حقیقی و آگاهان راستین به قرآن یعنی امامان معصوم ﷺ کمک گیرند در قرآن وارد گشتند، ولی به

۱. حجر، آیه ۹؛ «ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگهدار آنیم.»

ساحل رستگاری و کام‌یابی نرسیدند و در گرداب گمراهی و زیان فرو نشستند و قرآن سبب نجات و هدایت آنان نگشت:

﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾<sup>۱</sup>

رسول اکرم ﷺ:

«رُبَّ تَالِي الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنِ يَلْعَنُهُ»؛

بسی خواننده قرآن که قرآن او را لعن و نفرین نماید.<sup>۲</sup>

برید از امام باقر علیه السلام از تفسیر آیه شریف ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾<sup>۳</sup> سؤال نمود. حضرت در پاسخ فرمود:

منظور آیه، تأویل و تفسیر قرآن است که جز خدا و راسخین و پایداران در دانش ندانند. رسول خدا ﷺ برترین راسخان است. خدای سبحان همه قرآن و تأویل آن را بر او فرو فرستاد و آیه‌ای نازل نفرمود که تأویلش را به رسولش نیاموخته باشد و جانشینان پس از رسول خدا، همه آن‌ها را می‌دانند.<sup>۴</sup>

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام:

قرآن نوشتاری است که میان دو جلد پنهان گشته، زبان سخن گفتن ندارد [صامت است] بدین جهت مفسر و مترجم نیاز دارد.<sup>۵</sup> آقا و سرور عالم آفرینش، حضرت مهدی علیه السلام، قرآن ناطق و گویا است؛ سینه‌اش گنجینه دانش خدا و رازدار اسرار اوست. قرآن کریم که

۱. اسراء، آیه ۸۲: «و [قرآن] ستم‌گران را جز خسران نمی‌افزاید.»

۲. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۸۴، کتاب القرآن، باب ۱۹، فضل حامل القرآن، ح ۱۹.

۳. آل عمران، آیه ۷: «در حالی که تفسیر آن‌ها را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند.»

۴. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۹۲، کتاب القرآن، باب ۸، ان للقرآن ظهراً و بطناً، ح ۳۹.

۵. همان، ج ۳۳، ص ۳۷۰، تاریخ امیرالمؤمنین، باب ۲۲، اخبار النبی صلی الله علیه و آله بقتال الخوارج و

کفرهم، ح ۶۰۲

روشن‌گر دانش هر چیزی است، پیش آن امام همام است. آن چه از قرآن و تأویل و تفسیر آن بر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نازل گشت و آن رسول می دانست، مهدی علیه السلام می داند. پیوند حضرت مهدی علیه السلام با قرآن، ناگسستنی است و ولایتش از قرآن جدا نیست. هر خواننده و آموزگار قرآن باید با نام و یاد آن حضرت کتاب خدا را در دست گیرد و هر مفسر قرآن باید با اذن او و علوم نیاکان پاکش از قرآن لب به سخن گشاید و پرده از اسرار و رموز قرآن کنار زند. اکنون که سالیان درازی است که از امامت و پیشوایی به حق آن حضرت می‌گذرد، بار همه امانت‌های الهی و علوم ربّانی را بر دوش می‌کشد و در هنگامه ظهور و فرج - که مدعیان دانش قرآن و تفسیر آن بسیارند - مهدی علیه السلام آن بازمانده اهل بیت علیهم السلام از باطن آیات سخن گوید و آیات متشابه را که معنای آن بر مردم پوشیده است، روشن سازد. مطابق قرآن و دانش خویش که برگرفته از دانش انبیا و قرآن است، بر مردم حکم راند و همگان را به قرآن بلند مرتبه فراخواند؛ قرآنی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام گردآورد نزد او به امانت سپرده شده است. آن گاه که خورشید امامت حضرت بقیة الله علیه السلام، از کران ظاهر گردد به مردم خطاب کند:

ای مردم! هر که با من در کتاب خدا به احتجاج و نزاع برخیزد، من به قرآن شایسته‌ترم.<sup>۱</sup>

در زیارت حضرت این طور سلام و عرض ادب می‌کنیم:

«السلام عليك يا تالی کتاب الله و ترجمانه»؛

درود بر تو ای تلاوت‌کننده و ترجمان کتاب خدا!<sup>۲</sup>

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۴۱، تاریخ الامام الثانی، باب ۲۷، سیره و اخلاقه و...، ح ۹۱.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.

و در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«و خزنة لعلمه و مستودعاً لحكمته و تراجمة لوحیه»؛

شما گنجینه دانش خدایید و حکمت و دانایی خدا نزد شما به امانت سپرده شده، شما ترجمان وحی اویید.<sup>۱</sup>

پس از آن که عمر به خلافت رسید، قرآن ناطق، امیرالمؤمنین، جانشین برحق رسول الله ﷺ، علی علیه السلام را فراخواند و از او خواست تا قرآنی را که گرد آوری کرده به وی دهد تا بسوزاند و نابود کند، اما حضرت نپذیرفت و فرمود: آن قرآن جز به دست پاکان از فرزندانم نیفتد:

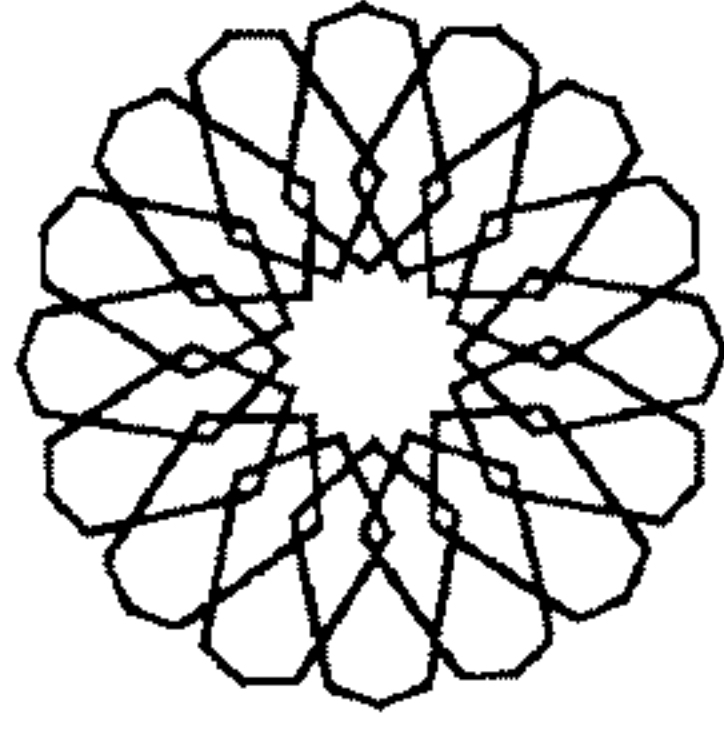
﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾<sup>۲</sup>.

آن قرآن آشکار نگردد تا حضرت قائم علیه السلام قیام نماید و مردمان را بر رفتار مطابق آن وادار کند و سیرت و روش خویش را براساس آن جاری کند.<sup>۳</sup> باری! آنان که در روزگار غیبت به نام تفسیرگر، قاری و آموزگار قرآن کریم، قلم به تفسیر و زبان به خواندن و آموختن قرآن گرفته و از ولایت آن امام نیک سیرت، سرباز زده‌اند و با ناباوری و نادانی به امامت آن حضرت و نافرمانی از او گام می‌نهند، نقطه پیوندشان با «حسبنا کتاب الله؛ کتاب خدا، تنها ما را بس باشد» است و اینان در هر عصری اندک نبوده و نیستند؛ اینان در این جهان کور و گمراهند و در آخرت از زبان کارانند. اینان بسان آنانند که در ساحل دریا هستند و از تشنگی جان سپارند و ناکام مانند.

۱. همان، زیارت جامعه کبیره.

۲. واقعه، آیه ۷۹: «و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند].»

۳. بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۲۵۸، تاریخ امیرالمؤمنین، باب ۲۶، مثالب عثمان و بدعه و الاحتجاج، الطعن السابع.



---

حجة الله

---

## حجّة الله

یکی دیگر از نام‌های بلند آوازه حضرت مهدی علیه السلام «حجّة الله» است.<sup>۱</sup> ذهن پرسش‌گر و تحلیل‌گر انسان برای هر پدیده‌ای علتی جویا می‌شود و برای هر رویدادی به جست و جوی دلیل آن بر می‌آید؛ آفریدگار ما کیست؟ هدف از آفرینش چه بود؟

آیین اسلام بر اساس خرد و اندیشه شکل گرفته و قرآن، کتاب مکتب مبین اسلام به انسان درس تعقل و اندیشه آموخته است؛ هر که دین و آیینی برای خویشتن برگزیند یا به اصلی معتقد و پای بند گردد، دین خود را بر اساس عقل، اندیشه و دلیل بنیان می‌نهد، نه بدون دلیل و بر پایه تقلید و پیروی کورکورانه از نیاکان و پیشینیان خود، که این شیوه‌ای بس ناپسند و نکوهیده است:

﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۸، لقب شماره ۳۸؛ عبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۴.



يَهْتَدُونَ»<sup>۱</sup>، «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>۲</sup>.

دلیل و حجت به دو گونه قابل ارائه است: یکی دلیل لفظی که پژوهشگر جواب خویش را در قالب الفاظ دریافت می‌کند. دیگر این که با دیدن نمونه‌ای پاسخ را در عمل می‌یابد؛ مثلاً وقتی که سخن از زیباترین پرنده به میان می‌آید، پاسخ‌گو به توصیف و ترسیم طاووس می‌پردازد یا این که با نشان دادن نمونه‌ای از این پرنده زیبا جواب را در عمل می‌دهد و این شیوه استدلال و پاسخ گفتن جایی برای شک و بهانه نمی‌گذارد و در جان انسان قرار می‌گیرد، اما به کارگیری الفاظ و کلمات در دلیل آوردن و پاسخ گفتن همانند نشان دادن نمونه نیست، زیرا امکان دارد معانی کلمات به خوبی ارائه یا فهمیده نشود؛ وانگهی سلیقه‌ها در استفاده کلمات متفاوت است و این از اتقان و استحکام دلیل لفظی می‌کاهد.

خداوند دانا و فرزانه از هر دو شیوه استفاده کرده و به پرسش‌های آشکار و نهفته انسان پاسخ مثبت داده تا حجت بر همگان تمام گردد و جای هیچ گونه عذر و بهانه‌ای نماند. بدین جهت پیشوایان پیراسته آیین اسلام علیهم‌السلام را در صحنه گیتی به نمایش گذارده تا آنان ضمن توضیح معارف الهی و تعیین وظایف مردم، جلوه تمام نگار پروردگار جهانیان و صفات نیک و خیر او بر زمین باشند.

اگر نبی اکرم، امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب، فاطمه زهرا و فرزندان معصومشان علیهم‌السلام پا به عرصه وجود نگذاشته بودند، خداوند

۱. مائده، آیه ۱۰۴: «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «به سوی آن چه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید.» می‌گویند: «آن چه از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است!؛ آیا اگر پدران آن‌ها چیزی نمی‌دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آن‌ها پیروی می‌کنند)؟»

۲. بقره، آیه ۲۴۲: «این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد؛ شاید اندیشه کنید.»

سبحان چون گنجی گران سنگ پنهان و مستور می ماند.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام :

به واسطه ما خدا پرستش و شناخته می شود و به واسطه ما خدا

به یگانگی خوانده می شود.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام :

خدای متعال ما را به بهترین شکل آفرید و به زیباترین صورت ها

بیاراست و ما را به خزانه داری آسمانها و زمین گماشت و اگر ما

نبودیم خدا شناخته نمی شد.<sup>۳</sup>

قرآن کریم رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عنوان نمونه و اسوه ای نیک می شناساند:

﴿وَلَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾<sup>۴</sup> - خاندان آن حضرت صلی الله علیه و آله نیز

نمونه اند و از او جدا نیستند - تا الگوی تمام زندگی ها قرار گیرند، زیرا گفتار و

رفتار او از سرچشمه زلال علم و معرفت (وحی) برگرفته شده و کردار پاک و

اخلاق نیک آن حضرت آینه تمام نمای صفات خداوند متعال است، پس

او و جانشینانش بر همگان حجت اند.

سدیر از امام باقر علیه السلام سؤال نمود:

فدایت کردم شما که هستید؟ [خویشان را به من بشناسانید و

جایگاه خود را ترسیم کنید].

فرمود: ما مخزن دانش خداییم، ما تفسیرگران و ترجمان وحی

۱. قال سبحانه: «كنت كنزا مخفيا فأخبيت أن اعرف فخلقت الخلق لكي أعرف وسطى»؛ بحار الأنوار،

ج ۸۷ ص ۱۹۹، کتاب الصلاة، باب ۱۲، كيفية صلاة الليل، ذیل ح ۶

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۵، کتاب التوحید، باب النوادر، ح ۱۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰۷، کتاب الامامة، باب ۵، انهم علیهم السلام خزان الله فی علمه، ح ۱۰.

۴. احزاب، آیه ۲۱: «مسلماً برای شما در زندگی، رسول خدا سرمشق نیکویی می باشد.»

خدایم و ما حجت خداوند در بین زمین و آسمان هستیم.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام :

منظور از «**فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ**»<sup>۲</sup> ما هستیم که بر تمام آفرینش  
حجتیم.<sup>۳</sup>

در زیارات و روایات، حضرت ولی عصر حجة بن الحسن علیه السلام و با نام  
«حجة الله» یاد شده‌اند. در زیارت جمعه مربوط به آن حضرت این  
طور می‌خوانیم:

«السلام عليك يا حجة الله في ارضه».<sup>۴</sup>

ابی هاشم جعفری:

امام علی النقی علیه السلام فرمودند: جانشین پس از من، فرزندم حسن  
است. سپس ادامه دادند: با خلیفه پس از حسنم چگونه خواهید  
بود؟ پرسیدم: فدایت شوم، این چه سؤالی است! فرمود: شما او  
را نمی‌بینید و بردن نام [اصلی] او بر شما حرام است. گفتم:  
چگونه او را صدا بزنیم و با چه نامی از او یاد کنیم؟ پاسخ دادند:  
با این نام «الحجة من آل محمد».<sup>۵</sup>

محدث نوری طبرسی:

در روایات وارد شده که نگین انگشتی آن حضرت به کلمه «أنا  
حجة الله»؛ «من حجت خدا هستم» آراسته شده و با همین نام بر  
سراسر گیتی حکومت کند.<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۳.

۲. انعام، آیه ۱۴۹: «دلیل رسا و قاطع»، برای خداست. ۳. تفسیر جامع، ذیل آیه شریفه.

۴. مفاتیح الجنان.

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸۱، باب ۳۷، ما روی عن ابی الحسن بن محمد الهادی علیه السلام، ح ۵.

۶. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۸، در اسماء و القاب.

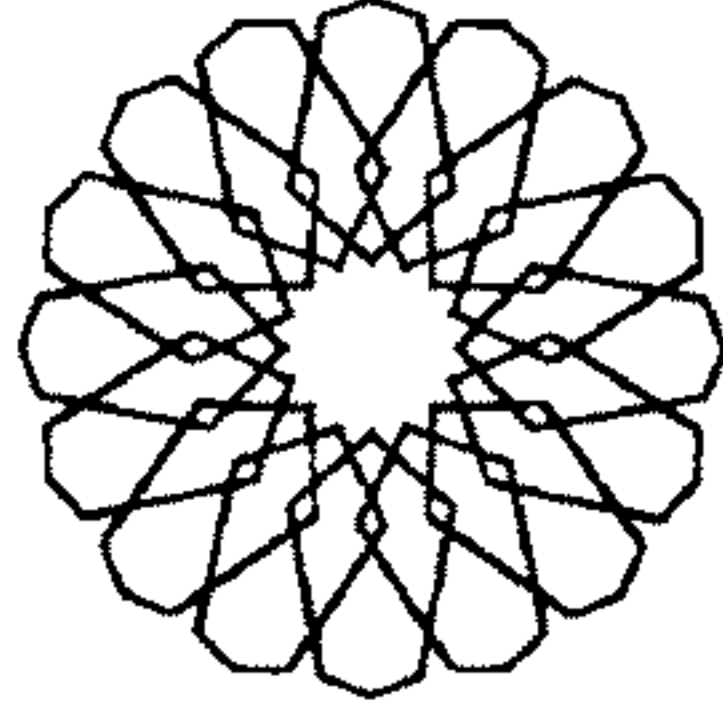
حضرت بقیة الله عليه السلام در پاره‌ای از توقیعات<sup>۱</sup> خویش به اسحاق بن یعقوب نوشتند:

... در رویدادهایی که رخ می‌دهد به راویان احادیث ما رجوع کنید؛ آن‌ها از جانب من بر شما حجت‌اند و من حجت خدا هستم، (أنا حجة الله).<sup>۲</sup>

گفتار و رفتار حضرت مهدی موعود - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - الگوی تمام زندگی‌هاست و راه هر عذر و بهانه‌ای را می‌بندد. سینه به بلندای آسمان آن حضرت، مخزن علوم و معارف خدا هست. اخلاق نیک و صفت پسندیده‌اش نموداری کامل از صفات خداوند را به تصویر می‌کشد. اگر حضرت حجت عليه السلام قدم در نظام هستی نگذاشته بود، خداوند سبحان برای ما مجهول و ناشناخته و مستور می‌ماند. هنگامی که حجت خدا مهدی موعود عليه السلام با دست الهی خویش پرده غیب را کنار زند و نقاب از چهره الهی خود بپسند و ظهور و حضورش به هم پیوسته گردد، همه دوستداران و عاشقان وی یک‌باره دست از جان و تن شسته و با تمام وجود محو و حیران سیمای دل‌ربایش شوند و خداوند سبحان را با تمام زیبایی‌هایش در آن رخسار نگارین بیابند. بدین سان هرگونه شک و تردیدی از دل‌ها رخت بریندد و قلوب شیفتگان آن حضرت مانند کوه، محکم و اراده‌هایشان از آهن سخت‌تر گردد و ایمان‌شان به نهایت رسد.

۱. توقیعات، نامه‌هایی بوده که حضرت حجت عليه السلام در زمان غیبت صغرا به نایبان و سفیران خاص برای پاسخ به مردم می‌نگاشته‌اند.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰، کتاب القضاء، ابواب صفات القاضی، باب وجوب الرجوع فی القضاء، ح ۹.



---

**خليفة الله و**  
**خليفة آباءه المهديين**

---

## خليفة الله و خليفة آباءه المهديين<sup>۱</sup>

حضرت ولی عصر علیه السلام، خلیفه و نماینده خدا و پیشوایان دین در زمین است. خلیفه بر جای کسی که او را به جانشینی خود منصوب کرده نشیند و زمام امور را در دست گیرد و بسان او حکم براند. امر خلافت از ویژگی های آیین اسلام نیست، بلکه از دیرینه ترین امور است و ریشه در پیش از آفرینش انسان دارد. خداوندگار پیش از آن که انسان را صورت‌گری نماید، رشته سخن از چنین امر و انتصابی گشود و خطاب به فرشتگان فرمود:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾؛

من در روی زمین، خلیفه و نماینده‌ای برای خویش قرار می‌دهم.<sup>۲</sup>

آری! پروردگار بی‌نیاز و پاینده، در زمین برای خود جانشینی گذارد تا چونان او در امور آفرینش کارگر باشد و گستره این امر مهم را به زمان، مکان و فرد خاصی محدود نکرد.

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۷۲، لقب شماره ۵۲؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسماء و القاب، ص ۲۳.

۲. بقره، آیه ۳۰.

آن زمان که حضرت آدم عليه السلام به زمین هبوط و نزول فرمود، کرهٔ خاکی برای نخستین بار، سنگینی نمایندهٔ خدا را بر خود تجربه کرد و در برابرش سر تعظیم فرود آورد و ایزد متعال زمین را با تمام گستردگی و هستی اش، تحت حکومت و اختیار او قرارداد. امر خلافت با حضرت آدم عليه السلام آغاز گشت، ولی با درگذشت او به پایان نرسید، بلکه پس از او جانشینانش یکی پس از دیگری بر این مسند خطیر نشستند و این سلسله، گسسته نگشت تا خلافت به نبی اکرم اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله منتقل گشت و آن حضرت چون انبیای پیشین نه تنها مالک و حاکم بر خاوران بلکه مالک و فرمان روای خاوران و اختران شد و همه در تسلط و حکمرانی او قرار گرفت،<sup>۱</sup> زیرا خداوند برای نمایندهٔ خود محدوده‌ای را معین نمود و به فرمانبرداری اش فرمان داد و از نافرمانی اش منع کرد؛ او را قانون گذار قوانین خود گرداند و هر چه برای خود پسندید و برگزید برای آن رسول رضا داد. بدین جهت نبی اکرم صلی الله علیه و آله مالک و حاکم علی الاطلاق چرخ گردون و ساکنانش می باشد.

خداوند مالک و صاحب زمین و آسمانها و تمام موجودات است.<sup>۲</sup> تمام گنجینه و منابع آنها از آن اوست،<sup>۳</sup> تمام جن و انس بلکه تمام موجودات و هستی لشگر اویند<sup>۴</sup> و ایزد یکتا، زمام و تدبیر امور را بدون هیچ کاستی به دست شایسته و بالیاقت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار داد بدین سبب تدبیر تمام امور به دست آن حضرت به سر انجام می رسد.

۱. کافی، ج ۱، ۵۳۸، باب الفیء و الانفال و تفسیر الخمس، ح ۱.

۲. نجم، آیه ۳۱: «لله ما فی السموات و ما فی الارض؛ برای خداست آنچه در آسمان و زمین است.»

۳. منافقون، آیه ۷: «لله خزائن السموات و الارض؛ خزائن آسمان و زمین از آن خداوند است.»

۴. فتح: آیه ۷: «لله جنود السموات و الارض؛ لشکریان آسمان و زمین از آن خداوند است.»

پس از رحلت جان گداز و خانمان سوز نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خلافت با تمام گستردگی و زوایایش، به امیرالمؤمنین، علی عَلَيْهِ السَّلَام منتقل گشت و آن حضرت، او را به فرمان خداوند متعال، به خلافت و نمایندگی خویش منصوب کرد. این سلسله بعد از شهادت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام ادامه پیدا کرد و از امامی به امام دیگر سپرده شد و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نام و نشان تمام آن‌ها تصریح نمود<sup>۱</sup> تا سرانجام خورشید فروزان ولایت و خلافت خدا و رسولش در سیمای خجسته حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام درخشید و فروغ دیدگان را با نور تدبیر و سیاست روشن ساخت و این گونه مهدی عَلَيْهِ السَّلَام آخرین خلیفه و نماینده خدا، سیاست‌گذار و حکم‌فرمای همه آفریده‌گان گشت.

خلافت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را نخست خدای متعال وعده نمود:  
**﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾**<sup>۲</sup> و پس از آن نبی اکرم و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام از خلافت آن حضرت خبر دادند.<sup>۳</sup>

باری! مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خلیفه و نماینده خدا و تمام انبیا و اوصیا در زمین است و بر جن و انس بلکه بر تمام هستی حکومت و سرپرستی کند و همگی به خدمتش درآیند.

۱. «بحار الأنوار» ج ۲۳، ص ۲۸۹، کتاب الامامة، باب ۱، وجوب طاعتهم، ح ۱۶.  
 ۲. نور، آیه ۵۵: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید.»  
 ۳. «بحار الأنوار»، ج ۳۶، ص ۳۳۵، تاریخ امیرالمؤمنین، باب ۴۱، نصوص الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علی الأئمة، ح ۱۹۵.



در زیارات، آن حضرت را با این لقب و با این صفت خطاب کرده،  
به او سلام می‌کنیم:

السلام عليك يا خليفة الله و خليفة آباءه المهديين.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود:

روز رستاخیز و ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراخواهد رسید و بر  
فراز سر مبارک آن حضرت ابری سایه افکنده و از میان آن ابر  
کسی بانگ زند: «هذا مهدی خلیفة الله»؛ این مهدی علیه السلام خلیفة  
خداست، از او پیروی کنید.<sup>۲</sup>

نکته:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>۳</sup>، ﴿خَلِيفَةٌ فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۴</sup>، ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ  
آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِهِمْ﴾<sup>۵</sup>.

با توجه به آیات بالا و آیاتی که دلالت بر خلافت می‌کنند می‌توان  
نتیجه گرفت:

۱. میان خلیفه و کسی که او را به خلافت و نمایندگی خود  
برمی‌گزیند باید پیوند و پیوستگی باشد؛ بدین جهت بر خلیفه لازم

۱. مفاتیح الجنان، زیارت دوم امام زمان علیه السلام.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۵۱، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱، ماورد من الاخبار بالقائم علیه السلام، ح ۱۶.

۳. بقره، آیه ۳۰: «من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد.»

۴. ص، آیه ۲۶: «ما تو را جانشین در روی زمین قرار دادیم.»

۵. نور، آیه ۵۵: «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد  
که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همانگونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین  
را بخشید.»

است که صفات مستخلف را در درون خود به تصویر بکشد و آینه حقیقت نمای او باشد.

۲. بر اوست همانند خدا و رسولش بر معجزه و امور خلاف عادت، توانا باشد. آن چه خدا اراده کند، او هم اراده نماید و آن چه خدا به آن حکم کرده، حکم نماید و تخلف نکند و تمام وظایف باری تعالی و مستخلف را به دوش کشد. او باید عصاره عوالم جسمانی و روحانی و اشرف و برتر از تمام آفرینش باشد؛ بدین سان انتصاب خلیفه تنها به امر و فرمان خداوند بلند مرتبه به سرانجام می‌رسد و انتصاب انبیا در حقیقت پرده برداری و خبر از انتصاب خداوند است.

۳. یزدان متعال برای خلیفه و نماینده خود شرایطی گذارده که سرپیچی و نافرمانی از آن‌ها سبب برکناری آن خلیفه از این مسند الهی و خطیر می‌شود؛ برخی از آن شرایط از این قرار است:

الف: انتصاب خلیفه برای نمایندگی خدای بخشایشگر تنها باید از سوی او صورت گیرد و در این امر مردم، صاحب هیچ حق و اختیاری نیستند، زیرا خداوند متعال فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ و انتصاب این امر را به خود نسبت داد.

ب: بر خلیفه خدا لازم است که میان مردم به حق و درستی حکم کند و از حقیقت امور آگاه باشد تا جاهلانه و بر خلاف حق حکمی نراند: ﴿فَاخْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾<sup>۱</sup> بدین جهت برخی بزرگان گفته‌اند:

لقب خلیفه الله بر اندام مبارک حضرت حجة بن الحسن علیه السلام از هرکس دیگری زیبنده‌تر است، زیرا آن حضرت در دوران

۱. ص، آیه ۲۶: «میان مردم به حق دآوری کن.»

ظهورش به واقع و باطن هر امری حکم کند و به ظاهر، توجّهی ننماید. منافق و دو چهره را از راست کردار و دروغ پرداز را از راست گفتار باز شناسد و در حکم و قضاوت خویش از کسی بیّنه و دلیلی درخواست ننماید.<sup>۱</sup>

ج: خلیفة خدا باید هواپرست و خود محور نباشد تا سبب گمراهی نگردد و آدمیان از راه خدا و حقیقت منحرف نشوند و احکام الهی را که راه رسیدن به خداست، دگرگون نسازد:

﴿وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾<sup>۲</sup>.

### درآمد

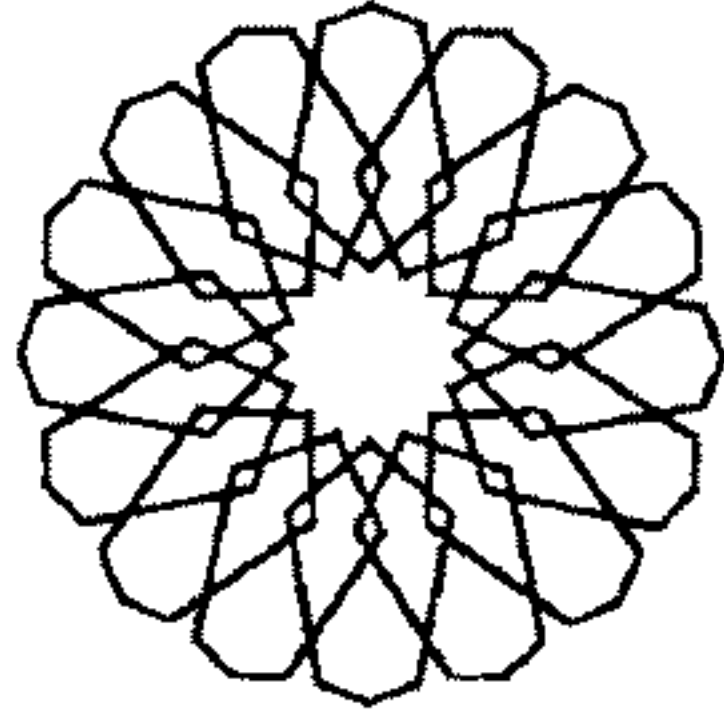
با توجه به نکته‌ها و شرایط بالا روشن است که مسند خلافت تنها زیننده امیر المؤمنین، علی علیه السلام و فرزندان معصومش علیهم السلام بوده و در عصر غیبت تنها دارنده این شرایط حجة بن الحسن المتهدی علیه السلام می‌باشد و آنان که غاصبانه و ظالمانه حق مسلم اهل بیت علیهم السلام را ربودند دارای هیچ یک از شرایط نبوده و در زمره کفار و مشرکان به عذاب سخت خداوند گرفتار آیند:

﴿لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾<sup>۳</sup>.

۱. العبقری الحسان، ج ۱، باب اسامی و القاب، ص ۲۴، ذیل لقب خلیفة الله .

۲. ص، آیه ۲۶: «و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند.»

۳. ص، آیه ۲۶: «عذاب شدید به سبب فراموش کردن روز حساب دارند.»



---

داعی اللہ

---

## داعی الله

### حضرت حجّت علیّه، مشعل فروزان

ایام چون سیلی خروشان در بستر رودخانه‌ها با امواجی پر طمطراق در حرکت است و در گذر زمان هر لحظه، آوایی به گوش می‌رسد که توجه همگان را به خویشتن معطوف داشته و مردم را به سوی خود فرا می‌خواند؛ و هر یک مدعی نجات و هدایت انسان هستند، اما یکی راست گوید و به خدا دعوت کند و دیگری دروغ پردازد و تزویر کند، یکی از جان انسان و فطرت برخیزد و دیگری اغوای شیطان باشد. در این میان مردم سرگردان مانند؛ برخی به ندای فطرت که از درون برخیزد گوش فرا دهند و بعضی فریب شیطان خورند و صید دام او گردند. انبیا نخستین کسانی بودند که آواز درونی توحید را یافتند و به آن جواب مثبت دادند، سپس به حمایت آن ندا، کمر همت بستند و آدمیان را به توحید و یکتا پرستی که هدف بعثت انبیاست، فرا خواندند و چیزی از خویشتن به آن نیفزودند. حضرت عیسی علیّه در پاسخ به خدای متعال که به او فرماید:

آیا تو به مردم گفتی که تو و مادرت را به خدایی خوانند و مشرک

شوند» گوید: «من آن چه را که تو به من دستور داده بودی به مردمان ابلاغ کردم و از پیش خود چیزی بر آن نیفزودم؛ [یعنی به مردم گفتم: عبادت و بندگی خدایی را بکنید که پروردگار من و شماست.]<sup>۱</sup> قرآن، یگانه یکتا پرستی، نبی اکرم ﷺ را هدایت‌گر و کسی که مردم را به سوی خدا فرا می‌خواند و مشعل فروزان برای رهروان راه خداست، می‌شناسد و درباره آن حضرت می‌فرماید:

﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا﴾<sup>۲</sup>.

اهل بیت نبی اکرم ﷺ هم چون آن حضرت سر سلسله بلکه معلم یکتا پرستان هر زمان بوده‌اند. رفتار آنان خداگونه بوده و با کردار و گفتار خویش مردم را به سوی خدا، توحید، بهشت و... فرا می‌خواندند و اگر آن‌ها نبودند، معارف به مردم منتقل نمی‌شد و خدا ناشناخته می‌ماند. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریف: ﴿وَأَثُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾<sup>۳</sup> فرمود:

و الدعاء إلى الجنة و الادلاء عليها إلى يوم القيامة؛ آنان کسانی هستند

که تا دامنه قیامت مردم را به سوی بهشت و خدا فرا می‌خوانند.<sup>۴</sup>

۱. مانده، آیه ۱۱۷: ﴿وَ إِذْ قَالَ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّئِي إِهْلِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحٰنَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتَ قُلْتَهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلٰمُ الْغُيُوبِ. مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾

من، جز آن چه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آن‌ها نگفتم؛ که خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست! و تا زمانی که در میان آن‌ها بودم، مراقب و گواهمشان بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آن‌ها بودی؛ و تو بر هر چیز، گواهی! [با این حال] اگر آن‌ها را مجازات کنی، بندگان تواند. [و قادر به فرار از مجازات تو نیستند]؛ و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی [نه کیفر تو نشانه بی‌حکمی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف].

۲. احزاب، آیه ۴۶: ﴿وَ تَوْرًا دَعْوَتَ كُنْتُمْ بَسُوهُ خَدًا بِهٖ فَرْمَانٌ اَوْ قَرَارٌ دَادِمْ، وَ چِراغی رُوشنی بَخَش!﴾

۳. بقره، آیه ۱۸۹: ﴿وَ از در خانه‌ها وارد شوید﴾

۴. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۰۳ کتاب الامامة، باب ۵۳، انهم جنب الله و وجه الله، ح ۳۶.

امام رضا علیه السلام بر گروهی که در امر امامت و پیشوایی به اختلاف و گفت و گو نشسته بودند، گذر نمود و به آن‌ها فرمود: «شما از اهمیّت امر امامت چه می‌دانید؟» و برای امام ویژگی‌هایی بیان فرمود ...

امام کسی است که مردم را به سوی خدا فرا می‌خواند و از حریم

او دفاع می‌کند: «و الداعی الی الله و الذاب عن حرم الله»<sup>۱</sup>

در زیارت جامعه کبیره به آن سروران، با این صفت و لقب توجه

نموده و درود می‌فرستیم:

السلام علی الدعاة الی الله؛

درود بر شما که مردم را به سوی خدا فرا می‌خوانید.<sup>۲</sup>

در برابر پیشوایان پاک و هدایت‌گر به سوی خدا، امامان و پیشوایان

کفر و فساد و ستم هستند که به جای خدا پرستی، هوامی پرستند و آدمیان

را به خدا و بهشت و اعمال نیک فرا نمی‌خوانند، بلکه به خود و رفتار

ناشایست، بیداد، ستم و دوزخ دعوت می‌کنند. امام صادق علیه السلام در تفسیر

آیه شریف: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾<sup>۳</sup> فرمود:

خداوند در قرآن دو آیه درباره امام فرموده: یکی ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً

يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا﴾<sup>۴</sup>؛ یعنی ما، آل محمد علیهم السلام را پیشوای خلق قرار

دادیم که به فرمان ما، نه به دلخواه و خواست مردم، به رهبری و

هدایت مردم قیام نمایند و همواره دستورهای ما را بر خواسته‌های

مردم پیش داشته و هرگز از روی هوای نفس حکمی نرانند و حکم

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۹۹، کتاب الحجّة، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۲. مفاتیح الجنان.

۳. قصص، آیه ۴۱: «و آنان [مفرعونیان] را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند.»

۴. انبیاء، آیه ۷۳: «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند.»

بر خلاف حکم خدا نسازند و دیگری ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ﴾ اینها امامانی هستند که آدمیان را به دوزخ می کشانند و بر هوای نفس و خلاف قرآن رفتار می نمایند و به پیروی از هواها و خواسته های خویشان و ادار می کنند و سبب ضلالت و گمراهی آنان می گردند.<sup>۱</sup>

در برخی زیارات مربوط به امام زمان علیه السلام با صفت و لقب داعی الله که فرزندگان نیز بدین لقب اشارت نموده اند<sup>۲</sup>، به آن حضرت توجه نموده و سلام می دهیم:

«السلام عليك يا داعی الله».<sup>۳</sup>

آن حضرت هم چون نیاکان پاکش از نخستین کسانی است که به ندای توحید و یکتا پرستی لبیک گفته و مردم عصر خویش را به سوی خدا، یکتا پرستی، بهشت و رستگاری رهنمون گر باشد؛ یعنی چیزی را که تمام انبیا مأمور تبلیغ آن بودند و تمام کتاب های آسمانی برای آن نازل گشته و حضرت همان هدف را دنبال می کند. اگر آن حضرت رنگ هستی به خود نگرفته بود، معارف الهی نابود می گشت و خدای متعال میان آفریدگان ناشناخته می ماند، چون او جلوه گر تمام صفات خداست. آن روزگار که عصر غیبت سایه خود را برچیند و صبح گاهان ظهور و حضور فرا رسد، مهدی علیه السلام خاوران را که از ظلم و شرک آکنده گشته، پاک و پاکیزه نماید و بر زمین نشانی از بیداد و بیدادگری، بی دینی و کفر پیشگی نماند. و آیینی جز یکتا پرستی به جا نگذارد، آیین حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بدون هیچ کاستی و زیادتی از نو بنا نهد و به آن آیین دعوت نماید؛ این وعده ای

۱. تفسیر جامع، ذیل آیه ۴۱ سوره قصص.

۲. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۷۳، لقب شماره ۵۵؛ العقربى الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۴.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.



است که خداوندی که هرگز در وعده‌اش تخلف نکند به مؤمنین داده است، آن زمان که مهدی موعود علیه السلام مردمان را به سوی یکتا پرستی، ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و صلاح و شایستگی فرا خواند، بر همگان لازم و واجب است که به او از روی صدق و راستی پاسخ مثبت داده و به او ایمان آرند که او به خدای ره نماید، نه به سوی خویش و هر کس در شک افتد و یا با او سر ناسازگاری و مخالفت بردارد به عذاب سخت گرفتار آید و از کافران باشد:

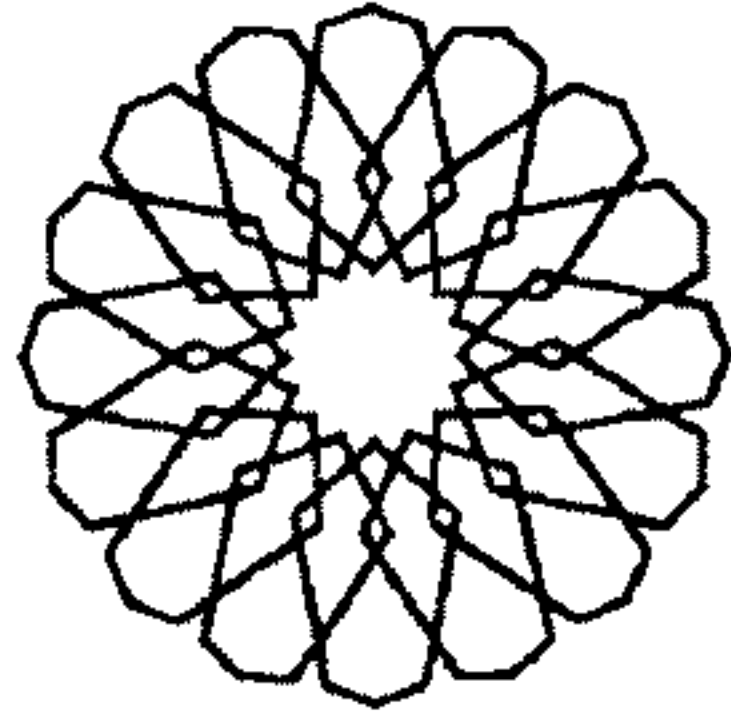
﴿يَنْقُومَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُجْزِئَكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، وَمَنْ لَا يُجِيبِ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾<sup>۱</sup>

سیرت حضرت مهدی علیه السلام رفتار بر ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ﴾<sup>۲</sup> است و فرمان خدا را همان گونه که نازل گشته به کار بندد و به آن چه خدا فرموده فرمان دهد و چیزی بر آن از پیش خویش نیفزاید: ﴿مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ﴾<sup>۳</sup> هر آن چه را که حضرت حق - تبارک و تعالی - خواسته و فرموده پیاده کند و به مرحله اجرا گذارد و این است شعار رهبر خرد و پیشوای راستین شریعت. بدین جهت آن حضرت با رفتار و گفتارش چهره‌ای از صفات زیبای خدای مهربان رابه تصویر کشد و به سویش فرا خواند.

۱. احقاف، آیه ۳۱ و ۳۲: «ای قوم ما! دعوت کننده خدا را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد، و هر کس به دعوت کننده الهی پاسخ نگوید هرگز نمی‌تواند از چنگال عذاب الهی در زمین فرار کند و غیر از خدا یار و یاورى برای او نیست. چنین کسانی در گمراهی آشکارند.»

۲. هود، آیه ۱۱۲: «پس همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن.»

۳. مائده، آیه ۱۷: «من، جز آن چه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آن‌ها نگفتم.»



---

**الرحمة الواسعه**

---

## الرحمة الواسعه

امام زمان، رحمت و لطف گسترده خداوند بخشایش گر است به هر سو که بنگری، به هر چیزی که نظر افکنی، نشانه‌ای از رحمت، لطف و مهر خداوند مهربان را می‌یابی. او نهال هستی را با محبت غرس نموده، با باران رحمت خویش آبیاری کرد و با عشق پروراند، تا به ثمر نشست و عاشقانه به حراست آن پرداخت. این رحمت و این محبت گسترده آفریدگار بخشنده، همه جانداران و بی جانها را فرا گرفته و هر جا نشانه‌ای از خشونت و درشتی بینی، آن نیز در درون خویش کانِ محبت و رحمت ایزدی است. در کنار هر گلی خاری پدید آورد تا نگاهبان آن باشد و در کنار بهشت، جهنم و دوزخی به پا نمود تا مردمان از شوق بهشت به نیک بختی خود بیندیشند، یا از بیم و ترس آتش، به سرانجام رستگاری نایل آیند: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾؛ رحمت و بخششم سراسر هستی را احاطه نموده است.<sup>۱</sup>

﴿رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا﴾<sup>۲</sup>.

۱. اعراف، آیه ۱۵۶.

۲. غافر، آیه ۷: «پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است.»

در دعای جوشن کبیر و کمیل می خوانیم:

یا من سبقت رحمته غضبه؛

ای که رحمتت بر غضبت پیشی گرفته است.<sup>۱</sup>

اللهم انی اسئلك برحمتك التی وسعت کل شیء؛

بار الها از تو می خواهم به آن رحمت گسترده و بی پایانت که هر

چیزی را فرا گرفته است...<sup>۲</sup>.

پرورگار متعال با رحمتش انبیا و کتاب های آسمانی را فرستاد تا مایه لطف و بخشش برای آدمیان باشند. قرآن، کلام خدای مهربان که از ۱۱۴ سوره تشکیل شده، ۱۱۳ سوره آن با رحمت و بخشایش آغاز گشته است. نبی اکرم و خاندان پاکش علیهم السلام از روشن ترین و کامل ترین مصادیق رحمت و جود خدای سبحان اند. آنان لطف ایزدی بر اهل زمین و آسمانند، وجود آنها سبب پیدایش هستی است و بقایشان سبب وجود و بقای هر موجودی است، فرشتگان به برکت وجود آنها و بر آنها به زمین فرود آیند، باران به برکت آنها می بارد، اختران و خورشید به یمن آن خاندان عزیز علیهم السلام در حرکت اند و نور افشانی می کنند و فصول و شب و روز را پدید می آورند، به واسطه آنان پروردگار حکیم شناخته و بندگی می شود و مردم ره یافته و رستگار می شوند. جهان از نور عظمت آن نجیبان و نجیب زادگان علیهم السلام به پا شد، بهشت و فرشتگان، ملک و ملکوت از پرتو نورانی آنان، جوهره هستی به خود گرفت و روشن گشت، آسمان و زمین برکات درون خویش را به یمن و برکت آنان بر زمین و اهل آن عطا کند و با انسان و موجودات، ساز جنگ و دشمنی ننوازد و ساکنانشان را

۱. مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر.

۲. همان، دعای کمیل.

نابود نسازند. هر چیز و هر که هر جا حرکتی کند، رزقی خورد و جامی از نعمتی زند، از آن محمد و آل محمد علیهم السلام است، خواه معنوی باشد و خواه مادی و همه و همه میهمان آن خجستگان و آن فرخندگانند.

در رستاخیز که همگان حتی انبیا خویشان را جویند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله شعار «وا امتی و امتی» را پیشه خود سازد و پیروانش را بجوید، به بهشت قدم نگذارد تا از آنان شفاعت کند و رضا ندهد که پیروی از او در دوزخ گرفتار آید و در صحرای محشر صورت به خاک ساید و از خدای مهربان و بخشاینده، رهایی امتش را بخواهد و این چنین اند خاندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله.

امام صادق از پدرش نقل کند که امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

ما پیشوایان مسلمانانیم،... ما سبب امنیت و آرامش برای اهل زمینیم و همان گونه که اختران سبب امنیت و آرامش اهل آسمان هاینند به واسطه ماست که آسمان بر زمین فرو نمی افتد، مگر به اذن خدا [آن چه در آسمان سرگردان و در حرکت است به زمین برخورد نمی کند تا زمین متلاشی و نابود شود] به سبب ما زمین [دهان باز نمی کند و] ساکنان خویش را فرو نمی برد.<sup>۱</sup>

در تفسیر قمی در تفسیر آیه شریف **﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ...﴾**<sup>۲</sup> آمده که امام فرمود:

[منظور از] فضل، رسول الله صلی الله علیه و آله است و [مقصود از] «رحمت»، امیر المؤمنین، علی علیه السلام است.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام :

۱. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۲۳، کتاب الامامه، باب ۱، الاضطرار الى الحجّة، ح ۵.

۲. نور، آیه ۲۱: «واگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود...»

۳. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۹۴، کتاب الاحتجاج، باب ما ورد عن المعصومین: فی تفسیر الآیات، ح ۴۰.

ما خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نعمت‌هایی هستیم که آفریدگار متعال بر بندگانش ارزانی داشته است.<sup>۱</sup>

حضرت مهدی قائم آل محمد علیه السلام احسان گسترده خداوند است. نظم و حرکتی که در میان اختران حکمرانی کند، به یمن و برکت آن فرخنده است. بود آن امام همام در زمین، به زمین و ساکنانش آرامش و آسایش بخشید و گیتی به حیات و زندگانی ادامه دهد. او همتای رسولی است که وجودش در زمین و میان آدمیان دفع عذاب و بلا از آن سامان کند:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾<sup>۲</sup>.

آسمان به اشارت امام زمان علیه السلام بخل نورزد و برکاتش را فروفرستد و خاک، هر خیری که در دل خود نهفته، آشکار سازد، اگر چه آن امام همام از دیدگان مستور است، چونان خورشیدی در پس ابر، همگان را از نور خویش بهره دهد و گرمای وجودش به هستی حیات بخشاید.

آن زاده زهرا علیها السلام صبح گاه روز واپسین پیروان و شیفته گانش را از آتش و قهر خدا، نجات دهنده است. در محشری که مهدی علیه السلام به پاکند رحمت ایزدی فروغی دیگر دارد، درختان خشک و بی ثمر شکوفه زده، به بار نشینند، زمین کان و گنج‌های پنهان در دل نهانش را بیرون دهد، آسمان بخشنده گردد و این رحمت گسترده در درون نفوذ کند، کینه توزی و دشمنی حتی از میان حیوانات رخت بر بندد و همگی رام و علف خوار شوند، درندگان و آهوان در کنار هم بچرند؛ گویی همه از یک گونه و از یک نوع اند.<sup>۳</sup>

امام زمان علیه السلام فرمود:

۱. «نحن اهل البيت النعيم الذي انعم الله بنا على العباد»؛ همان ج ۷، ص ۲۵۸، کتاب العدل و المعاد، باب ۱۱، محاسبة العباد.

۲. انفال، آیه ۳۳: «ولی [ای پیامبر!] تا تو در میان آنها هستی خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد.»

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۵، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعه ح ۸۶.

همان گونه که خورشید در پشت ابرها پنهان گردد و دیدگان آن را ننگرند، آفرینش در روزگار من نیز سود برد. به راستی من برای اهل زمین و ساکنان آن مایه آرامش و آسایشم، همان گونه که اختران برای ساکنان آسمان امنیت و آسایش آرند.<sup>۱</sup>

در نیایش «عدیله» به پیشگاه خدای شکوهمند این طور گواهی می‌دهیم: واپسین از پیشوایان نیک، حضرت مهدی علیه السلام است که وجودش به جهان، جاودانگی و زندگانی بخشد. به برکت آن خجسته، خلق خدای روزی خورند، با وجود آن حضرت زمین و آسمان آرام گیرند و پایدار باشند.<sup>۲</sup>

جابر بن عبدالله انصاری به امام باقر علیه السلام گفت:

در لوح و صفحه‌ای که در پیش‌روی مادرت فاطمه علیها السلام بود، چنین نگاشته شده بود: "از امام علی النقی علیه السلام، حسن علیه السلام را به دنیا آم که او به سوی من فراخواند و خزانه دار دانش من است و آن را به فرزندش م ح م د [مهدی علیه السلام] کامل سازم و او برای عالمیان رحمت است."<sup>۳</sup>

در زیارت آل یس با این نام درود می‌فرستیم:

السلام عليك ايها العلم المنسوب و العلم المصوب و الغوث و  
الرحمة الواسعة؛<sup>۴</sup>

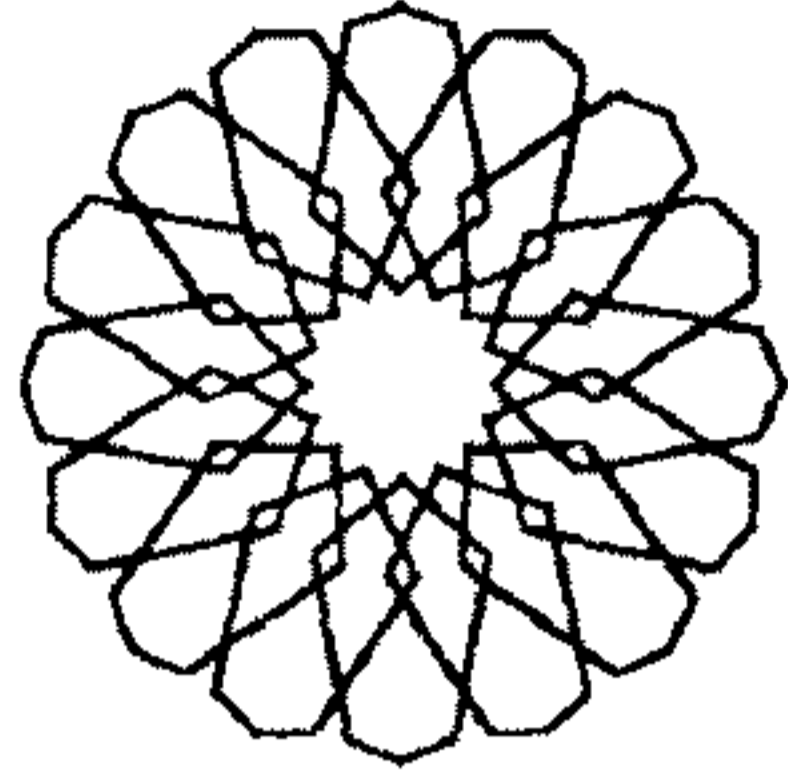
درود بر تو ای پرچم بر افراشته، ای دانش سرازیر کننده، ای فریاد رس، ای رحمت و بخشش گسترده!

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲ تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۰، علة الغيبة و كيفية انتفاع الناس، ح ۷.

۲. مفاتيح الجنان، ص ۱۳۸.

۳. کافی، ج ۱، ص ۵۲۸، کتاب الحجّة، باب ما جاء في الاثنی عشر و النص عليهم، ح ۳.

۴. مفاتيح الجنان.



---

سبيل الله

---



## سبیل الله<sup>۱</sup>

حضرت صاحب الامر علیه السلام، تنها راه یکتا باوری خداشناسی و یگانه پرستی در فطرت و خمیرمایه آدمیان سرشته است؛ هر انسان در فطرت خویشتن خواهان راه یابی به حقیقت و راستی و خواهان کمال است.

از سوی دیگر، انسان اسیر و در بند هواهاست و خطا همیشه همراه اوست؛ بدین جهت در مصداق و مورد در خطا افتد، حق و باطل را یک سان پندارد، خدا و خویش، خالق و مخلوق را هم سان بیند، به جای توحید شرک آرد، خود پرستی کند و بتی بی جان را در جایگاه قادر متعال نهد.

خدای بخشاینده برای آن که انسان به چنین سرنوشت نافرجامی گرفتار نیاید و به سرچشمه زلال حقیقت و یکتا پرستی بار اندازد، برای مردمان رهنمون گرانی راهی کرد؛ او قرآن را فرو فرستاد، پیشوایان

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۷۵، لقب شماره ۶۴؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب اسامی و القاب، ص

معصوم علیه السلام را بر انگیخت تا در دل تاریکی ها، راه را روشن و در میان شبهات، حقیقت را بنمایانند. اهل بیت علیهم السلام راه خدایند، خویشتن را به آن ها سپردن، به هدایتشان، ره یافتن، تنها راه نجات و رستگاری است و جز آن راهی نیست ﴿إِنْ تُطِيعُوا تَهْتَدُوا﴾؛ اگر از او، [رسول خدا و خاندانش علیهم السلام] پیروی کنید، به منزل و سرای درستی و حقیقت راه یافته‌اید.<sup>۱</sup> آنان که به تزویر، خدا باوری را شعار و نقاب خود ساخته‌اند، ولی از رفتار و گفتار امام باقر و صادق علیهم السلام روی بر تافته‌اند، خود محور گشته‌اند و به خرد ناچیز خویشتن فریفته‌اند، دین و احکام را به عقل بسنجند و بکاوند و از صاحبان دین بی خبر گشته‌اند، پروا کنند که این نیرنگی است شیطانی و دام گسترده‌ای است که ژرفایش پایان ندارد و به پایین‌ترین جایگاه در دوزخ نزول و فرود دهد. آیا ندیده‌ای که خدای سبحان در کتابش - قرآن - فرمان برداری از خویش و بی‌زاری از دشمنانش را با پیروی از رسول گرامی اش صلی الله علیه و آله در هم آویخته؟! آیا - از اقوام پیشین - که از فرمان برداری انبیایشان سربر تافتند و به کیفر خدا سزاوار گشتند - درس عبرت نگرفتی؟! آیا امروز و دیروز مردمانی را که تنها به خدا و قرآن حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسنده کردند و به خیال خام و پوچ خود، به آن‌ها چنگ زدند و از عترت آن رسول گرامی و تفسیرگر آن کتاب آسمانی واماندند و جدا گشتند، یاوه گفتند و بیهوده دوختند، نمی‌نگری که چگونه از حقیقت تهی ماندند و از رستگاری بی‌بهره؟!

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریف: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ

۱. نور، آیه ۵۴: «اگر از او اطاعت کنید، هدایت شوید.»

## هُدًى مِّنَ اللَّهِ<sup>۱</sup> فرمود:

مقصود این است که هر کسی خویش را با نظر و خردش سنجد و بدون رهنمون پیشوایی از پیشوایان ره یافته به آن پای بند گردد، از گمراهان است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام :

زمانی که خداوند سبحان به فرشتگان فرمان سجده و فروتنی در برابر حضرت آدم علیه السلام را صادر نمود، شیطان حسد درونی خویش را ظاهر گرداند. خدای بخشاینده پرسید: چه شد که از فرمانم سر پیچیدی و به آدم سجده نکردی؟ گفت: من از آتشم و او از خاک<sup>۳</sup> شیطان گفت: پروردگارا! از سجده من در برابر آدم درگذر تا تو را به گونه‌ای عبادت کنم، که تا کنون هیچ فرشته و نبی‌ای عبادت نکرده؛ خدای بزرگ در جوابش بفرمود: از عبادتت بی‌نیازم و از تو می‌خواهم آن گونه که من خواهم، عبادت کنی نه آن گونه که خودت خواهی.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام :

اگر بنده‌ای میان رکن و مقام در مسجد الحرام صد سال خدای را عبادت کند، روزها رابه روزه‌داری و شب را به شب‌زنده‌داری بگذراند، تا ابروانش از سال خوردگی بر چشمانش بیفتند، از پیری قدش کمانی شود، ولی به حقوق ما نادان و ناآگاه باشد هیچ

۱. قصص، آیه ۵۰: «أيا گمراه‌تر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می‌شود؟!»

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰۲، کتاب العلم، البدع و الرأی و المقائیس، ح ۳۶.

۳. اعراف، آیه ۱۲: «قال ما منعك ألا تسجد إذ أمرتك قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين.»

۴. همان، ج ۱۱، ص ۱۴۱، کتاب النبوة، باب ۲، سجود الملائكة و معناه، ح ۷.

ثواب و پاداشی ندارد.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام :

نزد هیچ یک از آدمیان حق و درستی نباشد و کسی به حق قضاوت نکند و حکم نراند، مگر آن چه که از سوی ما خاندان علیهم السلام به مردم رسد، هر گاه مردم در امور اختلاف کنند، اشتباه از آنان باشد و درست و راست از علی و خاندانش علیهم السلام.<sup>۲</sup>

در سرداب مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام با نام «سبیل الله» بر حضرتش درود می فرستیم «السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلك غيره هلك: درود بر تو که راه خدایی؛ راهی که اگر جز آن پیموده شود سرانجامش هلاکت و نابودی است».<sup>۳</sup>

حضرت مهدی علیه السلام بی همتا راه ره یافتن به خدای سبحان است، ولایتش ولایت خداست. او همتا و هم سنگ قرآن کریم است که پیوندشان ناگسستنی است، شناخت وی به شناخت پروردگار انجامد، جان و تن به ولایتش سپردن و بر دوستی اش پیمان بستن، انسان را محبوب خدا، خداپرست و خدا باور سازد. توجه و رو آوردن به آن امام همام، سالک راه خدا را به هدف و سر منزل مقصود صعود دهد، به دامانش چنگ درانداختن و پیوندی استوار بستن، آرامش و امنیت از سوی خدا به ارمغان آرد. مهدی علیه السلام تنها راهی است که گام دل و قدم عشق و معرفت را به آستانش نهادن، آشتی و آشنایی با خدا

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۲، کتاب الطهارة، ابواب مقدمات العبادة، باب ۲۹، بطلان العبادة بدون ولایة الأئمة علیهم السلام، ح ۱۳، ش ۳۰۹.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۹۹، کتاب الحجة، باب انه ليس شيء من الحق في يد الناس الا ما خرج من عند الأئمة علیهم السلام، ح ۱. ۳. مفاتیح الجنان، زیارت دوم امام زمان علیه السلام.

کردن است و پسین‌اش رستگاری و رهایی، راهی که نه به خیال آمیخته و نه رونده را به سراب دراندازد، روشنِ روشن، شفافِ شفاف که هیچ ابهام و نقطه‌ای از پرسش و انمی‌گذارد.

روگرداندن و انکار واپسین امام، حضرت حجت علیه السلام به کفر پیشگی گراید و به تباهی کردار پایان پذیرد. رفتار و باوری که آن حضرت قبله‌گاهش نگردد، پست است و فرومایه، مردود باشد و صعود ندهد، بلکه به زمین زند و خدایش مردود خواندش. در غفلت و فراموشی از امام زمان علیه السلام فرو رفتن، روز واپسین، خدا فراموشی به دنبال دارد، بهشت بر منکر مهدی علیه السلام حرام است و دوزخ جایگاهش.

امام حسین علیه السلام در جمع یارانش خطبه‌ای خواند:

ای مردم، سوگند به خدا! او بندگان را نیافرید، مگر به جهت معرفت و شناختنش، پس اگر او را شناختید، بندگی‌اش می‌کنید؟... پرسش‌گری گفت: پدر و مادرم فدایت ای زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله! معرفت خدا چیست؟ فرمود: [معرفت خدا] به این است که در هر روزگاری هر پیشوایی که فرمان بری‌اش واجب و لازم است، بشناسی.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریف **﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا﴾**<sup>۲</sup> فرمود:

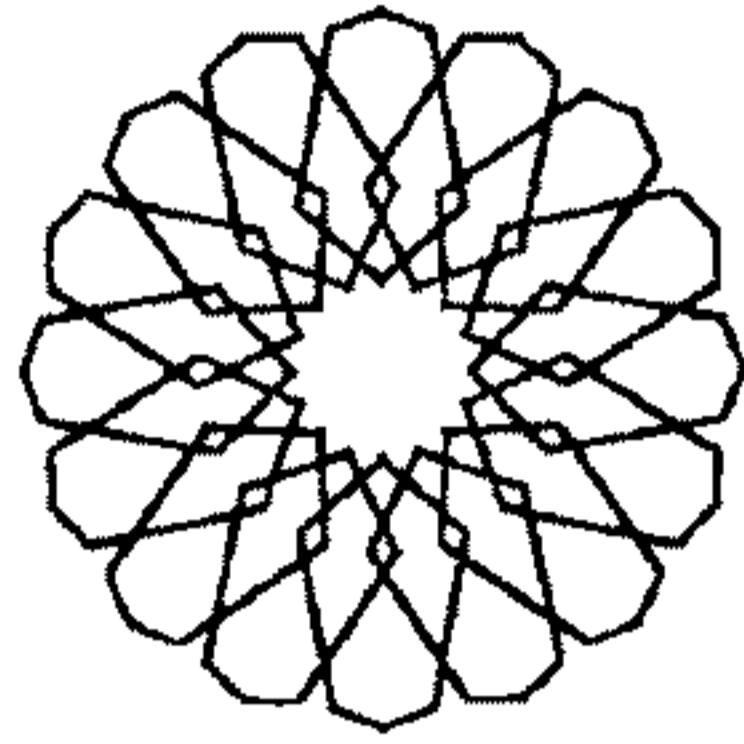
به خدا سوگند! اگر گنه کاری توبه نماید، ایمان آورد و کار نیک به جا آورد و به ولایت و درستی با ما رهنمون نشود و برتری ما

۱. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۳، کتاب الامامة، باب ۴، وجوب معرفة الامام، ح ۴۰.  
 ۲. مریم، آیه ۶۰: «مگر آنان که توبه کنند و ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند»

را نشناسد، آن توبه و این کردار، او را ثمری نبخشد.<sup>۱</sup>  
در زیارت جامعه کبیره به حضرت و تبار نیکش گوئیم:  
من أتاکم نجی و من لم یأتکم هلك: هر که به شما رو آرد رستگار  
گردد و هر که به سویتان ره نییاید و دور شود هلاک گردد.<sup>۲</sup>  
در سرداب مقدس بعد از نماز با حضرتش نجوا کنیم:  
به خدای می سپارمت، ای پیشوایی که مؤمنان به تو رستگار  
شوند و به دست تو [و دوری از تو] کافران و دروغ پردازان به  
هلاکت رسند! ای سرور من زاده [امام] حسین، به آستانت روی  
آوردم! زائر کوی تو و پدر و جد بزرگوارت عليه السلام هستم، یقین دارم  
که نجات و رستگاری به واسطه شماست، به امامت و پیشوایی  
شما خاندان باورمندم....<sup>۳</sup>

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲۷، ص ۱۵۳، کتاب الطهارة، ابواب مقدمة العبادات، باب ۲۷، ح ۱۵، ش ۲۴۰.

۲. مفاتیح الجنان. ۳. همان، ص ۸۷۴.



---

**سفينة النجاة**

---

## سفينة النجاة

حضرت اباصالح المهدي عليه السلام، کشتی نجات و رهایی

آدمی همواره بدون لطف خدای دانا برکناره پرتگاه سقوط و نزول از گستره انسانیت است. او به تنهایی در لغزشگاهها و آزمونها بلغزد و مردود شود. قرآن کریم پرده از این فقر و فرومایگی انسان و آن لطف خدا برداشته؛ ﴿كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا﴾<sup>۱</sup>: شما بر پرتگاه جهنم قرارگرفته و در میان دریاهاى فتنه‌هاى دنیا گرفتار امواج سهمگین گشته بودید، لطف ما شما را نجات و رهایی بخشید. دنیا به دریایی ژرف مانند گشته که هر روز مردمانی بسیار، کوچک و بزرگ، عالم و جاهل در آن غرق شده و راه نیستی پیش‌رو گرفته، طوفان بلا و امواج بلند و جان‌سای فتنه‌ها و گناهان، آنان را در این دریای ژرف و تاریک به کام مرگ و هلاکت فرستاده و در طول تاریخ از آنها - که صید و طعمه این فتنه گشته، مانند طلحه و زبیرها - بسیار دیده می‌شود<sup>۲</sup> و امروزه، یعنی روزگار آخر الزمان به دیده خویش می‌بینیم

۱. آل عمران، آیه ۱۰۳: «و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد.»  
۲. امام صادق عليه السلام: «الدنيا بحر عميق يغرق فيه عالم كثير: دنیا بسان دریایی ژرف و بی‌پایان ماند که



که هر روز گروهی از دین بیرون می‌شوند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاره‌ای از روایتی به اصبع نباته فرمود:

آن زمان [آخر الزمان] بدترین زمان هاست.<sup>۱</sup>

آری، در درازای تاریخ برخی اندک از گرداب فتنه‌ها و نادانی‌ها نجات یافتند و در دوران غیبت که تاریخ ورقی دیگر خورده، جز اندک کسان که خویشتن را به خدای توانا سپرده و چنگ به دامان خاندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله انداخته، سالم و سلامت به ساحل نجات و رستگاری، هدایت و راه برند. از این جهان آکنده از فتنه‌های فریبنده و زهرآگین و دیدگاه‌های پوچ و بی‌اساس، تنها راه‌هایی و رستگاری بر کشتی ایمان و ولایت سرنشین گشتن است تا در میان تاریکی جهل راه خود را ببینید و امواج فتنه و شبهات به ظاهر آراسته و آرها و وسوسه‌های شیطان او را در بند و اسیر سازد و او را در هم نشکند و در خود فرو نبرد؛ همانند کشتی نوح که به لطف ایزدی هر انسان و حیوانی به آن سوار شد، نجاتش داد و زندگانی‌اش بخشید و به حیاتشان ادامه دادند و در این میان حسب و نسب و به آن بسنده کردن کار ساز نیست، زیرا همان‌گونه که قوم نوح بر کشتی ساکن نگشتند و در میان آن آب‌ها و امواج سنگین غرق شدند، فرزند نوح نیز چونان قوم، نافرجام ماند و نسبت و پیوندش با نوح پیامبر سودی نبخشید و باعث نجاتش نگشت؛ خداوند متعال در قرآن کریم این خویشاوندی را که میان هر خانواده و بلکه بین هر موجود زنده‌ای هست، برید و گسست: ﴿إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾<sup>۲</sup> و این قانون و قاعده‌ای است که حتی

⇒ انسان‌های بسیاری در آن غرق و نابود گردند؛ کافی، ج ۱، ص ۱۵، کتاب العقل والجهل، ح ۱۲.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۵، کتاب النکاح، باب ۷، جملة ما يستحب اجتنابه، ح ۵، ش ۲۴۹۶۱.

۲. هود، آیه ۴۶: «فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است!» - فرد

امامزاده‌ها نیز از آن مستثنا و جدانیستند و افرادی، مانند عبدالله افتح، فرزند امام صادق علیه السلام و جعفر کذاب، پیوند و نسبت ظاهریشان به امام معصوم علیه السلام سبب نجات و رهایی‌شان نگشت، پس باید بر آن کشتی‌های نجات دست درانداخت و با سکان دارانشان پیوندی ناگسستنی زد. بدین جهت پیشوایان معصوم علیهم السلام به سفینه و کشتی نجات مانند گشته‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله خاندان پاکش را به کشتی نوح تشبیه کرد که هر کس بر آن داخل شود از امواج فتنه‌ها و شبهات راه پیماید و به سلامت بگذرد.

ابن شریحه گوید:

اباذر را دیدم که حلقهٔ درب کعبه را گرفته و بانگ می‌زند: ای مردم! هر که مرا می‌شناسد من «جندب» ام و هر که نشناسد من اباذر هستم، شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ مَثَلُ كَسْتِي نُوحٍ** در وسط دریاست، هر که بر آن سوار شود، راه خود را بپیماید و نجات یابد و به سلامت به ساحل رسد و در مقصد بار اندازد و هر که کناره‌گیری کند و با آن‌ها همراه نشود، غرق و هلاک شود و در جهنم درآید، سپس سه مرتبه گفت: آیا پیام خود را رساندم؟<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیهٔ شریف **﴿ وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا ﴾**<sup>۲</sup> فرمود:

به خدا سوگند! حضرت حق به وسیلهٔ محمد صلی الله علیه و آله مردمان را از کناره پرتگاه جهنم که مشرف به ویرانی بود رهایی بخشید.<sup>۳</sup>

⇒ ناشایسته‌ای است.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۰، کتاب الأمامة، باب ۷، فضائل اهل البيت و النص علیهم، ح ۴۲.

۲. آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۵۴، همان، باب ۲۹، انهم علیهم السلام نعمة الله و الولاية شکر، ح ۱۱.

با توجه و دقت در آیه و روایاتی که گذشت، روشن می شود که تنها راه نجات و رهایی از فتنه ها، شبهات و آلوده نشدن به پستی ها، توسل و پیوند با اهل بیت علیهم السلام است و عنان و زمام امور و حرکت را به آنان سپردن، خلاصی می آورد.

**سفينة النجاة** از لقب های خجسته حضرت بقية الله عليه السلام است که در برخی زیارات منسوب به آن بزرگوار، با این نام یاد شده و ایشان را با این لقب مخاطب خود می سازیم:

السلام عليك يا سفينة النجاة.<sup>۱</sup>

آن حضرت چونان نیاکان گرامی اش تنها راه رستگاری و تنها کشتی نجات بخش آدمیان است. هیچ کس از این جهان تیره و تار که از فساد و تباهی لبریز گشته، بر کرانی نرسد و یکه و تنها، راهی به جایی نبرد. بدون پیوند و پیوستگی با آخرین پیشوای راستین عليه السلام و بدون پناه بردن به این کشتی نجات، راه خود پیمودن، در تاریکی و گمراهی گرفتار آمدن است و سرانجام از دنیا بدون ایمان و سلامت روح و جان گذر کند و از زیان کاران خواهد بود.

مفضل:

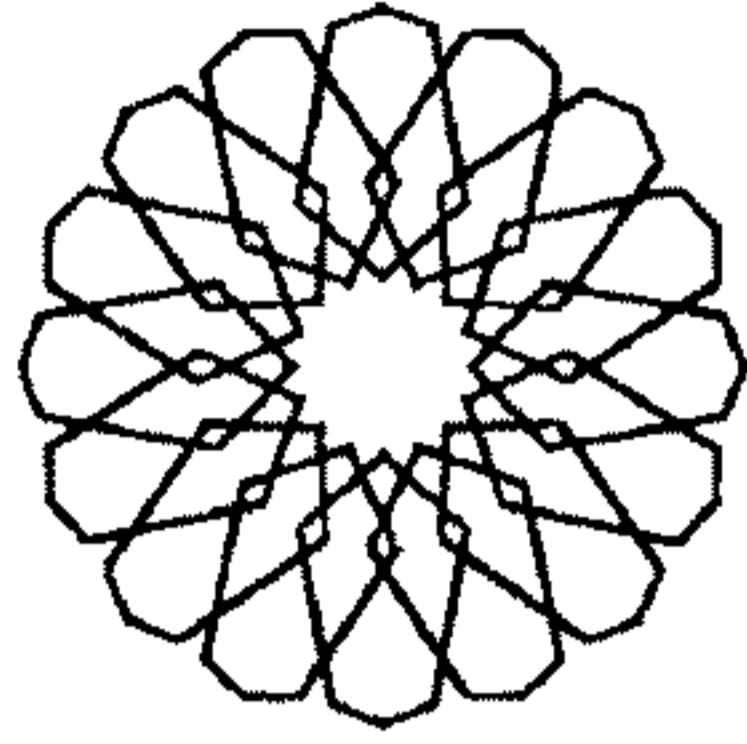
شنیدم از امام صادق عليه السلام که فرمود: بپرهیزید از انتشار و فاش کردن ویژگی های حضرت مهدی عليه السلام؛ به خدا سوگند! پیشوایتان سالیان دراز، پنهان باشد و شما در بوته آزمایش قرارگیرید تا آن جا که گویند: امام و پیشوا درگذشت، کشته شد و در دره ای افتاد و از میان رفت، ولی دیده باور مردانش بر او اشک ریزند، شما مانند

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت در روز جمعه، ص ۹۶.

کشتی‌های طوفان زده، متزلزل و سرنگون شوید و نجات و خلاصی نیست جز برای کسی که خدا از او پیمان گرفته و ایمان را در دلش استوار گردانده و به واسطهٔ روحی از سوی خود، سختش ساخته است. مفضل گوید: من گریستم. حضرت فرمود: چه چیز تو را به گریه واداشت؟ گفتم: چرا نگریم فدایت شوم؟ شما می‌فرمایید: دوازده پرچم هم شکل و هم سان برافراشته می‌شود و هیچ یک از دیگری شناخته نمی‌شود [در این هنگامه چه کنیم؟] امام به شعاع نور خورشید که در ایوان تابیده بود، اشارتی کرد و فرمود: ای مفضل! این آفتاب را می‌بینی؟ گفتم: بلی، فرمود: امر ما از این آفتاب روشن‌تر است.<sup>۱</sup>

پس بیاییم پیوند و ارتباط خود را هرچه از پیش بیشتر و محکم‌تر سازیم و از این دنیا که رشتهٔ حق و باطل با هم تابیده و به راحتی از هم جدا نشود و از این رهگذر، خویش را نجات بخشیم و با پناهندگی بر کشتی نجات، امام زمان علیه السلام از دریای فتنه‌ها و نظرگاه‌های سست و باطل - که در هر دورانی پراکنده بوده و اکنون نیز است - به سوی ساحل باور و رستگاری در حرکت افیم و خود را دریابیم.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ح ۱۱.



---

صاحب الدار

---

## صاحب الدار<sup>۱</sup>

حضرت ولی عصر علیه السلام، واپسین وصی و آخرین صاحب هستی نبوت و امامت حقیقتی است که با منصب‌های رایج میان مردم بسیار متفاوت است؛ سفارتی است الهی، جایگاهی است خدایی، پروردگار زمام امور دین و دنیا، این جهان و جهان واپسین را به آنان واگذار کرد، این عهد و پیمان خدا - نبوت و امامت - به هر کس نمی‌رسد، عصمت می‌طلبد و پاکی، انتخاب‌گر، خداست و سیاست گذارش تنها اوست، رأی مردم و انتصابشان بی‌اثر است و بی‌پایه،<sup>۲</sup> ظلم است و در برابر کار و دستور پروردگار تکبر و وزیدن و بزرگی کردن، کاری است شیطانی که به کفر انجامد و بی‌دینی، آن چه شیطان کرد و رانده شد، اساسش حسد است و کینه، ﴿لَا يَتَّالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾. عهد و پیمان من، - امامت و پیشوایی - به ستم‌گران نمی‌رسد.<sup>۳</sup>

همان گونه که حضرت حق فرشتگان را برگزید و انتخاب و

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۷۹، لقب شماره ۷۳؛ العبقری الحسان، باب بیان اسامی و القاب، ص ۴۲.

۲. احزاب، آیه ۳۶: ﴿مَا كَانَ مِنْ أُمَّةٍ﴾. ۳. بقره، آیه ۱۲۴.

انتصابشان را به دیگری نسپرد، انبیا را نیز این چنین برگزید:

﴿اللَّهُ يَضْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾<sup>۱</sup>

و ﴿يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلِمِي﴾<sup>۲</sup>،

از سوی دیگر، اوست که سرشت‌ها را می‌داند و به نهان‌ها آگاه

است؛ بدین جهت از هرکس دیگر در این انتخاب سترگ پیش‌تر است:

﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾<sup>۳</sup>.

هر نبی‌ای برای جانشین خویش در انتظار فرمان می‌نشست، نه

خود انتخاب‌گر بود و نه امرش را به دیگران واگذار می‌نمود.

رسول خدا ﷺ به فرمان الهی، امیرالمؤمنین، علی عليه السلام را از جانب

خداوند به امامت و پیشوایی آدمیان منصوب کرد و بارها و بارها

امامت وی و فرزندان معصومش عليهم السلام را به اشارت و صراحت خبرداد

و امیرالمؤمنین، علی عليه السلام به امامت امام حسن عليه السلام و این چنین هر امامی

به امام پس از خویش خبر داد و برخی را به شهادت گرفت و این

امانت الهی را این‌طور نگاه‌داری می‌کردند، آنان گرچه در تقیّه و یا در

میان دشمنان به سر می‌بردند، اما پیروانشان را آگاه می‌نمودند، تا مردم

در غرقاب گمراهی و اشتباه گرفتار نیایند.

امام صادق عليه السلام:

چون ولایت علی بن ابی طالب [از سوی پروردگار فرزانه] نازل

گشت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان دادند که بر علی عليه السلام با نام

۱. حج، آیه ۷۵: «خداوند از فرشتگان رسولانی بر می‌گزیند و هم چنین از مردم؛ خداوند شنوا و بیناست»

۲. اعراف، آیه ۱۴۴: «ای موسی! من تو را با رسالت‌های خویش، و با سخن گفتنم [با تو]، بر

مردم برتری دادم و برگزیدم.»

۳. انعام، آیه ۱۲۴: «خداوند آگاه‌تر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد.»

امیرالمؤمنین سلام دهند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در حال قدم زدن بود، امام باقر علیه السلام [به حضرت اشارتی کرد و رو] به ابن صباح فرمود:

او را می بینی؟ او از کسانی است که خدای بلند مرتبه و ارجمند درباره اش فرمود: ﴿وَنَجْعَلُهُمُ أئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمُ السُّورِثِينَ﴾<sup>۲</sup>: او از جمله کسانی است که امامت به وی منتقل می گردد.<sup>۳</sup>

عبدالله بن جلاب گفت:

امام هادی علیه السلام نامه ای به من نوشت بدین قرار: تو خواستی که از وصی [امام] ابوجعفر، جواد علیه السلام پرسش کنی؟ بدین جهت پریشان بودی. اندوهگین مباش، زیرا خدای گرامی آن که را هدایت نمود در گمراهی نگذارد. - ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ﴾<sup>۴</sup> - صاحب تو پس از من، فرزندم ابومحمد [امام حسن عسکری علیه السلام] است، هر چه خواهی از او پرسش کن، خدای سبحان هرچه بخواهد پیش و پس می نهد [و او فرمود] ﴿مَا تَسْخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُسِيهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾<sup>۵</sup> هر آیت و امامی را برگیرید، دیگری را در جایگاهش می گذارد.<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۹۲، کتاب الحجّة، باب الاشارة والنص علی امیرالمؤمنین علیه السلام، ح ۱.

۲. قصص، آیه ۵: «وَأَنَّا نُرَايَ رَأْسَهُ فِي السَّمَاءِ إِذْ يُرَادُّ إِلَى رَبِّهِ أَهْلًا بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ».

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۰۶، الاشارة والنص، علی ابن عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام، ح ۱.

۴. توبه، آیه ۱۱۵: «چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد [و ایمان

آوردند] گمراه [و مجازات] کند؛ مگر آن که اموری را که باید از آن پرهیزند برایتان بیان کند.»

۵. بقره، آیه ۱۰۶: «هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند

آن را می آوریم.»

۶. کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، الاشارة والنص علی ابی محمد، ح ۱۲.



ابوبصیر:

من [همراه برخی] در حضور امام صادق علیه السلام بودم و آن‌ها یادی از جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله کردند، من هم نام اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام را بردم [به گمان این که او نیز امام و جانشین است] امام فرمود: ای ابوبصیر! این طور نیست، به خدا سوگند! امر امامت در اختیار و به انتخاب ما نیست، این کار تنها به دست خدا به سرانجام رسد که در مورد یکی پس از دیگری فرو می‌فرستد.<sup>۱</sup>

واپسین پیشوای شیعیان، حضرت مهدی علیه السلام آخرین سفیر حق تعالی است؛ او وصی امام حسن عسکری علیه السلام است، خدای بزرگ او را به امامت زیننده دانست و بر این امر خطیر گماشت، تارشته‌ای محکم و استوار میان آفریدگار و آفرینش باشد و در این گزینش کسی رابه مشورت نگرفت و انتصابش را به کسی واگذار ننمود. کتاب‌های آسمانی و انبیای بزرگ به امامت آن حضرت گواهی دادند، آنان و رسول خاتم و خاندان پاکش صلی الله علیه و آله تنها خبر دهنده و گزارش گر بودند، و از آنچه قلم و قضای حتمی الهی بر آن رفته بود، پرده برداشتند و این امانت خدای توانا رابه صاحب آن سپردند.

صاحب الدار از القاب خاص و ویژه حضرت مهدی علیه السلام است. این نام کنایه از آن است که حضرت، مالک و صاحب سرای پدری خویش، امام حسن عسکری علیه السلام است، که در آن منزل همانند خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام سیاست و تدبیر امور تمام جهان به سرانجام می‌رسد و یا به معنای آن است که حضرت، مالک و صاحب گیتی

۱. همان، ص ۲۷۷، کتاب الحجّة، باب ان الامامه من الله معهود من واحد الی واحد، ح ۱.

هستند و همه از آن اوست.

عمر اهوازی:

امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را به ما نشان داد و فرمود:  
اوست صاحب شما پس از من.<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

وصی و جانشینان من و حجت‌هایی بر آفرینش، دوازده نفرند که  
نخستین آنان برادرم است و آخرین‌شان از فرزندانم، سؤال کردند:  
ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی  
طالب علیه السلام، گفتند: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی علیه السلام. عیسی،  
زادهٔ مریم در نماز به او اقتدا کند و به آن نور پروردگار [= مهدی]  
خاوران روشن شود و در تمام گیتی فرمان فرمایی کند.<sup>۲</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام:

صاحب این امر و امامت، کسی است که مردم دربارهٔ او گویند او  
زاده نشده است.<sup>۳</sup>

موسی بن جعفر علیه السلام:

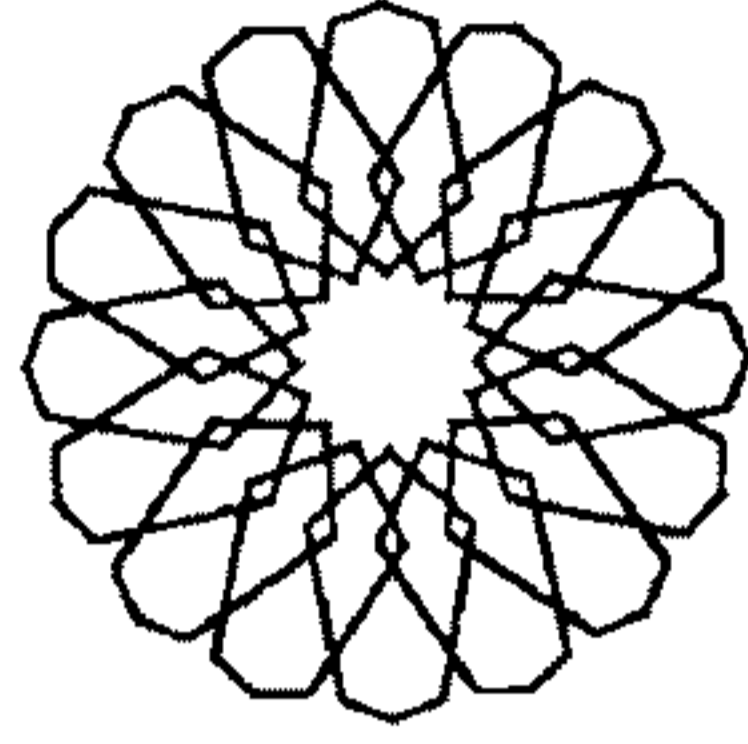
[حضرت] قائم نیست جز امام و پیشوایی، زادهٔ امامی، و وصی  
و جانشینی زاده وصی‌ای.<sup>۴</sup>

نیک مرد پروا پیشه‌ای به نام علی، از اهالی حله که از منزل خود به  
سوی سرای سید مهدی قزوینی به راه می‌افتد. گذرش به آرامگاه سید

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، کتاب الحجّة، باب الاشارة والنصر الی صاحب الدار علیه السلام، ح ۳.  
۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱، تاریخ الامام الثانی عشر علیه السلام، باب ۱، ماورد من الاخبار  
بالقائم علیه السلام، ح ۱۳.  
۳. همان، ص ۱۵۸، باب ۹، ماورد عن العسکریین فی ذلک، ح ۳.  
۴. همان، ص ۳۴، باب ۴، صفاته وعلاماته علیه السلام، ح ۱.

محمد ذی الذمعه می افتد، فروغ دیدگانش به مردی با سیمای عربی روشن می شود که سرگرم فاتحه خواندن است. به او سلام می کند و جواب می گیرد، سپس فرمود: ای علی! به دیدار سید مهدی می روی؟ گفتم: آری. فرمود: من هم با تو همراهم و راهی شدیم. در میان راه فرمود: ای علی! بر باد رفتن سرمایه‌ات تو را غمگین نسازد. خدای متعال این گونه تو را آزمود و تو از این امتحان سرفراز گشتی، تو حق خدای رابه جا آوردی و حج گذاردی. ثروت ماندگار نیست، می آید و می رود، در دلم گفتم، ورشکستگی ام فاش گشته تا آن جا که این مرد غریب هم می داند، سبحان الله! اما خدای را در هر حالی سپاس گفتم، الحمد لله! دوباره فرمود: سرمایه‌ات به زودی بر می گردد، و بدهی هایت را ادا می کنی، به سرای سید رسیدیم، ایستادیم، گفتم: ای سرورم! من از اهل خانه‌ام، بفرمایید داخل شوید آن آقا فرمود: «انا صاحب الدار»: من صاحب خانه‌ام تو داخل شو.<sup>۱</sup>



---

**صاحب الزمان**

---

## صاحب الزمان

صاحب الزمان از شایع ترین القاب حضرت بقیة الله، مهدی موعود علیه السلام است.<sup>۱</sup> پس از خداوندی که مالک و صاحب حقیقی زمین و آسمان و تمام آفریدگان است. پیشوایان آیین اسلام علیهم السلام، مالکان و صاحبان زمین و آسمان اند و همان گونه که بر زمین و اهل آن حاکم و سرپرست اند، بر افلاک و ساکنان آن نیز حکمرانی می کنند. چرخ گردون که در چرخش و حرکت بسی دقیق و ظریف است، با گذشت میلیون ها سال از محور و مسیر خود کمترین انحراف و تخطی نداشته و با چرخش و حرکت منظم خویش، فصول، شب، روز و زمان را پدید آورده است، اما این سپهر و آن حرکت و این زمان پدیدار از آن ها، همگی در اختیار و تصرف جانشینان خداوند سبحان در زمین است. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا بر امام پرداخت زکات نیز واجب است؟» امام در پاسخ او فرمود:

ای ابابصیر! سخنی ناممکن و محال رانندی، نمی دانی دنیا و آخرت از آن امام است؟! هر جا بخواهد می گذارد و به هر کس

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۷۸، لقب شماره ۷۲؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۴۲.

بخواهد می بخشد.<sup>۱</sup>

آن حضرات هر زمان که بر دگرگونی یا بازنگاه داشتن افلاک، اراده کنند توانا هستند، بلکه حضرت حق - تبارک و تعالی - زمین و کیهانها را با آن نظم خاص و پیچیدگی شگفت‌انگیز و آن چه در آنهاست، همه را به یمن و برکت چهارده نور مقدس پدیدار ساخت و آنان اصل و اساس بنیادین آفرینش را تشکیل می دهند.

آری، آن حکیمان و دانایان علیهم السلام راز آفرینش و مالکان و والیان بی قید و شرط زمین و آسمانها و آن چه از اختران پدید می آید (زمان) هستند و همه رام و مسخر آنهایند؛ بدین جهت در تصرف در خلقت توانا و آزادند و زمان و مکان آنان را محدود نکند و مغلوب نسازد. هرگاه اراده کنند از قوانین طبیعت (زمان و مکان) بیرون شده و آنها را دگرگون کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها خورشید را به عقب بازگرداندند<sup>۲</sup> و زمان دوبار تکرار گشت و ماه را دو نیم کردند.<sup>۳</sup> که حدیث «رد الشمس» و «شق القمر» از مسلمات تاریخ ماست و مانند معراج روحانی و جسمانی رسول اعظم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله که از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سفر کرد و از آنجا به آسمان عروج نمود و در ساحت قدس باری تعالی رحل اقامت انداخت که پیمودن این مسافت و آن چه دید و گذشت، زمانی بس دراز و بلند می طلبد، در حالی که معراج حضرت از اول تا پایان همان شب و یا کمتر از این بینجامید. آصف بن برخیا، وزیر حضرت سلیمان در کمتر از یک لحظه

۱. کافی، کتاب الحجة، ج ۱، ص ۴۰۸، باب ان الأرض كلها للإمام عليه السلام، ح ۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۷۱، تاریخ امیر المؤمنین عليه السلام، باب ۱۰۹، رد الشمس له و تکلم الشمس معه.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۳۴۷، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۲، ما ظهر له صلی الله علیه و آله من المعجزات السماویة.

از فرسنگ‌ها فاصله، تخت بلقیس را نزد سلیمان حاضر گردانند. همه این امور و شبیه آن با قدرت ولایت و دخل و تصرف در مکان و زمان، صورت امکان به خود گیرد، که آن حضرات خارج از زمان و قوانین طبیعت دست به چنین کارهای بزرگ و شگفت‌انگیز زده‌اند.

سلمان فارسی گوید:

من، امام حسن، امام حسین علیهما السلام و... [در حضور امیرالمؤمنین] علی علیه السلام بودیم، امام حسن علیه السلام پرسید: ای امیرالمؤمنین! سلیمان فرزند داود از پروردگارش ملک و سلطنتی خواست که پس از او شایسته کسی نباشد و خدا به او بخشید، آیا تو نیز چیزی از آن سلطنت را داری؟ حضرت فرمود: سوگند به آن که دانه را بشکافد و جانداران را بیافرید! سلیمان از خدای بلند مرتبه و ارجمند ملک و پادشاهی را خواست و خدا عطایش نمود، ولی پدر تو مالک و صاحب چیزهایی است که جز جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله، کسی پیش و پس از آن مالک نبود.<sup>۱</sup>

آری انجام دادن چنین کارهای واقعی و شگفت‌انگیز جز با تصرف و دخالت در زمان، مکان و طبیعت ممکن نیست.

حضرت صاحب الزمان علیه السلام آخرین جانشین خدا و رسولش، مالک و حکمران مطلق آسمان‌ها، زمین و آن چه در آن‌ها به سر می‌برد، می‌باشد. کیهان‌ها و زمان در فرمان اویند و به اجازه و اراده آن مراد و مقصود، در حرکت باشند؛ مکان و اجسام، ستر و حجابی بر آن حضرت نیفکند و زمان با رضایت او در حرکت و گذر باشد، بلکه ملکوت و هستی، مجموعه کیهانی و زمان، وجود و نظم خویش را مدیون و وام‌دار آن حضرت هستند. بدین سان نقطه پرگار عالم خلقت حضرت مهدی علیه السلام، به صاحب الزمان منقلب گردد.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳۷، کتاب الإمامة، باب ۱۴، انهم علیهم السلام منخر لهم السحاب، ح ۵

محدث بزرگ علامه مجلسی رحمته الله در زیاراتی که نگاشته، در زیارت آن حضرت با این نام و نشان برای وجود فرخنده‌اش شهادت و گواهی می‌دهیم: «و الحجّة بن الحسن صاحب العصر والزمان، وصیّ الانبياء؛ گواهی می‌دهیم که تو [حضرت] حجت فرزند [امام] حسن علیه السلام صاحب روزگار و زمان هستی.»<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام در بیماری خویش - که به شهادت ایشان بینجامید - به فرزند عزیز و گرامی‌اش، حضرت مهدی علیه السلام فرمود:  
یا بنی! فانت صاحب الزمان و أنت المهدی و انت حجّة الله فی أرضه؛

ای فرزندم! تو صاحب و مالک زمانی، تویی مهدی و هدایت یافته، تویی حجت خدا بر زمین.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش محمد حمیری فرمود:  
پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده پیشوای هدایت‌گر است؛ نخستین آن‌ها امیرالمؤمنین، علی علیه السلام است و آخرینشان «القائم بالحق، بقیة الله فی أرضه، صاحب الزمان و خلیفة الرحمن، لو بقی فی غیبه ما بقی نوح فی قومه، لم یخرج من الدنیا حتی ینظر فیملأ الارض قسطا و عدلا:

کسی که به حق قیام کند، خدا او را در زمین قرارداد، او مالک و صاحب زمان است، او جانشین خداست، اگر در غیبتش به اندازه‌ای که نوح بین قوم خود به سر برد، درنگ کند، نمیرد تا آن که ظهور نماید و زمین را از عدل و داد لبریز سازد.<sup>۳</sup>

---

۱. همان، ج ۱۰۲، ص ۱۸۱، کتاب المزار، باب ۷، الزیارات الجامعة، زیارت ۷.  
۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۷، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱۸، ذکر من رآه علیه السلام، ح ۱۴.  
۳. همان، ج ۵۱، ص ۱۴۵، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۶، ما روی فی ذلک عن الصادق علیه السلام، ح ۱۲.



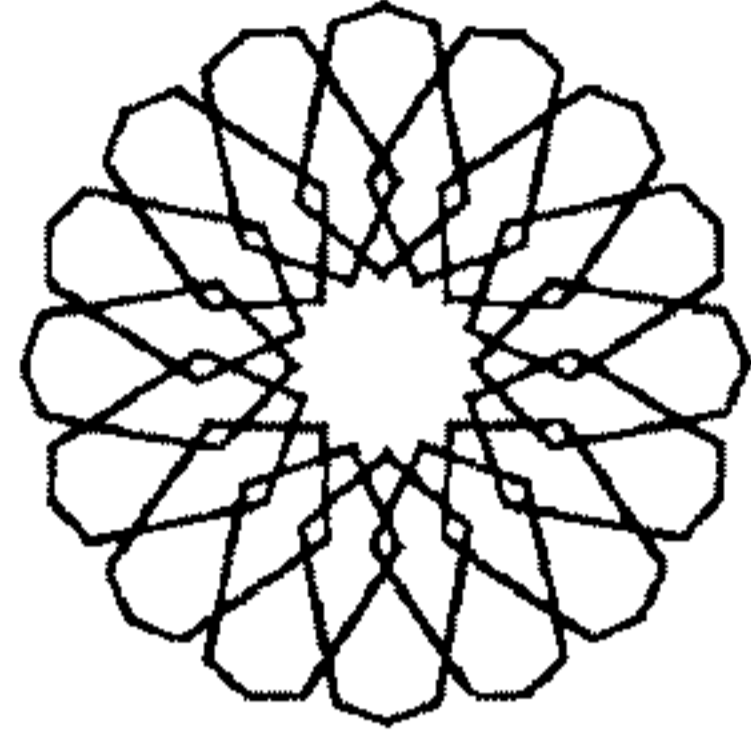
رسول خدا ﷺ :

[فرزندم] مهدی علیه السلام همانم وهم کنیه من است. لقب او مهدی

است. او حجّت، منتظر و صاحب الزمان است.<sup>۱</sup>

حضرت صاحب الزمان، مهدی موعود، هم چون رسول خدا و نیاکان  
سربلند و سرافرازش در زمین و آسمان و در سراسر هستی ولایت دارند و  
بر همه آن‌ها حکومت رانند و در تصرف و دگرگونی آن‌ها توانا و مختارند.  
او بر زمان و مکان مسلط و حاکم است. اراده‌اش نافذ، گفتارش مطاع،  
چشمان تیزبینش هم چون ابراهیم خلیل علیه السلام تمام عالم ملک و ملکوت  
را نظاره گر باشد. فاصله زمانی و مکانی، اجرام و اجسام بر دیده عزیزش  
حجاب نیفکنند. از دیرباز در بلندی عمر و سن مبارک و ارجمند حضرتش  
در میان دانشمندان و توده مردم بحث و گفت و گو بود؛ گاه جوابی به نقض  
دادند و زمانی اقامه دلیل و برهان کردند و در این گستره سخن بسیار است،  
اما با توجه به آن چه در این گفتار کوتاه گذشت، می‌توان به طور گزیده و  
روشن گفت: قطب عالم امکان، صاحب الزمان، حضرت مهدی علیه السلام چون  
اراده‌اش، اراده خداوندگار است حاکم و مالک هستی است و هم چون  
اجداد ظاهرینش راز خلقت و استمرار آن است؛ بدین جهت این امکان  
هست که اراده آن حضرت بر این استوارگشته که حرکت چرخ گردون و گذر  
زمان بر آن امام همام سایه نیفکند و زمان در او اثر نکند و پیر و شکسته  
نگردد و آن زمان که حجاب تاریک غیبت و جدایی را بدرد و ظهور کند،  
بسان مردی چهل ساله در دیدگان آید.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۶، همان، باب ۱۸، ذکر من رأها، ح ۱۴.



---

عبدالله، ابا عبدالله

---

## عبدالله، اباعبدالله

امام زمان علیه السلام خدایش را آن چنان که بایسته و شایسته است، پرستش و بندگی کند و نام «عبدالله» به راستی زیور آرای آن امام همام است. فروتنی، افتادگی و بندگی در برابر پروردگار یکتا از با شکوه‌ترین حالات و سترگ‌ترین افتخارها و امتیازهای گزیدهٔ بندگان معبود یکتاست. قرآن، کتاب بی‌همتا، دفتر دانش پروردگار، آیینهٔ نمای حقیقت و سرشت اهل بیت علیهم السلام بر شایسته بنده‌ای نازل گشت، تا نمادی کامل برای بندگان و پرواپیشگان باشد؛ قرآن سراسر یکتاپرستی و بندگی بیاموزد و از شرک و سرفرو آوردن در مقابل هوای نفس و دیگران، پروا و پرهیز دهد:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾<sup>۱</sup> و  
﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ  
يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾<sup>۲</sup>

۱. کهف، آیه ۱: «حمد مخصوص خدایی است که این کتاب [آسمانی] را بر بنده [برگزیده] اش نازل کرد، و هیچ‌گونه کژی در آن قرار نداد...»  
۲. همان، آیه ۱۱۰: «بگو: من فقط بشری هستم مثل شما؛ [امتیازم این است که] به من وحی ←

انبیا پی در پی برانگیخته شدند تا به مردمان بندگی آموزند و بر راه و روش یکتاپرستی استوارشان گردانند و این نخستین و آخرین پیام هر پیامبری است. خاتم الانبیاء، گرامی ترین پیامبران صلی الله علیه و آله، رسالت خویش را با بانگ «قولوا لا اله الا الله» آغاز کرد.<sup>۱</sup> آیا توحید که اساس و بنیان کتاب های آسمانی و فراخوانی هر پیامبری است، جز بندگی و پرستش خدا به یگانگی است؟!!

حضرت هود علیه السلام به قومش گفت:

﴿قَالَ يٰ قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُۥ اَفَلَا تَتَّقُونَ﴾.<sup>۲</sup>

عمل و دانش، شالوده بندگی است و بندگی سراپرده رحمت و بخشش هر لطف خداوند بخشاینده است؛ صعود بر فراز قلّه برافراشته پرستش یکتای خداوندی و پای بدان جا نهادن، بیم و اندوه را بزدايد و آرامش و آسایش را به ارمغان آرد؛ فرزاندگی را جایگزین نادانی و فرومایگی کند، ذلت و فقر را به عزت و توانگری دگرگون سازد.

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام :

دانش برای کسی که بدان رفتار کند هدایت گر است.<sup>۳</sup> حضرت موسی علیه السلام در جست و جوی بنده ای از بندگان خدای برآمد که رحمت ایزدی بر او سایه افکنده بود و علم خدایی زینت آرای او بود و به پیروی اش همت گمارد، تا علم هایی بیاموزد و بدان

---

⇒ می شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند»

۱. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۱، المبعث و اظهاره الدعوة، ذیل ح ۳۲.

۲. اعراف، آیه ۶۵: «گفت: ای قوم من! [تنها] خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی کنید!؟»

۳. غرر الحکم، ص ۱۲۷.

رفتار کند و مایهٔ رشد و رستگاری و رهایی از خویش گردد:

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَاهُ مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِمَّا لَدُنَّا عِلْمًا، قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ تُرْسِدًا﴾<sup>۱</sup>.

سجده بر خاک بندگی حضرت حق زدن انسان را به تخت و سریر پادشاهی اوج دهد. شیطان و طاغوتیان بزرگی و خودبینی کردند و از خاک ساری معبود یگانه سر برتابیدند و در هر دو جهان خاک سار ذلت و خاری گشتند: ﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصُّغَرِيْنَ﴾<sup>۲</sup>.

پیش از آن که رسولی به مقام نبوت نایل آید و امامی به پیشوایی منصوب گردد، بایست که خویشان را به لباس بندگی آراسته و از آلودگی پیراسته باشد؛ نباید لحظه‌ای از معبود خود، روگردانده و در خود فرورفته باشد: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِيْنَ﴾<sup>۳</sup>.

آنان حتی برای لحظه‌ای نباید از پرستش و بندگی خدا رو بتابند. خداوند متعال در این باره با فرستادگانش، چه بی‌پرده سخن را گشوده است! ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ﴾<sup>۴</sup>. رسول

۱. کهف، آیه ۶۵ و ۶۶: ﴿در آنجا [بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت [و موهبت عظیمی] از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم، موسی به او گفت: آیا از تو پیروی کنم تا از آن چه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟﴾

۲. اعراف، آیه ۱۳: ﴿گفت: از آن [مقام و مرتبه‌ات] فرود آی! تو حق نداری در آن [مقام و مرتبه] تکبر کنی ای بیرون رو، که تو از افراد پست و کوچکی!﴾

۳. بقره، آیه ۱۲۴: ﴿پیمان من به ستم کاران نمی‌رسد!﴾

۴. زمر، آیه ۶۵ و ۶۶: ﴿به تو و همهٔ پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمال تباه می‌شود و از زیان کاران خواهی بود! بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش!﴾

خدا ﷺ از گرامی ترین پیامبران، در ساحت قدس باری تعالی که هیچ آفریده‌ای بدان جاگام ننهاده بود و ننهد، با بندگی و بردگی ایزد متعال، بارانس و الفت انداخت: ﴿سُبْحٰنَ الَّذِيْ اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِيْ بُرَكْنَا حَوْلَهٗ لِئُرِيَهُ مِنْ ءَايٰتِنَا اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيْرُ﴾<sup>۱</sup>. و پیش از آن که به مقام بلند نبوت نایل آید، بنده بود و سراپای خویش را از آن مولایش دانست و در میان مردمان به امین و امانت داری و پارسایی شهرت داشت؛ بدین سان در نشستگاه نماز، پیش از آن که به رسالتش گواهی دهیم به بندگانی وی گواهی می‌دهیم: ﴿وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَ رَسُوْلُهٗ﴾.

باری، نمایندگان و سفیران الهی نخست باید خود ره بندگی بپیمایند، به جز او ننگرند و جز از او کمکی نگیرند و سر تسلیم و فرمانبرداری تنها بر آستان او گذارند، سپس به هدایت و رهنمایی دیگر مردمان پردازند: ﴿وَ اُمِرْتُ اَنْ اُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ﴾<sup>۲</sup>. و ﴿قُلْ اِنِّيْ اُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اُسَلَّمَ وَ لَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ﴾<sup>۳</sup>.

من مأمورم که بر پروردگار جهانیان اسلام آورم و تسلیم او باشم. ﴿فَاسْتَقِيْمْ كَمَا اُمِرْتُ﴾<sup>۴</sup>: آن گونه که من خواستم پایدار باش، نه کاستی کن و نه زیادتی و این شیوه و سیرت، خوی خاندان نبی

۱. اسراء، آیه ۱: «پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم، برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.»

۲. غافر، آیه ۶۶: «و مأمورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم.»

۳. انعام، آیه ۱۴: «بگو من مأمورم که نخستین مسلمان باشم؛ و [خداوند به من دستور داده که] از

مشرکان نباش!» ۴. هود، آیه ۱۱۲.

اکرم ﷺ بوده است. هر که در زندگانی آنان بارها و بارها نظر افکند و در گفتار و کردارشان به ژرفی اندیشه نماید، جز خدا و افتادگی در برابر خدایشان نیابد. دعای کمیل امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نمادی کامل از بندگانی آن انسان والی مرتبه را می‌شناساند و مناجاتش در مسجد کوفه شناسنامه عبودیت و ارادت به مولایش، خداوندگار متعال است.

یا سیدی فکیف لی و أنا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ، الذَّلِيلُ الحَقِیرُ، المِسْکِینُ،  
المُسْتَكِینُ، یا الهی و ربی و سیدی و مولای؛

ای آقایم به من چه رسد، در حالی که من بنده‌ای ناتوان و خوار،  
ناچیز، تهی دست و بیچاره‌ام، ای معبودم، ای پروردگارم، ای  
آقایم، ای مولایم!<sup>۱</sup>

مولای، مولای أَنْتَ المَوْلَى و أَنَا العَبْدُ و هل یَرْحَمُ العَبْدَ إِلَّا المَوْلَى؛  
مولایم، مولایم! تو مولا هستی و من بنده. آیا به عبد و بنده جز  
مولایش ترحمی کند؟!<sup>۲</sup>

و نیایش امام سجاد علیه السلام در دعای والای ابو حمزه گویای فروتنی و  
خاک ساری آن حضرت در پیشگاه پروردگار است:

تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ یا رَبَّ العَالَمِینَ، سیدی عَبْدُكَ بَسَابِکَ اِقَامْتَهُ  
الْخِصَاصَةَ بَیْنَ یدِکَ، یَفْرَعُ بَابَ اِحْسَانِکَ بِدَعَائِهِ: تو مبارک و  
برتری ای پروردگار جهانیان! آقایم! بنده‌ات به درگاہت پا نهاده،  
فقر و سختی او را به پیشگاهت آورده، با دعایش در ب احسان و  
بخشش تو را می‌گوید، [از او رو مگردان].<sup>۳</sup>

۱. مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۲. همان، مناجات حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه، ص ۶۵۶.

۳. همان، دعای ابو حمزه، ص ۳۲۱.

امام رضا عليه السلام :

برای امام و پیشوا شرایطی است، از جمله امام باید عابدترین و بنده‌ترین مردمان روزگار باشد.<sup>۱</sup>

حضرت در روایت دیگر فرمود:

امام حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌داند [و از پیش خود حکمی نسازد] امام از گناه و سرپیچی بخشنده خدای، پیراسته است و از عیب‌ها و زشتی‌ها پیراهیده.<sup>۲</sup>

امام صادق عليه السلام از پدرش و او از امام سجاده عليه السلام نقل کند که:

[امام] حسن عليه السلام عابدترین، زاهدترین و برترین مردمان روزگارش بود، حج را پیاده و چه بسا پابرهنه می‌گزارد و چون نماز به جا می‌آورد، لرزه بر اندام مبارکش می‌افتاد.<sup>۳</sup>

همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله گوید:

گاهی با حضرت در صحبت و گفتار می‌نشستیم که ناگاه هنگامه نماز فرا می‌رسید [حال آن حضرت چنان دگرگون می‌شد که] گویا نه ما آن حضرت را می‌شناختیم و نه او ما را.<sup>۴</sup>

یگانه دخت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از هراس حضرت حق در نماز، نفس نفس می‌زد [و نفسش به شماره می‌افتاد].<sup>۵</sup>

آری، آن خاندان پیراسته عليه السلام به راستی به ﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ﴾

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶، کتاب الامامه، باب ۶، جامع فی صفات الامام، ح ۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۹۸، کتاب الحج، باب نادر، جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۳۱، تاریخ الامام الزکی الحسن المجتبی عليه السلام، باب ۱۶، مکارم

اخلاقه و علمه و فضله عليه السلام، ح ۱. ۴. عوالی اللالی، ج ۱، ص ۳۲۴.

۵. عوالم العلوم، ج ۱۱، فاطمة الزهراء عليها السلام، ص ۲۲۴، باب ۲، عباداتها عليها السلام (استدراک).



إِلَّا لِيَعْبُدُونَ ﴿﴾ جامهٔ عمل پوشاندند و به آن رنگ حقیقت دادند.

عبدالله و ابو عبدالله را از القاب حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام شمرده‌اند<sup>۱</sup> که نشانی است از بندگی و فروتنی آن آقا.  
حذیفه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد مهدی کرد و فرمود: بیعت می‌کنند با او میان رکن و مقام. احمد و عبدالله و مهدی از نام‌های اوست.<sup>۲</sup> سیرتش نبوی است و سرشتش علوی، بندگی اش فاطمی است و خویش حسنی، رضایش حسینی است و عبادتش سجادی و....

او بنده‌ای شایسته برای خداوند است، در همهٔ حالات و همهٔ لحظه‌ها به او رو کند و خویش را در محضر بلندش بداند، به خود نیندیشد و در خود فرو نرود، قلب نازنینش از حضور و مهر خدای مهربان آکنده است، پرستش را به شایستگی به سرانجام رساند، هرگز به گناهی دامان نیالاید. و از پاکی و پیراستگی بیرون نشود.

ژرفای وجود مهدی آکنده از عطر توحید و بندگی است. بندگی اوست که به یکتا پرستان، درس بندگی آموخت؛ بدین جهت خدا پرستان، توحید خویشان را و امدار و مدیون مهدی علیه السلام می‌دانند، مهدی علیه السلام نه به غیر تکیه زند و نه از توجه خدای، روی تابد. کردار مولا رنگ خدایی دارد، افکار بلندش به خدا محوری و یکتا پرستی آراسته باشد، نه حلال خدا را حرام و نه حرام خدا را حلال کند و براستی می‌توان گفت ار علی دیگر است.

امام کاظم علیه السلام در پاره‌ای از گفتارش حضرت مهدی علیه السلام را چنین

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۵۹، لقب شماره ۸ و ص ۱۰۷، لقب شماره ۴۰؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۴۱.  
۲. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۵۵.

توصیف می‌کند:

در اثر شب زنده داری و بیداری شب، رنگ رخسارش به زردی  
متمایل گشته. پدرم فدای کسی باد که در سراسر شب در رکوع و  
سجود، تماشاگر طلوع و غروب ستارگان است!<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام شیعیان را به دعا برای حضرت حجت، امام زمان علیه السلام  
فرمان می‌داد و در نیایش خویش برای حضرت، خدا را گواه می‌گرفت:  
بارالها! ما برای آن حضرت در رستاخیز و روز پیش آمد بزرگ در  
محشر، شهادت می‌دهیم که او گناهی و خطایی مرتکب نشده و  
هرگز خدایش را نافرمانی نکرده و در پیروی از خدا کوتاهی  
نموده و حرمتی را نشکسته است...<sup>۲</sup>

در زیارت جامعه کبیره برای آن حضرت و نیاکان پاکش چنین  
گواهی می‌دهیم:

خداوند شما را از لغزش نگاه داشت و از فتنه‌ها در امان. شما در  
راه خشنودی خداوندگار از جانتان دست شستید و در برابر هر  
مصیبتی که به شما وارد گشت، پایداری کردید و قضای خدا را بر  
خود پذیرفتید.<sup>۳</sup>

درود بر تو ای مهدی، وقتی که می‌نشینی و برمی‌خیزی! درود بر  
تو زمانی که می‌خوانی و تفسیر می‌کنی! سلام بر تو آن زمان که نماز  
می‌گزاری، قنوت می‌گیری و رکوع و سجود می‌کنی! درود بر تو  
هنگامی که ندای توحید و یکتاپرستی و تکبیر در می‌دهی! درود بر تو

۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۸۰، کتاب الصلاة، باب ۴۰، تعقیب العصر المختص بها، ح ۸

۲. مفاتیح الجنان، دعا برای امام زمان در روز جمعه، ص ۹۶.

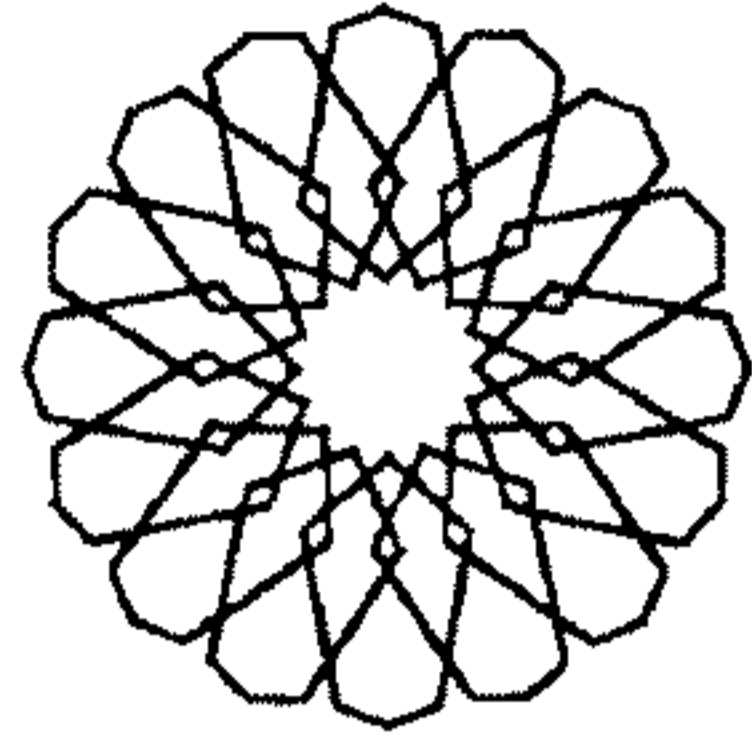
۳. همان.

وقتی که خدایت را ستایش و استغفار می‌کنی! درود بر تو در صبحگاهان و شامگاهان!<sup>۱</sup>

استاد فرهیخته جناب حجة الاسلام حاج آقا ناصری از نیک پدر و اله اش آیت الله ناصری<sup>۲</sup> چنین گزارش کند: در روزهای آغازین انقلاب که شهر دولت آباد هنوز رنگ آرامش و سکوت به خود نگرفته بود به قطب عالم امکان، حضرت بقية الله عليه السلام توسل جستیم. در پگاهی، پس از توسل خویش به آن حضرت، سر به بالین نهادم. هنوز خواب، سنگینی خود را بر من چیره نساخته بود، میان خواب و بیداری، به خدمت آن امام همام شرف حضور یافتیم، چشمم به سیمای آفتاب افروزش افتاد و چشمان پرفروغش مرا متوجه خود ساخت؛ دانستم که حضرت می‌خواهد حقیقتی را به من بفهماند و بدان اشارتی دارد که من از آن اشارت در سینه‌ام کتابی نوشتم: من هم که امام زمان توام، در پلک چشم به هم زدن رضا و رضایت خدایم را در نظر دارم و در کمترین لحظه‌ای خشنودی او را جویایم، من بنده‌ام و با تمام وجود در اختیار و سر در فرمان اویم.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

۲. حضرت آیت الله ناصری دولت آبادی از شیفتگان حضرت بقية الله عليه السلام و از اساتید اخلاق و علمای نامی اصفهان می‌باشد.



---

**عين الحيات**

---

## عین الحیات

حضرت بقیة الله عليه السلام، سرچشمه زندگانی

چشمه ساران، سنگ‌های سخت و محکم را می‌شکافند و می‌جوشند و بر زمین جاری می‌شوند، طبیعت خشک و بی‌روح را جان می‌دهند، گیاهان و حیوانات را تغذیه می‌کنند و به آنها حیات و طراوت خاصی می‌بخشند. آن طبیعتی که تا دیروز خشک و سوزان، مرده و بی‌نشاط بود، امروز در پرتو آن چشمه، به سبزی و ثمر نشسته و ادامه جریانش سبب ادامه حیات و زندگانی هستی و طبیعت است.

انبیا و اوصیا چشمه‌های زلال و پاکیزه‌ای هستند که از میان جامعه و مردمانی که در ضلالت و پلیدی‌ها فرورفته‌اند و دنیای مادیت، آنها را به کام مرگ و نابودی فرستاده و دل‌های آنها هم چون سنگ سخت و محکم گشته، برخاسته و جوشیدند و با حرکت و هدایت خود، دل‌های آلوده و مرده را با معارف الهی حیات داده و سیراب می‌کنند.

قرآن کریم از برخی به مرده، کور، کر و لال یاد می‌کند با آن که آنها

مانند سایر مردم، زنده‌اند، می‌بینند، می‌شنوند و به خوبی صحبت می‌کنند،<sup>۱</sup> اما اینها مردگان واقعی‌اند و حواس و احساسات انسانی و باطنی خود را برای رسیدن و درک حقیقت از کار انداخته‌اند، بدین جهت در قیامت که جای تجلی صفات است کور و نابینا وارد محشر شده و از خدای متعال سؤال می‌کنند: پروردگارا! ما در دنیا بینا بودیم، چرا امروز ما را نابینا و کور محسور کردی؟!<sup>۲</sup>

در تفسیر آیه شریف ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى﴾<sup>۳</sup>، مفسران گفته‌اند که منظور آیه، مردمی هستند که در ظاهر زنده‌اند و حرکت فیزیکی دارند، ولی در باطن مرده‌اند و در درون آنها از حیات و آبادی خبری نیست.<sup>۴</sup> خداوند متعال برای نجات این مردم که درون آنها خشک و بی‌حاصل گشته و رو به فنا و نابودی می‌رود و برای این که جامعه دچار چنین سرانجام نافرجامی نشود، چشمه زلال و پرفیض نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام را از میان مردمانی که قلوب آنها مانند سنگ سخت و مانند کویر، خشک و مرده بود، به جریان و حرکت درآورد تا آنان با جوشش و حرکت خود در درون جامعه و مردم، به آنها جانی تازه بخشند و آنان را که تشنه حقیقت‌اند با معارف بلند و لطیف خود، سیراب کنند.

حسن بن مهران در تفسیر و توضیح آیه شریف ﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ﴾<sup>۵</sup> گوید:

۱. بقره، آیه ۱۸: «صَمَّ بَيْنَكُمْ عُمَى فَهَمَّ لَا يَزِجُوعُونَ، آن‌ها کران، گنگها و کورانند؛ لذا [از راه خطا] باز نمی‌گردند»  
 ۲. طه، آیه ۱۲۵: «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا»  
 ۳. نمل، آیه ۸۰: «مَسْلَمًا تَوْنَمِي تَوَانِي سَخْنَت رَابِهَ غُوشِ مَرْدِكَانَ بَرَسَانِي»  
 ۴. مجمع البیان، ذیل آیه ۸۰، نمل.  
 ۵. انسان، آیه ۶: «از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند»

آن چشمه‌ای است که در منزل نبی اکرم ﷺ می‌جوشد و درون خانه تمام انبیا و مؤمنین جریان می‌یابد.<sup>۱</sup>

آری، خانه اهل بیت ﷺ منبع و سرچشمه معارف و علوم حقه الهی است و افرادی مانند سلمان فارسی که عمری را در جست و جوی حقیقت سپری کرده و خسته و تشنه مانده بود، از مرگ حتمی نجات داد و چون حضرت خضر حیاتی جاودانه یافت.

حضرت حجت بن الحسن المهدی ﷺ نیز یکی از آن چشمه‌های پاک و پاکیزه است که گذشت زمان آن امام همام را هم چون اجداد و پدران طاهرینش آلوده نکرد و از حرکت و جریان باز نداشت.

خداوند متعال او را برای نجات و هدایت مردمان روزگار غیبت ذخیره کرده بود تا پس از شهادت پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری ﷺ آن سلسله و جریان حیات بخش قطع نگردد و مردم دچار ضلالت، سرگردانی و مردگی نشوند، بدین سبب آن حضرت از همان لحظه‌های آغازین به هدایت و راهنمایی مردم پرداخت و در هر دل و جان لایق و شایسته‌ای که راه پیدا کرد او را سرسبزی و زندگانی بخشید و مانند خضر نبی ﷺ که از آب حیات نوشید و جاودانه گشت، حیاتی جاودانه بخشید.

آری، آن حضرت آب حیات واقعی است. آب حیات از قدیم بین مردم مطرح بوده و در هر زمان، برخی در طلب و جست و جوی آن برآمدند و جز حضرت خضر ﷺ همگی ناکام و تشنه ماندند، اما معارف و محبت حضرت حجت بن الحسن ﷺ به راحتی در اختیار انسان قرار

۱. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۴۱، تاریخ امیرالمؤمنین ﷺ، باب ۶، فی نزول سوره هل اتی، ذیل ح ۱.

می‌گیرد و با شست و شو و سیراب شدن از اقیانوس بلند و والای معارف و محبت آن حضرت می‌توان مانند حضرت خضر علیه السلام، سبز و جاوید ماند. در تأویل و تفسیر «ماء معین» پیشوایان معصوم علیهم السلام فرموده‌اند: «منظور، وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است.»

در آدینه که متعلق و منسوب به آن حضرت است با نام و صفت عین الحیات درود می‌فرستیم:

السلام عليك يا عين الحيوة.<sup>۱</sup>

آن حضرت سرچشمه حیات و زندگی است و با ورودش در پهنای کویر هر دلی که اندکی قابلیت داشته باشد، تمام استعدادهای الهی و رحمانی او شکوفا شود و به ثمر نشیند و این پیام و مژده‌ای است به تمام کاوشگران راه حق و حقیقت و مردمی که چشم عبرت بین آن‌ها باز و روشن است و از سرنوشت اسف بار اقوام گذشته که با فاصله و انحراف، با بلندی و تکبر، از هادی و پیشوای خود، در رکود و هلاکت فرورفتند، درس عبرت گرفته و عزم‌شان بر این است که سراپرده دل‌های خود را کنار چشمه ساران ولایت برافرازند و از محبت، ولایت و معارفشان بهره‌مند گردند.<sup>۲</sup>

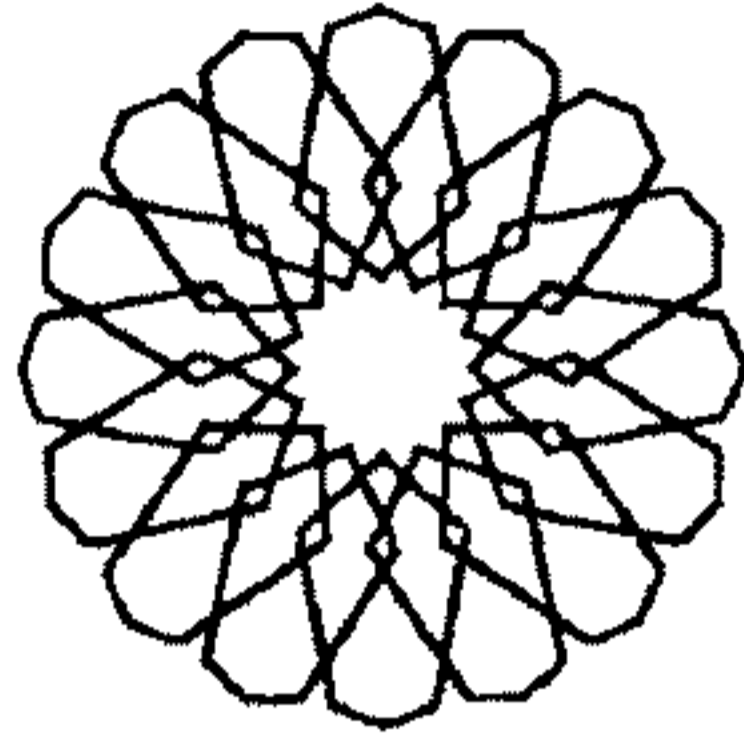
نکته: با توجه به آن چه گفته شد، هیچ کس مصداق کامل و تمام آیات شریفه ﴿مَاءٍ مَعِينٍ﴾، ﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ﴾ و از این قبیل آیات جز نبی اکرم، امیرالمؤمنین، فاطمه زهراء، و فرزندان

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت حجة علیها السلام در روز جمعه، ص ۹۶.

۲. برای چشمه و آب حیات بخش معنای دیگری نیز هست که ما آن را در «ماء معین» مشروحاً به بحث آن پردازیم.



معصومشان علیه السلام نمی باشند و محبت و دوستی غاصبان و دشمنان، آن  
خاندان بر حق و ولایت قاتلان و بدخواهانشان را گردن نهادن بسان  
آتش مذاب و فروزانی است که در کاشانه خود راه دهیم که سرانجامی  
جز خانه دل را ماتم سرا و تاریک ساختن و پایانی جز آتش جاودانه ندارد.



---

عين الله

---

## عین الله

یکی دیگر از القاب حضرت بقیة الله علیه السلام عین الله است<sup>۱</sup>.  
آن لحظه که از زمین گیاهی سر زده و بروید یا برگی از درختی بر  
زمین افتد یا در دل خاک، خزنده‌ای بخزد یا در اعماق دریاها  
جنبنده‌ای به حرکت درآید یا در آسمان‌ها جنبشی صورت گیرد، از  
دیده خداوند بصیر پنهان و پوشیده نخواهد بود:

﴿وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا﴾<sup>۲</sup>.

خدای دانا بر تمام اعمال و رفتار انسان حتی به افکاری که در  
اعماق وجود او نقش می‌بندد، شاهد و ناظر است. گرچه انسان چون  
کبکی سر در زیر برف فرو برده و پندارد که دیده‌ای او را نمی‌بیند و از  
محضر خدا دور و پنهان ماند، غافل از این که پیوسته در دیدگاه و  
اشراف حضرت حق تعالی است.

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۸۱، لقب شماره ۹۲؛ البقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۴۲.

۲. انعام، آیه ۵۹: «او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی نمی‌افتد، مگر این که از آن آگاه است.»

قرآن کریم در آیات بسیاری به این مطلب تصریح فرموده و به انسان هشدار می‌دهد تا شاید از خواب غفلت و بی‌خبری بیدارگردد و خویشتن را در پیشگاه پروردگار جهانیان حاضر بیند، مانند آیات زیر:

﴿إِعْمَلُوا مَا سِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾<sup>۱</sup>؛

﴿إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾<sup>۲</sup>؛

﴿إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾<sup>۳</sup>.

بدانید آن چه انجام می‌دهید، خداوند سبحان به آن آگاه است، حتی افکاری را که در اعماق وجودتان می‌گذرد، می‌داند. شما در محضر خدا هستید، بلکه عالم، محضر خداست. علاوه بر آن که سراسر گیتی محضر خداست، انسان و عالم در محضر رسول خدا و اهل بیت علیهم‌السلام نیز می‌باشد و آنان همانند خدای دانا بر اعمال و رفتار انسان، بلکه بر آنچه در عالم هستی می‌گذرد، ناظر و بینا هستند و در این گستره، آیات و روایات بسیاری هست که برای نمونه به برخی از آنها می‌پردازیم:

﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾<sup>۴</sup> در این آیه

خداوند متعال می‌فرماید: رفتار و کردار شما در برابر دیدگان خدا و رسولش و برخی از مؤمنان است. آن چه در این آیه آمده، عمل و رفتار انسان‌ها است و این به جهت نشان دادن نمونه‌ای است از آنچه در برابر دید خدا و جانشینانش علیهم‌السلام هست و گرنه هیچ چیز در برابر

۱. فصلت، آیه ۴۰: «هر کاری می‌خواهید، بکنید که او به آن چه انجام می‌دهید، بیناست.»

۲. فاطر، آیه ۳۱: «خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بیناست.»

۳. ملک، آیه ۱۹: «او به هر چیز بیناست.»

۴. توبه، آیه ۱۰۵: «و بگو: عمل کنید، پس خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند.»

دیدگان آنها مخفی و پنهان نماند.<sup>۱</sup> روایات فراوانی به شرح و تفسیر این آیه شریف پرداخته و منظور از «المؤمنین» را آشکار ساخته‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود: «منظور از آن، امامان معصوم علیهم السلام می‌باشند.»<sup>۲</sup> امام رضا علیه السلام سوگند خورد که منظور از «المؤمنون» امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.<sup>۳</sup>

آری، پیشوایان آیین اسلام ناظر اعمال بلکه بیننده آن چه در ملک و ملکوت می‌گذرد، هستند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

ما عین الله و دیده خداوند بین خلق او هستیم.<sup>۴</sup>

هر چه بر خدا پوشیده نیست، بر جانشینان پاکش علیهم السلام نیز پوشیده و پنهان نخواهد بود و آنان هم چون خداوند به تمام خاوران بینا هستند و زمان برای آنها حجاب نیفکند.

حضرت بقیه الله الاعظم «عین الله» [دیدگان خداوندگار] است و در برخی از زیارات مربوط به آن حضرت با این لقب مبارک به او سلام می‌دهیم:

السلام عليك يا عين الله.<sup>۵</sup>

آن حضرت دیده خداوند است و چونان خداوند و نیاکان پاکش ناظر بر چرخ گردونند. حضرت هم چون ابراهیم، عالم ملک و ملکوت را نظاره‌گر باشد و در زمین و هر جایی دیگر هیچ حرکتی از چشم او دور نماند.

انسان و عالم در محضر امام زمان علیه السلام است و هر کسی باید متوجه

۱. «نحن عین الله فی خلقه».

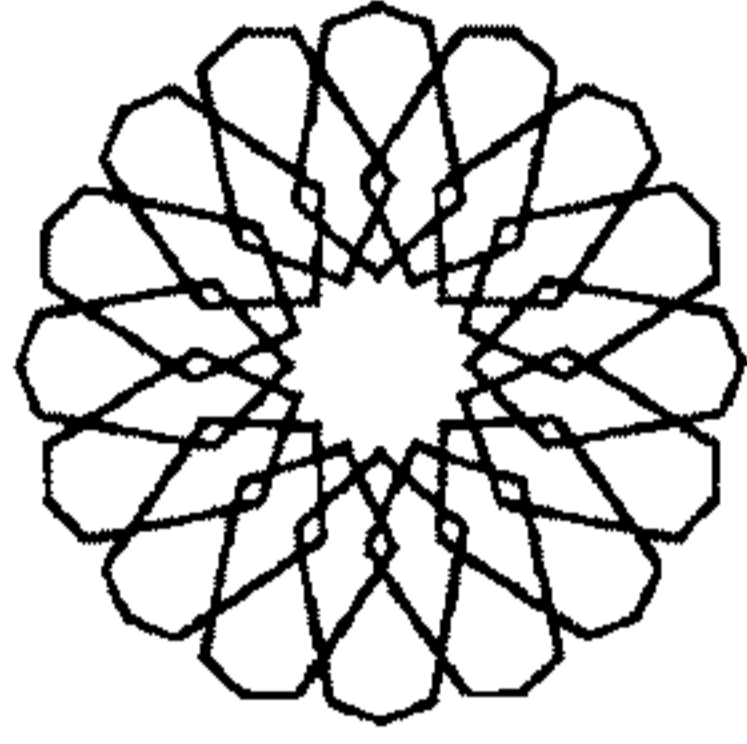
۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۲، کتاب الحجّة، باب الاعمال علی النبی و الائمه علیهم السلام.

۳. همان، ص ۲۲۰، ح ۴. ۴. همان، ص ۱۴۳، کتاب التوحید، باب نوادر، ح ۳.

۵. مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الزمان علیه السلام در روز جمعه، ص ۹۶.

باشد که در حضور چه کسی است و به اعمال، کردار و افکار خود نظم و سامانی نو و زیبا ببخشد و در حضور چنین بزرگی حرمتی را نشکند و خوی اش خوش و روشش پسندیده باشد.

نکته: با توجه به آیه‌ای که مطرح شد (توبه، ۱۰۵) و آن چه از اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه بازگو گشته، می‌توان نتیجه گرفت که مصداق آیه شریف تنها امیرالمؤمنین، علی و فرزندان معصومش علیهم‌السلام هستند و در زمان کنونی حضرت مهدی علیه‌السلام مصداق آشکار آن آیه شریف است و آنان چون خداوند متعال ناظر و گواه بر اعمال انسان‌ها، بلکه بر تمام آفرینش‌اند و هیچ کس غیر از آن سرآمدان عالم آفرینش چنین توانی نداشته و ادّعا هم نکرده است، بلکه بر خلاف آن به جهل و ناآگاهی اعتراف نموده‌اند و این شرافت و مزیتی بس بزرگ برای آنان است، بدین جهت انسان خواه ناخواه به خلافت و ولایت پیشوایان آیین فرخنده اسلام معتقد می‌شود.



---

القائم

---

## القائم

«قائم»<sup>۱</sup> از القاب نامی و ویژه حضرت مهدی (عجل الله تعالی) است. پس از آن که زمین از شرک و ظلم پر شد و مردم در فساد و جهالت غوطه ور گشتند، در سرزمین جزیره العرب خورشید فروزان نبوت و نور الهی، حضرت محمد ﷺ از پشت ابرهای تیره ظاهر گشت و با فروغ خویش علیه ظلم، فساد، شرک و نادانی قیام کرد و آواز مبارزه سرداد و بانندای توحیدی خود گرمی و روحی تازه در کالبد انسان‌ها و جامعه دمید. این حرکت و سیر هر روز سرعتی بیشتر می‌گرفت و می‌رفت تا خاوران را زیر پوشش گیرد و بساط کفر و استبداد برای همیشه از روی کره خاکی برچیده شود، اما پس از غروب آن خورشید فروزان، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر دین و فرهنگ وارد آمد و جهان بار دیگر در تاریکی و ظلمت فرو رفت و جامعه از حرکت خود منحرف گشت، آداب و رسوم عصر جاهلیت دوباره زنده شد، ظلم و فساد

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۸۸، لقب شماره ۱۱۲؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسماء و القاب، ص ۲۹.



رنگ و بویی تازه گرفت، گویی نه پیامبری آمده و نه خبری آورده است، رهبران معصوم علیهم السلام یکی پس از دیگری در جای رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشستند و لکن امامت آنان را بسیاری، از اصل و اساس منکر شدند، برخی در شک و تردید گرفتار آمدند و تعدادی اندک بر ایمان خود استوار مانده و در امر امامت دچار تزلزل و پریشانی نگشتند، بدین سبب آن امامان پیراسته مأمور به قیام و انقلابی نبودند.<sup>۱</sup> از سخنان گوهر بار خاندان نبوت در نشانه‌های روزگار آخر الزمان و مردمانش چنین بدست می‌آید که این سیر نزولی ادامه و فزونی یابد تا ظلم و فساد سراسر زمین را فراگیرد، دین مردم عوض گردد، آدمیان آن چنان از امام زمان خود غافل گردند که گویا خداوند زمام امور آفرینش را به دست خود آنان واگذار کرده و یا به دست فراموشی سپرده و مردمان چنین انگارند که امام سالیان پیش در گذشته و از او اثری به جا نمانده، از دین جز نامی نمانده و....

این روزگار با دوران پیش از اسلام (عصر جاهلیت) شباهت زیادی دارد. در این هنگامه که فساد و بیداد خاوران را آکنده ساخته، گویا فرشته وحی بار دیگر فرود آید، ولی این بار به جای حضرت رسول صلی الله علیه و آله برزاده او، حضرت مهدی علیه السلام وحی نازل کند و آن حضرت را که برای اجرای فرمان الهی آماده است، به قیام و انقلابی آشکار فرمان دهد: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ، وَرَبِّكَ فَكْبُرُ﴾.<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۶، یوم خروجه و ما یحدث عنده، ح ۶۸

۲. ملشر، آیات ۱ - ۳: «ای جامه خواب به خود پیچیده [و در بستر آرمیده] برخیز و انداز کن و»

ای که در خلوت نشسته‌ای! ای که پرده نشین غیبت گشته‌ای! به پا خیز که وقت قیام است و با قیام خود بانک توحید سرداده، با ظلم و فساد، شرک و نفاق و هر آلودگی و ناپاکی، آشکارا مبارزه کن و همه را برانداز و توحید ابراهیم را در سراسر گیتی حاکم کن. قائم آل محمد، حضرت مهدی علیه السلام به فرمان خداوند متعال قیام کند و با قیام به حق خویش بر قیام به ناحق افسون گران، نیرنگ سازان و دروغ پردازان حکومت و خلافت خط بطلان کشد و شریعت جدش و احکام خدا را زنده سازد. چون خورشید بدرخشد و با نور افشانی خود هرگونه شکی را از دل‌ها بزدايد و از مردم، سلمان و ابوذر بسازد. تمام ادیان الهی و کتاب‌های آسمانی و همه انبیا از حضرت آدم تا خاتم الأنبياء و پیشوایان راستین اسلام به ظهور و قیام چنین شخصی مژده داده‌اند. دودمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله از دوری مهدی علیه السلام اظهار دل تنگی کرده و می‌گریستند. آنان در این امید بودند که هرچه زودتر فاصله زمانی سپری گردد و به زیارتش شرف یاب شوند، بلکه خود حضرت نیز لحظه شماری می‌کند تا فرمان الهی به قیام صادر گردد و کار ناتمام انبیا و اوصیا را به سرانجام رساند و به آرزوی دیرینه آنان و وعده‌های خداوندی، به حاکمیت دین توحیدی در سراسر گیتی، عزت مؤمنین و... جامعه عمل پوشاند:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾<sup>۱</sup>

⇒ پروردگارت را بزرگ بشمار.

۱. نور، آیه ۵۵: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،

امام باقر علیه السلام از جابر بن عبد الله نقل می فرماید:

بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد گشتم: نزد او ورقی بود که در آن اسامی تمام امامان از زادگانش نگاشته شده بود، شمردم دوازده تن بودند و نام آخرین آنها «قائم» بود.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریف: ﴿وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾<sup>۲</sup> فرمود: ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام قطعی است و خداوندی که وعده‌هایش حتمی است، وعده فرموده است.<sup>۳</sup>

نبی اکرم صلی الله علیه و آله:

پیشوایان پس از من دوازده تن هستند. نخستین آنها امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین شان حضرت قائم علیه السلام است. فرمان برداری از آنها، پیروی از من و نافرمانی از آنان مخالفت با من است. هر کس یکی از آنان را نپذیرد مرا انکار کرده است.<sup>۴</sup>

صفر بن دلف:

از امام محمد تقی علیه السلام شنیدم که فرمود: پیشوای پس از من زاده‌ام علی است و پس از او حسن امام است و بعد ساکت شد. پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! امام پس از [امام] حسن علیه السلام کیست؟ حضرت بسیار گریستند و فرمود: پس از حسن

⇒ وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت.»

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲، کتاب الحجّة، باب ما جاء فی الاثنی عشر و النصّ علیهم، ح ۹.

۲. اسراء، آیه ۵: «و این وعده‌ای است انجام شدنی.»

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۳، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعه، ح ۱۰۳.

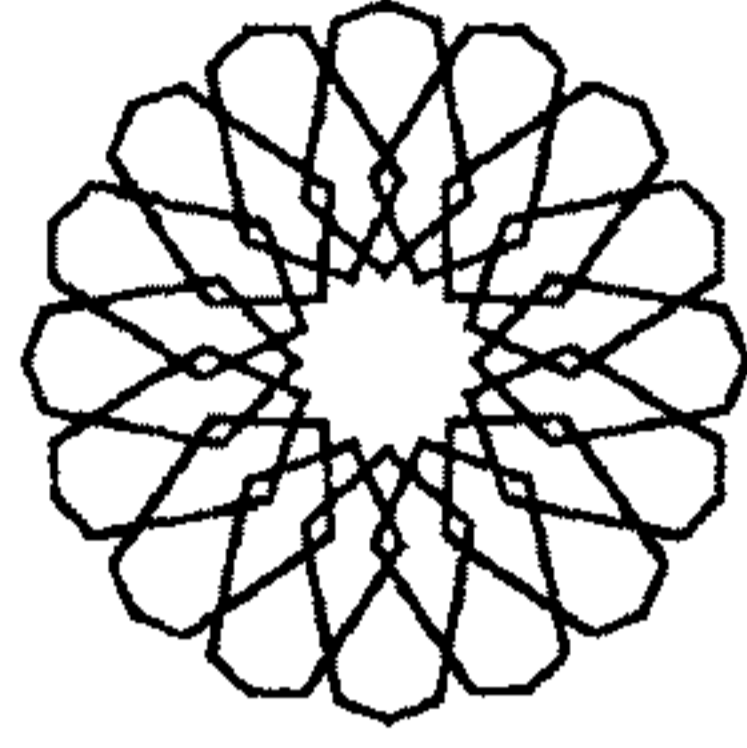
۴. همان، ج ۸، ص ۳۶۶، کتاب العدل و المعاد، باب ۲۷، من یخلد فی النار و من ینخرج منها.

[حضرت] قائم به حق [= مهدی علیه السلام] و منتظر، امام است. سؤال کردم چرا او را به نام «قائم» خوانستند؟ فرمود: زیرا او پس از گمنامی و ارتداد بیشتر آنان که به امامت وی پایبند بودند، قیام خواهد کرد.<sup>۱</sup>

الها! در فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله شتاب کن و یاری اش نما، حق را به دستان پر توانش در زمین حاکم کن و بیداد و بیدادگری را بر کن، بندگان مؤمنت را از ذلت و خواری به اوج عزت رسان و نجات بخش، آمین.

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۴۵، لقب ۱۱۲.



---

قطب

---

## قطب<sup>۱</sup>

حضرت مهدی علیه السلام، نقطه پرگار آفرینش

خدای ابدی و ازلی، اساس آفرینش خود را با نور رسولش صلی الله علیه و آله پایه گذاری کرد و پس از آن، نور امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و خاندان سرافرازش علیهم السلام را آفرید و بدین صورت سلسله آفریدگان، از آن چهارده نور پیراسته پدیدار گشت.

ایزد یکتا، عرش و کرسی را از پرتو نور آن پاکان پدید آورد. کهکشانها و اختران را از بود آنها خلق کرد. فرشتگان و جنیان، حوریان و آدمیان را به میمنت آنها رنگ هستی داد. بهشت و جهنم، آب و خاک را از آن انوار خجسته، نمودار ساخت. حضرت حق، دانش خویش را در قرآن کریم، به صورت گنجی بی پایان نهفت و قرآن را در سینه بی کران آن پاکان آسمانی علیهم السلام سپرد؛ بدین سبب سیلاب علم و دانش پیش اهل بیت علیهم السلام است و از سوی آنان به قلبهای تشنه در

---

۱. نجم ثاقب، ص ۹۱، باب ۲، لقب شماره ۱۱۸؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب.

سراسر جهان سرازیر می‌گردد. خورشید و ماه از فروغ آنها روشنایی گرفت و گیتی از حیاتشان زنده و شاداب گشت و هر جا حقیقتی به دیده آید، کان وجودش اهل بیت علیهم‌السلام هستند.

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

خدای متعال، من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام را پیش از آدم بیافرید، آن زمانی که نه آسمانی برافراشته و نه زمین پهن و گسترده شده بود، نه نوری بود و نه تاریکی، نه خورشید و نه ماه، نه بهشت و نه دوزخ؛ عباس عموی پیامبر پرسید: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! آفریدگار سبحان پیدایش شما را چگونه صورت‌گری و ساختاری نمود؟ فرمود: ای عمو! خدای دانا هنگامی که بر آفرینش ما اراده کرد، کلمه‌ای فرمود که از آن نوری پدیدار گشت؛ سپس کلمه دیگری فرمود که از آن روح را آفرید. آن نور و آن روح را در هم آمیخت و من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام را آفرید. ما خدای سبحان را پیش از هر کس، تسبیح و تقدیس می‌گفتیم و از هر گونه عیب و تقصیر پیراسته و منزّه می‌داشتیم؛ سپس بنای آفرینش را گذارد. نور مرا شکافت و از آن عرش را آفرید، نور علی علیه‌السلام را شکافت و از آن فرشتگان را خلق کرد، نور دخترم فاطمه را گشود و آسمان و زمین را از آن پدیدار ساخت، نور حسن را باز کرد و از آن خورشید و ماه را صورت‌گری نمود و نور حسین را شکافت و از آن بهشت و حوریان را وجود داد.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه‌السلام:

نخستین چیزی که خداوند خلق نمود، [حضرت] محمد و

۱. بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۰، تاریخ نبینا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، باب ۱، بدء خلقه و ما يتعلق بذلك، ح ۱۱.

خاندان ره یافته و رهنما بود.<sup>۱</sup>

علی علیه السلام:

محور سنگ آسیاب بر من می چرخد و من در جایگاه خود هستم، وقتی که بروم، مدار آن آسیاب به هم می ریزد و نظم سنگ‌های آن به هم می خورد [= من نقطه پرگار و محور جامعه و عالم خلقت ام، اگر رخت بر بندم و نباشم، جهان فروپاشد و اختران فرو ریزند].<sup>۲</sup>

قطبِ عالم امکان، حضرت بقیه الله علیه السلام نقطه پرگار خلقت است. افلاک در چرخش و حرکتی بس دقیق به دور آن نقطه و کان نور می چرخد. خورشید از فروغ آن حضرت، نور و گرما گیرد و بازتابد. ماه در میان تاریکی‌ها و ظلمت‌ها از جمال مهدی علیه السلام بازتابی از نور دارد. ستارگان رهنما به برکت آن حضرت، روشن شوند و راه پیمایان را رهنمون‌گر باشند. زمین که گسترده و آرام است، رام و مسخر آن حضرت گشته و آب، روانی و لطافت خویش را مدیون آن سرور است. بدین سبب یکی دیگر از القاب حضرت بقیه الله علیه السلام قطب است؛ یعنی نقطه آغازین خلقت، محور عالم آفرینش، در حدیث پر رمز و راز کساء که حضرت فاطمه علیه السلام گزارش گر و گواه آن چه بین خدای متعال و فرشتگان گذشت، می باشد، به چنین حقایقی تصریح گشته. حضرت ولی عصر علیه السلام از دودمان آن اصحاب و یاران کساء است، بلکه وجود نورانی و حقیقت تمام چهارده نور پاک علیهم السلام آن جا حاضر بودند

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۴۲، کتاب الحجّة، باب مولد النبی صلی الله علیه و آله، ح ۱۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۹۶، تاریخ امیر المؤمنین، باب ۲۳، الفتنه التي وقعت فی زمان علی علیه السلام، ح ۹۴۲.



و شامل دعای خیر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و فخر ایزد دانا گشتند و آیه تطهیر در شأن و منزلت همه آنها نازل گشته است. هنگامی که پنج تن رسول الله صلی الله علیه و آله، امام حسن، امام حسین، امیر المؤمنین علی و حضرت زهرا علیها السلام در زیر عبا گرد آمدند، آفریدگار هستی به فرشتگان و ملکوتیان آوا در داد:

یا ملائکتی و سگان سماواتی ائی ما خلقت سماء مبنیة و لا أرضاً مدحیة و لا قمرأ منیراً و لا شمساً مضیئة و لا فلکاً یدور و لا بحرأ یجری و لا فلکاً یسری الا فی محبة هؤلاء الخمسة الذین هم تحت الکساء؛<sup>۱</sup> ای فرشتگان و ساکنان آسمان‌هایم! به راستی این آسمان را برافراشته نساختم، این زمین را آن طور هموار نگستراندم، این ماه روشن، این خورشید فروزان را نیافریدم، این اختران در چرخش را، آب این دریاها را روان نساختم و این کشتی‌ها را بر دریاها و اقیانوس‌ها در حرکت در نیاوردم جز برای محبت و دوستی‌ام به این پنج تن که در زمین در زیر عبا جا گرفته‌اند.

حضرت بقیة الله علیه السلام گرچه نهان و مستور از دیدگان‌اند، اما سراسر گیتی از وجود فرخنده‌اش بهره‌جسته و همگان و همه چیز، هستی خویش را وام‌دار آن حضرت‌اند.

بدین جهت خدای دانا زمین را بدون حجّت و امام نگذارد و اگر در جهان هستی دو نفر بمانند، یکی از آنان امام باشد و گرنه زمین بلرزد، اختران فروریزند و هستی نابود شود.

امام باقر علیه السلام:

۱. مفاتیح الجنان و عوالم العلوم، ص ۶۳۸، حدیث کساء.

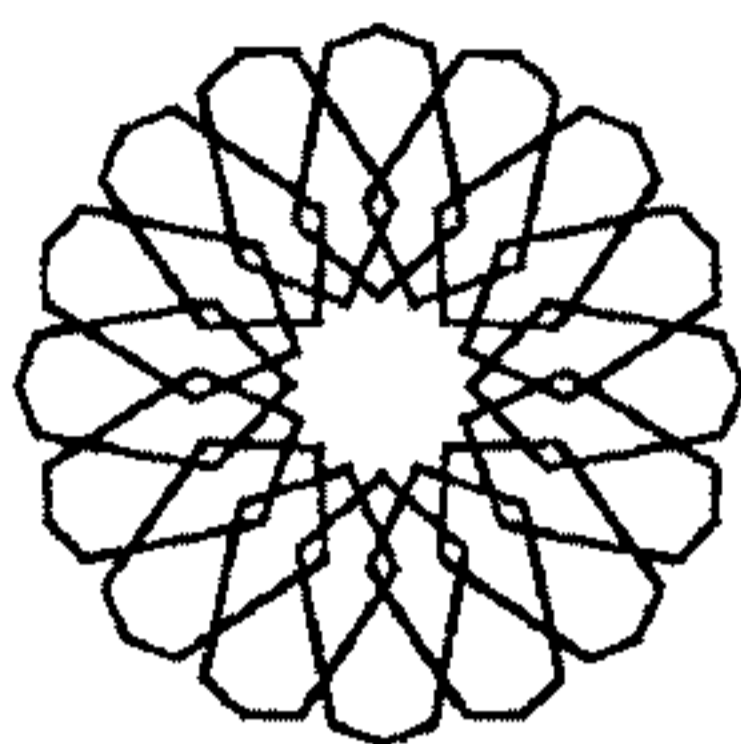
اگر امام از روی زمین رخت بر بندد، زمین هم چون دریا متلاطم و  
مضطرب گردد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام:

اگر در زمین جز دو نفر نمانند، یکی از آن دو امام است و پیشوا.<sup>۲</sup>

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۵۳، کتاب الحجّة، باب ان الارض لا تخلو من حجّة، ح ۱۲.  
۲. همان، ص ۲۵۴، کتاب الحجّة، باب انه لو لم يبق في الارض الا رجلان لكان احدهما الحجّة، ح ۱.



---

۵۲۲۰

---

## ۵۲۲

حضرت مهدی علیه السلام آینه تمام نمای صفات نیک و پسندیده

خدای سبحان انبیا را در قرآن کریم به صفات گوناگون بستود و به هر کدام رضا داد و آنان برگزیده بندگان بودند، اما او رسول خود را به گونه‌ای برتر و بزرگ‌تر ستوده، خُلق و خویش را بزرگ دانست: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۱</sup> رفتارش را کار خود شمرد: ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ﴾<sup>۲</sup> نامش را از نام خود گرفت و او را پسندیده و ستوده خواند. محدث بزرگ، مرحوم علامه مجلسی از مناقب ابن شهر آشوب چنین گزارش می‌کند «حضرت محمد صلی الله علیه و آله، سر آغاز آفرینش است و سرور آدمیان و تا ﴿قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ﴾<sup>۳</sup> پیش برفت؛ نیایش‌اش رحمت و بخشودگی امت بود و ولایتش در دنیا و آخرت رستگاری آورد. انبیای پیشین از کیفر و عذاب سخن راندند در حالی که بخشش

۱. قلم، آیه ۴: «تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.»

۲. انفال، آیه ۱۷: «و این تو نبودی [ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها] انداختی؛ بلکه خدا انداخت.»

۳. نجم، آیه ۹: «تا آنکه فاصله او [با پیامبر] به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود.»

و رحمت او بر دشمنان نیز سایه می افکند. حضرت ابراهیم علیه السلام قهرمان توحید، طالب بود و حضرت احمد صلی الله علیه و آله مطلوب. حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آزمودن سخت، شایسته نبوت و امامت گشت و او پیش از آفرینش خلقت؛ ابراهیم علیه السلام سرمایه اش را در راه خدا داد و خدای دانا عالم را به فرخندگی حضرت رسول و دودمان پاکش صلی الله علیه و آله پدید آورد و همه را به آنها بخشید و اگر او نبود نه نبی ای بود و نه انسانی، نه زمین و نه کیهانی، «لولاك لما خلقت الافلاك». او چون عیسی علیه السلام شفا دهنده بود و مردگان را زنده می کرد. موسی علیه السلام دریا را بشکافت و آن حضرت ماه را در آسمان دو نیم کرد. ایزد متعال تمام صفات پسندیده انبیای پیشین و برجستگی های آنان را یک جا برای آن رسول عزیز زینده داشت.<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

در شب معراج، خدا فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله از میان آفریدگانم تو را برگزیدم و برایت جانشینی انتخاب کردم و او را از تو قرار دادم.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرمود:

وقتی خدای متعال آدم را بیافرید، فرشتگان را به سجده اش درآورد، در بهشت اسکانش داده و حوا را به همسری وی درآورد، تا این که چشم آدم به طرف عرش خدای افتاد که بر آن پنج سطر نوشته شده بود؛ گفت: پروردگارا! اینها که هستند؟ جواب آمد: اینها کسانی اند که اگر آفریدگانم به آنها شفاعت جویند، بپذیرم. گفت: خدایا! به منزلت شان سوگندت می دهم که نامشان

۱. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴۰۲، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۱۲ نادر فی لطائف فی فضل نبینا صلی الله علیه و آله، ش ۱، اقتباس.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۷۷، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۵، علامات ظهوره من السفیانی، ح ۱۷۲.

را به من بگو. فرمود: نخستین آنها، من محمودم [ستایش شده] او محمد؛ دومین، من عالی هستم [بلند مرتبه] او علی؛ سومین، من فاطرم [آفریننده] او فاطمه؛ چهارمین، من محسن ام [نیکی دهنده] و او حسن؛ پنجمین، من صاحب احسانم و نیکی کنم و او حسین است و همه آنها خدای را ستایش کنند.<sup>۱</sup>

در زیارت حضرت رسول ﷺ می خوانیم:

درود بر تو ای فرستاده خدا، ای خلیل و دوست مهربان خدا، ای پیام آور خدا، ای برگزیده خدا، ای بخشش و رحمت خدا، ای منتخب خدای، ای محبوب خدا، ای کسی که خدای، تبارش را والا گردانده، ای پایان پیامبران، ای سرور فرستادگان خدا و ای دادگستر، درود بر تو ای فاتح و گشاینده هر خیر و نیکی!...<sup>۲</sup>

در زیارت جامعه کبیره به خاندان رسول اکرم ﷺ این گونه درود

می فرستیم:

درود بر شما ای جایگاه فرود وحی خدا، ای کان رحمت خدا، ای نهایت بردباری، ای اساس و اصل کرامت و بزرگواری، ای پایه های نیکوکاران، ای استوانه های خوبان!... گواهی می دهم که شما برگزیده گان خدایید. حضرت حق، به دانش خود شما را انتخاب کرد و شما را برای امور غیب و نهان و نور خود برگزید... شیوه شما احسان و بخشش است، عادت و رسم شما بر کرم و لطف است.<sup>۳</sup>

حضرت صاحب الزمان علیه السلام هم نام و هم خوی رسول الله صلی الله علیه و آله است.

مهدی علیه السلام تنها باز مانده ای است که خدا هرچه خوبی و زیبایی است

۱. بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۵، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۱، بدء خلقه و ما يتعلق بذلك، ح ۱۸.

۳. همان.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۵۲۴.

برای او پسندیده و او آینه تمام نمای شایستگی‌ها و آراستگی‌هاست. همان‌گونه که ایزد سبحان هر نیک و خیری را در نهان رسولش نهاد و او را بر انبیا برتری داد و بر آفرینش سروری، نامش را محمد ﷺ نهاد تا پرده از چنین حقیقتی بلند و والا بردارد، حضرت مهدی ﷺ را نیز به همان نام زینت داد، تا هم‌سان و همانند او باشد، آن حضرت را در دنیا به زیباترین و پاک‌ترین لباس بیاراید و در جهان واپسین، در بهشت - که تجلی زیبایی‌هاست و صفات نیک و سرشت پاک به تصویر آید و ساختاری بر آن اساس داشته باشد - او زیباترین بهشتیان است: «المهدی طاووس اهل الجنة»<sup>۱</sup> طاووس که شاهکار زیبایی‌ها و فریفتنی‌هاست و همه زیبایی‌ها را در خود گرد آورد، حضرت به آن مانند گشته. او چونان طاووس کانِ زیبایی است که هر کس از شگفتی‌اش بشنود در آرزو و شوق دیدارش بماند، و دیدگان از تماشای آن همه زیبایی‌ها نه خسته شود و نه بر هم رود. شگفتی جمال مهدی، گزیدگی و آراستگی صفاتش همه را شیدا کند.

امیرالمؤمنین علی ﷺ نگاهی به امام حسین ﷺ انداخت و فرمود: این فرزندم سرور است، همان‌گونه که رسول خدا ﷺ سرورش خواند و به زودی خداوند از صلب و نسل وی مردی به وجود آورد که هم نام پیامبر شما باشد و در خلق و خوی همانند و هم سنگ او باشد که بی درنگ قیام کند...<sup>۲</sup>.

رسول خدا ﷺ در پاره‌ای از گفتارش فرمود:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۵، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱، ماورد من اخبار الله و...، ح ۴.

۲. همان، باب صفاته ﷺ و علاماته، ح ۱۹.

او [= مهدی علیه السلام] هم نام من است. او شبیه ترین مردمان به من است.<sup>۱</sup>  
نبی اکرم صلی الله علیه و آله:

نهمین فرزند امام حسین علیه السلام، ایستاده خاندانم باشد. او هدایت یافته  
از امتم است و مانندترین مردمان به من در شکل و رفتار است.<sup>۲</sup>  
امام حسن عسکری علیه السلام:

سپاس خدای را که مرا نمیراند تا آن که جانشین پس از خود را  
دیدم. او شبیه ترین آدمیان به رسول خدا صلی الله علیه و آله در خلق و خوی و  
منش است و در زمان غیبتش خدای نگاه‌دارش باشد.<sup>۳</sup>  
چنان که یاد شد، نام اصلی حضرت بقیه الله علیه السلام «م ح م د» است،<sup>۴</sup>  
یعنی هم نام حضرت ابوالقاسم محمد صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست. اما روایات  
بسیاری وارد شده که به انسان یقین و باور می‌دهد که حضرت را با این نام  
و نشان هر جا و هر زمان نمی‌شود صدا زد و نیاکان پاکش علیه السلام خود از  
فاش نمودن نام او منع می‌کردند و به اشارت می‌گذشتند. برای توضیح  
بیشتر باید به فقهاء و فتوای آنان رجوع کرد.  
امام جواد علیه السلام:

(حضرت) قائم ما علیه السلام کسی است که ولادتش پوشیده باشد، نام  
[اصلی] او را بردن حرام است. او هم نام و هم کنیه رسول الله صلی الله علیه و آله است.<sup>۵</sup>  
امام صادق علیه السلام:

---

۱. همان، ج ۱۸، ص ۳۳، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۱۳، شهادة عمار، ح ۳۷۶.  
۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۷۹، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۷، سیره و اخلاقه، ح ۱۸۷.  
۳. همان، ج ۵۱، ص ۱۶۱، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱۰، ماورد عن العسکریین علیه السلام فی  
ذکر، ح ۹.  
۴. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۹۴، نام ۱۳۶؛ العسکری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۴۴.  
۵. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۰۱، ح ۹.



صاحب این امر [امامت در زمان غیبت] نامش را نبرد به جز کافر.<sup>۱</sup>

امام علی نقی علیه السلام به ابوهاشم فرمود:

چگونه است حال شما با جانشین بعد از جانشین من؟ ابوهاشم

گفت: چرا فدایت گردم؟ فرمود: چون شما او را نمی بینید و نام او

را بر زبان جاری ساختن جایز نیست.<sup>۲</sup>

امام زمان علیه السلام دو نامه به پیروانش نگاشت:

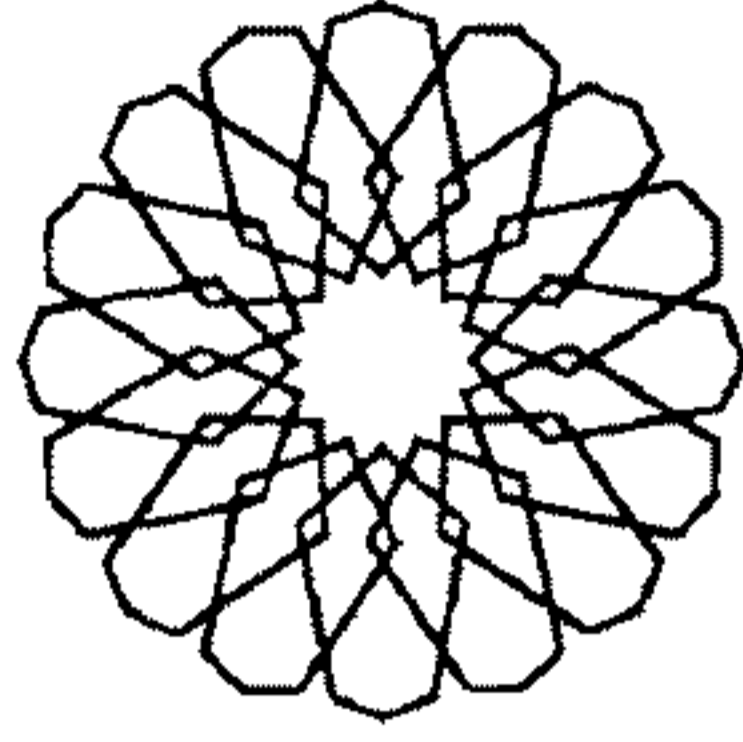
هر که نام [اصلی] مرا بین مردمان برد، از رحمت خدای دور باشد.<sup>۳</sup>

---

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۲، باب ۵۶، النهی عن تسمية القائم عليه السلام، ح ۱.

۳. همان، ح ۱۰.

۲. نجم ثاقب، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۵.



---

ماء معین

---

## ماء معین

برخی بزرگان، «ماء معین»<sup>۱</sup> را از القاب حضرت مهدی علیه السلام شمرده‌اند. به هر سو که نظر افکنیم و نشانه‌ای از حیات و زندگانی بیابیم، آب، اساس و پایه آن است.

اگر انسان زنده است و حرکت می‌کند، اگر گیاهی می‌روید و طراوتی دارد و هر جنبنده هر کجا بخزد به یمن و برکت آب است که خدای بخشنده ارزانی داشته، اما با این همه سود بسیار و این همه زیبایی‌هایی که آب می‌آفریند، ارزش و جایگاه واقعی آن برای اغلب مردم پوشیده و پنهان است. آن زمان که آسمان بخل ورزد و نزول این خیر فراگیر و پرفایده از آسمان باز ماند و جوشش آن از اعماق خاک بازایستد، طبیعت بوی مرگ و خشکی به خود می‌گیرد و چرخه حیات به کندی گراید یا از حرکت بازایستد و در این هنگامه، انسان به خویشتن آید و نقش آب در زندگی جلوه‌گر شود، این سرمایه و شالوده

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۰۸، لقب شماره ۱۴۳؛ العفری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۲۸.

حیات، جایگاه از دست رفته خود را در طبیعت بازیابد. چهارده نور منزّه و پاک، نبی اکرم، امیرالمؤمنین علی، فاطمه زهرا و فرزندان معصوم ایشان علیهم السلام منبع و اساس حیات و زندگانی اند. آنان اقیانوس بی کران علوم و معارف الهی اند که در بستر جامعه به آرامی به حرکت درآیند، پاک و زلال، باوقار و آرام، با منظره‌ای زیبا و دل‌نشین که همه از آنها بهره‌گیرند. هر کجا قدم گذارند، حیات و سرسبزی به ارمغان آورند و استعدادهای نهفته و مرده را از درون جامعه و اعماق دل‌ها شکفته و بارور کنند، همان‌گونه که در برخی روایات، امامان معصوم علیهم السلام به آب، مانند گشته‌اند و «ماء» - آب - در آیات را به آنان تأویل نموده‌اند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریف **﴿ وَ يُنَزَّلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءٌ لِّيُطَهِّرَ كُمْ بِهِ ﴾**<sup>۱</sup> فرمود:

منظور از «ماء»، امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام در پاره‌ای از روایتی، امام را این طور توصیف کرد:

«الامام، الماء العذب، علی الظمأ»<sup>۳</sup>؛

امام آب شیرین و گوارایی برای تشنه است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر **﴿ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ ﴾**<sup>۴</sup> فرمود:

مقصود چشمه‌ای است که در سرای نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌جوشد و در

۱. انفال، آیه ۱۱: «و آبی از آسمان برایتان فرستاد تا شما را با آن پاک کند».

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۷۶، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۳۸، فی سائر الآیات النازلة فی شأنه علیه السلام، ح ۱۷۶.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۹، کتاب الحجّة، باب نادر، جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۴. انسان، آیه ۶: «چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند».

سرای تمام انبیا و مؤمنین جاری می‌شود.<sup>۱</sup>

حضرت بقیة الله، امام زمان علیه السلام چونان آب، اساس پیدایش زندگانی و سبب نظام پدیده‌ها است؛ بلکه هستی آب و هر چیز دیگر نیز از آن او است و در پرتو آن وجود فرخنده و پربرکت، هستی جوهره و رنگ حیات و زندگی به خود گیرد؛ بدین سبب تمام آفریدگان بود و نبود و آرامش خویشتن را مدیون و وام‌دار آن وجود نجسته‌اند. آن حضرت اقیانوس پهناور معرفت و دانش خداوندگار است که هرگز مکدر و آلوده نگردد، صاف و بی‌آلایش، پاک‌پاک، روشن‌روشن. مهدی علیه السلام ذخیره خدای سبحان است و در هر دلی و جامعه‌ای راه یابد، احیا و شکوفا گردد، نردبان تکامل و رشد را پیماید و به سر منزل مقصود و مقصد وارد آید. اما با این همه لطف و بخشش فراوان، اغلب آدمیان از او در غفلت‌اند و به این سو و آن سو مستانه و متحیرانه می‌دوند، چه زیبا فرمود امام صادق علیه السلام:

مردم از آبی اندک و گذرا که نه منبعی دارد و نه اصلی می‌نوشند، اما به نهر بزرگ و باشوکت [که آبش همیشه لبریز است و روان] توجهی نمی‌کنند [آبی نگیرند و بهره‌ای نبرند]، سؤال کردند: منظور از نهر بزرگ چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله، و علم و دانشی که ایزد متعال به او بخشش نمود. پروردگار بخشایش‌گر، تمام سنت‌های انبیای سلف را به آن حضرت عطا کرده است. پرسیدند: آن سنت‌ها چیست؟ در جواب فرمود: دانش تمام انبیا، و رسول الله صلی الله علیه و آله تمام آن علوم و معارف

را نزد امیرالمؤمنین، علی علیه السلام سپرد [و علی علیه السلام به امام پس از خود انتقال داد تا آن علوم و معارف در سینه مبارک حضرت مهدی علیه السلام جا گرفت].<sup>۱</sup>

قرآن کریم به مردم هشدار داده که اگر امام و پیشوایان دین مورد کم لطفی و بی مهری قرار گیرند، سرانجامی جز ناکامی نخواهند داشت و امام این اصل و اساس خلقت، از دیدگان غایب و مستور گردد. علی بن جعفر از برادر بزرگوارش، امام موسی بن جعفر علیه السلام از تأویل آیه شریف **﴿إِنْ أَصْبَحَ مَائِكُمْ غَوْرًا فَن يَأْتِيَكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾**<sup>۲</sup> سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

منظور این است که اگر امام شما از دیدگانتان غایب گشت چه می کنید؟<sup>۳</sup>.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن گفتاری به عمّار فرمود:

پیشوایان راستین پس از من از صلب و نسل علی علیه السلام هستند و آنان امامان رهنمایند و مهدی علیه السلام از آنهاست. عمّار گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله پدر و مادرم فدایت باد! این مهدی کیست؟ فرمود: ای عمّار! خدای تبارک و تعالی با من پیمان بسته که از نسل حسین علیه السلام نه امام پدید آورد که نهمین آنان از دیدگان غایب است و این است [معنای] گفتار خدا که می فرماید: «إِنْ أَصْبَحَ مَائِكُمْ» ای عمّار بدان که غیبت او [سالیان سال] به درازا کشد تا

۱. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۶۶، کتاب الإمامة، باب ۱۲، ان عندهم جميع علوم الملائكة و الأنبياء، ح ۱۲.

۲. ملک، آیه ۳۰: «اگر آب های شما در زمین فرورود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد.»

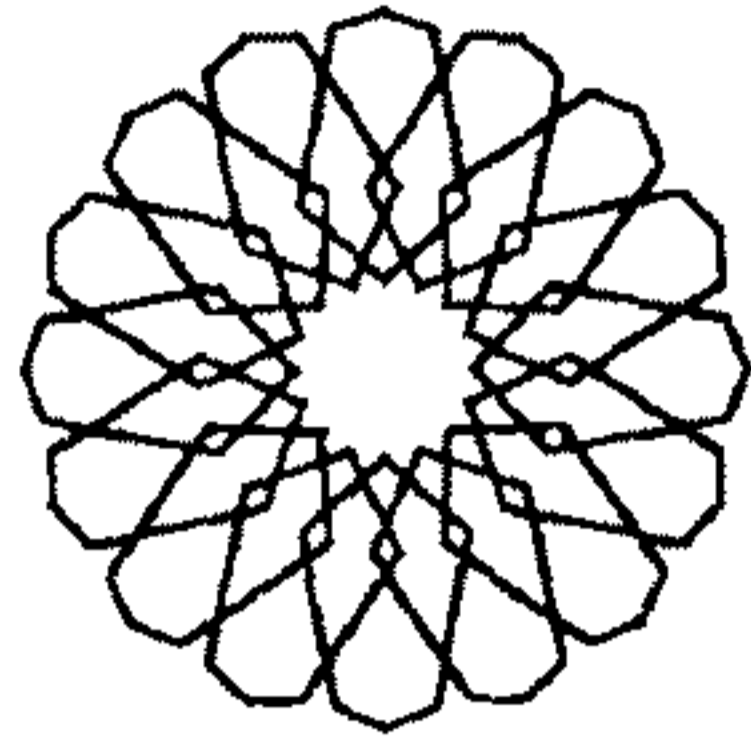
۳. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۰۰، کتاب الإمامة، باب ۳۷، أنهم علیه السلام الماء المعین و البشر المعطلة، ح ۲.

مردم دو دسته گردند؛ برخی بر امامت او ثابت قدم مانند و  
گروهی روی گردانند و در آخرالزمان ظهور کند و تمام خاوران را  
از عدل و داد آکنده سازد.<sup>۱</sup>

بارالها! به درگاہت شکایت می آوریم از فقدان نبی اکرم ﷺ،  
غیبت امام زمان علیه السلام، سختی و فتنه های آخرالزمان، از دشمنان بسیار و  
شیعیان اندک، بارالها! غم و اندوهمان را با ظهور حضرت بزدا، آمین یا  
ربّ العالمین.

---

۱. همان، ج ۳۳، ص ۱۸، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۱۳، شهادة عمار، ح ۲۷۶.



---

منظر

---



## مضطرّ

مضطرّ از القاب شکسته دل و غم خوار مستضعفان، حضرت صاحب الزمان علیه السلام است.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که انسان چیزی را صورت‌گری کند، بسازد و پدید آورد، از خودش داند و محبوبش خواند؛ آفریدگار مهربان، انسان را صورت‌گری نمود، آفرید، روحش داد و در برابر چنین آفرینش سترگی به خود، آفرین گفت: ﴿قَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾<sup>۲</sup>.

خداوند، دوست‌دار و نیک‌خواه آدمیان است و از هر پدر و مادری بر او مهربان‌تر و دلسوزتر. او به فرجام نیک و پایان خیر بندگانش، عنایت و اهتمامی تمام دارد.

انبیا - به ویژه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله - برای امت و پیروان خویش چونان پدری مهربان و دل‌سوزانند، عاقبت اندیش و آینده‌نگر، در

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۱۷، لقب شماره ۱۶۰؛ البقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۹.

۲. مؤمنون، آیه ۱۴: «پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است»

سراسر دوران نبوتشان، شب و روز برای رستگاری و رستگاری مردمانشان از ظلمت گناه و رهیدن از آتش در تلاش و تکاپو بوده و در این راه، خستگی به خود راه ندادند و از اصلاح امت، روی بر نتافتند؛ حضرت نوح فرمود:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا﴾<sup>۱</sup>.

آنان هرگز در برابر کار و پیام آوری خود، از آدمیان مزد و پاداشی درخواست نکردند، نظرشان خدا بوده و همّتشان هدایت خلق ﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup>.

این مهربانی و مهرورزی در رسول خدا ﷺ در افق و کرانی بسیار بلند و گسترده تر دیده می شود تا آن جا که خود را بسیار به زحمت می افکند تا این که قرآن فرمود:

﴿فَلَعَلَّكَ بِنِخَاعِ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾<sup>۳</sup>.

آن حضرت در ره یافتگی و نیک بختی مردمانش بسیار آزمند و حریص بود: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾<sup>۴</sup>.

امیر المؤمنین، علی علیه السلام برای سرنوشت مسلمانان در تب و تاب

۱. نوح، آیه ۵: ﴿[نوح] گفت: پروردگارا! من قوم خود را شب و روز [به سوی تو] دعوت کردم.»

۲. شعراء، آیه ۱۸۰: «من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.»

۳. کهف، آیه ۶: «گویی می خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند.»

۴. توبه، آیه ۱۲۸: «به یقین، رسولی از خود شما به سوی شما آمد که رنج های شما بر او سخت است؛ اصرار بر هدایت شما دارد؛ به مؤمنان، رئوف و مهربان است.»

می سوخت، خار در چشم و استخوان در گلو داشت و شکیبایی می ورزید. و باری، خاندان حضرت رسول ﷺ این چنین در امور دنیا و آخرت مردم حضوری کامل داشته و غم خوار و همدم آنان بوده‌اند، در انحراف افتادن شیعیان، سختی و رنج، بیماری و آشفتگی شان، قلب آن خاندان پاک را می فشرد.

رميله گوید:

به سختی بیمار شدم، جمعه‌ای حالم کمی بهبود یافت، با خود اندیشیدم چه خوب است آبی بر تنم ریزم و برای نماز با امیرالمؤمنین، علی علیه السلام حاضر شوم. آماده شدم، به نماز آمدم و نماز گزاردم. حضرت بر منبر نشست که بیماریم بازگشت. حضرت پایین آمد. همراه او داخل سرای شدم. فرمود: ای رميله! چه شده، می دیدم که به خود می پیچی؟ داستان بیماری و نیز به نماز آمدنم را برایش گفتم، حضرت فرمود: ای رميله، مؤمنی بیمار نمی‌گردد، جز آن‌که ما در بیماری‌اش بیمار می‌شویم، اندوهگین نمی‌گردد، جز آن‌که ما هم در غم او شریکیم، نیایش نمی‌کند، جز آن که ما آمین گوی اویم و ساکت نمی‌شود، مگر آن‌که ما دعاگویش هستیم. گفتم: فدایت گردم! این برای کسی است که در سرای با توست. فرمود: ای رميله! هیچ چیز در کران زمین از دیدگان ما پوشیده نیست و در خاوران مؤمنی از ما نهان نماند.<sup>۱</sup>

دوران غیبت، روزگار عجیبی است، شیعیان، آزمایشی سخت و آزمونی دشوار دهند. فاصله و دوری از امام و هدایت‌گر، کار را بر آنان

۱. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۴۰، کتاب الامامة، باب ۹، أنه لا یحجب منهم شیء، ح ۱۱.

دشوارتر ساخته، حق و باطل در هم پیچیده و دین راستین در دل تاریکی‌ها مستور گشته و جز برای اندک، روی ننمایاند. آوای دین خواهی و حق‌طلبی گاه‌گاهی گوش جان‌ها را می‌ساید، تزویر و نیرنگ شیطان، رنگی تازه به خود گرفته، گناه و فساد، تبعیض و بیداد، تزویر و ریا، جامعه بشریت را آکنده ساخته، چهره حقیقی آیین زدوده گشته و نقابی دروغین و ساختگی به خود گرفته است. شیطان و شیاطین از دیرباز به این صورت‌گری و نیرنگ‌سازی بنا گذاردند و بذر افشانی کردند و ادامه دهندگان راهشان آبیاری نمودند و آن را پروراندند. اگر روزی این نقاب و پرده را از سیمای مذهب کنار زنند، کسی آن را به نام آیین اسلام و دین محمدی صلی الله علیه و آله نشناسد، همان‌گونه که مهدی علیه السلام دینی نو آورد و پیش مردمان ناشناخته باشد، اما این همان اسلام راستین و مذهب جعفری است که رسول الله صلی الله علیه و آله آورد. <sup>۱</sup> اینها سبب شده تا برخی نوباوگان و جوانان به آن ظاهرها فریفته شوند و در گرداب گناه فروروند، دست از دامان اهل بیت علیهم السلام بریده و صید دام آن صیادان گردند، باورشان کم‌رنگ گردد و به مذهب کم‌مهر. از سوی دیگر نامهربانی و بی‌مهری روزگاران آنها را در سختی و تنگی گذارد، رنج و اندوه روزانه آنها را می‌فشارد، نه شیرینی زندگانی را چشند و نه آوای دین، روحشان را آرام سازد.

این مصیبت‌ها و این نابسامانی‌ها، قلب لطیف و مهربان حضرت ولی عصر علیه السلام را می‌شکند، روح آرام آن امام عزیز را مضطرب می‌کند و برای حضرتش دلی لبریز از غم و اندوه می‌سازد. حضرت مهدی علیه السلام

۱. همان، ج ۲، ص ۲۳۵، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۵، علامات ظهوره من السفیانی، ح ۱۳۰.

که از هر پدری مهربان‌تر و دلسوزتر است، هر روز نظاره‌گر آن است که شیعیانش گروه‌گروه دست‌خوش دگرگونی‌ها گشته، به گناه آلوده و بسی مشکلات مادی و زندگانی آنها را می‌آزارد. او هم‌چون نیاکان پاکش بر پیروانش می‌گریزد و ناآرام است، بدین جهت آن ایزد پناه از هر کس دیگر در دعا و نیایش برای مردمان به درگاه ایزدی سخت‌کوش‌تر است و برای ظهور و فرجش که در فرج او گشایش کار مؤمنان است، دعا کند زیرا دعا بُرنده‌ترین سلاح مؤمن است و کلید رهایی، نخستین و آخرین راه گشایش، تا روزی که گام به مسجد الحرام گذارد میان رکن و مقام نماز گزارد، یک دل و صد دل روی به خدا آرد و خواهان فرج و ظهور حقانی‌اش گردد، تا به ناسامانی‌ها پایان دهد، حق و حقیقت را با نور الهی خویش آفتابی نماید و سیمای دین را آن‌چنان که هست بنمایاند؛ فقر و تنگ‌دستی را از میان بردارد، و از سر لطف، دست نوازش بر سر شیعیان و مستضعفان کشد، با آنها نشست و برخاست و رفت و شدی دوستانه برقرار سازد، ان شاء الله.

سدیر گوید:

به همراهی مفضل و ابوبصیر و ابان به حضور امام صادق علیه السلام رسیدیم. حضرت روی خاک نشسته و هم‌چون مادری فرزند مرده‌گریه می‌کرد، نوایی با خود داشت: ای سرورم! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده، زندگی را بر من تنگ کرده، آرامش از دلم برتافته، سرورم! غیبت تو جان‌گداز است... پرسیدیم: چه پیش‌آمدی شما را این‌طور نگران و مضطرب ساخته؟ فرمود: امروز بامدادان در کتاب جعفر می‌نگریستم. تولد، غیبت، درنگ و

طول عمر او [= حضرت مهدی علیه السلام] و در سختی قرار گرفتن یارانش را دیدم، [به سبب دوری امامشان] رشته‌های شک در عقاید و دین‌گریزی و ارتدادشان را خواندم. دیدم که مردمان رشته ولایت را چگونه می‌گسلند و پیوندشان را می‌برند. و این چنین، کوهی از غم و اندوه در دلم افتاد.<sup>۱</sup>

امام صادق در تفسیر آیه شریف ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۲</sup> فرمود:

به‌راستی پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام قحطی و نایابی خواهد شد، مردم گرسنه مانند، ترس و وحشتی سخت از کشته شدن بر آنها سایه افکند، اموال و میوه‌ها کم شود، فقر و تنگ‌دستی مردم را در سختی گذارد و اینها در قرآن روشن گشته است، سپس حضرت آیه فوق را خواند.<sup>۳</sup>

امام سجاده علیه السلام:

فتنه‌هایی چونان پاره‌هایی از شب تار و تاریک به شما، رو آورد و از آنها رهایی نیابید، جز آن‌ان که خدا از آنها پیمان گرفته است.<sup>۴</sup>

امام زمان علیه السلام:

من آخرین وصی هستم و خدای سبحان به برکت من از خاندان و شیعیانم بلا و فتنه‌ها را دور می‌کند.<sup>۵</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱۳، ما فیہ من سنن الأنبیاء علیهم السلام، ح ۹.  
 ۲. بقره، آیه ۱۵۵: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به شکیبایان».  
 ۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۶۷ و ج ۲، ذیل آیه.  
 ۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵، همان، باب ۴، ما روی فی ذلک عن علی بن الحسین، ح ۳.  
 ۵. همان، ج ۳۰، ص ۵۲، همان، باب ۱۸، ذکر من رأه علیه السلام، ح ۲۵.

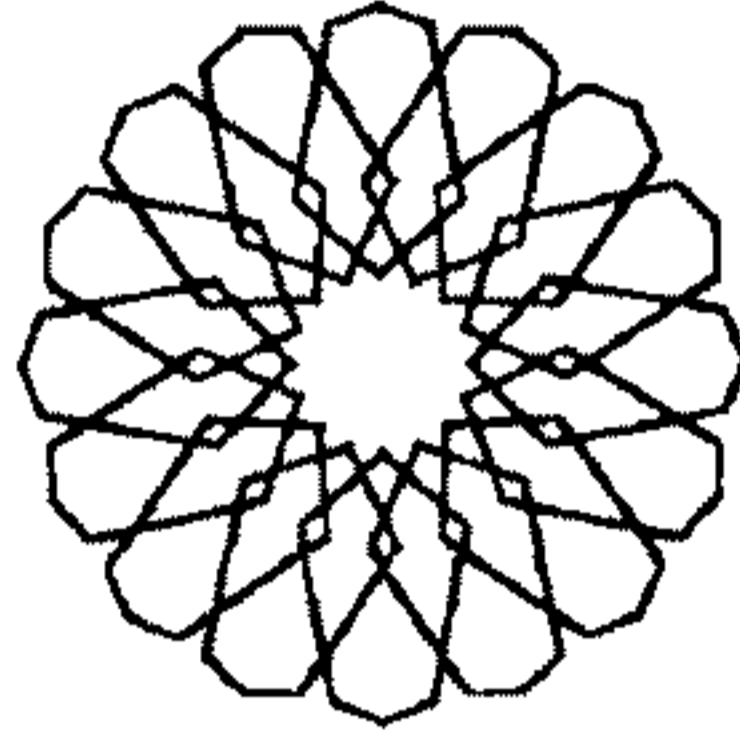
امام صادق علیه السلام:

چون حضرت قائم علیه السلام ظهور خویش را آغاز کند، به مسجد الحرام آید. پشت به مقام ابراهیم و رو به قبله کند، دو رکعت نماز خواند... سپس دستان خود را به سوی آسمان بلند کند، نیایش کند و در برابر خدای آن چنان فروتنی و زاری کند تا این که [بی حال شود و] به رو بر زمین افتد، و این است مقصود آیه شریف **﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْثِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِنَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾**<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام:

آیه **﴿أَمَّنْ يُجِيبُ...﴾** در منزلت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل گشته. به خدا سوگند مقصود از مضطر اوست، زمانی که نماز گزارد و با خدایش نیایش کند و خدا هم دعایش را مستجاب کند، سختی و بدی‌ها را بردارد و او را در زمین جانشین و حاکم کند و این است تاویل آیه شریف<sup>۲</sup> **﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْثِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِنَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾**.

۱. نمل، آیه ۶۲: «آیا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد، هست؛ آیا معبودی با خداست؟ کمتر متذکر می‌شوید.»  
 ۲. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۰۸، ح ۷.



---

منتظر

---



## منتظر<sup>۱</sup>

مهدی علیه السلام، اوج امید و رهایی

انتظار و امید به صبح‌گاهی روشن با نسیمی که نوید بخش آرامش و پیروزی است پس از شبی بلند و تیره و تار در کالبد انسان روح حیات و زندگی می‌دمد. انتظار روزی که عداوت و کینه توزی و تکبر جای خود را به برادری و محبت دهد و به جای دروغ و نفاق، صداقت و درستی جای‌گزین گردد، انتظار فردایی که تفرقه و اختلاف از میان طبقات مردم جامعه، رخت بریندد و همگان کنار یکدیگر و بر یک آیین و مذهب گرد هم آیند. انتظار برای برپایی حکومتی یک پارچه که بر اساس حق و عدالت شکل گیرد و هر صاحب حقی به حق خویش برسد و در پرتو آن، درخت آسایش و آرامش بر سراسر گیتی سایه افکند و تبعیض نژادی و قبیله‌ای در آن راه نداشته باشد. امید به فردایی که مردم از ظلمت و تاریکی بت پرستی و شرک، به فضای نورانی توحید و یکتا پرستی راه یابند. انتظار فردایی که نه ظالم باشد و

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۰۷، لقب شماره ۱۴۲؛ دارالسلام، بخش ۵، باب ۱، ص ۱۹۶.

نه مظلوم و تمام آفریدگان بر خوان گسترده عدالت و حق خواهی عزیز زهرا بنشینند و هر کس به حق خود قانع و راضی گردد؛ حتی ظلم و زور از میان حیوانات نیز رخت بر بندد. مردم از اسارت و ذلت شهوت و هواپرستی و پول پرستی آزاد و رها گردند. عقل پرورش یابد و پویا شود و ثمر دهد. دلهره‌ها و اضطراب‌ها جای خود را به سکوت و آرامش دهد؛ اما نه سکوتی که بوی شکست و ذلت و مرگ می‌دهد، بلکه سکوتی که نشانه رضایت و آرامش خاطر است. آن کس که به تمام این آرزوها، امیدها و انتظارها پاسخ مثبت دهد و در خارج به تصویر کشد و به آن واقعیت برساند، حضرت مهدی موعود «المنتظر القائم» علیه السلام می‌باشد. روشن است که چنین آینده‌ای زیبا و روشن، سعی و تلاش فراوانی طلب می‌کند و باید همانند انتظار برای رسیدن دوستی عزیز و سفر کرده از دیار غربت لحظه شماری کرد و بی‌قرار بود که آمدنش حتمی است.

### منتظران

انتظار منحصر به گروه و طیف خاصی نیست، بلکه خدای هستی بخش و همه هستی در انتظار «مهدی منتظر علیه السلام» هستند:

۱. خدا: خداوند متعال، خود از منتظران است در انتظار حضرت مهدی علیه السلام که دین خود را به دست او یاری دهد و اختلاف ادیان را بردارد و در سراسر گیتی یک آیین و مذهب - توحید - حاکم گرداند؛ در انتظار اوست تا وعده‌هایش را به مرحله نمایش و اجرا گذارد و از دشمنان خویش انتقام گیرد. با توجه به روایات خداوند جهان نگار در

قرآن کریم در این گستره چنین می‌فرماید: ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾<sup>۱</sup>.

۲. انبیا و اوصیای سلف علیهم‌السلام: آنان نیز از منتظران‌اند، در انتظار کسی که بیاید و کار ناتمام آنان را به سرانجام رساند. تمام کتاب‌های آسمانی به آمدن مهدی علیه‌السلام مژده داده‌اند ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۲</sup>.

۳. پیشوایان دین اسلام: امامان معصوم علیهم‌السلام نیز از منتظران هستند<sup>۳</sup>، در انتظار فرزند حضرت زهرا علیها‌السلام تا حقوق به تاراج رفته‌شان را بازستاند<sup>۴</sup> و از انسان خاکی، موجودی افلاکی بسازد. آنها در فراغش می‌گریستند و در آرزوی او بودند تا زمان هر چه سریع‌تر سپری شود و فرمان قیام از ناحیه خداوند قادر متعال صادر گردد؛ بدین جهت امامان معصوم علیهم‌السلام، مردم روزگارشان را با فرهنگ انتظار و وظایف آنها و نشانه‌های آخرالزمان و... آشنا می‌ساختند تا پیامی برای آیندگان باشد و گستره ظهور فراهم آید.

۴. اهل ایمان: خدا باوران، چشم به راه حضرت هستند تا کفر و ظلم را از ریشه برانداخته و آنها را از ذلت و خواری به عزت و سربلندی برساند تا در کمال امنیت و آرامش به عبادت و بندگی خدا بپردازند ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ

۱. یونس، آیه ۲۰: «شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم»

۲. انبیا، آیه ۱۰۵: «در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث حکومت زمین‌اند»

۳. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱۱، کتاب الإمامة باب ۶۷، جوامع تنزیل ما نزل فیهم، ح ۱۷.

۴. «فان لنا دولة اذا شاء الله»؛ «در دولت و حکومت [مهدی علیه‌السلام]، هر زمان که خدا اراده کند ما

حکم فرماییم.» کافی، ج ۲، ص ۲۲، کتاب الکفر و الایمان، باب دعائم الاسلام، ح ۱۳.

لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۱﴾

۵. بشریت: همگان، بر هر کیشی، مسلمان و غیر مسلمان، در انتظار کسی هستند تا آرزوها و رویاهای دیرینه آنها را تحقق بخشد، هویت و شخصیت گم شده و به تاراج رفته را به آنان بازگرداند؛ به ویژه انسان امروزی را که در گرداب سرگشتگی، پوچی و بیهودگی فرو رفته، نجات دهد و او را هدفمند و با انگیزه گرداند و طعم انسانیت را به انسان بچشانند.

گرچه انتظار از درون انسان سرچشمه می‌گیرد و می‌جوشد و به انسان امید زندگی و حقیقت می‌دهد، اما خدای متعال نیز آن را بر همه لازم دانسته و از یأس و ناامیدی نهی فرموده است ﴿إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریف فرمود: منظور از «الغیب» حضرت مهدی علیه السلام است و خداوند دستور داده، که در انتظار آن حجت غایب باشید که من نیز در شمار منتظران هستم.<sup>۳</sup>

۱. نور، آیه ۵۵: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترمشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.»

۲. یونس، آیه ۲۰: «غیب [و معجزات] تنها برای خدا [و فرمان او] است! شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم! [شما در انتظار معجزات بهانه جویانه باشید، و من هم در انتظار مجازات شما]»

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۲، فضل انتظار الفرج، ح ۱۰.

## فضیلت منتظران

امام باقر علیه السلام:

هرکسی از شما بداند که فرج حضرت مهدی روزی فرا خواهد رسید و در انتظار آن روز بماند و بداند که فرج آن حضرت مایه خیر و برکت برای مؤمنان است، سوگند به خدا مانند کسی است که با شمشیر خود همراه با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله جهاد می‌کند، بلکه سوگند به خدا مانند کسی است که با شمشیر همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌جنگد، بلکه سوگند به خدا مانند کسی است که در خیمه حضرت حجت علیه السلام، در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده است.<sup>۱</sup>

امام سجاده علیه السلام:

امامت و غیبت امام دوازدهم [حضرت مهدی علیه السلام] به درازا کشد و غیبت او طولانی شود و مردم عصر او که پای‌بند به امامت اویند و در انتظارش هستند، از مردم تمام زمان‌ها افضل و برترند، زیرا خدا به آنان عقل و فهم و معرفتی ویژه عنایت کرده و غیبت آن امام [همام]، نزد آنان با ظهورش تفاوتی ندارد و آنها در فضیلت و منزلت مانند مجاهدین در نزد رسول الله صلی الله علیه و آله هستند. آنان برگزیدگان و شیعیان راستین‌اند.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام:

پدرم از پدران پاکش بازگو کند که امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نقل فرمود: کسی که منتظر فرج و ظهور مهدی ما باشد، مانند کسی است

۱. همان، ج ۲۴، ص ۳۸، کتاب الإمامة، باب ۲۶، ان ولایتهم الصدق و انهم الصادقون، ح ۱۵.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۲، فضل انتظار الفرج، ح ۴.

که همراه با ما در جنگ شرکت کرده و در خون خود غلطیده است.<sup>۱</sup>

### چند نکته درباره انتظار:

الف: انتظار مانند نماز و روزه و... عبادت، و از برترین اعمال محسوب می‌شود.

امام جعفر صادق علیه السلام از نیاکان پاک خود نقل کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

برترین عبادت‌های مؤمن، انتظار فرج حضرت حجّت از سوی خداوند سبحان است.<sup>۲</sup>

### رسول اکرم:

انتظار فرج، عبادت است.<sup>۳</sup>

ب: انتظار از دیدگاه قرآن و پیشوایان دین، امری واجب و لازم است و نباید در این باره ناامید بود؛ چنان‌که امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در پاره‌ای از روایتی فرمود:

در انتظار فرج حضرت مهدی علیه السلام بمانید و از رحمت خدا مأیوس و ناامید نشوید، چون محبوب‌ترین اعمال نزد خدای متعال انتظار فرج است.<sup>۴</sup>

### امام رضا علیه السلام:

چه زیباست شکیبایی و انتظار فرج حضرت مهدی علیه السلام آیا

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴، کتاب الاحتجاج، باب ۷، ما علمه علیه السلام من اربعمائه باب.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۱، تاریخ الامام عشر، باب ۲۲، فضل انتظار الفرّج، ح ۳۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۲، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۲، فضل انتظار الفرّج، ح ۳.

۴. همان، ص ۱۲۳، ح ۷.

نشینده و نخوانده‌ای این آیه شریف را که خدای متعال می‌فرماید  
 ﴿وَازْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾<sup>۱</sup>، ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ  
 الْمُنتَظِرِينَ﴾<sup>۲</sup>، [در انتظار باشید و من هم در کنار شما از منتظرانم  
 و هرگز از فرج حضرت مهدی علیه السلام مأیوس و ناامید نباشید]،  
 سپس صبر را پیشه خود سازید که پس از یأس و ناامیدی فرج  
 فراخواهد رسید...<sup>۳</sup>

ج: انتظار هم چون نماز، پارسایی، و... از اجزا و شرایط دین و آیین  
 اسلام به شمار می‌رود:  
 امام صادق علیه السلام:

... از اجزا و شرایط آیین و دین امامان علیهم السلام [در] انتظار فرج [و]  
 ظهور، نشستن [همراه با صبر و بردباری است].<sup>۴</sup>

شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید چه عملی نزد خدا پذیرفته است؟  
 حضرت در جواب او شرایطی برای پذیرش عمل ذکر فرمود که از آن  
 جمله، انتظار ظهور حضرت قائم است.<sup>۵</sup>  
 در انتظار حضرت مهدی علیه السلام ماندن، کلید حل مشکلات و نجات  
 از غم و اندوه است.

حضرت ابوالحسن امام رضا علیه السلام:

... انتظار فرج سبب حل مشکلات و گشایش در کار است.<sup>۶</sup>

۱. هود، آیه ۹۳: «شما انتظار بکشید من هم با شما در انتظارم.»

۲. یونس، آیه ۲۰: «شما در انتظار باشید من هم با شما در انتظارم.»

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۲، فضل انتظار الفرّج، ح ۳۳.

۴. همان، ص ۱۲۲، ح ۱.

۵. کافی، ج ۲، ص ۲۳، کتاب الایمان و الکفر، باب دعائم الاسلام، ح ۱۳.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۲، فضل انتظار الفرّج، ح ۲۹.

امام سجاده علیه السلام:

انتظار فرج، بزرگ‌ترین راه برای گشایش معضلات و مشکلات است.<sup>۱</sup>  
امام حسن عسکری علیه السلام به علی بن الحسین بن بابویه سفارش‌هایی نوشت و در پاره‌ای از آن این‌گونه نگاشت:  
شیعیان ما همیشه در حزن و اندوه به سر خواهند برد تا این که  
فرزندم، مهدی ظهور نماید.<sup>۲</sup>

د: فضیلت انتظار: انتظار خود، برترین و زیباترین عمل‌هاست.<sup>۳</sup>  
امام رضا علیه السلام از نیاکانش نقل کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
برترین اعمال امت من انتظار فرج مهدی علیه السلام از سوی خدای  
مهربان است.<sup>۴</sup>

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال شد: «محبوب‌ترین اعمال نزد خدا  
کدام است؟» در جواب فرمود: «انتظار فرج.»<sup>۵</sup>

ه: سیره و روش پیشوایان دین در مورد انتظار:  
از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا حضرت قائم علیه السلام متولد گشته‌اند؟»  
فرمود: «خیر، اما اگر در عصر او می‌زیستم و او را می‌یافتم [و در عصر  
امامت او به سر می‌بردم] تمام عمرم را در خدمتش خواهم می‌بودم.<sup>۶</sup>  
امیرالمؤمنین، علی علیه السلام ضمن روایتی به نمایندگان خدا در زمین  
اشاره فرمود و از فراغشان آهی از قلب سوخته کشید و آرزو کرد که آنها

۱. همان، ص ۱۲۲، ح ۴.

۲. همان، ج ۵۰، ص ۳۱۸، تاریخ الامام ابی محمد العسکری، باب ۴، مکارم اخلاقه و نوادر  
احواله علیه السلام، ح ۱۴.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۰، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۲، فضل انتظار الفرّج، ح ۲۹.

۴. همان، ص ۱۲۹، ح ۲۳. ۵. همان، ص ۱۲۲.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۸، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۶، ماورد عن الصادق، ح ۲۲.



را زیارت کند و شیفته دیدارشان بود ...<sup>۱</sup>.

### چند سخن کوتاه درباره انتظار

۱. انتظار به انسان امید زندگی می دهد و یأس و ناامیدی را از بین می برد.
  ۲. انتظار در انسان انقلاب روحی ایجاد کرده و به او آمادگی می دهد تا در بهترین شرایط روحی، عاطفی و... قرار گیرد.
  ۳. انتظار سبب می شود که انسان از تمام تعلقات و وابستگی ها بریده و از مادیات رهایی یابد.
  ۴. انتظار به انسان انگیزه می دهد و او را مثبت گرا می کند، چون فرد منتظر همیشه در انتظار موقعیت و شرایطی بهتر به سر می برد.
  ۵. انتظار انسان را از توقف خارج کرده و او را به سوی کمال حرکت و سرعت می دهد.
  ۶. انتظار نشانه اعتقاد و پای بندی به ولایت امامان معصوم علیهم السلام است.
  ۷. انتظار، زمان، مکان و مرزی نمی شناسد، چون خالق و مخلوق همه از منتظران هستند.
  ۸. شخصی که منتظر قدم مبارک امام زمان علیه السلام است، سعی دارد با آن حضرت سنخیت و همخوانی بیشتری یابد و همیشه در تلاش و کوشش است تا صفات و شرایط درونی و بیرونی خود را به آن حضرت، نزدیک کند و بر او تطبیق دهد.
- آینه شو جمال پری طلعتان طلب  
جاروب کن خانه و پس میهمان طلب

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۴۶، کتاب الامامه، باب ۱، الاضطرار الی الحجة، ذیل ح ۹۱.

۹. انتظار باید با صبر و شکیبایی همراه باشد و انتقاد از تأخیر افتادن ظهور، صحیح نیست که خداوند حکیم در تأخیر ظهور حکمتی قرار داده است.

امام زمان علیه السلام به نایب اولشان، ابو عمرو عثمان بن سعید برای روز جمعه نیایشی آموخت و در ضمن آن این گونه فرمود:

فصبرنی علی ذلك حتی لا أحبّ تعجیل ما اخرت و لا تأخیر ما عجلت و لا کشف ما سترت و لا البعث عمّا کتمت و لا أنزعک فی تدبیرک و لا أقول لم و کیف و ما بال الأمر و لا یظهر و قد امتلأت الأرض من الجور و أفوض أموری کلّها إلیک:

الها مرا در تأخیر ظهور، شکیبا و بردبار گردان، تا آن چه را تو پیش و پس انداخته‌ای، جز آن را نخواهم، و آن چه را تو مستور کرده‌ای، پرده بر ندارم و به جست و جوی آن چه تو نهان داشته‌ای بر نیایم، و در تدبیر و سیاست تو به نزاع و مخاصمه بر نخیزم و نیز به چون و چرا و انتقاد در این که زمین لبریز از ظلم و ستم گشته، چرا صاحبش نمی‌آید، سر بر ندارم، بلکه تمام امور و کارهایم را به تو وا می‌گذارم.<sup>۱</sup>

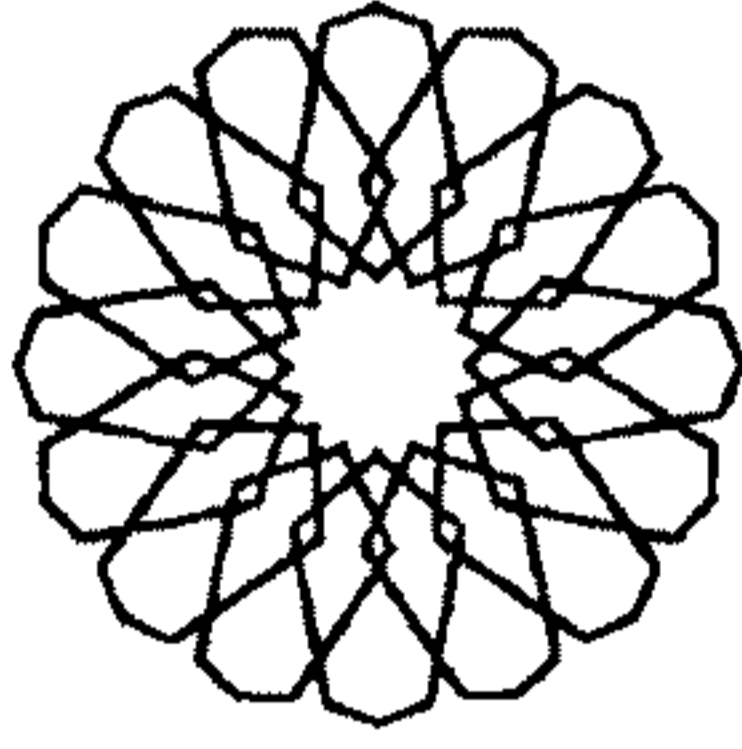
۱۰. حال و هوای انتظار، اکتسابی و به دست آوردنی است.

۱۱. از این که خدا و پیشوایان دین از منتظران هستند روشن می‌گردد، انتظار امری بسیار سترگ و بزرگ است و هم چنین معلوم می‌شود که شخص منتظر نیز شخصی با عظمت و بزرگ و بلند مرتبه است.

۱۲. انتظار مؤده و نویدی است به ایمانیان، چون آنان خدا و

۱. مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان علیه السلام.

پیشوایان راستین را در کنار خویشتن احساس می‌کنند و هم چنین پیامی است به تمام بشریت که سرانجام روزی فرا خواهد رسید که آنها از چنگال فساد و ظلم، بی‌عدالتی‌ها، ذلت‌ها، پوچی‌ها، و سردرگمی‌ها نجات یابند و انسان، جایگاه والا و ممتاز خود را در میان پدیده‌ها پیدا کند.



---

منتقم

---

## منتقم

یکی دیگر از القاب حضرت مهدی علیه السلام منتقم است.<sup>۱</sup>

پس از رحلت جان‌گداز نخستین و عزیزترین پدیده هستی، نبی مکرم اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، تنها فرزند گرامی و محبوبش در میان آتش و خون، غم و غصه، تنهایی و بیماری خیمه زد و گل‌های باغستان نبوت لگدکوب مدعیان دروغین اسلام گشت. حرمت آن حریم الهی شکسته شد، شریعت از مسیر اصلی خود به انحراف کشیده شد و در بیراهه افتاد و مردم متحیر گشته و از هدف اصلی بازماندند. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، خلیفه بلا فصل و برحق نبی اکرم صلی الله علیه و آله به جای صدارت و امامت به سراپرده عزلت رانده شد و سپس در محراب عبادت به دست شقی‌ترین و تیره‌بخت‌ترین افراد در خون نشست. امام حسن مجتبی علیه السلام در زادگاه خویش، شهر جدش، مدینه طیبه، مقهور و مجروح و مسموم گشت. امام حسین علیه السلام، فرزند

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۰۵، لقب شماره ۱۳۸؛ العبری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۶.

عزیز و گرامی رسول خدا ﷺ به دردناک‌ترین شکل ممکن در خون خود غلطید و بدن عزیزش مورد اهانت قرار گرفت. دختران امیرالمؤمنین در برابر چشمان نامحرمان به اسارت رفتند و سایر امامان معصوم علیهم‌السلام هر کدام به صورتی در اذیت و آزار و شکنجه بودند و در پایان به شهادت رسیدند.

اما پاسخ این همه ظلم و بیدادگری، خون‌های به ناحق ریخته شده و انحرافات و دگرگونی‌های اساسی و بنیادین که در دین و فرهنگ مردم بر پایه آزمندی‌ها و غرض‌های شیطانی پدید آوردند، بدون پاسخ و سرانجامی نزد خدای عزیز و مقتدر به امانت سپرده شد و همچنین در روزگار غیبت که برخی با دریدن حریم کبریایی و شکستن قلب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) شایستگی و شایگانی خویشان را از سراپرده رحمت و بخشش فراگیر خدای مهربان از دست دهند و از هدف اصلی که پرستش خدای یگانه است بازمانند، انتقام و عذاب خداوند قهار حتمی است و خدای توانا به تمام آنها وعده عقوبت و انتقام داده است ﴿فَلَا تَخْسِبَنَّ اللَّهُ الْمُخْلِفَ وَعَدِهِ رُسُلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾<sup>۱</sup>.

حضرت مهدی علیها السلام شمشیر آخته و بران خداوند منتقم است و آن ایزد پناه با این نام در زیارت‌ها خوانده می‌شود:

السلام علی السیف الشاهر،... السلام علی صاحب الصمصام و  
فلاَق الهام:

۱. ابراهیم، آیه ۴۷: «پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده تخلف کند، همانا خداوند قادر و انتقام‌گیرنده است.»

درود بر شمشیر از نیام کشیده شده،... درود بر شمشیر تیز و برّان

و شکافنده سرها [ی ستم گران و کفر پیشگان] <sup>۱</sup>.

حضرت قائم آل محمد علیه السلام منتقم و دادگر خون به ناحق ریخته

انبیا و فرزندان پاکشان است. او انتقام گیرنده خون امام حسین علیه السلام

است: «أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبِ بَدَمِ الْمَقْتُولِ

بِكْرِيْلَاءِ: كجاست آن که ستم و بیدادی که بر پیامبران و فرزندان آنان روا

داده شده، دادخواهی کند؟ کجاست خون خواه خون پاکی که در کربلا

ریخته شد؟» <sup>۲</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تأویل آیه شریف ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا

لِوَلِيِّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ <sup>۳</sup> فرمود:

مقصود از مقتول در آیه که ناروا و بدون گناه کشته شده، امام

حسین علیه السلام است، ولی و صاحب خون او حضرت قائم علیه السلام است

و اسراف و زیاده روی در قتل و کشتن، به این است که از غیر

قاتلین اش قصاص گیرد و او [در انقلابش] پیروز گردد. جهان به

پایان نرسد تا آن که خدای سرمدی آیین خویش را به دست

مردی از خاندان رسولش یاری رساند، او خاوران را همان گونه

که از ظلم و ستم آکنده گشته، از عدل و داد لبریز کند. <sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریف ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنٰى

دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ <sup>۵</sup> فرمود:

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت حجت علیه السلام، ص ۸۷۵ ۲. همان، دعای ندبه.

۳. اسراء، آیه ۳۳: «و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی اش سلطه [و حق قصاص] قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که مورد حمایت است» <sup>۴</sup>

۴. تفسیر نور الثقلین، ج ۳۰، ص ۱۶۳، ذیل آیه شریف، ش ۲۰۱.

۵. سجده، آیه ۲۱: «به آنان از عذاب نزدیک پیش از عذاب بزرگ می چشانیم.»

مقصود از «العذاب الاکبر» قیام حضرت مهدی ۷ است که در آخر الزمان ظهور نماید و به این وعده خداوند جامه عمل بپوشانند.<sup>۱</sup>  
 امام صادق علیه السلام از نیاکان پارسای خویش از رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگو کند که حضرت در روایتی فرمود:

شبی که به معراج در آسمانها برده شدم، انوار اوصیای خود را دیدم... آخرین آنان حجت، فرزند حسن بود که ایستاده بود و در میان اوصیایم چونان اختری می درخشید. پرسیدم: پروردگار من! اینان که هستند؟ فرمود: اینان پیشوایان معصوم علیهم السلام هستند و آن قائم و ایستاده، کسی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام کند. به دست او از دشمنانم انتقام می گیرم.<sup>۲</sup>

ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام از جهت نام گذاری حضرت مهدی علیه السلام به نام «قائم» سؤال نمود، حضرت در پاسخ فرمودند:  
 وقتی جدم امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، ملائکه صدا به ضجه و گریه بلند کردند و خداوند سوگند یاد نمود: به عزت و جلالم به این «قائم» از قاتلین اش انتقام گیرم.<sup>۳</sup>

محمد بن عثمان، نایب خاص حضرت بقیة الله علیه السلام در عصر غیبت گوید:

آن حضرت را دیدم که پرده کعبه را گرفته و با خدا راز و نیازی دارد: خدایا! به واسطه من از دشمنانت انتقام گیر.<sup>۴</sup>

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۸۸، ح ۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۴۵، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۴۱، نصوص الرسول صلی الله علیه و آله علی الائمة علیهم السلام، ح ۵۸.

۳. همان، ج ۴۵، ص ۲۲۱، تاریخ الحسین بن علی علیه السلام، باب ۴۱، ضجیح الملائکه الی الله، ح ۴.

۴. همان، ج ۵۱، ص ۳۵۱، تاریخ الام الثانی عشر، باب ۱۶، احوال السفراء، ذیل ح ۳.



امام صادق علیه السلام:

... وقتی قائم ما ظهور کند، خداوند به دست او انتقام رسول

خدا صلی الله علیه و آله و ما را از دشمنان بستاند.<sup>۱</sup>

نکته: انتقام و عقوبت‌های شخصی براساس عقل و حکمت صورت می‌گیرد و یکی از اصول و قوانین حیاتی و مسلم است که از ابتدا در میان انسان‌ها جریان داشته و هدف آن تأمین نظام اجتماع و جلوگیری از هرج و مرج است و اجرای به موقع آن امنیت و آرامش مردم را به دنبال خواهد داشت.

انتقام خدای متعال زمانی است که حقوق الهی و شریعت‌های آسمانی زیر پا گذاشته شود، بدین جهت عذاب و انتقامش جنبه تصفیه و پالایش برای جامعه دارد و برای مردمی است که شایستگی و قابلیت خود را برای دریافت رحمت خدای رحمان، از دست داده‌اند و دیگر حق حیات و زندگی در زمین را ندارند، زیرا حضرت نوح به خداوند عرض کرد ﴿رَبِّ لَا تَذُرْ عَلَيَّ الْأَرْضِ مِنَ الْكُفْرِينَ دِيَارًا﴾<sup>۲</sup>. در سازمان آفرینش، هر موجودی برای هدفی آفریده شده است و اگر از هدف خود به کلی منحرف گشته و باز ماند و قابل اصلاح نباشد، وجود بدون دلیل است و باید از بین برود. خدای بزرگ از چنین مردمی که از هدف آفرینش دور افتاده‌اند؛ انتقام می‌کشد و عذاب خود را بر آنها نازل می‌کند<sup>۳</sup>، زیرا زمین برای صالحان و پرهیزکاران

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۷، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۷، سیره و اخلاق و خصائص زمانه، ح ۱۳.

۲. نوح، آیه ۲۶: «پروردگارا هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار.»

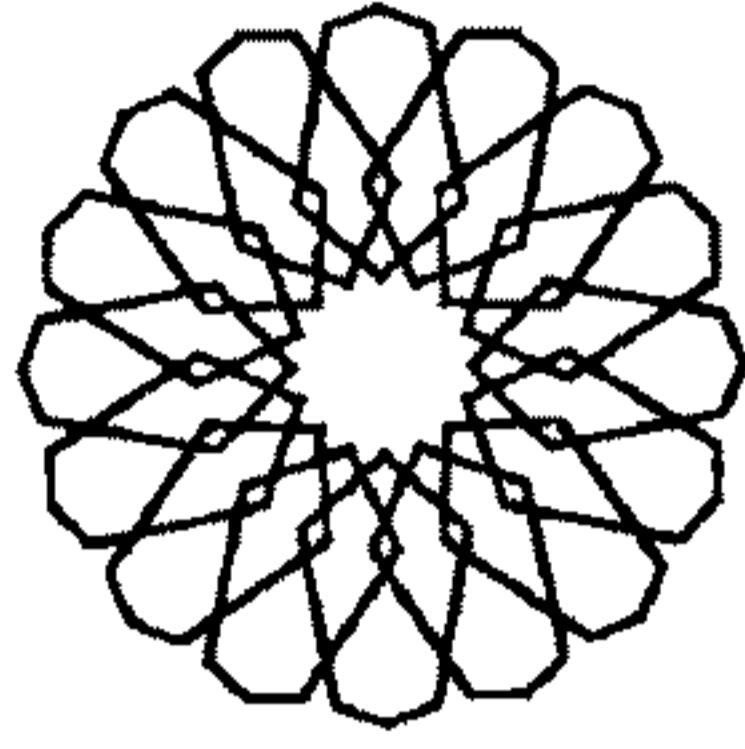
۳. سجده، آیه ۲۲: «أَنَا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ؛ مسلماً ما از مجرمین انتقام خواهیم گرفت.»

است<sup>۱</sup>. بعد از نبوت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست انتقام خدای قادر متعال از آستین حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام بیرون آید و به او از دشمنانش انتقام گیرد، اما خداوند انتقامی دیگر نیز از دشمنانش در قیامت کبرا خواهد گرفت و هر کس را به سزای ظلم و عمل ناپسندش برساند که این موضوع و بحثی دیگر دارد.

بارالها! به واسطه مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، بندگان مؤمنت را از ذلت و زبونی نجات بخش و خاوران را با دستان با کفایتش آباد ساز! کفر پیشگان و ستم پیشگان را به دست توانمند و قدرت مندش نابود ساز! سران کفر و شرک، مستبدان و زورگویان را به برکت وجود او ذلیل و خوار کن! نیرنگ دورویان و پیمان شکنان و تمام مخالفان و منکرانش را رسوا و نافرجام ساز! تا از کفر و شرک هیچ نام و نشانی نماند.

بارالها! پایه گذاران بدعت و دگرگونی در اساس دین و خط محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بنیان گذاران ستم و بیدادگری، اساس کفر و شرک را در عذاب جاودانهات گرفتار ساز و هر لحظه بر عذاب و عقوبتشان بیفزای. قدرت و شوکت بدخواهان زاده زهرا، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را در هم شکن و بر عزت و دولت دوست داران خاندان نبوت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیفزای! آمین ای پروردگار جهانیان.

۱. انبیاء، آیه ۱۰۵: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيئُهَا عِبَادِي الضَّالِحُونَ؛ بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد.»



---

منصور

---

## منصور

در نظرگاه برخی از بزرگان، امام زمان علیه السلام منصور نام دارد.<sup>۱</sup> خدا باوران و ایزد محوران، در هر زمانی از تأیید و یاری پروردگار توانا برخوردار بوده و هستند. با نگاهی به سرگذشت سفیران الهی پی می‌بریم که لطف و نصرت خدای متعال در زندگی آنان موج می‌زند. اگر با دیده پرسش‌گری و انگیزه عبرت‌ورزی بنگریم و پرنده نگاهمان را به پرواز درآوریم، پشتوانه‌ای از مدد الهی را در می‌یابیم. به راستی هر که خدا باوری و خداورزی کند، تنها به او تکیه زند و از غیر او پروا کند، مهربان خدای بی‌همتا، یار و یاور اوست، و این اعتماد و آن کردار، کلید بازگشایی و رهایی از هر مشکل و پاسخ هر پرسشی است: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾<sup>۲</sup>.

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۹۴، لقب شماره ۱۳۵ و العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۶.  
۲. طلاق، آیه ۲ و ۳: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل نماید، خدا او را کفایت می‌کند.»

خدای متعال بر خویش لازم دانسته که مؤمنان را در جای جای زندگانی یاری رساند: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup> او عزیزترین و والاترین نبی اش حضرت محمد ﷺ را همه جانبه حمایت کرده و پیروانش را یاری رسانده است. قرآن کریم گویای چنین مددی از سوی پروردگار است تا آدمیان شاکر باشند و به امیدش از اهریمنان نهراسند و پیروزی و سرافرازی را از خویشان ندانند، که هر چه هست از اوست: ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ﴾<sup>۲</sup>. در نبرد بدر که مسلمانان از نظر نیرو و ساز و برگ، از مشرکان کم تر بودند، ایزد توانا فرشتگان را به مدد مسلمانان فرستاد و مشرکان را در دیدگان مؤمنان اندک و سست و مسلمانان را در چشمان دشمنان بزرگ و با شوکت نمایان ساخت. قلوب اهل ایمان را آهنین و محکم، و دل های کافران را ترسان و لرزان نمود. چون کافران و انبازگران از جنگ بدر بازگشتند، ابولهب از ابوسفیان پرسید: «چه شد که شکست خوردید؟» گفت: «همین که به کارزار پرداختیم، ما را کشتند و اسیر نمودند، مردان سفید روی، سوار بر اسبان سیاه و سفید که در میان زمین و آسمان حرکت می کردند، ما را پراکنده ساختند و هیچ کس در برابر آنان توان مقاومت و ایستادگی، نداشت.» ابورافع گفت: «آنان ملائکه بودند.»<sup>۳</sup> قرآن کریم از حادثه بدر و حمایتش به مؤمنان سخن رانده تا نموداری کامل از لطف خدا باشد و آدمیان سپاس گزار باشند و با توکل و اعتماد بر خدای متعال از کسی

۱. روم، آیه ۴۷: «و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما»

۲. توبه، آیه ۲۵: «خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد.»

۳. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۶۳، تاریخ الانبیاء ﷺ، باب ۸، معجزاته، ح ۱۹.

نهراسند، چیزی را از خویشتن ندانند و بر غیر اعتماد نورزند که هر چه هست از اوست: ﴿أَنِّي مُخَذِّمٌ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ، وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ، إِذْ يُغَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَ يَذْهَبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ، إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّثُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَالِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّغْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾<sup>۱</sup>

و این چنین، یاری حضرت حق در فراز و نشیب زندگانی انبیا، پیش آهنگ وجودشان در حرکت است؛ لطف ایزدی یار نوح و یارانش شد و آنان را نجات بخشید، برای موسی و یارانش دریا را شکافت و فرعونیان را در آب غرق نمود، ابراهیم را در میان آتش یاری نمود و یوسف را از دل چاه و زندان به صدارت رساند و دیگر مردان نیک پندار و نیک کردار از نصرت خدای بهره جستند. این نصرت حق، در قرآن کریم، به گستردگی آمده است، که جای بس دقت و اندیشه دارد، پس در آن به ژرفی بیندیشید تا بیابید.

لطف ایزدی همواره بر حضرت حجّت عليه السلام سایه افکنده و در هر

۱. انفال، آیات ۹ - ۱۲: «من شما را با یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می آیند، یاری می کنم. ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد؛ و گرنه، پیروزی جز از طرف خدا نیست؛ خداوند توانا و حکیم است و [یاد آورید] هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد و دل هایتان را محکم و گام ها را با آن استوار دارد و [به یاد آر] موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما هستم! کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت قدم دارید! به زودی در دل های کافران ترس و وحشت می افکنم؛ ضربه ها را بر بالاتر از گردن [بر سرهای دشمنان] فرود آرید و همه انگشتانشان را قطع کنید!»

حال و هر جای یاور اوست، گرچه بدخواهانش - که از رحمت خدا دور باشند و در کيفرش جاودان - در هر دورانی اندک هم نبوده‌اند، اما خدای توانا، فرشتگان و خدا باوران راستینش، همیشه نگاهبان و یاورانش هستند و قرآن کریم، گویای چنین حقیقتی است: ﴿فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾<sup>۱</sup>، امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریف ﴿فَلَا يُشْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾<sup>۲</sup> فرمود:

خداوند [حضرت] مهدی را منصور نامید، چنانچه [حضرت] را

احمد، محمد و محمود نامید.<sup>۳</sup>

اکنون که دوران در پردگی و مستوری حضرت مهدی علیه السلام است در هر کوی و برزنی که باشد، خدای سبحان نگاهبان اوست و فرشتگان در خدمت و مؤمنان، خاکسار و شیدای اویند و در بامدادان رستاخیز مهدی علیه السلام، لطف و نصرت خداوندگار بر آن حضرت فروغی دیگر دارد. سیصد و سیزده تن از زیدگان آفرینش در سرای توحید و یکتاپرستی، کنار کعبه در خدمتش گرد هم آیند. فرشتگان از آسمان به زیر آیند و یآوری اش کنند، جبرئیل در طرف راست حضرت در حرکت باشد و میکائیل در طرف چپ، جنیان به یآوری فرزند زهرا علیها السلام ظاهر گردند و از حریمش دفاع و حراست نمایند. باور مردان به موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی و اصحاب کهف که از دنیای شرک و زیور هجران نمودند، به چاکری و خدمت‌گزاری اش

۱. تحریم، آیه ۴: «زیرا خداوند یاور اوست و هم‌چنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند.»

۲. اسراء، آیه ۳۳: «اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است!»

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲، اسمائه و ألقابه، ح ۸

مدال فخر و افتخار گیرند. عاشقان و شیفتگان که در روزگار سرد و تاریک هجران در انتظار زاده زهرا علیها السلام سر بر بالین غم و اندوه گذاردند و با دیده‌ای باز از رخت جهان بر بستند، زنده گردند و از دل خاک برخیزند و در رکابش عاشقانه جان فشانی نمایند و آرزو کنند ای کاش هزار جان داشتیم و در آستانش در خون خویشتن دست و پا می زدیم و عقده دیرینه را می گشودیم.

امام صادق علیه السلام در تأویل آیه شریف ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۱</sup> فرمود:

مقصود، یاوران [حضرت] قائم علیه السلام است که سیصد و اندی هستند. سوگند به خدا آنان مردانی شناخته‌اند و در یک زمان [در خانه خدا] گرد هم آیند.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام:

گویی [حضرت] قائم علیه السلام را در نجف می بینیم که زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را به تن کرده، ۱۳۳۱۳ فرشته همراهی اش کنند، از جمله آنان، فرشتگانی هستند که با نوح در کشتی، با ابراهیم در آستان آتش، با موسی در هنگامه شکافتن دریا و با عیسی، زمان عروجش به آسمان همراه بودند تا به آسمان صعودش دادند، [و آنان همراه حضرت باشند و در رکابش به کارزار بشتابند]<sup>۳</sup>.

۱. بقره، آیه ۱۴۸: «هر جا باشید، خداوند همه شما را [برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز] حاضر می کند؛ زیرا او، بر هر کاری تواناست.»

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۶، يوم خروجہ و ما یحدث عنده، ح ۲۶.

۳. همان، ص ۳۲۸، باب ۲۷، سیره و اخلاقه و خصائص زمانه، ح ۴۸.



امام باقر علیه السلام:

گویا می بینم [حضرت] قائم علیه السلام را در نجف، جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ اویند.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام:

[حضرت] قائم علیه السلام با ترس و وحشتی که در قلوب دشمنانش آکنده شود، یاری شود. زمین برایش پیچیده گردد و گنج های خود را ظاهر سازد [و این گونه خدمت گزارش باشند].<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام:

دورانی که [حضرت] قائم آل محمد علیه السلام به پا خیزد، ۲۵ تن از قوم موسی، اصحاب کهف، یوشع [وصی موسی]، مؤمن آل فرعون، سلمان، ابا دجانة و مالک اشتر از پشت کعبه ظاهر شوند [و حضرت را یاری رسانند].<sup>۳</sup>

مفضل در حضور امام صادق علیه السلام از حضرت قائم علیه السلام و منتظرانش که دنیا را بدرود گفتند، یاد کرد. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی [مهدی علیه السلام] به پا خیزد بر گور مؤمنان گام نهاده و گفته شود: صاحبت ظاهر گشته اگر خواهی به پا خیز و اگر خواهی در رحمت پروردگارت بیارام.<sup>۴</sup>

الها! ولیّ خویش را یاری رسان، آیین و دوستانت را به او یاری ده،

۱. همان، ص ۳۳۶، ح ۷۵.

۲. همان، ص ۱۹۱، باب ۲۵، علامات ظهوره صلوات الله علیه، ح ۲۴.

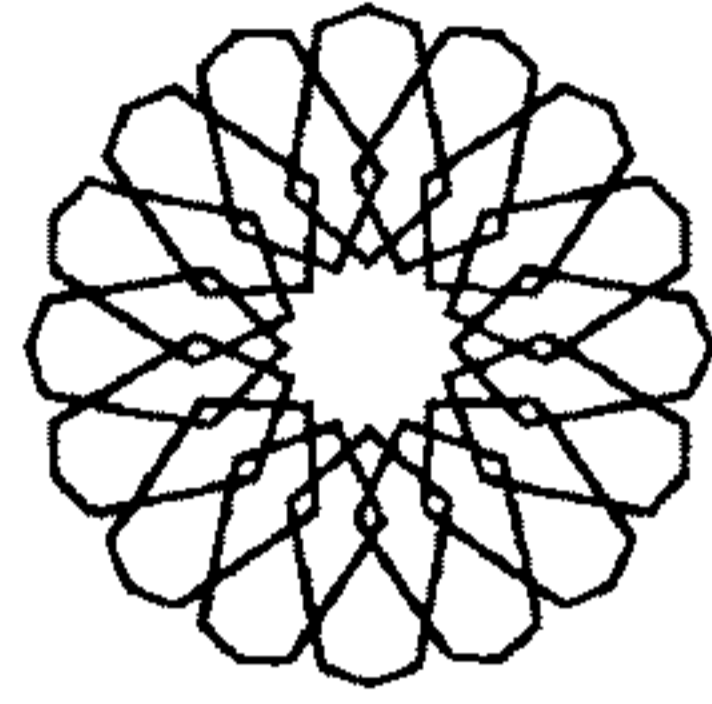
۳. همان، باب ۲۷، ص ۳۴۶، سیره و اخلاقه، ح ۹۲.

۴. همان، ج ۵۳، ص ۹۱، باب ۲۹، الرجعه، ح ۹۸.

دوستان، شیعیان و یاوران مهدی علیه السلام را، مدد ده، الها! مهدی را از بدی  
تجاوزگر سرکش و از شرّ تمام آفریدگانت، پناه ده! آمین.<sup>۱</sup>

---

۱. مفاتیح الجنان، نیایش پس از زیارت آل یس، ص ۸۷۶



---

ساعة

---

## ساعة<sup>۱</sup>

حضرت امام عصر علیه السلام ، آدینه‌ای خواهد آمد

چنان که در توضیح نام منصور به اشارت نگاشتیم و گذشتیم، ظهور دولت حق و عدالت گستر قائم آل محمد علیهم السلام را عقل و سرشت پاک گواهی دهد. ادیان و کتاب‌های آسمانی و پیشوایان معصوم علیهم السلام طلوع فرخنده‌اش را نوید داده‌اند و این نزد همه دین باوران مسلم است، زندگانی جهان به پایان نرسد و رستاخیز برپا نگردد تا آن که خورشید راستی و حقیقت از مغرب زمین سر فرازد و با فروغ خویش به جنگ تیرگی‌ها رود و همه را مغلوب خویش سازد.

قیام حضرت ولی عصر علیه السلام چونان مسائل دیگر آیین اسلام از نیرنگ و سودجویی دشمنان و دو چهرگان دور نمانده است. قرآن کریم طلوع صبح پیروزی حکومت آن امام همام را خبر داده و پیشوایان پیراسته، چنین انقلابی را در پهنای گیتی گزارش کرده‌اند.

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۷۵، لقب شماره ۶۵؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب اسامی و القاب، ص ۳۴.

آنان برای ظهور، شرایط و نشانه‌هایی شمرده‌اند و برای آخرالزمان و آزمودن سختش، سفارش‌ها نموده‌اند. همگان را به انتظار و آمادگی فراخوانده‌اند، اما زمان و ساعت خاصی را معین نکرده‌اند و از تعیین زمان ظهور - که نه پیش افتد و نه پس - نهی نموده و امرش را به خدای دانا واگذار کرده‌اند.

خزانه‌داران دانش خداوندی و تفسیرگران قرآن علیه السلام، زمان نگاران و تاریخ نمایان ظهور دولت مهدی علیه السلام را دروغ پرداز دانسته و چنین گفتاری را باطل خوانده‌اند. آنان گزارش از طلوع آن خورشید جهان افروز را در زمان مشخص، باطل دانسته‌اند؛ چونان رستاخیز که زمانش را تنها خدا داند، زمان رستاخیز مهدی علیه السلام را نیز تنها خدا داند و هر که در این گستره، بی پایه سخن راند، یاوه گوید و گزاف دوزد که نه با حقیقت هم سان باشد و نه با راستی دم ساز، و شاید نسبت پیشوایان راستین علیهم السلام به دروغ خواندن چنین گزارش‌هایی به این معنا است که هر کس برای قیام حضرت، زمانی گوید که راست افتد، خداوند توانا زمان ظهور را دگرگون سازد و به زمان بعد سپارد و به اصطلاح بدا حاصل گردد. تفسیر قمی روایت کند آیه شریف **﴿إِثْرَبَتِ السَّاعَةُ﴾** به قیام حضرت قائم علیه السلام تفسیر شده است.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام در یاد فرزندش حضرت مهدی علیه السلام گریست و فرمود: ای دعبل!... اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند، خدای توانا آن روز را بلند گرداند تا مهدی علیه السلام ظاهر گردد. پدرم از نیاکان پاکش گزارش دهد که پرسش گری از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: حضرت

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۹، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۵، الآیات المأولة بقیام القائم علیه السلام، ح ۱۴.

قائم عليه السلام از دودمانت کی ظهور کند؟ فرمود: ظهور او هم چون قیامت است که بر زمین و آسمان‌ها گران آید و زمانش را جز خدا نداند و ناگاه فرا رسد.<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند، خدای سبحان آن روز را آن اندازه بگستراند تا مردی از خاندانم قیام نماید و خاوران را همان گونه که از ظلم و بیداد لبریز گشته، از عدل و داد آکنده سازد.<sup>۲</sup>

فضیل از امام باقر عليه السلام پرسید:

آیا برای ظهور [حضرت مهدی] زمانی [خاص] معین گشته؟ حضرت سه مرتبه فرمود: زمان گذاران دروغ گویند.<sup>۳</sup>

حضرت امام صادق عليه السلام :

کسانی که [برای قیام حضرت مهدی عليه السلام] وقت و زمان گذارند، دروغ پردازان هستند. ما در گذشته زمانی معین نکرده و در آینده هم زمانی معین نکنیم.<sup>۴</sup>

حضرت صاحب الزمان عليه السلام به محمد بن عثمان عمری، نایب خاصش، این گونه نگاشت:

زمان ظهور و فرج، امرش بر خداوند است و وقت گذاران دروغ گویند.<sup>۵</sup> فرشته نجات بخش، آن مرد آسمانی، در کدامین روز ابر تیره و تار غیبت را کنار زند و از مستوری بیرون آید، بدرخشد و نور افشانی کند؟

۱. همان، ص ۱۵۴، باب ۸، ماورد عن الرضا عليه السلام، ح ۴.

۲. همان، ص ۷۴، باب ۱، ماورد من الاخبار بالقائم عليه السلام، ح ۲۶.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۰۳، باب ۲۱، التمهیص و النهی عن التوقیت، ح ۵.

۴. همان، ص ۱۰۳، ح ۶. ۵. همان، ص ۱۱۱، ح ۱۹.

چون معبر و گذرگاه ما به فراسوی انقلاب حضرت بقیة الله ﷺ تنها گزارش و گفتار نیاکان نیک آن حضرت است، باید به آن راست گویان و راست کرداران، گوش جان فرا دهیم که در این گستره، روایات متفاوتی از آن‌ها صادر گشته، برخی روز قیام را پگاه آدینه‌ای گفته‌اند و بعضی، صبح‌گاهان شنبه‌ای و عاشورایی و...

امام صادق ﷺ :

قائم و ایستاده‌ای از ما اهل بیت، در آدینه‌ای قیام نماید.<sup>۱</sup>

امام باقر ﷺ :

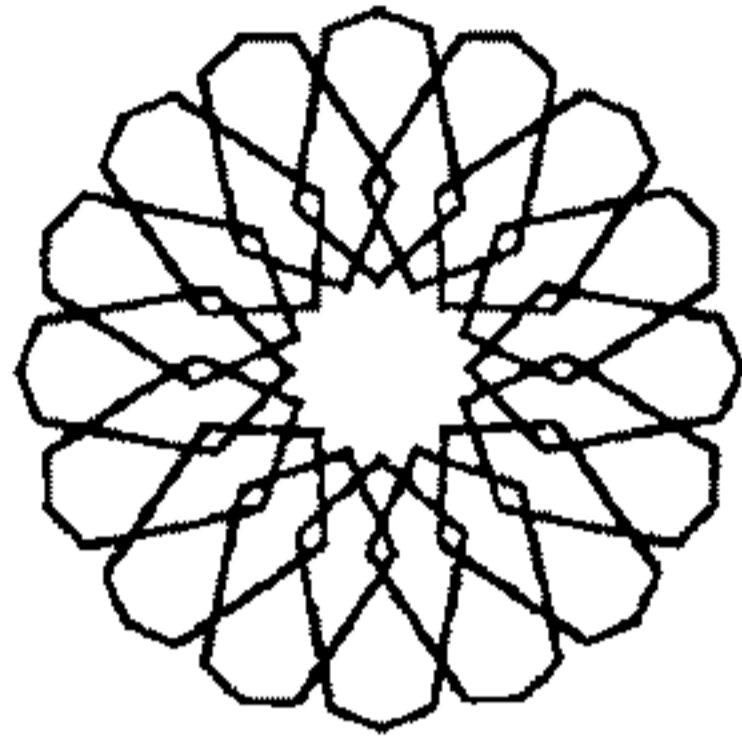
[حضرت قائم] ﷺ در روز شنبه، در عاشورایی که [امام]

حسین ﷺ به شهادت رسید، ظهور کند.<sup>۲</sup>

در زیارت حضرت در آدینه می‌خوانیم: ای سرورم، ای امام زمان! درود خدا بر تو و خاندان پاکت! امروز آدینه است؛ روزی که ظهور و گشایش کار مؤمنان به دست تو، امید می‌رود که به سرانجام رسد، روزی که کافران به شمشیر تو نابود شوند.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۲۷۹، باب ۲۶، یوم خروجه و ما یحدث عنده، ح ۱.

۲. همان، ۲۸۵، ح ۱۷. ۳. مفاتیح الجنان، ص ۹۶.



---

مهدی

---



## مهدی

«مهدی» از معروف‌ترین لقب‌های حضرت صاب الزمان علیه السلام است.<sup>۱</sup>  
خدای متعال انسان را آزاد و مختار آفرید تا خود آزادانه و بدون  
اجبار راه ایمان یا کفر را بی‌ماید:

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾<sup>۲</sup>

انبیا مانند سایر مردم مختار و آزاد آفریده شده‌اند. آنها نیز مانند سایر  
مردم، مأمور پیمودن راه خدا، یکتاپرستی و انجام تکالیف هستند. آنان از  
متن جامعه برخاسته و نخستین کسانی‌اند که در این زمینه گوی سبقت را  
ربوده‌اند، آیات زیر این مطلب را به خوبی ثابت می‌کند:

حضرت ابراهیم علیه السلام به قوم خود فرمود:

﴿إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيِّدِينَ﴾<sup>۳</sup>

حضرت لوط به او ایمان آورد و فرمود:

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۰۶، نام شماره ۱۳۹؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان القاب و اسامی، ص ۳۱.

۲. انسان، آیه ۳: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!»

۳. صافات، آیه ۹۹: «من به سوی پروردگارم می‌روم، او مرا هدایت خواهد کرد!»

﴿فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾<sup>۱</sup>

قرآن به رسول خدا ﷺ دستور می دهد که به مردم بگو: ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ، وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ﴾<sup>۲</sup>.

آری! آنان نخستین ره یافتگان راه خدایند. آنان شاگردان مکتب الهی اند که آموزگار دانا، خداوند حکیم، خود به آنها درس توحید آموخت و در آن مکتب پرورش یافتند، آنان پیش از آن که هادی و هدایت‌گر باشند، خود به واسطه خدا هدایت یافتند و راه‌های رسیدن به خدا و حقیقت برای آنها واضح و آشکار گشت و این است معنای «مهدی».

البته جایگاه رسول خدا، امیرالمؤمنین، علی، فاطمه زهرا و فرزندان معصومش علیهم‌السلام در بین انبیا محفوظ است. امام صادق علیه‌السلام در ضمن نیایشی معنای «مهدی» را این گونه روشن ساخت: خداوند! مهدی و ره یافته، کسی است که تو او را هدایت کنی.<sup>۳</sup>

خدا به رسولش فرمان می دهد که به مردم بگو: «من اگر هدایت یافتم، به برکت وحی خدا بوده و او خود مرا هدایت کرده و من ره یافته اویم»؛ ﴿وَإِنْ اهْتَدَيْتُمْ فَمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي﴾<sup>۴</sup>. حضرت ابراهیم علیه‌السلام به قومش فرمود:

۱. عنكبوت آیه ۲۶: «و لوط به او [ابراهیم] ایمان آورد، و [ابراهیم] گفت: من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او صاحب قدرت و حکیم است»

۲. زمر، آیات ۱۱ - ۱۲: «بگو: مأمورم که خدا را پرستش کنم درحالی که دینم را برای او خالص کرده باشم و مأمورم که نخستین مسلمان باشم.»

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۴، کتاب الصلاة، ابواب تکبیرة الاحرام، باب ۸، استحباب تفریق التکبیرات، ح ۱، ش ۷۲۴۷.

۴. سبأ، آیه ۵۰: «و اگر هدایت یابم، به وسیله آن چه پروردگارم به من وحی می‌کند، هدایت می‌یابم.»

آن کس که مرا آفرید او خود مرا هدایت نماید: ﴿إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي

فَأَنَّهُ سَيُهْدِيَنِي﴾<sup>۱</sup>.

پس از آن که انسان در زمین پا به عرصه وجود گذارد، خداوند سبحان، انبیای مهدی و ره یافته را فرستاد و کتاب‌های آسمانی را نازل نمود تا انسان را در انتخابی درست و شایسته یاری دهند و نموداری روشن از راه خدا و سرانجام کار را برای او ترسیم کنند و همگان باید برای هدایت خویشتن گوش جان به سخنان چنین ره یافتگانی، بسپارند. قرآن کریم در این گستره، وظیفه انسان را معین فرموده:

﴿أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى﴾<sup>۲</sup>.

رسول اکرم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام سر سلسله ره یافتگان هستند و خداوند حکیم، هادی و پرورش دهنده آنهاست. نیاکان حضرت حجت علیه‌السلام وی را با نام «مهدی» می خواندند و با این نام از او یاد می کردند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اوصیای پس از خود را یکایک با نام و صفاتشان معرفی نمود، تا به دوازدهمین جانشین و نماینده اش رسید و در وصف ویژگی هایش فرمود:

و الهادی المهدي شفيعكم يوم القيامة ... :

هادی و مهدی - ره یافته - در روز واپسین، شفیع شما باشد؛ زمانی که خدا به جز آن که خود خواهد اجازه شفاعت ندهد به درخواست عفو حضرت مهدی برای مردمان رضایت دهد.<sup>۳</sup>

۱. زخرف، آیه ۲۷: «مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد»

۲. یونس، آیه ۳۵: «آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟»

۳. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۷۰، تاریخ امیرالمؤمنین علیه‌السلام، باب ۴۱، فی نصوص الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی الأئمة علیهم‌السلام، ح ۹۱.

رسول اکرم ﷺ:

زمانی بیاید که میان امتم تفرقه و اختلاف پیدا شود و مردم در  
دین و عقاید خود متزلزل شوند و در این هنگامه فرزندانم، مهدی  
قیام نماید.<sup>۱</sup>

رسول خدا:

فرزندانم، مهدی قیام می کند و بر فرازش فرشته ای بانگ می زند:  
این است «مهدی»، از او پیروی کنید.<sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در قسمتی از روایتی به اصبع بن نباته فرمود:  
من در فکر یازدهمین فرزند از نسل خود بودم که نام او مهدی  
است و پس از آن که ظلم و ستم زمین را فراگرفت، رستاخیز کند و  
عدل و داد را حاکم کند.<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام در قسمتی از زیارت عاشورا، از خدای متعال  
درخواست می نماید که در دولت فرخنده و پایدار حضرت مهدی علیه السلام  
حضور پیدا کند و انتقام خون به ناحق ریخته شده جد بزرگوارش  
حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را بستاند و بنابر روایتی حضرت را با  
این لقب و اسم خواند:

«و ان یرزقنی طلب ثاری مع امام هدی مهدی، ظاهر ناطق  
بالحق منکم»:

از خدا می خواهم که خون خواهی شما را با امامی ره یافته که  
ظاهر است و گویای حق، روزیم کند.<sup>۴</sup>

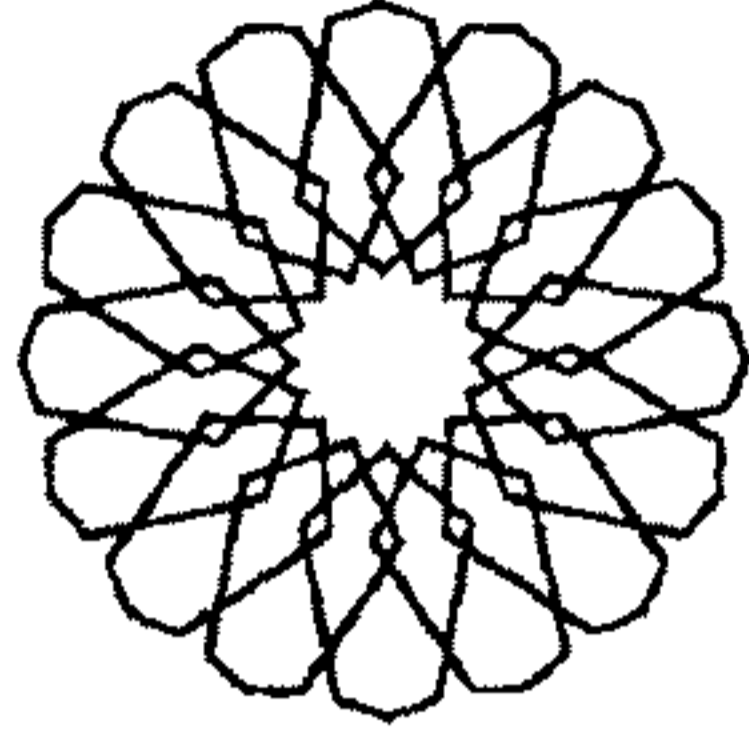
۱. همان، ج ۵۱، ص ۷۴، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱، ماورد من الاخبار بالقائم علیه السلام، ح ۲۳.

۲. همان، ج ۳۶، ص ۳۶۹، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، باب ۴۱، فی نصوص الرسول صلی الله علیه و آله علی الأئمه علیهم السلام.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، کتاب الحجّة، باب فی الغیبه، ح ۷.

۴. مفاتیح الجنان.

از توضیحات و روایاتی که بیان شد واضح گشت که واژه «مهدی» چون لباسی زیبا و آراسته بر قامت مبارک و دلربای حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام زینده است.



---

موعود

---

## موعود

جهانیان، خاکسار و در انتظار مهدی موعود علیه السلام هستند.

مهدی علیه السلام آن وعده الهی است که فطرت پاک و عقل سالم به ظهورش گواهی می دهد. مسئله مهدویت و ظهور مهدی علیه السلام گرچه از اساسی ترین اصول اعتقادی شیعه است، اما قیام او را تمام کتاب های آسمانی و انبیای الهی بشارت داده اند و فرزانه گانی آزاد اندیش، با باورهای مختلف، وجود و قیام مصلحی عدالت پیشه و عدالت گستر را به ترسیم کشیده اند و آرزومند قدوم فرخنده اش بوده اند. اعتقاد به موعود جهانی، ریشه در تاریخ پیش از ظهور ادیان یهود و مسیحیت دارد. هر چه زمان گذشت و دانش و فرهنگ بشر مترقی تر گشت، چیزی از این اعتقاد کم نشد، بلکه امروزه که بشریت در اوج قدرت و پیشرفت صنعت و دانش است، باور و آرزوی نجات بخش بشر از باتلاق گناه و گرداب فتنه، عمیق تر گشته و همگان چشم به راه کسی دوخته اند که کتاب های آسمانی، انبیا و ادیان به ظهور او نوید و مژده

داده‌اند تا از کرانه آسمان سرزند و بانگ داد و رهایی او، لرزه بر اندام بیدادگران اندازد و روشنایی اش سیاهی را بشکافد و همه جا را روشن سازد. بساط بیدادگری، کفر، فتنه و سفره رنگین زور و تزویر را برچیند. مهدی، زاده زهرا، فرزند امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و آخرین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، آن وعده آسمانی، آن نوید انبیا و آن امید مستمندان و محرومان است. آرمان‌های انبیا و فرهیختگان را او تحقق بخشد. او محرومان و مستمندان را به عزت و توانگری رساند. کاخ‌های بلند ظلم را ویران سازد و درفش‌های ستم را به زیر کشد و دین را برگیتی حاکم گرداند.

### اعتقاد ادیان آسمانی و اقوام پیشین درباره موعود

ایرانیان قبل از ظهور اسلام: موعود زنده است و روزی ظهور کند و در زمین حکومتی یک پارچه به پا سازد.

ساکنان جزایر انگلستان، از صدها سال پیش در آرزو و انتظار موعود خویشتن بوده‌اند تا قیام کند و آنان را به حکومت رساند و سعادت‌مند گردند.

گروهی از مصریان که سه هزار سال پیش از میلاد در شهر «ممفیس» به سر می‌بردند: فرمان فرمایی در آخرالزمان با نیرویی غیبی بر جهان مسلط گردد، مردمان را همسان و یک سان کند و همه را به آرامش و آسایش رساند.

اقوام مختلف هند مطابق کتاب مقدس خود: آنان در انتظار اصلاح



گری هستند که ظهور نماید و حکومتی یگانه در زمین تشکیل دهد.

آمریکای مرکزی: منجی عالم خواهد آمد.

زرتشتیان: موعود - سوشیانس - دین را در خاوران رواج دهد و

فقر و تنگ دستی را ریشه کن کند.

یهود: ایمان به ظهور ماشیح - از فرزندان اسحاق - از اصول بنیادین

آیین یهود است و هر یهودی که ماشیح را باور نکند و از منتظرانش

نباشد چونان کسی ماند که سخنان حضرت موسی و انبیای بنی

اسرائیل را منکر گشته. آنان در ظهور اختری جهان افروز که جهان را با

تابشش روشن سازد، اتفاق نظر دارند. حضرت موسی به طلوع

ستاره‌ای درخشان و نجات بخش در آخرالزمان، نوید داده که او رهایی

بخش است و با قدم همایونی اش زمین را روشن و لبریز از عدل و

قسط گرداند.

آیین مسیحیت: همانند آنان باشید که به انتظار آقای خود

نشسته‌اند، آماده و بیدار، زیرا نمی‌دانید که صاحب خانه چه هنگام

خواهد آمد. تسلی دهنده خواهد آمد و جهان را بر اساس عدالت،

سامان دهد.<sup>۱</sup>

### دیدگاه اهل سنت درباره مهدی موعود

گرچه حضرت مهدی موعود علیه السلام از دودمان امیرالمؤمنین، علی و

زهرای شهید علیها السلام و آخرین پیشوای راستین آیین ماندگار اسلام است و

امامت وی و ظهورش از اساسی‌ترین باورهای بنیادین شیعیان

۱. اقتباس از کتاب یاد مهدی، ص ۴۳ - ۵۲ و مهدی آخرین سفیر، ص ۳۶ و ۶۰ - ۸۵

می‌باشد، اما اهل تسنن نیز به ظهور حضرت مهدی اعتقاد داشته و درباره آن امام، کتاب‌ها و آثار زیادی نگاشته‌اند و روایات فراوانی بازگو کرده‌اند، بلکه اعتقاد به ظهور مهدی موعود علیه السلام را از اصولی دانسته‌اند که شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند. ابن ابی الحدید:

اتفاق شیعه و سنی بر این است که دنیا و جهان به پایان نرسد  
مگر بر ظهور آن حضرت.<sup>۱</sup>

چهار تن از دانشمندان و بزرگان از مذاهب چهارگانه اهل تسنن (ابن حجر شافعی، یحیی بن محمد حنبلی، احمد بن ضیاء حنفی و محمد بن احمد مالکی) به صحت و درستی اصل ظهور مهدی در آخرالزمان فتوا داده‌اند و این که او عدالت را در پهنه زمین بگستراند و عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا کند.

در بسیاری از کتاب‌های حدیث اهل تسنن به صراحت آمده که حضرت مهدی علیه السلام زاده بی واسطه امام حسن عسکری علیه السلام است و برخی از آنان اعتراف نموده‌اند که احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام مشهور و یا متواتر است؛ یعنی در صدور آن روایات از نبی اکرم صلی الله علیه و آله جای هیچ شکی وجود ندارد.

در کتاب مسند احمد بن حنبل، ۱۳۶ حدیث، درباره حضرت بازگو شده است.

محمد بن اسماعیل بخاری، محدث نامدار اهل تسنن در کتاب صحیح خود روایاتی را نگاشته که گویای این است که جانشینان پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله دوازده تن هستند و همگی از قریش‌اند. بخاری از

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۹۵ ذیل خطبة ۱۸۳.

فرود آمدن عیسی، زادهٔ مریم و همکاری با حضرت مهدی علیه السلام سخن رانده است.

شیخ سلیمان قندوزی حنفی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس ظهور و خروج مهدی علیه السلام را انکار کند، به راستی به آن چه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کافر گشته [و انکار ورزیده] است.<sup>۱</sup>

احمد بن حنبل می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ستم و بیداد، زمین را فراگیرد تا آن که مردی از خاندان من قیام نماید و هفت یا نه سال، فرمانروایی کند و خاوران را از عدل و داد آکنده سازد.<sup>۲</sup>

ابن ماجه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام از ما، اهل بیت است و خداوند کار ظهور او را یک شبه سامان دهد.<sup>۳</sup>

از آن چه در این جا، به اشارت، نگاشتیم آشکار شد که همگی ملت‌ها با عقاید و باورهای گوناگون، از روزگار بسیار دیرین در انتظار طلوع سپیده‌ای از میان تیرگی‌ها و مصلحی دادگستر و جهانی در انتهای تاریخ، به زندگانی رضا و آرمیدن در دل خاک، رضایت داده‌اند، اما این شیعه و باورمندان به ولایت و امامت حضرت حجّت و نیاکان نیک سیرتش علیهم السلام هستند که بر اساس آن چه قرآن کریم، در این گستره لب به سخن گشوده و مفسران آگاه و حقیقی به قرآن، یعنی پیشوایان معصوم علیهم السلام، به تشریح و تفسیر آن آیات پرداخته‌اند و روایاتی که آنان

۱. منابع المودة، ج ۳، ص ۱۰۸، باب ۷۸، ج ۱۰.

۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۸.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، کتاب الفتن، باب ۳۴، خروج المهدی، ح ش ۴۰۸۵.

درباره حضرت مهدی موعود علیه السلام و ظهور فرخنده آن حضرت ایراد فرموده‌اند، از وی و ظهور همایش ترسیمی کامل و تصویری روشن در پیش رو دارند که نه با خرافه، همساز است و نه با گزاف همراه. دانشمندانی چون طبرسی نوری، موعود را از القاب حضرتش دانسته‌اند تا اشارتی کند به آن چه انبیا و ادیان و کتاب‌های آسمانی وعده داده‌اند.<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

اگر از عمر جهان جز یک روز نماند، خداوند بزرگ و ارجمند، آن روز را به اندازه‌ای بگستراند تا آن که مردی از زادگان من قیام کند و گیتی را چونان که از ستم و بیداد لبریز گشته، از عدل و داد آکنده سازد، این چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود و من شنیدم.<sup>۲</sup>

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر آیه شریف ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَا يُمَكِّنُ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَا يُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>۳</sup> فرمود:

این آیه در شأن و منزلت [حضرت] مهدی نازل شده است.<sup>۴</sup>

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۱۰، لقب شماره ۱۴۶؛ العبقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳ تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۳.

۳. نور، آیه ۵۵: «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.»

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۳، باب ۵، آیات السماویة بقیام القائم علیه السلام، ج ۳۴.

در کتاب تفسیر علی بن ابراهیم در تفسیر آیه شریف ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي  
الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup> آمده:

کتاب‌های آسمانی همه از مصادیق ذکراند و [مقصود] آیه  
[حضرت] قائم علیه السلام و یاوران اوست [در زبور و کتاب‌های آسمانی  
دیگر که بر انبیا نازل گشته، نگاشته‌ایم که وارثان زمین قائم  
آل محمد علیهم السلام و اصحاب اوست و حکومت جهانی از آن آنانست.

در برخی زیارت‌های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام با این عنوان به  
پیشگاه اقدسش درود می‌فرستیم:

السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه؛<sup>۲</sup>

درود بر تو ای، وعده خداوند [ای موعود] که او عهده دار و  
ضامن [ظهورش] گشته -؛

السلام على مهدى الأمم و جامع الكلم؛<sup>۳</sup>

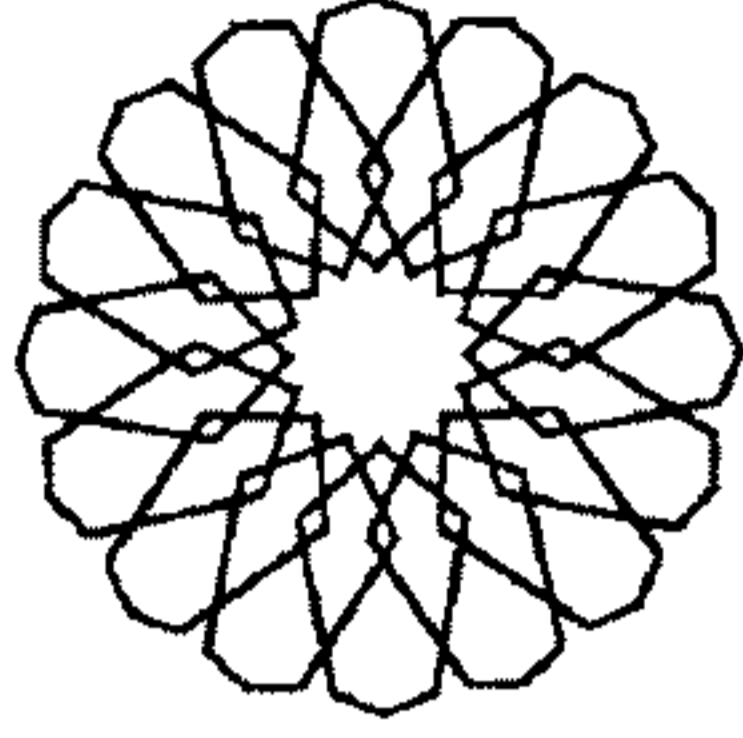
درود بر رهنمون‌گر تمام امت‌ها و ملت‌ها، و دارنده تمام کلمات وحی؛  
السلام على المهدى الذى وعد الله عزوجل به الأمم، أن يجمع به  
الكلم و يلمم به الشعب و يملأ به الأرض قسطاً و عدلاً و يمكن له و  
ينجز به وعد المؤمنين؛

درود به هدایت‌گری [مهدی] که خداوند ارجمند و بلندمرتبه، به  
امت‌ها، وعده او را داده تا عقاید و آرای مختلف را به یک نظرگاه،  
اتفاق دهد و اختلافات و پراگندگی‌ها را سامان بخشد، جهان را از  
قسط و داد پر کند، او را [در زمین] جا دهد و وعده‌ای را که به

۱. انبیا، آیه ۱۰۵: «در [زبور] بعد از ذکر [تورات] نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت]  
زمین خواهند شد.»  
۲. مغایح الجنان، زیارت آل یس.  
۳. همان، زیارت صاحب الامر، ص ۸۷۵

مؤمنان داده بود به سرانجام رساند<sup>۱</sup> ای مولایم! گواهی می‌دهم که تو حقی هستی جاوید. گواهی می‌دهم هرگز بدی و عیبی دامان پیراستهات را تیره و آلوده نکرد. گواهی می‌دهم نویدی را که خدای متعال در ظهورت داده، حق است و ثابت. ای سرورم! طولانی شدن زمان غیبت و درازی شب هجران مرا در شک و تردید فرو نبرد، نامحرمان و نادانان به تو مرا سردرگم و غافل نگرداند، و هماره در انتظارت نشستهام و چشم به راهت دوخته‌ام تا بیایی!<sup>۲</sup>

باری! از آن روزگار آغازین زندگانی که اجتماع بشری شکل گرفت و ملت‌ها با عقاید و آرای متفاوت سامان یافتند، برخی محروم ماندند و برخی توانگر، بعضی در بند و ستم رفتند و عده‌ای ستم پیشه و چیره. انبیا - آن سفیران الهی - یکی پس از دیگری برانگیخته شدند تا مردمان را به سرای یکتا پرستی و برابری و مساوات جای دهند و این کشمکش و ستیز، هماره در میان جوامع بشری روان و جاری بود، اما در انتهای این ظلمت‌ها، در عمق دل‌های خسته و ستم دیده، برقی از امید همیشه روشن بوده و انبیا به طلوع آن ستاره درخشان نوید داده‌اند تا با طلوعش به تمام محرومیت‌ها پایان دهد و آن آرزوی دیرینه محرومان و مستمندان به واقعیت و حقیقت پیوند خورد، اما آن نور امید در دل‌های خسته و شکسته، آن مشعل فروزان در دل تاریکی‌ها، آن ستاره جهان افروز و نجات بخش، چه کسی جز مهدی موعود و فرزند رسول الله ﷺ، زاده امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می‌تواند باشد؟!



---

**ميثاق الله**

---

## میثاق الله

«میثاق الله» نام و صفتی است که خاطره عهد و پیمان در عالم ذر و ارواح را در اذهان شایستگان زنده می‌دارد. خداوند عزیز و جلیل پیش از آن که جسم خاکی انسان را بیافریند نور آنان را پدید آورد و از آن انوار در عالم ذر، عهد و پیمان گرفت که جز خدا را نپرستند و همتایی برای او بر نگزینند که همه مسلمانان بر این دیدگاه معتقد و اتفاق نظر دارند و قرآن کریم نیز گویای این حقیقت است؛ یعنی آن پیمانی که به امضای خالق و مخلوق رسید: ﴿وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ وَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾<sup>۱</sup> رسول اکرم ﷺ نخستین کسی بود که به آن پرسش خدای سرمدی جواب مثبت داد.<sup>۲</sup>

۱. اعراف، آیه ۱۷۲: زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، گواهی می‌دهیم. [چنین کرد تا مبادا] روز رستاخیز «بگویند ما از این [امر] غافل بودیم».

۲. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۱، ذیل تفسیر آیه.



شیعه بر این باور است که آن چه در آن جهان گذشت و آن پیمانی را که حضرت حق - تبارک و تعالی - از انسان گرفت تنها در توحید و یگانه پرستی منحصر نبود، بلکه سخن از توحید و نبوت و ولایت خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود که برخی آن ولایت را پذیرفتند و برخی از قبولش سر برتافتند.

پس از آنکه انسان بر زمین قدم گذارد و با خاک انس و الفت گرفت از آن عهد و پیمان چشم فرو بست و از خاطرش رفت و در گرداب بی پایان غفلت و فراموشی مرگباری فرو غلتید؛ گویی پیش از این نه سخنی از عهد و پیمان بوده و نه به امضا و قبولی رسیده، همان طور که عهد توحید و یگانه پرستی را به گورستان فراموشی سپرد، از عهد و پیمان ولایت امیرالمؤمنین، علی و فرزندان مبرا از گناه و خطایش علیه السلام، چشم فرو بستند و چهره در هم کشید و لگدکوب هواها و هوس های خویشتن نمود.

در صبحگاه روز واپسین که زنگار غفلت از چشمان و خاطره ها زدوده شود و جهل و فراموشی جامه سیاه و ننگین خود را برچینند، انسان به خود آید و به آن عهد و پیمان روز آلت و عالم ذر، اقرار و اعتراف نماید ﴿ **أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غْفِلِينَ** ﴾<sup>۱</sup> و از پندار و کرده خویش سینه چاک کند و گریبان بدرد و از خود بی خود گردد. آرزو کند ای کاش مستی خاک بی روح و احساس بیش نبودم ﴿ **يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا** ﴾<sup>۲</sup> اما افسوس، افسوس! این جا نه ندامت سود بخشد و نه عذری پذیرفته شود.

۲. نباء، آیه ۴۰: «ای کاش خاک بودم.»

۱. اعراف، آیه ۱۷۲.

امام باقر از پدران پیراسته خویش، از رسول خدا ﷺ نقل فرماید:  
ایزد متعال برای خاندان [من] پیمان از اعلیٰ علیین گرفت و سرشت  
و طبیعت شیعیان ما را از آن قرار داد. اگر زمین و آسمان پراکنده  
شوند که چیزی از آن را تغییر و دگرگون سازند نمی‌توانند.<sup>۱</sup>

جابر از امام باقر علیه السلام [سبب نام گذاری و لقب علی بن ابی طالب به]  
امیرالمؤمنین را جویا شد، امام در پاسخ او فرمود:

این لقب را خداوند متعال به علی بن ابی طالب علیه السلام عطا نموده و  
در کتاب خویش این طور نازل فرمود: ﴿وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي  
آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ و  
أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولِي وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رضي الله عنه :

به یاد آر آن زمان را که پروردگارت از صلب فرزندان آدم، فرزندان  
آنان را برگرفت و آنها را گواه خویشتن ساخت، من پروردگارتان  
نیستم؟ آیا محمد صلی الله علیه و آله فرستاده من نیست؟ آیا علی علیه السلام  
امیرالمؤمنین نیست؟<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۱۷۲ سوره اعراف فرمود:

خدای سبحان از پشت و صلب آدم، نسل او را که تا دامنه قیامت  
چشم به جهان گشایند، به صورت ذراتی بسیار ریز و کوچک پدید  
آورد و خود را به آنان شناساند و اگر این طور نمی‌کرد کسی پروردگار  
خویش را نمی‌شناخت. سپس به آنها فرمود: آیا من پروردگارتان  
نیستم؟ [همگان در آن محضر الهی] گواهی دادند: بلی؛ آیا محمد صلی الله علیه و آله

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۴، کتاب الاحتجاج، باب ۱۳، احتجاجات الصادق علیه السلام علی  
الزنادقة، ح ۸  
۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۹۲، ش ۳۳۶، ذیل آیه ۱۷۲ اعراف.

فرستاده خدا نیست؟ آیا علی علیه السلام امیرالمؤمنین نیست؟<sup>۱</sup>  
امام صادق علیه السلام [در تفسیر آیه شریف **﴿إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ﴾**<sup>۲</sup>] فرمود:

مقصود از آیه، پیمانی است که حق تعالی از انبیا به خدایسی و ربوبیت [برای خویش و] برای رسولش به نبوت و برای امیرالمؤمنین و امامان معصوم علیهم السلام به امامت و پیشوایی گرفت. پس خداوند [به انبیا خطاب] فرمود: آیا من پروردگارتان نیستم؟ آیا محمد صلی الله علیه و آله بر شما نبی و پیامبر نیست؟ آیا علی علیه السلام پیشوایتان نیست؟ آیا امامان [از فرزندان علی علیه السلام] هدایتگر و پیشوایان شما نیستند؟ گفتند: آری. خداوند به آنان فرمود: گواهی دهید که به این جواب مثبت خویشتن در قیامت اقرار خواهید کرد.<sup>۳</sup>

حضرت مهدی علیه السلام در کنار رسول خدا، مادر و پدران عزیز و ارجمندش علیهم السلام از نخستین کسانی است که ندای حق طلب ایزد منان را به توحید و یگانه پرستی جواب آری داد و هرگز حتی برای لحظه‌ای از آن اقرار و امضای خویش در غفلت و فراموشی نرفت. همان گونه که خداوند بزرگ و توانا برای خویش و نبوت رسولش صلی الله علیه و آله پیمان گرفت، برای امامت آن عزیز پنهان از دیدگان، نیز از انبیا و دیگران پیمان گرفت و با آنها عهد بست که هرگز از ولایت او سر نتابند و از امامت و پیشوایی او در وادی غفلت و فراموشی نیفتند. در

۱. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۷.

۲. احزاب، آیه ۷: «و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم.»

۳. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۹۴، ذیل آیه.

زیارت آل یاسین که از ناحیه مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام وارد گشته به حضرتش این طور سلام می‌کنیم:

السلام عليك يا ميثاق الله الذي أخذه و وكدّه؛<sup>۱</sup>

درود بر تو ای ميثاق الهی که خدا برای امامت و ولایتش پیمانی سخت گرفت.

امام صادق علیه السلام:

[حضرت] قائم علیه السلام قیام نماید پس از آن که بسیاری از مردم او را منکر شوند [و] به صورت جوانی ظاهر گردد و بر ولایت و امامت وی استوار و ثابت قدم نمانند، جز مؤمنی که در عالم ذر [و عالم ارواح برای امامت و ولایتش] پیمان بسته باشد.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام:

خداوند جلیل از انبیا خویش پیمان گرفت: آیا من پروردگارتان نیستم؟ آیا محمد صلی الله علیه و آله فرستاده‌ام نیست؟ آیا علی علیه السلام امیرالمؤمنین نیست؟ گفتند: آری، سپس نبوت را برای آنها تثبیت نمود. از انبیای اولوالعزم پیمان گرفت: منم پروردگارتان، محمد صلی الله علیه و آله فرستاده‌ام است، علی علیه السلام امیرالمؤمنین است، جانشینان پس از او صاحبان امر، خزانه داران دانش و دین منند، دین و آیینم را با مهدی علیه السلام یاری رسانم، دولت و فرمانروایی‌ام را به واسطه او آشکار سازم، به او از دشمنانم انتقام بگیرم و به واسطه او با اکراه و یا از روی اختیار و آزادانه پرستش شوم. و آن انبیا [اولوالعزم] اعتراف و

۱. مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۶، یوم خروجه و ما یحدث عنده، ح ۲۲.

اقرار کردند که ما گواهی می‌دهیم [به آنچه که دربارهٔ جانشینان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام فرمودی].<sup>۱</sup>  
امام جواد از پدرانش علیهم السلام بازگو کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف و ترسیم حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

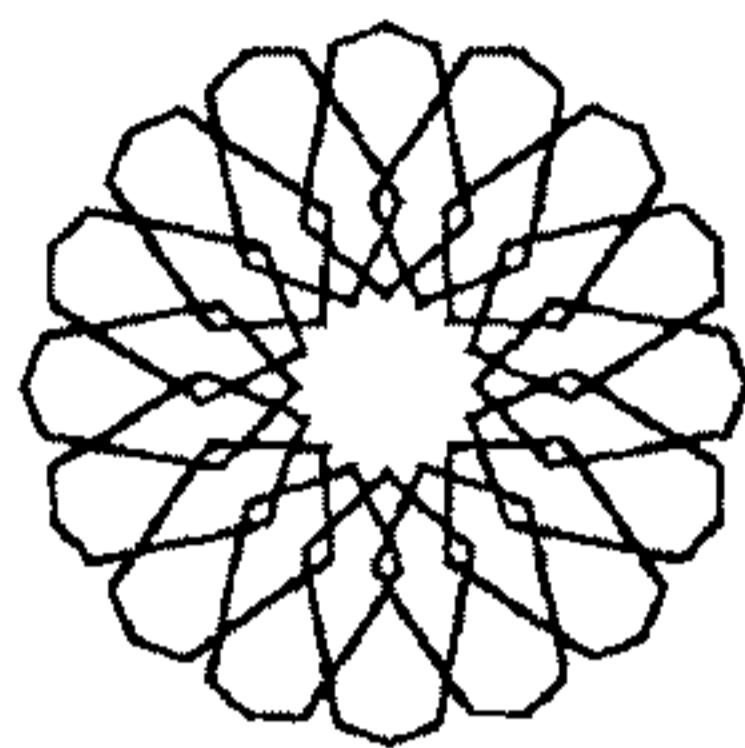
خداوند در صلب [امام] حسن [عسکری] نطفه‌ای پیراسته و بی آرایش، پاک و منزّه، جاری ساخت که [حضرت مهدی از آن پدید آمد] و هر مؤمنی که خدای سبحان در عالم ذر برای ولایت از او پیمان گرفت، در دنیا از مهدی (علیه السلام) خشنود باشد و هر که از پذیرش ولایت سرباز زد، در این دنیا نیز او را منکر شود مهدی علیه السلام پیشوایی است پارسا و خالص، از خدا خشنود است و خدا از او، هدایت‌گر و هدایت یافته است، به داد حکم راند و به عدالت فرمان دهد.<sup>۲</sup>

آری! این چنین خالق بی همتا با انبیا برای امامت و ولایت یگانه بازماندهٔ خاندان نبوت، حضرت حجّت علیه السلام عهدی ناگسستنی استوار نمود تا اقرارشان مَهر قبولی و امضای نبوتشان گردد و از پیروان و شیعیان آن خاندان باجود و کرم علیهم السلام پیمان گرفت تا سبب نجات و رستگاری آنان گردد و پیشوایی او را بر همگان عرضه داشت و همگان شنیدند که خداوند جهان نگار برای امامتش اقرار و جواب می‌طلبد، تا زبان‌ها از عذر و بهانه، باز ایستد و دل‌ها با تردید و انکار، به ارتداد متهم گردد؛ این است باور شیعیان حقیقی حضرت مهدی علیه السلام تا آن

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۴۵، ذیل آیه، طه ۱۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۷، سیره و اخلاقه و خصائص زمانه، ح ۴.

زمان که ظهور نماید و مردم به اقرار خویشتن جامهٔ صدق و عمل و  
حقیقت پوشند و در رستاخیز به صدق و راستی عقیده و باورشان  
گواهی دهند.



---

مادی

---

## هادی

مهدی علیه السلام، هدایت گر مردمان

شیطان، دشمن حسود و کینه توز دیرینه انسان بر آن شد تا برای آنها سرانجامی چون خود، نافرجام و تیره بختی رقم زند و در این راستا سوگند یاد نمود که تزویر کند و گمراه سازد، نیرنگ زند و اغفال نماید و مردمان را از حق دور کند و منحرف سازد و در بیراهه اندازد: ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾<sup>۱</sup> او در این گستره کاستی نکرد و کم نگذاشت، باطل و ناشایسته را به لباس حقیقت و شایستگی بیاراید و کردار نیک را تباه سازد: ﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾<sup>۲</sup>.

خدای متعال قرآن را نازل کرد و نمایندگان برای بیداری و هدایت‌گری انسان فرستاد تا نقشه شوم و نامیمون شیطان را نقش بر آب سازند، راه را از بیراهه باز شناسانند و مکر و افسون او را آشکار نمایند،

۱. ص، آیه ۸۲: گفت: به عزتت سوگند! همه آنان را گمراه خواهم کرد.

۲. حجر، آیه ۳۹: گفت: پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من [نعمتهای مادی را] در زمین در نظر آنها زینت می‌دهم و همگی را گمراه خواهم ساخت.



میان حق و باطل جدایی افکنند و تمیز گذارند و عقل و سرشت پاک را که سرمایه آدمیان است، راهبری و تقویت کنند: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾<sup>۱</sup>، ﴿قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَ أَنَا عَلَىٰ ذِكْمِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾<sup>۲</sup>.

بر دوش پیام آوران خدای داناست که گمراهان و گم‌رفتگان را ره نمایند و آنان را که به راستی مرده‌اند، زندگانی بخشند و حیاتی تازه دهند که نجات بخشی یک گمراه و یک مرده دل، حیات دادن به تمام مردمان است، همان گونه که گمراه کردن و کشتن یک تن، مانند گمراه کردن و کشتن همگان است: ﴿أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾<sup>۳</sup>. سماعه از امام صادق علیه السلام از تأویل این آیه شریف پرسید، حضرت در پاسخش فرمود:

هر که گمراهی را هدایت و رهنمون کند بسان آن است که او را زنده کرده و از مرگ رهایش ساخته و هر که ره یافته‌ای را گمراه سازد بسان آن است که او را کشته است.<sup>۴</sup>

البته هدایت و رهنمونی در هر کس کارگر نیفتند، شایستگی می‌طلبد و زمینه می‌خواهد، گوشی که شنوایی ندارد، چشمی را که فروغ عبرت گیر نیست و دلی که رو به خدا نیارد و راه به حقیقت و پند

۱. فرقان، آیه ۱: «زوال ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد.»

۲. انبیاء، آیه ۵۶: «گفت: پروردگار شما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است که آنها را ایجاد کرده؛ و من بر این امر، از گواهانم!»

۳. مائده، آیه ۳۲: «هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.»

۴. کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، کتاب الایمان و الکفر، باب احیاء المؤمن، ح ۱.

ندهد بهره و سودی نبرد ﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَىٰ  
الْهُدَىٰ﴾<sup>۱</sup> ارزش و جایگاه بلند رهبران دینی در هدایت و راهبری انسان  
و جامعه بزرگ و روشن است. قوم موسی آن همه معجزات و کرامات  
سترگ از موسی بدیدند و به برکت وی از بردگی و بندگی فرعون  
رستند و از دریا گذشتند، اما همان که حضرت موسی در خلوت رفت  
و از قومش چهل روز دور ماند، شرک آوردند و گوساله پرستیدند ﴿وَ  
إِذْ نَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّجُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ  
يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ \* وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ  
فَأَنجَيْنَاكُمْ وَ أَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ \* وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ  
لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾<sup>۲</sup>. هر زمانی که مردم از  
هادی و راهنمای خویشان بریدند و جدا گشتند این فرجامشان بود:  
﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾<sup>۳</sup>. امام باقر علیه السلام

به محمد بن مسلم فرمود:

کسی که از این امت [امت رسول خدا صلی الله علیه و آله] باشد و امامی عدالت

۱. فصلت، آیه ۱۷: «امّا ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند.»

۲. بقره، آیات ۴۹ - ۵۱: «و [نیز به یاد آورید] آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی  
بخشیدیم که همواره شما را به بدترین صورت آزار می دادند؛ پسران شما را سر می بریدند و زنان  
شما را [برای کنیزی] زنده نگه می داشتند و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای  
شما بود.»

و [به خاطر بیاورید] هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را  
غرق ساختیم؛ در حالی که شما تماشا می کردید.

و [به یاد آورید] هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم [و او، برای گرفتن فرمان های  
الهی، به میعادگاه آمد]، سپس شما گوساله را بعد از او [معبود خود] انتخاب نمودید؛ در حالی که  
ستم کار بودید.»

۳. احزاب، آیه ۶۲: «این سنت خداوند در اقوام پیشین است و برای سنت الهی هیچ گونه تغییر  
نخواهی یافت.»

پیشه، آشکارا برای خویش برنگزیده باشد، او گمراه است و اگر در این حال بمیرد، کافر و منافق مرده است.<sup>۱</sup>

این رشته هدایت و رستگاری تنها به دست خدا و نمایندگان بر روی زمین است، رسول خدا و خاندان پاکش صلی الله علیه و آله هادی و هدایت کننده به سوی خدایند. ابن عباس گوید: وقتی آیه شریف **﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِ كُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾**<sup>۲</sup> نازل گشت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

[مقصود از] «منذر» من هستم و [مقصود از] «هاد» علی علیه السلام پس از من است. ای علی! هر هدایت پیشه‌ای به واسطه تو هدایت شود.<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریف **﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ﴾** فرمود:

[مقصود از] منذر رسول خدا صلی الله علیه و آله است [که اوست بیم دهنده] و در هر دورانی یکی از ما خاندان به آنچه آن حضرت آورده، هدایت گر مردمانیم. راهنمایان پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله علی علیه السلام است و سپس جانشینانش، یکی پس از دیگری.<sup>۴</sup>

امام باقر علیه السلام در مجلس هشام فرمود:

ای مردم! به کجا می‌روید؟ شیطان شما را به کجا می‌اندازد؟ خداوند به وسیله ما خاندان، پیشینیان شما را ره نمود و آیندگان از شما را نیز به ما هدایت کند.<sup>۵</sup>

هادی از القاب حضرت حجت علیه السلام است<sup>۶</sup> که در نیایش‌ها و

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، کتاب الحجّة، باب فیمن دان الله بغير امام من الله، ح ۲.

۲. رعد، آیه ۱۷: «تو فقط بیم دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است.»

۳. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۰۷، کتاب الاحتجاج، باب ۱، احتجاج الله تعالى على ارباب الملل.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۹۱، کتاب الحجّة، باب ۴، احتجاجه علیه السلام على اهل البصره، ح ۱۹۰.

۵. کافی، ج ۱، ص ۴۷۱، کتاب الحجّة، باب مولد ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام، ح ۵.

۶. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۲۷، لقب شماره ۱۷۸؛ عقبری الحسان، ج ۱، باب بیان القاب و اسامی، ص ۳۱.

زیارات با این نام از حضرتش یاد می‌کنیم:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتِ اللَّهِ  
عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ؛

خدایا! برسان سرورمان را، پیشوایی که هدایت‌گر و هدایت یافته  
است، او که به فرمان تو ایستاده، درود خدا بر او و نیاکان پاکش.<sup>۱</sup>

در قرآن کریم هر جا که سخن از امامت به میان آمده، هدایت نیز  
بدو وابسته گشته و این بدان معناست که امام به دستور خدا ره نماید و  
هدایت کند: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ﴾<sup>۲</sup>.

خدای سبحان برای هر مردمی، در هر روزگاری ره‌نما و راه‌نمایی  
نگاهداری نموده، تا آدمیان به وی ایمان آرند و باورش کنند، از  
دستورها و رفتار سترگش پیروی نمایند، نه بر او پیشی گیرند و نه از او  
فاصله گیرند و عقب مانند: «الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ»؛

هر که از آنها [اهل بیت علیهم‌السلام] پیش افتد، در گمراهی است و هر که  
از آنها فاصله گیرد [و پیرو آنها نباشد]، نابود شود و هر که همراه [و  
دنباله رو] آنها باشد، به آنها رسد و ره یابد.<sup>۳</sup>

رستگی و پرواپیشگی بدون راهبری آن امام همایونی، ممکن  
نیست و سودی نبخشد. امام زمان علیه‌السلام راهبر آدمیان روزگار امامتش

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲. انبیاء، آیه ۷۳: «وَأَنَّا إِنَّمَا رَأَیْنَاهُم بِإِذْنِنَا فَهَدَّیْنَاهُمْ وَأَوْحَیْنَا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا خُشَعًا».

۳. مفاتیح الجنان، دعای امام زین العابدین علیه‌السلام در ماه شعبان، ص ۲۵۸.

است. او هادی و هدایت‌گراست؛ تدبیر و سیاست عالم آفرینش را او استوار کند که در اصطلاح به آن هدایت تشریحی و تکوینی گویند.

هدایت تشریحی یعنی قانون و سیاست‌گذاری، معنا بخشیدن و جامعه عمل به آن قوانین پوشیدن و این در امور دین و دنیای همگان است. هدایت تکوینی یعنی سیاست‌گذاری در زمین و میان اختران و هرچه در آنها هست، که امام با وجود خود به آنها نظم و نظام دهد و در این گستره امام معصوم علیه السلام چه نهان باشد و یا ظاهر و حاضر تفاوتی ندارد، هستی او سبب ادامه‌زندگانی و حرکت مجموعه کیهانی است.

در روزگار غیبت، حکمت خدای دانا بر آن استوار گشت که امام و نماینده خود را در سراپرده مستوری نگاهداری کند، اما از هدایت و رهنمون‌گری مردم سربرنتافت: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾<sup>۱</sup>.

دوران غیبت امام عصر علیه السلام زمانی کوتاه دارد که در این زمان امام با سفیران ویژه خویش - نایبان چهارگانه به نام عثمان فرزند سعید، محمد فرزند عثمان، حسین فرزند روح نوبختی، علی فرزند محمد سمی - در هدایت و راهبری پیروانش بکوشد و نقش هدایتش در این دوران پوشیده نیست، اما زمان غیبت بلند مدّت که پایانش را خدای داند، هدایت و رهبری شیعیان و پیروان خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر دوش فرزندگان و دانشمندان پارسا گذارده شده، فرهیختگانی که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام صاحب مهارت و کارآمدی لازم باشند که خود حضرت مهدی علیه السلام این وظیفه بزرگ و سنگین را به دوش آنها نهاد.

محمد بن عثمان عمری، نایب دوم امام زمان علیه السلام از امام پرسش

۱. انسان، آیه ۳: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد [و پذیرا گردد] یا ناسپاس.»

نمود... امام به خط مبارک خود نوشت:

اما رویدادهایی که رخ می‌دهد، به راویان گفتار ما رجوع کنید که آنان از طرف من بر شما حجّت هستند و من حجّت خدایم.<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام:

هر یک از فقها [ی شیعه] که خود نگه‌دار و نگاهبان دینش باشد، هوای نفس خویش را زیر پا گذارد و مخالفت با آن کند و دستور مولا و سرورش را فرمانبردار باشد، مردم عوام [که در استخراج و به دست آوردن احکام از قرآن و روایات متخصص نیستند] باید از وی پیروی و تقلید نمایند.<sup>۲</sup>

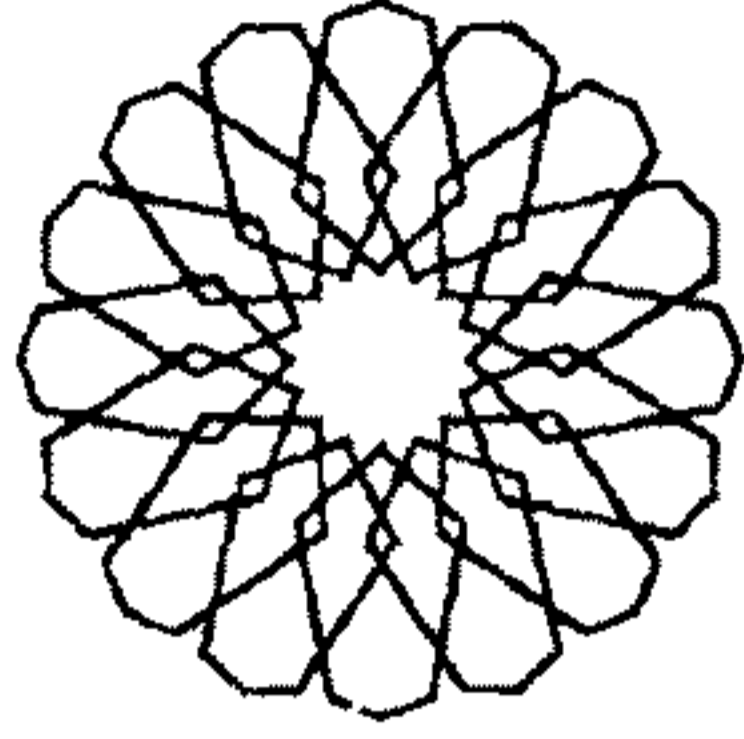
خدای سبحان فرمان داد که برخی از مردمان به جست و جوی دانش الهی برآیند، از جایی به جایی سفر کنند تا احکام دین را بیاموزند و بازگردند و دیگران از آنها فراگیرند، روشن است اگر دانش پژوهشی دین و احکام آن بر برخی لازم باشد، یادگرفتن و آموختن دیگران نیز واجب می‌شود، بدین جهت بر مردم پیروی از علما و فقهای راستین واجب است و ضروری و گرفتن دین از آنها، گرفتن دین از خدا و اهل بیت علیهم السلام است و رجوع به آنها یعنی رجوع به خدا و پیشوایان معصوم علیهم السلام:

﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾<sup>۳</sup>.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰، کتاب القضاء، ابواب صفات القاضی، باب ۱۱، وجوب الرجوع فی القضاء، ح ۹، ش ۳۳۴۲۴.

۲. همان، ص ۱۳۱، باب ۱۰، عدم جواز تقلید غیر المعصوم، ح ۲۰، ش ۳۳۴۰۱.

۳. توبه، آیه ۱۲۲: «چرا از گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند شاید از [مخالفت فرمان پروردگار] بترسند و خودداری کنند»



---

**وارث الانبياء**

---

## وارث الانبياء<sup>۱</sup>

سلطان سپهر، ولی عصر علیه السلام، وارث سلطنت و دانش انبیا و اوصیا خداوند جهان نگار، در نگارستان آفرینش، عالم خلقت را به طبع زیبای وجود بیاراست، و از میان آن، انسان را سرآمد هستی قرارداد و از میان انسان‌ها حضرت آدم را به عنوان نبی و جانشین خویش برگزید تا بار امانت، اسرار و معارف الهی را بر دوش کشد: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾<sup>۲</sup> و حضرت آدم علیه السلام آن امانت‌های الهی را به وصی و نبی پس از خود سپرد و او به دیگر نبی و این سلسله ادامه یافت تا آخرین پیامبر حضرت حق - تبارک و تعالی -، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، این ثمر عالم خلقت پا به عرصه وجود و نبوت گذارد و وارث راستین میراث تمام انبیای پیشین گشت. پروردگار جهانیان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را صاحب امر و اختیار مطلق مجموعه کیهانی و اهل آن گرداند و اسرار و رموز خلقت، علوم و معارف بلند و حیات بخش خویش را که دیگر انبیا از

---

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۱۲۵، لقب شماره ۱۷۷؛ العنقری الحسان، ج ۱، باب بیان اسامی و القاب، ص ۳۱ و ۴۰. ۲. بقره، آیه ۳۱.



تحمّلش و اماندند، در سینه به پهنای آفاق آن رسول گرامی نهاد. بدین سان آن حضرت، وارث رازهای نهفته ایزدی و دانش و اشیای به جای مانده انبیای پیشین گشت.

امام باقر علیه السلام:

مردم از رطوبت [و آبی اندک که سرچشمه و محل پیدایش ندارد] بهره گیرند، اما نهر بزرگ را رها کنند. سؤال شد: منظور [تان] از نهر بزرگ چیست؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و دانشی که خداوند سبحان به او عنایت فرموده همانا خداوند سنت‌های تمام انبیا از آدم تا [پیامبر پیش از] محمد صلی الله علیه و آله را به [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله داده. سؤال شد: آن سنت‌ها چه بوده‌اند؟ فرمود: علوم و دانش تمام پیامبران. رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام آن علوم و معارف را به امیرالمؤمنین علی علیه السلام تقدیم نمود.<sup>۱</sup>

خاتم الانبیاء، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، در هنگامه رحلت جان‌گداز خویش، ولایت مطلقه و اسرار خدای سبحان، علوم و معارف زلالی را که از وحی سرچشمه گرفته و آثار و اشیای به جا مانده از انبیا، همه و همه را به جانشین پس از خود، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام سپرد تا او هم به امام پس از خود بسپارد تا آن میراث گران‌قدر نابود نشود و دست‌خوش روزگار نگردد و از دستبرد بیگانگان سالم ماند. آری! پیشوایان معصوم علیهم السلام، وارثان علوم انبیا و آنچه از انبیا و جانشینان آنها باقی مانده، هستند. آنان میراث بر زمین و آسمان‌هایند، آینده از آنها است، بهشت برین از آن ایشان است.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۲، کتاب الحجّة، باب أن الأئمة علیهم السلام ورثة العلم یرث بعضهم بعضاً العلم، ح ۶

ابوبصیر:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم شیعیاننت گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار باب از علم را به علی علیه السلام آموخت که از آن، هزار باب علم و دانش گشوده می‌گردد... حضرت فرمود: ای ابا محمد! رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار باب از دانش به علی علیه السلام آموخت که از هر باب آن، هزار باب دیگر گشوده می‌شود. ابا محمد! "جامعه" نزد ماست و مردم چه دانند "جامعه" چیست؟ گفتم: چیست؟ فرمود: طوماری است هفتاد ذراع که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به حضرت علی علیه السلام املا کرد و در او هر [حکمی از] حلال و حرام و هر چه مردمان بدان نیاز دارند حتی جریمه خراشی هست... سپس فرمود: [علم] «جفر» پیش ماست و مردم چه می‌دانند "جفر" چیست؟ گفتم: چیست؟ پاسخ داد: ظرف [و طوماری] است چرمی که همه دانش انبیا و اوصیا و دانش دانشمندان بنی اسرائیل در آن است، بعد فرمود: مصحف فاطمه علیها السلام نزد ماست و مردم چه می‌دانند مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ گفتم: مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ فرمود: کتابی است سه برابر قرآنی که در دست شماست...<sup>۱</sup>

زید بن سلام:

به خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب گشتم پرسیدم ای زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله [خداوند امر خلافت شما را سامان دهد] درباره تفسیر آیه شریف «و نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۲</sup> از جانب شما چنین بازگو می‌کنند که شما باید آن پیشوایان و وارثان [که در آیه

۱. کافی، کتاب الحجّة، باب فيه ذكر الصحيفة و الجفر و الجامعة و مصحف فاطمة علیها السلام، ح ۱.

۲. قصص، آیه ۵: «ما ايشان را پیشوا گردانیدیم و ایشان را وارث قرار دادیم.»

به آن اشارت رفته [ حضرت پاسخ داد: سوگند به خدا خشیمه  
راست گفته و من این چنین گفته‌ام.<sup>۱</sup>

عبدالرحمن:

شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: ماییم صاحبان امر خداوند،  
خزانه داران دانش و راز داران او هستیم.<sup>۲</sup>

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «و میراث النبوة عندکم»؛ میراث  
نبوت نزد شماست.<sup>۳</sup>

مولا حضرت بقیة الله، امام زمان علیه السلام آخرین بازمانده و جانشین  
انبیا و پیشوایان آیین جاوید اسلام است. او وارث دانش تمام انبیا و  
اوصیا و آنچه از آنان به جا مانده، می باشد. دانش و معارف الهی از  
نیاکان پاکش به نزد حضرتش سپرده شده. او رازدار اسرار معبود  
بی همتاست. حضرت مهدی موعود علیه السلام سرپرست و وارث خون‌های  
به ناحق ریخته انبیا و فرزندان پاک آنان است، دادگر ظلم و ستمی  
است که بر امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و مادرش، فاطمة الزهراء علیها السلام و دیگر  
نیاکانش علیهم السلام روا داشته شده، او خون خواه آنهاست. مهدی علیه السلام وارث  
و صاحب خون جدّ مظلوم و بزرگوارش، امام حسین علیه السلام است. او  
وارث اسارت‌ها و شیون‌ها و دادخواهی دودمان رسول الله صلی الله علیه و آله است.  
حضرت ولی عصر میراث بر زمین و حکومت بر زمین و اختران است  
و ولایت و فرمانروایی از آن اوست، بهشت و فردوس از آن اوست.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۷۱، کتاب الامامة، باب ۴۹، انهم المستضعفون، ح ۱۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۹۳، کتاب الحجّة، باب أن الأئمة علیهم السلام ولاة امر الله و خزنة علمه، ح ۱.

۳. مفاتیح الجنان.

کتاب‌های آسمانی چون تورات و انجیل بدون تحریف و دست خوردگی، نزد آن حضرت است. عصای موسی، انگشتر سلیمان، عمامه پیامبر عزیز و ارجمند اسلام ﷺ، ذوالفقار امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و... میراث اوست. در زیارت حضرتش می‌خوانیم:

السلام علی بقیة الله فی بلاده و حجته علی عباده، المنتهی الیه  
موارث الأنبیاء ولدیة موجود آثار الأصفیاء؛

درود بر کسی که ایزد بی همتا او را در شهرها به جا گذارده، درود بر حجت او بر بندگانش آن که میراث تمام انبیا بدو سپرده شده و آثار برگزیدگان پروردگار نزد او نهاده شده است.<sup>۱</sup>

روایتی در تفسیر قمی، آیه شریف ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الذُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذُّكْرِ﴾<sup>۲</sup> را این گونه تفسیر نموده:

همه کتاب‌های [آسمانی مصداق] ذکراند و منظور از ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾، [حضرت] قائم علیه السلام و یاران اوست [در کتاب‌های آسمانی مانند زبور نگاشته شده که حکومت بر زمین از آن قائم آل محمد ﷺ و یاران اوست].<sup>۳</sup>

امام باقر از پدرش امام سجاد، از حضرت امام حسین، از حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه شریف ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنُّ...﴾<sup>۴</sup> فرمود:

مقصود از آیه شریف اهل بیت [حضرت] محمد ﷺ هستند که پس از سختی و ناتوانی، خدای متعال، مهدی علیه السلام را می‌رساند و او

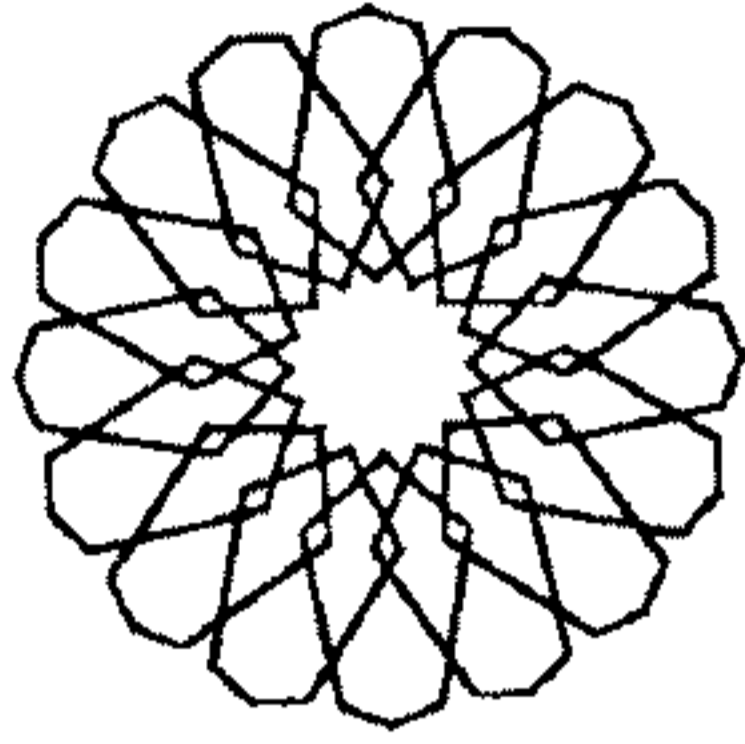
۱. مفاتیح الجنان، ص ۸۷۵ ۲. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۴، ص ۳۷، کتاب النبوة، باب ۳، ما أوحی الی داود علیه السلام، ح ۱۲.

۴. قصص، آیه ۵: «ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

اهل بيت را عزيز و سربلند و دشمنانشان را خوار و زبون گرداند.<sup>۱</sup>  
مهدی عليه السلام بر تمام اهل زمین و آسمان حکم راند و همه مقهور و  
مغلوب اویند. مهدی به آرزوی همه انبیا جامعه عمل پوشاند. درود  
خدا بر تو ای عزیز زهرا عليها السلام ای وارث گنج‌ها و اقیانوس بی‌کران معارف  
و دانش خدا! درود خدا بر تو ای نگاهبان و نگاه دارنده اسرار و  
رازهای نهفته حق تعالی! سلام بر تو ای میراث بر دانش انبیا و ای  
امینی که حکمت اوصیا نزد تو سپرده شده!

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۵، الآيات المؤولة بقيام القائم ۷، ح ۳۵.



---

ولِيّ الله

---

## ولی الله

«ولی» به معنای سرپرست و ولایت و قیم از واژه‌هایی است که مفهوم آن روشن و واضح بوده و در عمل، در هر خانه و کاشانه‌ای راه دارد. پدر، سرپرست نوباوگان و فرزندان خویش است و زن در ولایت شوهر به سر می‌برد و....

در فقه، ولی به کسی گفته می‌شود که حافظ و نگاهبان اموال و حقوق زیر دستان خود است، اما این جا منظور ما از ولی، کسی است که خداوند متعال او را متولی و سرپرست امور بندگان و تمام هستی کرده و تدبیر و زمام امور را به دست او سپرده و او را بر جان و مال مردمان مقدم و مسلط گردانده است. این ولایت، سابقه‌ای دیرینه دارد، بلکه ریشه در عالم "ذر" و روز الست دارد که خداوند پیمان آن ولایت را از مردم در کنار توحید گرفت.<sup>۱</sup>

خدا مالک بندگان و تمام هستی است و بر تمام آنها ولایت و

---

۱. برای توضیح بیشتر به گفتار میثاق‌الله رجوع شود.

سرپرستی دارد: ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۱</sup>.

او ولایت تمام امور را به نبی اکرم ﷺ و خاندان پاکش واگذار نموده، بدین جهت آنان مالک زمین و آسمان و سیاست مداران ساکنان در آنها هستند، و هر حرکت و سکونی به فرمان آنها صورت گیرد و آنان بر همگان فرمانروا باشند: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۲</sup>. امام صادق علیه السلام این آیه شریف را این گونه تفسیر نمود:

به راستی خداوند و رسولش و آنان که ایمان آوردند، -والذین آمنوا- به شما و کارهایتان و جان و مالتان سزاوارترند و مقصود از «والذین آمنوا»، امیرالمؤمنین، علی و فرزندان معصومش علیهم السلام و پیشوایان دین اند.<sup>۳</sup>

خدای متعال نخست رسولش را به ولایت آدمیان گمارد و آنان را با این حقیقت، آشنا ساخت ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾<sup>۴</sup> و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ مؤمنی نیست جز آن که من در دنیا و آخرت بر او ولایت و سرپرستی دارم.

آن حضرت ولایت خود را برای امیرالمؤمنین، علی و فرزندان

۱. مائده، آیه ۱۲۰: «حکومت آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، از آن خداست و او بر هر چیزی تواناست.»

۲. مائده، آیه ۵۵: «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.»

۳. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۸۰، ح ۴.

۴. احزاب، آیه ۶: «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.»



معصومش علیه السلام به فرمان خدا گزارش داد و به دستور او تثبیت کرد و بارها از این انتساب خبر داد و مردم را به گواهی گرفت.

آیا امکان دارد کسی ولایت خدا را بپذیرد اما از ولایت رسول و جانشینانش سرباز زند؟ در پاسخ باید گفت خیر زیرا ولایت آنان، ولایت خدای سبحان است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ﴾<sup>۱</sup>

حضرت حق در این آیه شریف به صراحت فرموده:

بیعت با نبی اکرم صلی الله علیه و آله که نماینده من در زمین است، بیعت با من است و بیعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی با او پیمان بستن و به سرپرستی اش سرسپردن. سرپرستی جانشینان آن رسول صلی الله علیه و آله با ولایت خدا و رسولش پیوند و پیوستی استوار و محکم دارد، زیرا قرآن به ولایت هر سه - خدا و رسول و خاندانش علیهم السلام - در کنار هم تصریح نموده و ولایت خود و رسولش را با ولایت خاندان آن حضرت در هم آمیخت. در زیارت جامعه کبیره چنین می خوانیم: «تَوَلَّيْتُ أَخْرَكَمَ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ»؛ یعنی به همان دلیلی که سرپرستی نخستین تان - رسول خدا صلی الله علیه و آله - را گردن نهادم به ولایت آخرین تان، حضرت حجة بن الحسن علیه السلام که اکنون زنده است و در پس پرده غیبت از دیدگان مستور گشته و روزی به در خواهد آمد، گردن نهم و همگانتان را به ولایت بپذیرم.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أنا و عليُّ أبوا هذه الأمة؛

۱. فتح، آیه ۱۰: «کسانی که با تو بیعت می کنند [در حقیقت] تنها با خدا بیعت می نمایند.»

۲. مفاتیح الجنان.

من و علی پدران [و سرپرستان] این امت ایم.<sup>۱</sup>

بدین سان نمایندگی خاندان نبوت علیهم السلام از سوی خداوند بزرگ انکارناپذیر است و ولایت و سروری شان بر همگان، ثابت و روشن است و بر آفریدگان است که با آنان دست دوستی و فرمانبری دهند. نعمت ولایت، والاترین و ارزشمندترین لطف و بخششی است که خدای بخشاینده به انسان ارزانی داشته. چون انسان موجودی است سراسر نیاز و حاجت، برای ادامه حیات و تکامل، نیازمند پشتیبانی است تا حمایتش کند و دستگیری اش نماید و خواسته هایش را برآورده سازد. با قبول ولایت اهل بیت علیهم السلام، آدمیان هم چون مسافری در راه مانده و فرزندی بی پناه، در ولایت و سرپرستی خدای توانا و نمایندگانش بر روی زمین، خواهد بود و آنان حمایت گر، دوست دار و یاور انسان باشند و در دنیا و آخرت، در سختی های جان فرسا و در هر گستره ای، چه مادی و معنوی به کمک انسان شتافته و نجات بخشش باشند.

قرآن کریم به ولایت پیشگان و پرواپیشگان نوید و مژده داده که آنها را پشتیبانی کنند و از هر سو یآوری اش نمایند و آنها را به خود وانگذارند و از شیطنت شیطان نگاهشان دارند: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾<sup>۲</sup>، ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۳</sup>.

اما کافرکیشان و بیچارگان و امانده از اهل بیت علیهم السلام از این نعمت

۱. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ۶ احزاب.

۲. محمد، آیه ۱۱: «این برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند.»

۳. مائده، آیه ۵۵: «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.»

رحمانی محروم مانند و بهره‌ای نبرند و در هر دو جهان مفلس و سرگردان خواهند بود: ﴿وَ أَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾<sup>۱</sup>، ﴿وَ الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ﴾<sup>۲</sup>.

رسول خدا ﷺ در یکی از غزوه‌ها زیر درختی نشسته بود. مشرکی با شمشیر برهنه حضرت را غافل‌گیر کرده و به او حمله برد و گفت: «**من يمنعك مني**؛ چه کسی تو را از من نگاه دارد و رهایی بخشد؟» فرمود: «الله». در این هنگام، پای آن مشرک لغزید و زمین خورد و شمشیر از دستش افتاد، حضرت شمشیر را برداشت و فرمود: «الآن بگو چه کسی تو را از دست من رهایی بخشد؟» گفت: «هیچ کس» و سپس ایمان آورد.<sup>۳</sup>

آری این چنین خداوند بلند مرتبه رسولش را نجات داد و رهایی بخشید و این چنین خدا و رسولش و دودمان پاک رسول رحمت ﷺ، هر انسانی را در سختی‌ها نجات می‌بخشند.

یکی از القاب حضرت مهدی عليه السلام «**وَلِيّ اللّٰه**»<sup>۴</sup> است؛ یعنی خداوند او را چون اجداد و آباء طاهرینش به ولایت مردم گمارده است. اطاعت از آن ولیّ خدا بر ما واجب و لازم است، آن حضرت بر نفوس و اموال و هر چه در ظاهر به انسان تعلق دارد سزاوارتر است و بر آنها ولایت دارد. خداوند متعال در شب معراج به رسولش فرمود:

او [قائم] به راستی ولیّ من است.<sup>۵</sup>

۱. محمد، آیه ۱۱: «اما کافران، مولایی ندارند»

۲. شوری، آیه ۸: «و برای ظالمان، ولیّ و یاورى نیست.»

۳. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۷، تاریخ نبیّنا، باب ۸، معجزاته فی کفایة شر الکفار.

۴. نجم ثاقب، ص ۱۲۴، باب ۲، لقب شماره ۱۷۶.

۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۶، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۱، ماورد من الاخبار بالقائم، ح ۳.

و حضرت مهدی را به این لقب خواند.

امام باقر علیه السلام:

آن زمان که مهدی علیه السلام قیام کند، به کعبه تکیه زند و خود را به این نام خواند «أنا ولی الله؛ من ولی خدا هستم»<sup>۱</sup>

امام جواد علیه السلام:

هنگامی که وقت رستاخیز مهدی فرا رسد، علم و شمشیر آن حضرت به سخن درآیند و گویند: «أُخْرِجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ؛ قیام کن ای ولی خدا!»<sup>۲</sup> و آن حضرت، حامی دین خداست و از جانب پروردگار عالمیان بر تمام مردم ولایت دارد و آنها را سرپرستی کند، بلکه در دنیا و واپسین در هر گستره‌ای حمایت‌گر و شفیق مردم است و از پشتیبانی و نجات آنها لحظه‌ای دریغ نکند. شیخ ابراهیم صاحب الزمانی گوید:

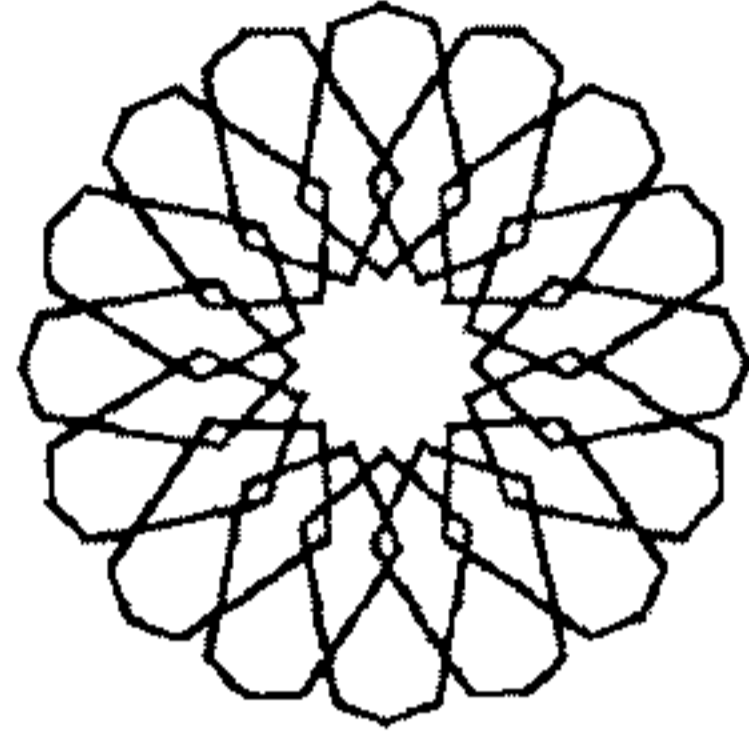
در راه بازگشت از مشهد مقدس، یکی از سادات با یک جوال ابریشم به همراهی من از رشت به ترکستان حرکت می‌کرد و ما از کنار رود ارس می‌رفتیم. در چند فرسخی خاک روس آن سید، جوال ابریشم را همراه من کرد و خود پیاده از طرف خاک ایران می‌رفت و من از ممنوعیت ورود ابریشم به روس و این که نیاز به گمرک و گذرنامه دارد، غافل بودم. در بین راه چهار مأمور روس جلوی ما را گرفتند. مکاری گفت: این آقا آخوند است و گذرنامه ندارد، بگذارید برود. یکی از آن کافران به پایش زد و مکاری زمین خورد و پایش شکست. به من گفتند: این بار اسب را باز کن. ابریشم همراه داری؟

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۵، تاریخ الامام الثانی عشر، باب ۲۶، يوم خروجه و ما یحدث عنده، ح ۷۸.

۲. همان، ص ۳۱۱، باب ۲۷، سیره و اخلاقه و خصائص زمانه، ح ۴.

من بر زن جوان خود که در این بیابان در چنگ این کافران چه بر سرش می‌آید و بر جان فرزندم ترسیدم. از همه جا امیدم را بریدم و گریه می‌کردم. قرآن را به دست گرفتم و متوسل به حضرت حجّة، ولی الله علیه السلام شدم: آقا! این جا در دیار کفر و در بند کافران جز حضرت تو ملجأ پناه و راه نجاتی نیست و سپس کناری ایستادم و تسلیم کافران شدم. دیدم کلاف‌های ابریشم را بیرون می‌آورند، نگاه می‌کنند و گویا اصلاً نمی‌بینند و متوجه نمی‌شوند که اینها ابریشم است و حملشان این جا ممنوع است و می‌انداختند، بعد همه را گذاشتند و گفتند: بردار و برو. آمدم نزد مکاری. دیدم پایش مثل مشک باد کرده و نزدیک است بمیرد. گفتم: برخیز! و اشکم هم چنان جاری بود. گفت: ممکن نیست، نمی‌توانم. دستش را گرفتم و گفتم: بگو «یا صاحب الزمان» برخاست. هنوز چند قدمی نرفته بودیم که تورم پاهایش از بین رفت. پرسیدم: پایت چطور است؟ نشان داد، نه دردی و نه علامتی داشت.<sup>۱</sup>

آری! ولی الله حضرت حجّة بن الحسن این گونه از دوستان و شیعیان خود دست‌گیری می‌کند و در آخرت هم تحت لوای آن ولیّ خدا، شیعیانش سربلند از آتش جهنم و غضب خداوند رهایی پیدا خواهند کرد و در بهشت برین جای می‌گیرند.



---

صاحب الأمر

---

## صاحب الأمر

صاحب الامر از لقب‌های مشهور و معروف حضرت بقیة الله عليه السلام است.<sup>۱</sup> ذات احدیت - تبارک و تعالی - نخست جن و انس، حیوان و ملک و ملک و ملکوت را پدید آورد و برای همه پدیده‌ها که برای ادامه حیات و هستی خویشتن به پروردگار جهانیان وابسته‌اند، قوانینی وضع نمود و نظمی خاص بین آنها حاکم ساخت، تا انسان در کنار موجودات دیگر ادامه زندگانی دهد و در برابر حق تعالی سر تسلیم فرود آورد و به اطاعت از وی همت گمارد. خدای متعال رشته امور آفرینش را به دستان با لیاقت و کفایت سلاطین عالم خلقت، چهارده نور مقدس، پیشوایان معصوم، نبی اکرم و اهل بیت او علیهم السلام سپرد، تا آنان فرمان‌فرمایان و سیاست‌گذاران نظام هستی باشند. خداوند متعال خود بارها به پیروی بی چون و چرای از آن پیشوایان پیراسته از هرگونه خطا و نقصی، دستور فرموده. او بر مردم لازم

۱. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۸۰، لقب شماره ۷۹؛ العفری الحسان، ج ۱، باب بیان القاب و اسامی، ص ۳۵.

دانسته که برای رفع اختلاف میان خویشان به آنان رجوع کنند، کلام خدا را از آنان بیاموزند، به فرمان‌هایشان گردن نهند، اگر حکمی روا داشتند، بپذیرند و هرگز سرپیچی نکنند که در وادی ضلالت و گمراهی گام نهاده‌اند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾<sup>۱</sup>

﴿وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ﴾<sup>۲</sup>

﴿وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾<sup>۳</sup>

ابو بصیر می‌گوید:

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریف ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾، فرمود:

[منظور از «اولی الامر»] امامان [معصوم]، از فرزندان علی و فاطمه است [که] تا دامنه قیامت خواهند بود.<sup>۴</sup>

ابو العلاء می‌گوید:

۱. نساء، آیه ۵۹: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر را. هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید؛ اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.»

۲. نساء، آیه ۸۳: «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، آن را شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان بازگردانند...»

۳. احزاب، آیه ۳۶: «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری داشته باشد و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.»

۴. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۰، ذیل آیه شریف.



خدمت امام صادق علیه السلام یاد جانشینان [نبی اکرم صلی الله علیه و آله] کردم که پیروی از آنان لازم است، امام علیه السلام [لب به سخن باز کردند و] فرمودند: آنان کسانی هستند که خداوند سبحان درباره آنها فرمود: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ و در شأن و منزلت آنها فرمود: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾.<sup>۱</sup>

از ابن عباس گزارش شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن سخنی فرمود: سوگند به خدایی که مرا به نبوت و پیامبری برانگیخت و مرا از میان تمام آفرینش خویش برگزید! من و اهل بیت [امیرالمؤمنین علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام] نزد او گرامی ترین پدیده‌ها هستیم و در زمین هیچ کس چون آنها [اهل بیت] نزد من محبوب نیست، اما علی بن ابی طالب برادر، همتا و صاحب امور پس از من است، او مولا و پیشوای هر مسلمان و مؤمنی است.<sup>۲</sup>

پوشیده نیست که رسول اکرم و اهل بیت معصومش علیهم السلام فرمانروایان و سیاست‌گذاران تمام موجودات حتی مجردات - ملائکه - در نظام هستی‌اند. آنان با ملائکه رفت و شد و نشست و برخاست داشته‌اند، آن سروران عالم، آموزگاران انسان و ملائکه بوده

۱. مانده، آیه ۵۵: «سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند همان‌ها که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.» کافی، ج ۱، ص ۱۸۷، کتاب الحجّة، باب فرض طاعة الامام، ح ۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۳۷، کتاب الفتن و المحن، باب ۲، اخبار الله تعالی نبیه و اخبار النبی أمته: «اما علی بن ابی طالب علیه السلام فانه اخی و شفیق و صاحب الأمر بعدی و صاحب لوائی فی الدنیا و الآخرة و صاحب حوضی و شفاعتی و هو مولی کل مسلم و امام کل مؤمن»، ح ۱.

و هیچ امری در زمین و آسمان از چشم آنها پوشیده نیست و بدون فرمان آنها رویدادی رخ ندهد. ملائکه با اذن آنها فرود آیند و با فرمان آنان صعود کنند و به انجام امور خویشان مشغول گردند.

حسن بن خالد از تفسیر آیه شریف ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ﴾<sup>۱</sup>، ﴿رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾<sup>۲</sup>، از امام رضا علیه السلام سؤال نمود. حضرت دست چپ خویش را باز کرد و دست راستش را بر آن گذاشت، آن گاه فرمود:

این [دستم بر فرض] زمین و این آسمان است و آسمان به صورت سقفی هلالی بر او سایه افکنده، زمین دوم بالای این آسمان و آسمان دوم بر فراز آن زمین [و همین طور امام تا هفت آسمان و زمین را شمردند] سپس فرمودند این معنای آیه شریف ﴿سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾<sup>۳</sup> است و صاحب الامر و فرمانروا [در تمام این طبقات زمین و آسمانها] نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که در زمین هستند.<sup>۴</sup>

صاحب الامر حضرت بقیة الله، مهدی موعود علیه السلام همچون نیاکان عزیزش مالک و حاکم زمین و آسمان ملک و ملکوت، هستند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریف ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمِ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾<sup>۵</sup>، فرمودند:

۱. ذاریات، آیه ۷: «قسم به آسمان که دارای چین و شکن های زیباست.»
۲. رعد، آیه ۲: «آسمانها را بدون ستون هایی که برای شما دیدنی باشد برافراشت.»
۳. طلاق، آیه ۱۲: «هفت آسمان را آفرید و از زمین همانند آنها را. فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید.»
۴. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۷۹، کتاب السماء و العالم، باب ۳۱، الارض و کیفیتها، ح ۴.
۵. شعراء، آیه ۴: «اگر ما اراده کنیم بر آنان از آسمان آیه ای نازل می کنیم که گردن هایشان در برابر آن خاضع گردد.»

[در آخر الزمان] بنی امیه خار و زبون شوند و [منظور از] آن «آیه» بانگی است که از آسمانها با نام «صاحب الامر» برآید.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام:

در صاحب الامر سیرت و روشی از [انبیاء علیهم السلام] حضرت موسی، عیسی، یوسف و راه و روشی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است؛ از موسی، ترسان و نگران بودن، روش اوست. آن چه درباره عیسی گفته شد [که عیسی کشته شده]، درباره آن حضرت هم گفته می شود. طریقه زندگانی آن حضرت همچون یوسف؛ یعنی در زندان و تقیه<sup>۲</sup> به سر بردن است [و او در پس پرده غیب دور از دیدگان اند] حضرت مهدی علیه السلام قیام به سیرت و شیوه [جد بزرگوارشان] حضرت محمد صلی الله علیه و آله می کند و آثار او را [که در گذر زمان به دست فراموشی سپرده شده است] آشکار گرداند.<sup>۳</sup>

محمد بن عیسی برای دادخواهی به قطب عالم امکان حضرت حجت علیه السلام متوسل می شود. ناگاه در دل شب آقایی رشته افکار او را پاره می کند و به او می فرماید:

ای محمد بن عیسی! چه پیش آمدی سبب شده که تو را در این حالت می بینم؟ و برای چه مشکلی به این بیابان [سراسر از ظلمت و تاریکی] پناه آورده ای؟ پاسخ داد: مرا به حال خود واگذار که برای امری بس بزرگ و مهم روانه این بیابان گشته ام و

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۰۷، کتاب الامامة، باب ۱۱، انهم علیهم السلام آیات الله...، ح ۶.  
 ۲. خودداری از اظهار عقیده و مذهب خویش در صورتی که ضرر جانی، مالی و آبرویی متوجه انسان باشد.  
 ۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸، تاریخ الامام الثانی عشر باب ۱۳، ما فیه من سنن الانبیاء، ح ۷.

کار خود را جز به امام و پیشوایم نمی‌گویم و گله و شکایت خویش را پیش کسی جز آن که توان حل و برطرف کردن آن را داشته باشد، نبرم. فرمود: ای محمد بن عیسی! من «صاحب الأمر» هستم. درخواستت را بگو...<sup>۱</sup>

جابر بن عبد الله انصاری:

زمانی که خداوند سبحان بر حضرت محمد ﷺ آیه شریف «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۲</sup> را نازل نمود، از رسول خدا ﷺ پرسیدم: خدا و رسولش را شناختم؛ اما «أولى الأمر» که خداوند پیروی از آنان را به اطاعت خود و رسولش، پیوند داده چه کسانی هستند؟ فرمود: ای جابر! آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان پس من هستم. نام اولین علی بن ابی طالب عليه السلام است، سپس [امام] حسن، حسین، علی بن الحسین و محمد بن علی که در تورات به باقر شهرت دارد. ای جابر! تو امامت او را می‌بینی. [وقتی به حضرتش شرف حضور پیدا کردی]، درود مرا به او برسان. پس از او صادق [جعفر بن محمد]، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی و بعد، علی بن محمد، حسن بن علی، سپس هم نام و کنیه من، محمد که او حجت الله و بقیه الله در زمین است، او فرزند حسن بن علی عليه السلام است، خداوند به دستان [پرتوان] او امنیت و آرامش را [بر زمین] حاکم گرداند و اوست که از پیروانش غایب شود، غیبتی که بر امامتش ثابت قدم نمانند، جز آنان که خداوند

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۷۹، باب ۲۴، نادر فی ذکر من رأه عليه السلام.

۲. نساء، آیه ۵۹.

سبحان قلب هایشان را به نور ایمان آزموده.<sup>۱</sup>

حضرت صاحب الامر حجّت بن الحسن علیه السلام از جانب خداوند متعال، مالک و حاکم بر تمام آفرینش است. آن حضرت سیاست‌گذار بندگان خدا است و هیچ رویدادی بدون اجازه و اراده او تحقق نیابد. همه امور در اختیار و تحت حکومت و فرمان اوست، روزی مادی و معنوی مردم به دست حضرت صاحب الامر علیه السلام تقسیم شود و اوست که به معیشت مردم سامان می‌دهد. به فرمان او آسمان، باران فروریزد و گیاهان از خاک سردر آورند و زنده شوند. با اراده آن حاکم هستی، ملک با نظمی خاص در حرکت باشد. آن حضرت از روی زمین بر تمام آسمان‌ها حکومت کند و دایره حکومتش به جز از خداوند متعال، تمام موجودات را فراگیرد. ملائکه به خدمتش شرف حضور پیدا کنند و از او فرمان گیرند و از دستوراتش هرگز روی برنتابند.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۸۹، باب ۱۷، وجوب طاعتهم علیهم السلام، ح ۱۶.

## کتابنامہ

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، حسینی بحرانی، سید ہاشم، موسسہ مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
۲. البرهان فی علامات مہدی آخر الزمان، علاء الدین علی بن حسام الدین، نشر: شرکتہ الرضوان، طهران، ۱۳۹۹.
۳. السیرة النبویہ، ابن ہشام، مکتبۃ المصطفوی، قم ۱۳۵۵ ق.
۴. الغدیر، أمینی النجفی علامہ عبدالحسین، چاپ دوم: دارالکتب الاسلامیہ تهران ۱۳۶۶ ش یا ق.
۵. أسمى المناقب فی تہذیب أسمى المطالب، جزری دمشقی شافعی، محمد بن محمد.
۶. بحار الانوار، مجلسی، علامہ محمد باقر، دارالکتب الاسلامیہ، تهران.
۷. تذکرۃ الحفاظ، شمس الدین محمد، ذہبی، چاپ اول: دارالکتب العلمیہ، بیروت.
۸. تفسیر جامع، بروجردی، سید ابراہیم، چاپ سوم: انتشارات صدر، تهران ۱۳۴۱ ش.
۹. تفسیر نمونہ (۲۳)، مکارم شیرازی، آیت اللہ شیخ ناصر، چاپ ۲۳: دارالکتب الاسلامیہ، تهران ۱۳۸۳ ش.
۱۰. تفسیر نورالثقلین، پنج جلد، عروسی حویزی، جمعہ، چاپ چہارم: موسسہ اسماعیلیان، قم ۱۳۷۳.
۱۱. تہذیب الاحکام، طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، چاپ چہارم دارالکتب الاسلامیہ، تهران ۱۳۶۵.
۱۲. دارالسلام، عراقی میثمی، شیخ محمود، چاپ اول: نگین، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. سفینۃ البحار، ہشت جلد، قمی، شیخ عباس، دارالأسوة چاپ سوم: دارالأسوة، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. سنن ابن ماجہ، تزوینی ابن ماجہ ابو عبد اللہ محمد بن یزید، داراحیاء التراث العربی.
۱۵. شفاء الصدور فی شرح زیارت العاشور، طہرانی، میرزا ابو الفضل، انتشارات کتاب فروشی مرتضوی، تهران.
۱۶. ظہور حضرت مہدی علیہ السلام از دیدگاہ اسلام و مذاہب و ملل جہان، ہاشمی شہیدی، سید اسد اللہ، چاپ دوم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیہ السلام، نہاوندی، شیخ علی اکبر، انتشارات کتاب فروشی دبستانی، تهران.
۱۸. عقد الدر فی اخبار المنتظر، بن علی بن عبدالعزیز یوسف بن یحیی، المقدسی الشافعی، چاپ اول: دارالفکر، قاہرہ.
۱۹. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، بحرانی اصفہانی، عبد اللہ بن نور

- الله، تحقیق و نشر مؤسسه امام المهدي عليه السلام، چاپ دوم: چاپخانه امیر، قم.
۲۰. عوالی اللثالی العزیزیه، أحسانی، محمد بن علی بن ابراهیم (ابن ابی جمهور)، چاپ اول: انتشارات سید الشهداء، قم.
۲۱. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، چاپ اول: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶ ش.
۲۲. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، چاپ دوم: دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۵۹ ش.
۲۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، امین الدین ابو علی فضل بن حسن، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۷۹ ق.
۲۴. مستدرک الوسائل، نوری طبرسی، میرزا حسین، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۵. مسند احمد، احمد بن حنبل، دارصادر، بیروت.
۲۶. مصابیح السنه، حسین فراء البغوی، دارالمعرفه، بیروت.
۲۷. مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس، ترجمه موسوی کلانتری دامغانی، چاپ پنجم: انتشارات فاطمه زهرا علیها السلام، قم.
۲۸. منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر علیہ السلام، صافی گلپایگانی، آیت الله شیخ لطف الله، سه جلدی، چاپ اول: دفتر مؤلف.
۲۹. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، چاپ اول: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۳.
۳۰. موسوعه کلمات الامام الحسین علیہ السلام، تحقیقات باقر العلوم علیہ السلام (محمد شریفی و دیگران)، چاپ سوم: دارالمعروف قم ۱۳۷۴ ش.
۳۱. مهدی آخرین سفیر انقلاب، محسنی کبیر، ذبیح الله، چاپ دوم: خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۹ ش.
۳۲. نجم ثاقب، نوری طبرسی، میرزا حسین، چاپ اول: انتشارات مسجد مقدس جمکران قم، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. وسائل الشیعه، عاملی شیخ حر، تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول: چاپخانه مهر، قم.
۳۴. یاد مهدی علیہ السلام، خادمی شیرازی، محمد، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۷۱ ق.
۳۵. ینابیع الموده، قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، چاپ هفتم، دارالکتب العراقیه و مکتبه المحمديه، ۱۳۸۵ ش.